حقوق تجارت

به زبان ساده

دکتر محمود عرفانی
استاد دانشگاه تهران

چاپ سیزدهم - تابستان ۱۳۹۰
با تجدید نظر کامل



بنیاد حقوقی میزان

بسم الله الرحمن الرحیم

لَقَدْ اَرْسَلْنٰا رُسُلَنٰا بِالْبَیِّنٰاتِ

وَ اَنْزَلْنٰا مَعَهُمُ الْکِتٰابَ وَ الْمیزٰانَ

لِیَقوُمَ النّٰاسُ بِالْقِسطِ

«سورهٔ حدید، آیه ۲۵»

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان

پیشگفتار

کتاب حقوق تجارت که در یک جلد تألیف و تدوین گردیده شامل کلیهٔ مطالب **حقوق تجارت** می‌باشد و برای تدریس در رشته‌های حسابداری، علوم اداری و مدیریت بازرگانی و صنعتی، اقتصاد، علوم بانکی، بیمه، علوم سیاسی، روابط بین‌المللی و حقوق مطابق با برنامهٔ درسی آنان تهیه شده است.

تلاش نگارنده بر این بوده که مردم عادی جامعهٔ ما نیز با مسایل حقوق تجارت آشنا شوند تا آنان بتوانند به آسانی روابط بازرگانی خود را با یکدیگر تنظیم نمایند. بدیهی است که نتیجهٔ این امر کاهش تعداد دعاوی در دادگستری و تحرک واحدهای تولیدی و صنعتی و بالاخره شکوفائی اقتصاد کشور خواهد بود. در چاپ جدید قانون، ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجارتی مصوّب ۱۳۸۶ که از ۱۳۸۷.۰۲.۱۶ در سراسر کشور اجراء نشده مورد بحث قرار گرفته است.

امید است، کتاب حاضر که به زبان ساده نوشته شده مورد استفادهٔ دانشجویان رشته‌های مذکور و مردم عادی کشور ما قرار گیرد. ضمناً در این کتاب نمونه‌های عملی برای مراجعه خوانندگان تهیه شده است.

دکتر محمود عرفانی
استاددانشکده حقوق دانشگاه تهران

زمستان ۱۳۸۹

«فهرست مطالب»

فصل اوّل

تعریف حقوق تجارت

اعمال تجارتی ـ تجّار

بخش اوّل

تعریف حقوق تجارت و قلمرو و منابع آن

الف ـ تعریف حقوق تجارت

حقوق تجارت شعبه‌ای از حقوق خصوصی است که بر برخی از روابط تجارتی و اقتصادی تجار ـ بنگاه‌های تجارتی به‌وسیلهٔ قوانین تجارتی حاکمیت دارد.

در حقوق تجارت ایران مجموعه قوانینی وجود دارد که انحصاراً بر تجّار و بنگاه‌های تجارتی اعمال می‌شود مانند: اهلیت انجام تجارت، ثبت نام تجار در دفتر تجارتی، نگهداری دفاتر تجارتی، مقررات راجع به شرکت‌های تجارتی یا اسناد تجارتی، ورشکستگی و قراردادهای عملیات تجارتی از قبیل قرارداد راجع به حق کسب یا پیشه ـ اجارهٔ تجارتی ـ بیع و رهن تجارتی ـ مقررات راجع به دلایل صلاحیت دادگاه‌ها.

روابط تجارتی عبارت است از عملیات حقوقی که تجار بین خود و یا با مشتریان انجام می‌دهند که اعمال تجارتی نامیده می‌شود. از آنجائی که ممکن است یکی از اعمال مذکور به طور اتفاقی توسط شخص غیرتاجر انجام شود، به این جهت حقوق تجارت بدون در نظر گرفتن شخص عامل، حاکم بر اعمال شخص اخیر نیز می‌باشد.

در حقوق موضوعه، قوانین تجاری زیر تدوین شده است:

ـ مقررات مخصوص تجّار و بنگاه‌های تجارتی شامل: دفتر ثبت تجارتی، دفاتر تجارتی، حق کسب یا پیشه، ورشکستگی شرکت‌های تجارتی و غیره.

ـ مقررات مخصوص در مورد اعمال تجارتی شامل: دلایل، قواعد اجرائی قراردادها، بیع و رهن و اجارهٔ تجارتی و ... .

ـ مرجع قضائی مخصوص شامل: دادگاه‌های تجارتی و صلاحیت آنها.

نکتهٔ قابل توجه این که، هرگونه فعالیت تجّار نمی‌تواند الزاماً مشمول مقررات حقوق

تجارت گردد، زیرا چنین مقرراتی جنبهٔ خاص دارد و فقط مربوط به زندگی و فعالیت تجارتی است و در سایر موارد، مقررات حقوق مدنی حتی برای تجّار نیز اعمال می‌شود. به‌طور مثال، اگر تاجری در اثر تقصیر موجب ایراد خسارت به دیگری گردد، مقررات مسئولیّت مدنی دربارهٔ او لازم‌الرعایه می‌باشد و یا در دعاوی مالکیت ساختمان و یا ماشین‌آلات و غیره چنانچه مقررات خاصی در قانون تجارت وجود نداشته باشد، به قانون عام که همان حقوق مدنی است، مراجعه می‌شود.

تجارت در زبان عادی فقط عملیات گردش کالا مانند خرید و فروش، حمل و نقل و غیره را شامل می‌شود؛ ولی از نظر حقوقی کلمهٔ تجارت مفهوم وسیعتری دارد؛ زیرا صنایع (یعنی تولید) را هم در بر می‌گیرد و دلیلی هم نیست که چنین مفهومی مورد قبول واقع نشود، چون تاجر و صنعتگر هر دو هدف واحدی دارند. به عبارت دیگر، هر دو به عوامل مشابه مانند سرعت و امنیت و بالاخره به سادگی مقررات تجارتی نیازمندند؛ ولی در سنوات اخیر بین تجارت و صنعت وجوه افتراقی قائل شده‌اند و بدین ترتیب، مقررات اقتصاد ارشادی و مالیه، مقررات صنعتی و حقوق کار و همچنین حقوق صنعتی (مالکیت صنعتی)، مجزّا از حقوق تجارت محسوب شده است، با وجود این، حقوق تجارت نه تنها در تجارت بلکه در امور صنعتی نیز اعمال می‌گردد.

ب ـ قلمرو حقوق تجارت

کلمهٔ تجارت در زبان حقوقی، مفهوم وسیعتری از معنای آن در زبان عادی و علم اقتصاد دارد؛ زیرا این کلمه نه تنها فعالیت کسانی را که اقدام به خرید کالا برای فروش بدون تغییر در آن می‌کنند، دربر می‌گیرد، بلکه فعالیت صاحبان صنایع، بانک‌داران، بیمه‌گران، حق‌العمل‌کاران، دلالان و عاملین، مقاطعه کاران، نمایشگاه‌های عمومی، متصدیان حمل و نقل و غیره را نیز شامل می‌گردد.

از طرفی دیگر، حقوق تجارت در عمل به کلیهٔ فعالیت‌های اقتصادی (به استثناء بنگاه‌های صنایع دستی، بهره‌برداری کشاورزی، مشاغل آزاد یا مزدبگیر) گسترش یافته است؛ مضافاً اینکه، بنگاه‌های تجارتی و صنعتی متعلق به دولت، تحت شرایطی، مشمول مقررات حقوق تجارت می‌باشند.

ج ـ منابع حقوق تجارت

منبع اصلی حقوق تجارت همانند حقوق مدنی، قانون است؛ ضمناً باید قراردادهای

بین‌المللی تجارتی را هم به آن اضافه کرد. از طرفی دیگر، رسم و عادت تجارتی و مقررات شغلی، دو منبع دیگر حقوق تجارت را تشکیل می‌دهند و بالاخره، رویهٔ قضائی و دکترین، نقش تکمیل کنندهٔ منابع مذکور را ایفاء می‌کنند.

اوّل ـ قانون

قانون، قاعدهٔ عام و مدوّنی است که از طرف مقام صلاحیت‌دار و با تشریفات خاصی منتشر می‌شود. از خصوصیات قانون جنبهٔ عام و الزامی بودن و بالاخره ضمانت اجراء داشتن آن است. اصل حاکمیت قانون، یکی از مهم‌ترین اصول حقوق اساسی می‌باشد.

حقوق تجارت در مقایسه با حقوق مدنی، مجموعه مقررات استثنایی است که تمام فعالیت‌های تجار را در بر نمی‌گیرد؛ طبق همین اصل در موارد سکوت و ابهام و اجمال قانون تجارت به مقررات حقوق مدنی که جنبهٔ عام دارد، مراجعه می‌شود.

دوم ـ رسم و عادت تجارتی و مقررات شغلی

رسوم تجارتی عبارت است از اعمالی که به صورت عادت در شغل و یا در محلی تکرار شود و ممکن است به‌طور عمومی در سراسر کشور و حتی در اغلب نقاط جهان اجرا گردد و یا حاکم بر روابط تجار یک محل و یا صاحبان حرفهٔ بخصوص باشد.

در بعضی موارد رسوم تجاری به‌وسیلهٔ سازمان‌های شغلی، مانند اتاق بازرگانی یا سندیکاها مدون گشته و به‌عنوان قراردادهای نمونه به متعاملین پیشنهاد می‌گردد. برای مثال می‌توان به قراردادهای بیمهٔ زمینی و دریایی، مقررات خاص سندیکاهای حمل و نقل زمینی که اغلب ارزش بین‌المللی دارند، اشاره نمود. به چنین قراردادهای نمونه در حال حاضر رسم حقوقی که جنبهٔ نیمه‌قانونی دارند و یا گاهی عرف تجارتی اطلاق می‌شود.

سوم - رویه قضایی و عقاید علمای حقوق

تصمیمات قضائی همان نقشی را که در حقوق مدنی دارد در حقوق تجارت هم حائز اهمیت می‌باشد آنچه مسلم است مقنّن قادر نیست کلیه روابط اجتماعی را در متون قانونی جمع‌آوری نماید به خصوص اینکه روابط مذکور در حال تحوّل می‌باشد بنابراین رویه قضائی، مواد قانونی را تفسیر و تکمیل نموده و حتی بر حسب نیازهای اجتماعی آنرا متحول می‌سازد؛ مانند: نظریه رقابت غیرقانونی و یا بانک و بورس که در حقوق

فرانسه بوسیله رویه قضائی ایجاد شده است نظر به اینکه بین تفسیرهای مذکور، در دادگاههای مختلف همیشه هماهنگی وجود ندارند لذا دیوان‌عالی کشور برای برقراری وحدت رویه نظر قطعی خود را اعلام می‌نماید؛ اما گاهی اتفاق می‌افتد که این امر مدتها به طول انجامد به‌هر حال رویه قضایی که مورد قبول واقع شده در حقوق نوشته ارزش قانونی دارد. زیرا رویه قضایی ساخته و پرداخته قضات و شاهکار اجرای عقل و منطق است و اصولاً مقنن نباید بر خلاف چنین منطق طبیعی مقررات وضع نماید.

در حقوق ایران آراء هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور؛ به شرح زیر، بر دو نوع می‌باشد که ایجاد رویه قضایی در کشور می‌نماید:

● رأی وحدت رویه

هرگاه از شعب دیوان‌عالی کشور و یا از دادگاهها، در موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری، و امور حسبی آراء مختلفی با استنباط از قوانین صادر گردد در این صورت:

– اگر رئیس دیوان‌عالی کشور و یا دادستان کل کشور به هر طریقی از موضوع آگاه شوند مکلفند تقاضای ایجاد وحدت رویه از دیوان‌عالی کشور بنماید.

– هر یک از قضات شعب دیوان‌عالی کشور یا دادگاهها نیز می‌توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان‌عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیئت عمومی را به منظور صدور رأی وحدت رویه درخواست کنند.

برای ایجاد وحدت رویه، جلسه هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور (که شامل ۴۰ شعبه در تهران، قم و مشهد می‌باشد) به ریاست رئیس دیوان‌عالی کشور یا معاون او و دادستان کل کشور یا نماینده او و با حضور حداقل سه چهارم روساء و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می‌شود تا نسبت به آراء متعارض صادر شده در یک مورد مشابه توسط دادگاهها یا شعب دیوان‌عالی کشور رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند. رأی اکثریت ملاک عمل خواهد بود.

لازم به ذکر است که:

– آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده، بی‌اثر می‌باشد.

– ولی در موارد مشابه در آینده برای دادگاهها لازم الاتباع می‌باشد.

– آراء هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور قطعی و در حکم قانون است و فقط به موجب قانون بلااثر می‌گردد (مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ آ.د.ک)

● **رأی اصراری - دکترین**

- در امور مدنی - اگر در یک پرونده پس از فرجام‌خواهی، شعبه دیوان‌عالی کشور حکم فرجام‌خواسته را نقض نماید و دادگاه صادرکننده حکم در رأی خود اصرار ورزیده و با ذکر استدلال طبق رأی اولیه اقدام به صدور رأی نماید پرونده در هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان‌عالی کشور مطرح می‌شود. چنانچه نظر شعبه دیوان مورد ابرام قرار گیرد حکم صادره (دادگاه ماهوی) نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع می‌گردد. دادگاه مرجوع‌الیه باید بر طبق استدلال هیأت عمومی حکم مقتضی صادر نماید.[1]

لازم به ذکر است که دادگاه مرجوع‌الیه نمی‌تواند برخلاف استدلال دیوان‌عالی کشور رأی دهد. در این صورت رأی دادگاه غیرقطعی می‌باشد (م ۴۰۸ ق.آ.د.م)[2]

- در امور کیفری - چنانچه رأی دادگاه ماهوی در یکی از شعب دیوان‌عالی کشور نقض شده و دادگاه مذکور در رأی خود اصرار نماید در صورت پذیرش استدلال، شعبه دیوان آنرا تأیید می‌نماید، در غیر این صورت پرونده در شعب کیفری هیأت عمومی مطرح می‌شود. در صورت تأیید نظر شعبه، حکم صادره اصراری نقض شده و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. دادگاه مرجوع‌الیه در پرونده امر، حکم مقتضی صادر می‌نماید. (م ۲۶۶ ق.آ.د.ک)

- دکترین - آراء و عقاید علمای حقوق خواه در عمل‌خواه نزد دادگاهها و بالاخره از نظر قانون‌گذار برای تفسیر حقوق یا متحول ساختن آن مقام خاصی را دارا می‌باشد. در حقوق اسلام گفتار و کردار و تقریرات پیامبر (ص) و امامان در مورد شیعه در تغییر و تطبیق قرآن با مسایل روز و ارائه راه‌حل‌های جدید در امور اجتماعی و سیاسی برای رفع نیازهای جامعه فوق‌العاده حائز اهمیت می‌باشد.

۱- نظریات مشورتی اداره کل حوقی قوهٔ قضائیه شماره ۱ ۷.۴۹ -۱۳۷۹.۰۶.۲۰ و ۷.۵۹ - ۱.۲۷.۰ ۱۳۸۰ و ۷.۳۲۳۳ - ۱۳۸۰.۰۵.۱۷ مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات تألیف استاد غلامرضا شهری، انتشارات روزنامه رسمی کشور ۱۳۸۴، جلد اول ص ۴۶۹.

۲- آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹.۰۱.۲۱ اصلاحی ۱۳۸۱.۰۸.۲۷

بخش دوم

اعمال تجارتی ـ تجار

مجموعه قواعدی که حقوق تجارت را تشکیل می‌دهد تحت حاکمیت دو مفهوم قرار دارند:

الف ـ اعمال تجارتی

قبل از انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ درکشورهای دارای حقوق نوشته، تعریف تاجر با توجه به نوع فعالیت اقتصادی و یا ثبت‌نام در دفتر صنفی، مشخص می‌شد و کلیهٔ اعمال شخص تاجر جهت‌رفع نیازهای تجارتی نامبرده، تجارتی‌محسوب می‌گردید(مفهوم‌شخصی) با در نظر گرفتن چنین ضوابطی، حقوق تجارت فقط در مورد قراردادهای بین تجار راجع به مشاغل تجارتی اعمال می‌شد، ولی بعدها این مفهوم شخصی، جای خود را به مفهوم موضوعی از اعمال تجارتی داد. نظریهٔ اخیر در مادّهٔ اوّل قانون تجارت ایران و فرانسه منعکس است.

مادّه ۱ قانون تجارت ایران مقرر می‌دارد: «**تاجر کسی است که شغل‌معمولی خود را معاملات تجارتی قرار دهد**».

مادّهٔ ۱ قانون تجارت فرانسه می‌گوید: «**تجار به کسانی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتی انجام داده و آن را شغل معمولی خود قرار دهند**». با در نظر گرفتن موارد فوق شناسائی مفاهیم اعمال تجارتی فوائد زیر را در بر خواهد داشت:

۱ ـ بدست آوردن ملاکی برای تعریف تاجر و یا شرکت تجارتی.

۲ ـ تعیین سیستم حقوقی: اگر عملی تجاری محسوب گردد سیستم حقوقی حاکم بر آن، مقررات حقوق تجارت خواهد بود که از نظر سرعت، سادگی و تأمین اموال بدهکار با سیستم حقوق مدنی متفاوت می‌باشد.

۳ ـ تشخیص اهلیت تاجر: با توجه به اهمیت انجام اعمال تجارتی، باید اهلیت شخص

تاجر از نظر صغر و حجر و سایر موانع قانونی مورد توجه قرار گیرد.

۴ ـ **دلایل و نحوهٔ اقامهٔ آن**: اقامهٔ دلیل در امور تجارتی، برعکس حقوق مدنی بسیار ساده و آسان است؛ زیرا هر گونه دلیل مانند دفاتر تجارتی، مکاتبات، فاکتورها، شهود و امارات در دادگاه پذیرفته می‌شود و مدارک ارائه شده بجز برخی از اسناد اوراق بهادار که تابع مقررات شکلی خاصی هستند، تابع تشریفات خاص نمی‌باشند، اما قراردادهای نمونه، عموماً تابع تشریفات ساده هستند که به عنوان رسم تجارتی در انعقاد قراردادها در عمل، لازم‌الرعایه می‌باشند.

۵ ـ **انعقاد و اجرای قراردادهای تجارتی**: در بعضی از موارد انعقاد و اجرای قراردادهای تجارتی نظیر اخطار عدم پرداخت که موجبات مطالبه منافع مربوط به تأخیر تأدیه را فراهم می‌سازد، محدودیت قانونی ندارد و تابع تشریفات ابلاغ رسمی نمی‌باشد.

۶ ـ **فرض مسئولیّت تضامنی**: برخلاف حقوق مدنی، در دین تجارتی فرض بر مسئولیّت تضامنی دو یا چند بدهکار در مقابل طلبکاری واحد می‌باشد.

۷ ـ **اجرای مقررات ورشکستگی عادی، به تقصیر و به تقلب**: مقررات مربوط به انواع ورشکستگی برای شدت عمل در اجرای تعهدات تجارتی است؛ زیرا تجارت براساس‌اعتبار استوار بوده و مقررات مذکور جهت حمایت بیشتر از طلبکار می‌باشد تا اعتماد مردم را به طرف سرمایه‌گذاری در واحدهای تجارتی جلب کرده و به این طریق جذب سرمایه نماید.

۸ ـ **مقررات جزائی خاص**: دربارهٔ شرکت‌های تجارتی و جرایم مالی و غیره مقنن مجازات‌های خاصی را پیش‌بینی نموده است. اعمال تجارتی را می‌توان به شرح زیر تقسیم نمود:

ـ اعمال تجارتی ذاتی یا حرفه‌ای: اعمالی است که به‌وسیلهٔ تجار به عنوان حرفه یا شغل تکرار شود.

ـ اعمال تجارتی موضوعی: اعمالی هستند که همیشه تجارتی محسوب می‌شوند؛ چه توسط تاجر انجام گیرند و چه توسط غیرتاجر.

ـ اعمال تجارتی تبعی: شامل اعمالی می‌باشند که به‌وسیلهٔ تاجر برای نیازهای شغلی خود یا به مناسبت آن انجام

ـ مضاربه در اسلام: عقدی است که به موجب آن عامل (مضارب) به دستور مالک و با سرمایهٔ او تجارت کرده و حصه مشاع از کل سود را می‌برد.

اوّل ـ اعمال تجارتی ذاتی یا حرفه‌ای

۱ ـ فعالیت‌های مبادلاتی

اگرچه با صراحت بند ۱ از مادّهٔ ۲ قانون تجارت ایران و بند ۱ از مادّهٔ ۲۳۲ قانون تجارت فرانسه «خرید به قصد فروش» عمل تجارتی است، ولی امروزه این شرط به تنهایی پذیرفته نشده و علاوه بر داشتن قصد انتفاع، تداوم عمل نیز الزامی است و کلیهٔ اعمال تجارتی مندرج در مادّهٔ ۲ بایستی به‌صورت حرفه‌ای (نه به‌طور اتفاقی) انجام پذیرد تا تجارتی محسوب گردد.

مادّهٔ ۲ ق.ت. به اعمال تجارتی ذاتی به شرح زیر اشاره نموده است:

ـ خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

قانونگذار، اولین شرط برای تجاری بودن عمل را، خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بیان کرده است؛ گرچه مطابق مادّهٔ ۴ ق.ت. معاملهٔ اموال غیرمنقول تجارتی محسوب نمی‌شود، ولی مادّهٔ ۲ قانون شرکت‌های سهامی مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ استثنایی بر این اصل وارد ساخته و مقرر می‌دارد: **«شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولواینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد».**

به‌طور کلی امروزه معاملات اموال غیرمنقول هم به‌علت داشتن هدف منفعت با شرایطی، عمل تجارتی محسوب گردیده و دیگر دلیلی ندارد که بین اموال منقول و غیرمنقول وجه تمایزی قایل شد. قانون ۶ ژوئیه ۱۹۷۰ تجارت فرانسه از این اصل پیروی کرده و خرید اموال غیرمنقول را به قصد فروش، تجارتی محسوب داشته است؛ مگر اینکه شخص زمینی را برای ایجاد یک یا چند ساختمان خریداری نموده و پس از ایجاد بنا آنها را به‌طور مجتمع یا آپارتمان بفروشد که در این صورت عمل تجارتی نخواهد بود.

با اطلاق مادّهٔ ۱۹ قانون مدنی ایران، مال منقول اعم است از اموالی که ذاتاً منقولند و یا اموالی که در حکم منقول می‌باشند؛ از قبیل دین و طلب و اوراق بهادار، حق انتفاع از اموال منقول و...

دومین شرط تجاری بودن عمل، خرید به قصد فروش است، خواه خرید کلی و خواه جزئی و یا خرید برای تبدیل کالا باشد. بدیهی است خرید به‌منظور مصرف شخصی یک عمل مدنی خواهد بود.

از طرف دیگر خرید ممکن است به قصد اجاره باشد، امروزه اجارهٔ اموال منقول

وقتی تجارتی محسوب می‌شود که عمل تجارتی به‌طور حرفه‌ای (نه اتفاقی) انجام پذیرد؛ مانند بنگاه‌های اجارهٔ اتومبیل.

خریدار کالا مجاز است پس از خرید در آن تغییراتی داده و سپس به فروش برساند. بند ۱ مادّه ۲ قانون تجارت ایران به این امر اشاره کرده و می‌گوید: «... **اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یانشده باشد**».

شرط خرید به قصد فروش، موجب خارج شدن بیشتر فعالیت‌ها از قلمرو اعمال تجارتی می‌گردد، مانند فروش محصولات کشاورزی توسط کشاورز و یا سایر مواد زیرزمینی همچنین حاصل ابداعات فکری.

سومین شرط تجارتی بودن عمل، هدف انتفاع است[۱] که خرید برای فروش بایستی چنین هدفی را دنبال کند تا عمل تُجارتی باشد، ولی گاهی اتفاق می‌افتد که تاجر برای جلب مشتری و به‌طور استثنایی کالاهای خود را بدون نفع به معرض فروش می‌گذارد.

۲ ـ فعالیت‌های صنعتی

بنگاه‌های حمل و نقل: بند ۲ از مادّهٔ ۲ ق.ت. تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب و هوا را به هر نحوی که باشد جزء اعمال تجارتی دانسته است. حمل و نقل ممکن است از طریق زمین، دریا یا هوا صورت گیرد و محموله نیز ممکن است کالا و یا اشخاص باشد.

بنگاه‌های تغییر و تبدیل مواد به محصولات: بند ۴ از مادّهٔ ۲ ق.ت. به تأسیس و به‌کار انداختن هر قسم از کارخانه، مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد، اشاره می‌کند. در اینجا منظور مقنن کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی است که با خریداری مواد یا محصولات در آن تغییراتی داده و به‌فروش می‌رسانند؛ مانند کارخانه‌های ذوب‌آهن.

مؤسسهٔ نمایشگاه‌های عمومی: برابر بند ۶ از مادّهٔ ۲ ق.ت. اعمال کلیهٔ نمایشگاه‌های عمومی مانند تأتر ـ سیرک ـ سینما و غیره در صورتی که به صورت حرفه و به هدف انتفاع باشد تجاری محسوب می‌گردد و علّت آن به‌کار بردن وسیع وسایل‌صنعتی در تأتر و سینمامی‌باشد که در این صورت طرف معامله تضمینات کافی تحت حاکمیت حقوق تجارت خواهد داشت.

---

۱ ـ در حقوق اسلام، اگر داد و ستد عنوان تجارت را داشته باشد ایرادی در گرفتن سود نیست مشروط براینکه طرفین با همدیگر مدارا نمایند.

۳ ـ فعالیت‌های مالی

عملیات صرافی و بانکی: طبق بند ۷ مادّهٔ ۲، عملیات مزبور تجارتی محسوب می‌گردد. همچنین عملیات بورسی که توسط کارگزاران و یا دلالان بورس نسبت به اوراق بهادار انجام می‌شود تجارتی محسوب می‌شود.

عملیات بیمه: بند ۹ از مادّهٔ ۲ ق.ت. عملیات بیمه، اعم از زمینی و دریایی و هوایی را در صورتی که هدف از آن انتفاع باشد تجاری می‌داند.

۴ ـ خدمات واسطهٔ تجارتی

بنگاه حق‌العمل‌کاری: بند ۳ از مادّهٔ۲ق.ت. حق‌العمل‌کاری یا کمیسیون را جزء اعمال‌تجارتی محسوب کرده و مطابق مادّهٔ ۳۵۷ ق.ت. **«حق‌العمل کار کسی است که به‌اسم خود ولی‌به‌حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العمل دریافت می‌دارد»**. وظایف و اختیارات و مسئولیّت حق‌العمل کار، تابع مقررات راجع به وکالت نیز می‌باشد (مادّهٔ ۳۵۸ ق.ت.).

بنگاه دلالی: بند ۳ از مادّهٔ ۲ ق.ت. هر قسم عملیات دلالی را تجارتی محسوب داشته و از طرف دیگر مادّهٔ ۳۳۵ قانون مزبور دلال را چنین تعریف می‌نماید: **«دلال کسی است که در مقابل اجرت، واسطهٔ انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا کند»**.

دوم ـ اعمال تجارتی موضوعی

اعمال تجارتی موضوعی یا شکلی اعمالی هستند که خواه به‌وسیلهٔ تاجر و خواه توسط غیرتاجر، به‌طور تکراری و یا به‌طور واحد انجام شود که این اعمال تجارتی محسوب خواهد شد و عبارتند از:

۱ ـ برات

به موجب این سند تجارتی، برات دهنده، برات کش یا محیل، معمولاً به یکی از بدهکاران خود به نام براتگیر یا محال علیه، دستور می‌دهد که مبلغ معینی را در مدت معلوم در وجه دارنده برات یا محال‌له پرداخت نماید. علاوه بر تاجر، غیرتاجر هم می‌تواند برات‌کش، براتگیر، دارندهٔ برات، ظهرنویس یا ضامن باشد و شخص مزبور تابع قوانین تجارت و آیین دادرسی مربوط خواهد بود.

۲ ـ شرکت‌های تجارتی

بند ۴ از مادهٔ ۳ ق.ت. کلیهٔ معاملات شرکت‌های تجارتی را به تبع شرکت، تجارتی دانسته است. از طرفی با عنایت به مفهوم مادهٔ ۳ و تصریح مادهٔ ۵ همان قانون که مقرر می‌دارد: «**کلیهٔ معاملات تجّار، تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست**». اگر کلمهٔ تجّار را اعم از شخص حقیقی یا حقوقی بدانیم، در این صورت شرکت‌ها مانند اشخاص حقیقی قادر نخواهند بود عملیات غیربازرگانی یا مدنی انجام دهند.

قانون تجارت ایران در مادهٔ ۲۰، شرکت‌های تجارتی را بر ۷ قسم و به شرح زیر احصاء نموده است:

ـ شرکت‌های سهامی [۱] ـ شرکت تضامنی ـ شرکت با مسئولیّت محدود ـ شرکت مختلط غیرسهامی ـ شرکت مختلط سهامی ـ شرکت نسبی ـ شرکت تعاونی تولید و مصرف

- شرکت سهامی عام

شرکتی است که مؤسسین آن مکلفند برای تأمین قسمتی از سرمایهٔ آن به مردم مراجعه کنند. حداقل سرمایه برای تأسیس شرکت سهامی عام پنج‌میلیون ریال بوده و تعداد مؤسسین آن نیز باید حداقل پنج‌نفر باشند (مواد ۴،۵ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت.). مراجعه به عامه از طریق پذیره‌نویسی صورت می‌گیرد.

- شرکت سهامی خاص

شرکتی است که کلیهٔ سرمایهٔ آن منحصراً توسط خود مؤسسین تأمین می‌شود، حداقل سرمایهٔ شرکت سهامی خاص یک میلیون ریال بوده و مؤسسین نیز نباید از سه نفر کمتر باشند (مواد ۳و ۴و ۵ ل.ا.ق.ت). مسئولیّت مدنی سهامدار در مقابل قروض و دیون شرکت محدود به مبلغ اسمی سهمی است که سهامدار در شرکت سهامی سرمایه‌گذاری کرده است (مادّهٔ ۱ ل.ا.ق.ت).

- شرکت تضامنی

شرکت‌هایی هستند که برای امور تجارتی، و تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شوند. شرکاء در مقابل دیون و قروض شرکت مسئولیّت شخصی، نامحدود و تضامنی دارند. در شرکت تضامنی قید نام یکی از شرکاء به دنبال نام شرکت ضروری می‌باشد؛ مثل شرکت تضامنی تقی و شرکاء و این امر به خاطر اهمیت شخصیت شرکاء و جلب اعتماد اشخاص ثالث می‌باشد (موارد ۱۱۶ ، ۱۱۷ و ۱۲۴ ق.ت).

۱- به موجب مادّهٔ ۴ لایحهٔ اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ شرکت سهامی به دو نوع شرکت سهامی عام و خاص تقسیم می‌شود.

- شرکت با مسئولیّت محدود

شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای انجام امور تجارتی تشکیل می‌شود. مسئولیّت شریک در مقابل قروض و دیون شرکت به میزان سهم‌الشرکه‌ای است که شخص در شرکت سرمایه‌گذاری کرده است. فرق این شرکت با شرکت‌های سهامی در این است که در شرکت با مسئولیّت محدود به هیچ‌وجه سهم‌الشرکه صادر نمی‌شود و جز با رضایت عده‌ای از شرکاء که $\frac{۳}{۴}$ سرمایه متعلق به آنها باشد قابل نقل و انتقال نیست ولی در شرکت‌های سهامی، سهام منتشر گردیده و نیز قابل نقل و انتقال می‌باشد. در شرکت بامسئولیّت محدود در صورت پیش‌بینی در اساسنامه با فوت، حجر، ممنوعیت قانونی یا قضائی یکی از شرکاء شرکت منحل می‌شود ولی در شرکت‌های سهامی عام و خاص در چنین شرایطی شرکت به حیات خود ادامه می‌دهد.

- شرکت نسبی

شرکتی است که برای انجام امور تجارتی، تحت نام مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود و مسئولیّت هر یک از شرکاء به نسبت آورده یا سرمایه‌ای است که در شرکت دارد (مادّهٔ ۱۸۳ ق.ت).

- شرکت مختلط غیرسهامی

شرکتی است که برای امور تجارتی، تحت نام مخصوص بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چندنفر شریک با مسئولیّت محدود تشکیل می‌شود. مسئولیّت شرکای ضامن، تضامنی، نامحدود و شخصی است ولی مسئولیّت شرکای با مسئولیّت محدود به میزان سرمایه‌ای است که هر شریک در شرکت سرمایه‌گذاری کرده است. در این نوع شرکت، سهم‌الشرکه قابل نقل و انتقال نبوده و شرکت با فوت یا حجر یا ممنوعیت قضائی هر یک از شرکاء اصولاً منحل می‌گردد.

- شرکت مختلط سهامی

شرکت‌هایی هستند که تحت نام مخصوص بین یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند نفر سهامدار تشکیل می‌شوند. مسئولیّت شریک یا شرکای ضامن تضامنی، نامحدود و شخصی است و مسئولیّت سهامدار یا سهامداران در این نوع شرکت محدود به مبلغ اسمی سهامی است که هر یک از آنان در شرکت دارند. دراین نوع شرکت‌ها سهام سهامداران قابلیت نقل و انتقال داشته و با فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی سهامدار شرکت منحل نمی‌شود. (مواد ۱۶۲ و ۱۶۳).

- شرکت تعاونی

این نوع شرکت‌ها به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک اعضاء تشکیل و مسئولیّت هر یک از سهامداران در مقابل قروض و دیون شرکت محدود به مبلغ اسمی سهم یا سهامی است که سهامدار در شرکت تعاونی دارا می‌باشد. در حال حاضرقانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب شهریور ۱۳۷۰ بر فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی حاکمیت دارد.

۳ ـ معاملات حق کسب یا پیشه و یا تجارت (سرقفلی)

حق کسب یا پیشه (که بین مردم به حق سرقفلی معروف شده) عبارت است از مجموعه عوامل منقول مادی مانند اثاثیه، موراداولیه، ابزارآلات، پول نقد و غیره و عوامل غیرمنقول مادی از قبیل حق اختراع، حقوق راجع به نام و شهرت و علایم تجارتی، حق تجدید اجاره و بنگاه تجارتی و حقوق راجع به مشتریان دایم و گذری (حق سرقفلی)، پروانه‌های تجارتی، حق‌مالکیت صنعتی، حق مالکیت ادبی یا هنری مرتبط با موارد بالا.

قانون تجارت ایران حق سرقفلی را در مواد ۱۹ و ۲۰ قانون موجر و مستأجر ۱۳۵۶ پیش‌بینی نموده و مادّهٔ واحده و تبصره‌ای به شرح زیر در تاریخ ۶۵/۸/۱۵ به قانون مذکور اضافه گردیده است.

مادّهٔ واحده: «**از تاریخ تصویب این قانون کلیهٔ اماکن استیجاری که با سند رسمی بدون دریافت هیچ‌گونه سرقفلی و پیش‌پرداخت به اجاره واگذار می‌شود، در رأس انقضاء مدت اجاره مستأجر موظف به تخلیهٔ آن می‌باشد، مگر آن که مدت اجاره با توافق طرفین تمدید شود. در صورت تخلف دوائر اجرای ثبت مکلف به اجرای مفاد قانون هستند.**

تبصره: **کلیه اماکنی که با سرقفلی و پیش‌پرداخت و یا قبل از تصویب این قانون به اجاره واگذار شده است کمافی‌السابق طبق قوانین مربوطه در مورد آن رفتار خواهد شد**». این مادّه در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۵ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶ اماکن مسکونی و تجاری و محل کسب و پیشه، همچنین اماکن آموزشی، خوابگاه‌های دانشجویی و ساختمان‌های دولتی و نظایر آن که با قراردادهای رسمی یا عادی منعقد شده‌اند را تابع مقررات قانون مدنی و این قانون نموده است. قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دو نسخه تنظیم شده و به امضای موجر و مستاجر برسد و به‌وسیله دو نفر از افراد مورد اعتماد طرفین به عنوان شهود گواهی شود. پس از پایان مدت اجاره موجر می‌تواند از مرجع قضایی (شوراهای حل اختلاف) تقاضای تخلیه عین مستاجره خود را بنماید. در صورتی‌که

سند اجاره رسمی باشد، دوائر اجرایی ثبت ظرف یک هفته اقدام به تخلیه می‌نماید.

سوم ـ اعمال تجارتی تبعی

این دسته از اعمال تجارتی خارج از قلمرو اعمال تجارتی ذاتی یا موضوعی هستند و با وجودی که جزء اعمال مدنی می‌باشند، لکن به علت تبعیت از یک فعالیت تجارتی، اعمال تجارتی محسوب شده‌اند و طبق همین اصل به آنها اعمال تجارتی تبعی اطلاق می‌شود که ارتباط کامل با مفهوم شخصی حقوق تجارت (مادّهٔ ۳) پیدا می‌کند.

بنابراین طبق مادّهٔ ۳ ق.ت: «**کلیهٔ معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها، کلیهٔ معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نماید، کلیهٔ معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امر تجارتی ارباب خود می‌نماید و نیز کلیهٔ معاملات شرکت‌های تجارتی، جزو اعمال تجارتی محسوب می‌گردند**».

اعمال تجارتی تبعی باید به وسیلهٔ تاجر یا نمایندهٔ او جهت رفع نیازمندی‌های تجارتی تاجر انجام گیرد. اگر طرف مقابل غیرتاجر باشد از نظر بار دلیل فرض بر این است که کلیهٔ اعمال تبعی برای رفع نیاز تجارتی خود تاجر بوده و مدعی خلاف این امر، ملزم به اقامهٔ دلیل خواهد بود.

چهارم ـ نتیجه

کلیهٔ اعمال ذاتی یا موضوعی و یا تبعی ممکن است طرف غیرتاجر داشته و نیز عمل از طرف غیرتاجر مدنی محسوب شود؛ مانند فروش کالا از طرف تاجر به مصرف‌کنندگان. حال باید دید که صلاحیت دادگاه‌ها و بار دلایل و نیز مرور زمان بر طبق قانون تجارت یا قانون مدنی و یا کدام قانون دیگر معین و مشخص می‌گردد.

راه‌حل رویهٔ قضائی دادگاه‌های فرانسه به شرح زیر است:

۱ ـ اگر خوانده عمل تجارتی انجام داده باشد، خواهان حق انتخاب بین دادگاه مدنی و دادگاه تجارتی را دارد و از نظر اقامهٔ دلیل نیز در انتخاب آیین دادرسی مدنی یا تجاری مخیّر می‌باشد.

۲ ـ هرگاه عمل خواندهٔ دعوی از اعمال مدنی باشد در این صورت دعوی منحصراً در صلاحیت دادگاه مدنی بوده و آیین دادرسی مدنی لازم‌الاتباع خواهد بود.

۳ ـ در مورد شکل اخطار عدم پرداخت، هرگاه بدهی مربوط به امور تجاری باشد تابع آئین دادرسی تجاری خواهد بود.

۴ـ از نظر مرور زمان هرگاه دو طرف تاجر باشند، مرور زمان تجارتی بین طرفین جاری خواهد شد.

ب ـ تجار

اوّل ـ تعریف تاجر

تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد (مادّهٔ ۱ ق.ت) پس اگر کسی یکی از اعمال تجارتی مقرر در مادّهٔ ۲ ق.ت. و یا اعمال شناخته شده در رویهٔ قضائی را شغل معمولی خود قرار دهد تاجر محسوب می‌شود؛ لذا ملاحظه می‌شود که مادّهٔ مزبور از مفهوم موضوعی حقوق تجارت پیروی نموده، نه از مفهوم شخصی.

دوم ـ شرایط تاجر بودن

ـ انجام اعمال تجارتی.
ـ انجام اعمال مذکور به‌عنوان حرفه یا شغل.
ـ داشتن استقلال در تجارت و تقبل سود و زیان.
ـ کسبهٔ جزء و پیشه‌ور نبودن.

با در نظر گرفتن چنین ضوابطی اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شوند:

– مزدبگیران

طبق بند ۳ از مادّهٔ ۳ ق.ت. اجزاء یا خدمه و یا شاگرد تاجر که معاملاتی برای امور تجارتی ارباب خود انجام می‌دهند و نیز کارگران، کارمندان و فروشندگان به لحاظ اینکه استقلال عملی ندارند و در قبول خطر نیز شرکت نمی‌کنند، تاجر محسوب نمی‌شوند.

– قایم‌مقام تجارتی

قایم مقام تجارتی[1] که موجب قرارداد وکالت فعالیت می‌نماید، تاجر محسوب نمی‌شود زیرا او وکیل بوده و به حساب تاجر عمل می‌کند. همچنین کسانی که به آنان به نحوی از انحاء تفویض اختیار شده باشد، تاجر نخواهند بود؛ مانند کسی که ریاست شعبه‌ای از شرکت تجارتی را به موجب اختیارات محوله از طرف شرکت مادر تقبل نماید و به موجب مادّهٔ ۴۰۰ ق.ت. با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه، قایم‌مقام تجارتی

۱ـ برابر مادّه ۳۹۵ ق.ت.: «قایم مقام تجارتی کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نائب خود قرارداده و امضای او برای تجارتخانه الزام‌آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً».

منعزل نشده، ولی انحلال شرکت موجب عزل او می‌گردد.

– عاملین تجارتی

عاملین تجارتی که بر طبق قرارداد وکالت امور یک یا چند بنگاه تجارتی را انجام می‌دهند تاجر محسوب نمی‌شوند، اما اگر عاملین موصوف به حساب خود عمل کنند و یا مانند حق‌العمل‌کار یا دلال با مشتریان مربوط فعالیت تجارتی نمایند (عمل واسطه‌گری) تاجر خواهند بود.

– کسبهٔ جزء ـ پیشه‌ور

بند ۱ از مادّهٔ ۳ ق.ت. معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها را تجارتی محسوب داشته است و از طرف دیگر مادّهٔ ۱۶ قانون تجارت، کسبهٔ جزء را از ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتی مستثنی نموده است.[1]

از نظر حقوق تجارت پیشه‌ور کسی است که معمولاً با حاصل کار دستی خود و به‌طور مستقل زندگی خود را تأمین می‌نماید؛ مانند کفاش، خیاط، نعل‌بند، نجّار و غیره.

سوم ـ شرایط اشتغال به تجارت

قانونگذار شرایط اشتغال به امور تجارتی را مشروط به شرایطی دانسته و یا در مواردی برای بعضی از اشخاص ممنوع ساخته است. شرایط مذکور عبارتند از:

۱ ـ أخذ پروانهٔ مقرّر برای انجام امور تجارتی.

۲ ـ داشتن اهلیت برای انجام معامله؛ برابر مواد ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ ق.م متعاملین باید بالغ و عاقل و رشید باشند و در صورت فقدان اهلیت، معامله باطل خواهد بود.

۳ ـ نداشتن محکومیت جزائی.

۴ ـ عدم اشتغال به بعضی مشاغل خاص از قبیل قضاوت، سردفتری و...

لازم به تذکر است که تجارت در بخش دولتی برای کارمندان ممنوع گردیده و

---

۱ ـ به‌موجب مادّه واحده نظامنامه جدید مادّه ۱۹ قانون تجارت مصوّب ۱۳۱۱/۲/۱۳ که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۹ به تصویب و در روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۰۶ـ۱۳۸۰/۱۲/۸ به شرح زیر منتشر گردید: «افراد حقیقی زیر که از مصادیق اشخاص مذکور در مادّه ۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم نباشند با دارا بودن شرایط زیر کسبه جزء محسوب می‌شوند.

۱ ـ کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آن‌ها که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ یکصد میلیون ریال تجاوز نکند.

۲ ـ ارایه دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که مبلغ دریافتی آن‌ها در قبال خدمات ارایه شده در سال از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند.»

ورشکستگی نیز از موانع اشتغال به تجارت می‌باشد.

چهارم ـ الزامات تجار

تجار اعم از شخص حقیقی یا حقوقی طبق مادّهٔ ۶ ق.ت. لااقل ملزم به نگاهداری دفاتر ذیل می‌باشند: ۱ ـ دفتر روزنامه ۲ ـ دفتر کل ۳ ـ دفتر دارائی ۴ ـ دفتر کپیه

ضمناً طبق مادّهٔ ۱۶ ق.ت: در نقاطی که از طرف وزارت دادگستری دفتر ثبت تجارتی تأسیس می‌گردد، تجّار به استثناء کسبه جزء مکلفند در مدت مقرر نام خود را در دفتر مذکور به ثبت برسانند و الاّ به ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال غرامت نقدی محکوم خواهند شد.

فصل دوم

دفاتر تجارتی

بخش اوّل

دفاتر تجارتی و نحوهٔ تنظیم و نگهداری آنها

الف ـ انواع دفاتر تجارتی

اوّل ـ دفتر روزنامه

دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه‌روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق بهادار از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی و به‌طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتی را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند در آن ثبت نماید (مادّهٔ ۷ ق.ت.).

اما مادّهٔ ۳ آئین‌نامهٔ «نحوهٔ تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر» دفتر روزنامه را چنین تعریف می‌نماید: **«دفتر روزنامه دفتری است که اشخاص حقوقی یا حقیقی کلیهٔ عملیات مالی و پولی خود را اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهرنویسی و هر گونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات را که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری در پایان دورهٔ مالی برای تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه لازم است بلااستثناء به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت کنند».** در این مادّه به جای کلمه «تاجر» اشخاص حقوقی یا حقیقی آمده است و نیز با اشاره به اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری، در واقع روش عملی دفترداری دوطرفه، مورد توجه قرار گرفته است.

دوم ـ دفتر کل

دفتر کل تصویر کلی یا خلاصه‌ای تفکیک شده از دفتر روزنامه است که در آن، معاملات تاجر اعم از خرید، فروش، مطالبات یا دیون تحت نظم و عنوان حساب‌های

مشخص، به ترتیب وقوع به ثبت می‌رسد.

مادّهٔ ۸ ق.ت. در تعریف دفتر کل می‌گوید: « **دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیهٔ معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفهٔ آن را تشخیص و جدا کرده، هر نوعی را در صفحهٔ مخصوصی در آن دفتر، به‌طور خلاصه ثبت کند».**

سوم ـ دفتر دارائی

برابر مادّهٔ ۹ ق.ت. دفتر دارائی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیهٔ دارائی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

امروزه عملاً در بنگاه‌های تجارتی این دفاتر به‌علت آنکه عملیات سالیانه تاجر یا شرکت تجارتی به صورت ترازنامه تنظیم می‌گردد، اهمیت خود را از دست داده است.

چهارم ـ دفتر کپیه

در این دفتر برابر مادّهٔ ۱۰ ق.ت: «**باید کلیهٔ مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره تاجر یا شرکت تجارتی به ترتیب تاریخ، ثبت گردد و همچنین بنا به تبصرهٔ مادّهٔ مذکور کلیهٔ مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های وارده نیزباید به ترتیب تاریخ ورود، مرتب و در پوشهٔ مخصوص ضبط گردد.**»

امروزه بنگاه‌های تجارتی از سیستم تایپ و بایگانی پیشرفته به جای دفتر کپیه استفاده می‌نمایند.

پنجم ـ دفتر ثبت تجارتی

بنا به دستور مادّهٔ ۱۶ ق.ت: اگر تاجر ایرانی یا خارجی بخواهد در ایران شغل معمولی خود را اعمال تجارتی قرار دهد، مکلّف به ثبت‌نام خود در دفتر ثبت تجارتی می‌باشد، در غیر این‌صورت متخلف به جزای نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد».[1]

۱ـ براساس مادّه ۱۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحیه مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) «ادارات ثبت مکلفند در آخر هر ماه فهرست کامل شرکت‌ها و مؤسساتی را که در طول ماه به ثبت می‌رسند و تغییرات حاصله در مورد شرکت‌ها و مؤسسات موجود و نیز نام اشخاص حقیقی یا حقوقی را که دفتر قانونی به ثبت رسانده‌اند با ذکر تعداد دفاتر ثبت شده و شماره‌های آن به ادارهٔ امور مالیاتی محل اقامت مؤسسه ارسال دارند.»

ب ـ پلمپ دفاتر تجارتی

دفاتر مندرج در مادّهٔ ۶ ق.ت. به استثنای دفتر دارائی و دفتر کپیه باید قبل از آنکه در آنها چیزی نوشته شود، توسط نمایندهٔ ادارهٔ ثبت امضاء و اوراق آنها دارای نمرهٔ ترتیبی و قیطان کشی شده باشد و متّصدی امضاء مکلف است که صفحات هر دفتری را شمرده، در صفحهٔ اوّل و آخر آن تعداد صفحات آن را با قید تاریخ امضاء نماید. ضمناً باید دو طرف قیطان با مهر سربی که وزارت دادگستری برای این منظور تهیه می‌نماید منگنه شده و کلیهٔ اعداد با تمام حروف نوشته شود.

مادّهٔ ۲ آئین‌نامه نحوهٔ تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر مقرر می‌دارد: دفاتر روزنامه و کل باید به زبان فارسی تحریر و قبل از ثبت هرگونه معامله در آنها مطابق مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ از طرف نماینده ادارهٔ ثبت اسناد امضاء و پلمپ گردد.

و در هر حال پلمپ نکردن دفاتر تجارتی آن‌ها را از قدرت اثباتی محروم نکرده، بلکه می‌تواند جزء امارات قضایی محسوب گردد.

بخش دوم

سندیت دفاتر تجارتی

الف ـ از نظر اثبات حق

دفاتر قانونی مندرج در مادهٔ ۶ ق.ت. که تجار برای امور تجارتی خود به‌کار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم بشوند، بین تجار، در امور تجارتی سندیت دارد والاّ علیه صاحب آن معتبر خواهد بود (مادهٔ ۱۴ ق.ت.).

بنابراین، این‌گونه دفاتر در امور تجارتی سندیت داشته و از نظر اثبات حق ممکن است علیه یا له تاجر مورد استفاده قرار گیرد.

اوّل ـ دلیل علیه و له تاجر

برابر مادهٔ ۱۲۹۷ ق.م. دفاتر تجارتی در دعوای تاجر، علیه تاجر دیگر تحت شرایط زیر دلیل محسوب می‌شود:

ـ دعوی تاجر علیه تاجر دیگر باشد.

ـ دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتی حاصل شده باشد.

ـ دفاتر تجارتی طبق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

طبق مادهٔ ۱۲۹۸ ق.م. **«استناد تاجر در مقابل غیرتاجر به مندرجات دفتر خود دلیل محسوب نشده و فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود».**

دفتر تجارتی در موارد مشروحه زیر دلیل محسوب نمی‌شود (مادهٔ ۱۲۹۹ ق.م.):

ـ در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

ـ وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاش کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

ـ وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در دادگاه مدلل شده باشد. در خاتمه برابر مادّه ۱۳۰۰ ق.م. اگر دفتر تجارتی به علل مندرج در بالا به نفع تاجر اعتباری نداشت به ضرر او سندیت خواهد داشت.

دوم ـ الزام تاجر به ارائهٔ دفاتر خود

هرگاه تاجری (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی) در دعوای مطروحه به دفتر تاجر دیگر برای اثبات امر وجودی از قبیل پرداخت و یا اقرار به دریافت استناد کند، تاجر اخیر ملزم به ابراز دفتر استنادی در دادگاه می‌باشد.

برابر رأی اصراری ۱۳۳۸/۲/۴۵۴۸ هیأت عمومی دیوانعالی کشور، در صورتی که خوانده منکر مدیونیت خود گردد، چون عدم اشتغال ذمه و برائت خود را اعلام نموده است، لذا طبق اصل معروف عدم، نیازی به اقامهٔ دلیل و برهان ندارد و در مقام دفاع نافی را نفی کافی است و دادگاه مکلف نیست که خواهان را ملزم به ارائهٔ دفاتر مورد استفاده بنماید و بر اساس ادلهٔ ابرازی خواهان، رسیدگی و حکم لازم را صادر می‌کند. اما اگر خوانده منکر دین خود نشده و پس از قبول اشتغال ذمه مدعی پرداخت و تحصیل برائت خود گردد می‌تواند برای اثبات ادعای خود به دفاتر بازرگانی خواهان یا دلیل قانونی دیگر استناد کند. (مستفاد از اصل البینة علی المدعی و مادّه ۱۲۵۷ ق.م. و مادّه ۱۹۷ و ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی جدید)

هیچ تاجری نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائهٔ دفاتر خود امتناع نماید؛ مگر ثابت کند که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد در غیر این‌صورت دادگاه حق خواهد داشت دلیل استناد شده در دفتر مزبور را دلیل بر نفع استناد کننده محسوب نماید. (مستفاد از مادّه ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی جدید).

طبق مادّهٔ ۲۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی جدید: **«اگر ابراز سند در دادگاه مقدور نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه برخلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوا یا دیگران باشد رئیس دادگاه یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه را که لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج‌نویس می‌نماید.»**

ب ـ ضمانت اجرای مدنی و جزائی

از نظر مدنی، صدور حکم ورشکستگی با توجه به دفاتر موجب می‌شود که تاجر یا شرکت تجارتی از تاریخ صدور حکم از مداخله در اموال و حقوقی مالی خود ممنوع شده و همچنین در اموالی که ممکن است در طول مدت ورشکستگی به‌دست آورد ممنوع‌التصرف گردد.

از نظر جزایی، تاجری که دفاتر کامل تجارتی نداشته و صورت دارائی خود را تنظیم ولی وضع واقعی آن را به‌طور صریح نشان نداده باشد، ورشکسته به تقصیر محسوب می‌شود و برابر مادّهٔ ۶۷۱ (قانون مجازات اسلامی) به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌گردد. تاجری که دفاتر تجارتی خود را از روی عمد و سوءنیت مفقود نماید یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کند و یا به‌طریق مواضعه و معاملات صوری آن را از بین ببرد و به‌وسیلهٔ اسنادی به‌میزانی که در واقع مدیون نبوده خود را مدیون قلمداد نماید، ورشکسته به تقلب محسوب، و طبق مادّهٔ ۶۷۰ (قانون مجازات اسلامی) به مجازات حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم شده و از حقوق اجتماعی نیز محروم می‌گردد.

ج ـ مقررات مالیاتی

برابر مادّه ۱۷ آ.ن.ت.د. (آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر)، مؤدیان مشمول آیین نامه مزبور مکلفند در هر سال مالیاتی دفتر یا دفاتر جدید ثبت و پلمپ نمایند و در صورت استفاده از دفاتر ثبت و پلمپ شده سفید سال‌های قبل باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ شروع سال مالیاتی جدید مراتب را با قید مشخصات دفاتر مورد بحث به حوزه مالیاتی ذی‌ربط اعلام نمایند والاّ طبق بند «س» مادّه ۲۰ آ.ن.ت.د. از موارد رد دفاتر محسوب می‌شود و همچنین موارد مشروحه زیر طبق مادّه ۲۱ آیین‌نامه مذکور موجب رد دفاتر و تعلق جریمه خواهد بود:

ـ تراشیدن، پاک کردن، محو کردن مندرجات دفتر روزنامه و کلّ و نوشتن بین سطور.

ـ جای سفید گذاشتن در هر صفحه در دفتر روزنامه بیش از حد معمول یا سفید ماندن تمام یا یک چند صفحه از دفتر روزنامه در صورتی که به‌منظور سوءاستفاده باشد به استثناء تبصرهٔ مادّه ۱۹ آ.ن.ت.د.[1]

---

۱ ـ تبصرهٔ مادّهٔ ۱۹ مقرر می‌دارد: «سفید ماندن تمام صفحه دفتر برای ثبت تراز افتتاحی باشد و همچنین سفید ماندن ذیل صفحات دفتر در آخر هر روز یا هر ماه به شرطی که اسناد دارای شمارهٔ ردیف بوده و قسمت سفید مانده با خط بسته شود به اعتبار دفتر خللی وارد نمی‌سازد.»

- بستانکار شدن حساب‌های بانکی و نقدی مگر تحت شرایط خاص.[1]
- ثبت تمام یک فعالیت (آرتیکل) بین سطور دفتر.
- تأخیر تحریر دفتر روزنامه و کل زاید بر حد مجاز مقرر.
- عدم ارایه آیین‌نامه یا دستورالعمل‌های مربوط به‌طرز کار ماشین‌های مکانیکی یا الکترونیکی و برنامه‌ها یا طرز استفاده آنها برحسب مورد.
- اشتباه حساب حاصل در ثبت عملیات مؤسسه به استثناء اشتباهاتی که در اثناء عملیات سال مربوط مورد توجه واقع و به اصلاح آن در دفتر مبادرت و مستندات آن ارائه شود (یعنی سند اصلاحی تا آخر سال مالی صادر شده و ثبت گردد) بدیهی است در صورت اخیر خللی به اعتبار دفتر وارد نخواهد شد.

نتیجه رد دفتر از طرف ممیز مالیاتی با تایید هیاتی متشکل از ۳ نفر حسابرس به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی (بند ۳ مادّه ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳) موجبات تشخیص علی‌الرأس برای درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها و دارندگان کارت بازرگانی را فراهم می‌سازد.)

منظور از تعیین مالیات به طریق علی‌الرأس این است که ممیز مالیاتی[2] برگ تشخیص مالیات را براساس اطلاعات مکتسبه خود که باید براساس اطلاعات و دلایل کافی مانند فاکتورهای فروش یا خرید، کنترل انبار و جواز سبز گمرکی و سایر قراین معقول باشد تنظیم و شخصاً امضاء می‌نماید. (مستفاد از مادّه ۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره مادّه ۲۰ آ.ن.ت.د).

---

۱ ـ درصورتی‌که حساب‌ها با صورت‌حساب بانک مطابقت کند یا بستانکار شدن حساب‌های‌بانکی یا نقدی ناشی از تقدم و تأخر ثبت حساب‌ها یا دریافت و پرداخت‌ها باشد که در این صورت موجب ردّ دفتر نمی‌باشد.

۲- به موجب بند ۳ مادّهٔ ۹۷ قانون اصلاحی مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۷ عبارت «ممیز مالیاتی و تائید سرممیز مالیاتی» به عبارت «اداره امور مالیاتی» و عبارت «وزیر امور اقتصادی و دارایی» به عبارت «رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور» و عبارت «حوزهٔ مالیاتی» به عبارت «ادارهٔ امور مالیاتی» اصلاح شده است (روزنامهٔ رسمی ۱۱۶۰۹ ـ ۱۳۸۰/۱۲/۱۳).

فصل سوم

قرارداد حمل و نقل

الف ـ تعریف قرارداد حمل و نقل

در قانون تجارت ایران قرارداد حمل و نقل تعریف نشده، اما قانون مدنی قرارداد حمل و نقل را به اجاره تشبیه نموده و در مادّهٔ ۵۱۳ خود اقسام عمدهٔ اجارهٔ اشخاص را به شرح زیر احصاء نموده است:

- اجارهٔ خدمه و کارگران از هر قبیل.
- اجارهٔ متصدیان حمل و نقل اشخاص یا مال‌التجاره اعم از راه خشکی یا آب یا هوا.

قانون تجارت قرارداد حمل و نقل را در مادّهٔ ۳۷۸ خود جز در موارد استثنایی، تابع مقررات عقد وکالت دانسته است، ولی این قرارداد با توجه به تعهداتی که برای طرفین ایجاد می‌کند و نقش عمده‌ای که ثبات این قرارداد در معاملات بازرگانی دارد، نمی‌تواند تابع عقد وکالت که عقد جایزی است، باشد و نیز به علت عدم استقلال عمل اجیر در عقد اجاره، قرارداد حمل و نقل تابع مادّهٔ ۵۱۳ و بعد ق.م. نخواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که قرارداد حمل و نقل با توجه به نقایص مواد مذکور، براساس مادّهٔ ۱۰ ق.م. تنظیم گردیده و بین طرفین لازم‌الاتباع باشد. بر طبق این مادّه: **«قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است».**

ب ـ تعریف متّصدی حمل و نقل

متّصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت، حمل اشیاء را به عهده می‌گیرد (مادّهٔ ۳۷۷ ق.ت.). امروزه وظیفهٔ متّصدی حمل و نقل، حمل مسافرین از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر نیز می‌باشد. با توجه به اینکه بند ۲ از مادّه ۲ قانون تجارت، تصدی به حمل و نقل را اعم از اینکه از راه خشکی یا آب و هوا و به هر نحوی که باشد به اطلاق برگزار نموده است، به نظر می‌رسد که وظیفه متّصدی حمل و نقل نباید منحصر به حمل اشیاء در مقابل اجرت باشد.

ج ـ وظایف متّصدی حمل و نقل[1]

۱ ـ حمل صحیح و سالم و بدون نقص و به موقع کالا، از مبدأ تا مقصد. در صورت تلف یاگم شدن متّصدی شخصاً مسئول می‌باشد.

1- Carrier

۲ـ متّصدی حمل و نقل باید به‌محض وصول مال‌التجاره به‌مقصد، مرسل‌الیه را مستحضر سازد. در صورت عدم قبول مال‌التجاره توسط مرسل‌الیه یا عدم دسترسی به او مراتب را به اطلاع ارسال‌کننده برساند و در مورد دوم کالا را نزد خود یا شخص ثالثی به امانت نگاهدارد.

۳ـ در صورتی که کالا در معرض تضییع فوری باشد یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید، متّصدی باید مراتب را فوراً به اطلاع دادستان شهرستان یا نمایندهٔ او رسانیده و با اجازهٔ او مال‌التجاره را به‌فروش برساند و حتی‌المقدور ارسال‌کننده و مرسل‌الیه را آگاه سازد.

۴ـ متّصدی باید وسایل کافی برای حمل مال‌التجاره را فراهم نموده و بدون عیب و نقص کالا را به مرسل‌الیه تحویل نماید.

د ـ مسئولیّت متصدی حمل و نقل

متّصدی حمل و نقل برابر مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ ق.ت. شخصاً مسئول تلف یا گم شدن مال‌التجاره بوده و باید قیمت آن را به اشخاص متضرر پرداخت نماید و نیز در مورد خسارت ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص کالا یا خسارت دریایی وارده به محموله کشتی، مسئول می‌باشد، مگر آنکه نامبرده ثابت نماید که تلف یاگم شدن یا ورود خسارت دریایی به مال‌التجاره مربوط به جنس مال مزبور بوده یا مستند به تقصیر ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها به وی داده‌اند و یا خسارت وارده مربوط به حوادثی بوده که هیچ متّصدی مراقبی نیز نمی‌توانسته از آن جلوگیری نماید. ضمناً متّصدی، مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از این که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کنندهٔ دیگری را مأمور کرده باشد. (مادّه ۳۸۸ ق.ت.).

اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیدی قبول شده و کرایهٔ آن تأدیه شود دیگر علیه متّصدی حمل ونقل، دعوا پذیرفته نخواهد شد. مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده و هم‌چنین متّصدی حمل و نقل مسئول خرابی غیرظاهر نیز خواهد بود.

هـ ـ وظایف و مسئولیت ارسال‌کننده

ارسال‌کنندهٔ کالا باید به نکات زیر توجه نموده و آن را به اطلاع متّصدی حمل و نقل برساند:

ـ آدرس صحیح مرسل‌الیه (گیرندهٔ کالا)، محل تسلیم مال، تعداد عدل یا بسته یا طرز عدل‌بندی و وزن و محتوای عدل‌ها، مهلتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود، راهی که

حمل باید از آن راه به‌عمل آید و بالاخره قیمت اشیایی که گرانبهاست.

- در صورت نادرست بودن اطلاعات، ارسال‌کننده مسئول خسارات وارده به صاحب کالا خواهد بود. ارسال‌کننده موظف است که مواظبت نماید تا کالاها به طرز صحیحی عدل‌بندی شود و هرگونه خسارت دریایی ناشی از عیوب عدل‌بندی به عهدهٔ ارسال‌کننده می‌باشد که حکم این مادّه (مادّهٔ ۳۸۰ ق.ت.) را می‌توان به حمل و نقل (خشکی و هوایی) نیز تسری داد.

- در صورتی که بارنامه‌ای توسط ارسال‌کننده تهیه و به‌وسیلهٔ متّصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد و یا در صورتی که متّصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال‌کننده داده و ارسال‌کننده نتواند آن را پس دهد و اگر متّصدی به مرسل‌الیه اطلاع دهد که مال‌التجاره به‌مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد و اگر پس از وصول مال‌التجاره به‌مقصد، مرسل‌الیه آن را تقاضا نماید، در تمام موارد فوق استرداد کالا از متّصدی حمل و نقل امکان‌پذیر نمی‌باشد (مادّهٔ ۳۸۳ ق.ت.).

و ـ وظایف و مسئولیّت گیرنده کالا

گیرنده کالا باید به هنگام تحویل کالا دقت نماید که محموله از هر لحاظ سالم و عاری از عیب بوده و عیوب ظاهری و باطنی نداشته باشد؛ زیرا اگر گیرنده آن را بدون هیچ‌گونه قید و شرطی قبول کند حق اقامهٔ دعوی علیه متّصدی حمل و نقل را نخواهد داشت؛ ولی اگر خسارت وارده به کالا، ظاهری نباشد، گیرنده مکلف است ظرف مدت ۸ روز پس از تحویل کالا، مراتب را به متّصدی حمل و نقل اطلاع دهد، اما اگر متّصدی حمل و نقل مرتکب تقصیر عمده یا تدلیس شده باشد، در این صورت گیرندهٔ کالا حق اعتراض دارد و در صورت اختلاف بین متّصدی حمل ونقل و گیرنده، به دادگاه صلاحیت‌دار محل رجوع می‌شود.

برای دعوی خسارت علیه متّصدی حمل ونقل، مرور زمان یک ساله پیش‌بینی شده که مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن کالا و یا تأخیر تسلیم در روزی است که تسلیم باید در آن روز به‌عمل آمده باشد و در صورت خسارت دریایی (آواری) روزی است که کالا به گیرندهٔ آن تسلیم می‌گردد. (مادّه ۳۹۳ ق.ت.)

ز ـ انواع سیستم حمل و نقل کالا در تجارت بین‌الملل[1] با اصلاحات سال ۲۰۰۰

اتاق بازرگانی بین‌المللی (I.C.C)[2] سازمان مستقلی است که مقرّ آن در پاریس می‌باشد وکار رسیدگی به اختلافات تجاری بین‌المللی از طریق سازش و داوری را انجام می‌دهد و قواعد عرفی بازرگانی بین‌المللی (Incotermes)[3] در زمینه بیع بین‌المللی و حمل و نقل کالا و اعتبارات اسنادیUCP500 را تدوین نموده است. آخرین اصلاحات آن در سال ۲۰۰۳ به‌لحاظ استفاده از روش‌های الکترونیکی در مبادلات صورت گرفته و قلمرو تعهدات خریدار و فروشنده، زمان انتقال مالکیت و خطر تعیین گردیده است که به‌شرح زیر می‌باشد:

اتاق بازرگانی بین‌المللی
ICC

International Chamber of Commerce

واژگان بازرگانی بین‌المللی
Incoterms

International commericial terms

واژگان جدید که ساخته و پرداخته ICC می‌باشد برای استفاده در سیستم حمل و نقل بین‌المللی در معاملات کالا به چهار گروه تقسیم شده است.

1)E	2)F	3)C	4)D
EXW	FCA	CFR	DAF
	FAS	CIF	DES
	FOB	CPT	DEQ
		CIP	DDU
			DDP

۱ـ دکتر عرفانی (محمود)، حقوق تطبیقی و نظام‌های حقوقی معاصر (جلد اوّل)، انتشارات جهاد دانشگاهی ـ چاپ چهارم ۱۳۷۳ ص ۵۴ تا ۵۸.

2- International chamber of commerce

3- International commercial terms.

در معاملات بین‌المللی انتخاب هر یک از واژه‌های فوق میزان تعهدات، انتقال مالکیت و مسئولیّت مدنی را برای خریدار در حمل و نقل مشخص می‌کند. خریدار قبل از انعقاد قرارداد از فروشنده تقاضای پیش فاکتور (Proforma invoice) می‌نماید که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و پس از اینکه طرفین در موضوع قرارداد توافق کردند و ایجاب و قبول صورت گرفت عقد منعقد می‌گردد.

تعهداتی که به‌وسیله انتخاب هر یک از روش‌های حمل و نقل فوق برای فروشنده یا خریدار به‌وجود می‌آید در محدوده انجام امور ذیل است.

(جدول مراحل عملیات حمل و نقل کالا)

۱ـ بارگیری	1. Loading
۲ـ تسویه حساب گمرکی	2. Customs Clearance
۳ـ مجوز صادرات	3. Export Licence
۴ـ کرایه حمل	4. Freight Charge
۵ـ بیمه	5. Insurance
۶ـ تخلیه بار در مقصد	6. Unloading
۷ـ عوارض در مقصد	7. Tax
۸ـ حقوق گمرکی در مقصد	8. Customs duty

E

تحویل در محل کار یا کارخانه فروشنده به خریدار — EXW : (EX-Work)

● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی، دریایی — Land. Air, Road. sea

از ردیف ۱ الی ۸ جدول به عهده مشتری است — 1 to 8 : must be done by customer

F

حمل آزاد (فروشنده تعهداتی در حمل کالا ندارد) — FCA : Free Carrier

● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی — Land . Air, Road

از ردیف ۱ الی ۳ جدول به‌عهده فروشنده است — 1 to 3 : must be done by seller

آزاد در کنار کشتی (کالا در اسکله قبل از بارگیری به خریدار تحویل می‌شود) — FAS : Free Along Side

● روش حمل: فقط دریایی — Sea

از ردیف‌های جدول فقط ردیف ۳ به‌عهده فروشنده است — only 3 : must be done by seller

آزاد در روی کشتی در بندر مبدأ (مالکیت کالا و خطر وارده به آن پس از بارگیری به خریدار منتقل می‌شود) — FOB : Free on Board

● روش حمل: فقط دریایی — Sea

از ردیف ۱ الی ۳ جدول به عهده فروشنده است — 1 to 3 : must be done by seller

CFR : Cost and Freight — بهای کالا و کرایهٔ حمل به عهده فروشنده است
Sea — ● روش حمل: فقط دریایی
1 to 4: Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۴ جدول به عهده فروشنده است

بهای کالا، کرایه حمل و بیمه به عهده فروشنده بوده و تعهدات وی تا بندر مقصد می‌باشد
CIF: Cost Insurance and Freight
Sea — ● روش حمل: فقط دریایی
C 1 to 5: Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۵ جدول به عهده فروشنده است

CPT: Carriage Paid To — کرایه حمل پرداخت شده (تعهدات CFR بوده ولی حمل دریایی ندارد)
Land, Air, Road — ● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی
1 to 4 : Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۴ جدول به عهده فروشنده است.

کرایه حمل و بیمه پرداخت شده (مانند CIF است ولی حمل دریایی ندارد)
CIP : Carriage Insurance Paid to
Land , Air, Road — ● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی
1 to 5: Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۵ جدول به عهده فروشنده است

DAF : Delivered At Frontier — تحویل کالا توسط فروشنده در مرز تعیین شده
Land, Air, Road — ● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی
1 to 4 : Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۴ جدول به عهده فروشنده است

DES: Delivered EX-Ship — تحویل کالا به خریدار از عرشه کشتی در بندر مقصد تعیین شده
Sea — ● روش حمل: فقط دریایی است
1 to 4 : Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۴ جدول به عهده فروشنده است
DEQ: Delivered EX - Quay — تحویل پس از تخلیه در اسکله بندر مقصد تعیین شده
Sea — ● روش حمل: فقط دریایی است
1 to 6 : Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۶ جدول به‌عهدهٔ فروشنده است
D (option 5 can be done by seller or customer) (ردیف ۵ به اختیار می‌تواند به‌وسیله خریدار یا فروشنده انجام شود)

DDU: Delivered Duty unpaid — تحویل پس از تخلیه در مقصد تعیین‌شده بدون‌پرداخت حقوق‌گمرکی
Land, Air, Road — ● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی است
1 to 7 : Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۷ جدول به عهده فروشنده می‌باشد
(option 5 can be done by seller or customer) (ردیف ۵ به اختیار می‌تواند به‌وسیله مشتری یا فروشنده انجام شود)

تحویل در مقصد تعیین شده به خریدار (کلیه هزینه‌ها و عملیات به عهده فروشنده می‌باشد)
DDP : Delivered Duty paid
Land, Air, Road — ● روش حمل: راه آهن، هوایی، زمینی است
1 to 8 : Must be done by seller — از ردیف ۱ الی ۸ جدول به عهده فروشنده است

فصل چهارم

اسناد تجارتی

بخش اوّل

کلیات

الف ـ تعریف سند

سند در لغت عبارت از چیزی است که به آن اعتماد می‌شود و در اصطلاح حقوقی وسیله‌ای است که به منظور اثبات عمل یا قرارداد و یا تعهدی به کار می‌رود.

به موجب مادّهٔ ۱۲۸۴ ق.م.: **«سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد».**

سند بر دو نوع است: رسمی و عادی.

سند رسمی: نوشته‌ای است که در ادارهٔ ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد (مادّهٔ ۱۲۸۷ ق.م.).

سند عادی: به سندی اطلاق می‌شود که به وسیلهٔ افراد تنظیم شده مشروط بر آنکه مأمورین رسمی طبق مقررات قانونی در آن مداخله نداشته باشند. دفاتر تجارتی، برات، سفته، چک، قبض... جزو اسنادعادی محسوب می‌شوند.

ب ـ جهات افتراق سند رسمی با سند عادی

سند رسمی دارای قدرت اجرایی است؛ زیرا قطع نظر از اینکه می‌توان برای سند رسمی اجرائیه صادر کرد، تاریخ سند مزبور هم از نظر اصحاب دعوی و اشخاص ثالث مؤثر است (مادّهٔ ۱۲۹۰ ق.م.)، ولی سند عادی نه تنها آن قدرت اجرایی را ندارد، بلکه تاریخ سند مزبور علیه اشخاص ثالث، بلااثر می‌باشد.

در مورد سند رسمی فقط می‌توان ادعای جعل کرد ولی نسبت به سند عادی علاوه بر

ادعای جعل می‌توان انکار و تردید هم نمود. چون ادعای جعل در سند رسمی، ادعاست، لذا مدعی باید ادله جعلیت را به دادگاه ارائه دهد؛ ولی در سند عادی، انکار و تردید چون دفاع محسوب می‌شود، دلیل اصالت سند را باید دارندهٔ آن به دادگاه اقامه نماید. تنظیم سند رسمی با تشریفات خاصی صورت می‌پذیرد، ولی سند عادی احتیاج به‌چنین تشریفاتی ندارد.

ج ـ مفهوم سند تجاری

حقوق تجارت به منظور تسهیل در گردش ثروت و رفع مشکلات انتقال طلب، سند تجاری را به وجود آورده تا تأمین بیشتری به دارندهٔ آن اعطا نماید. این سند به آسانی قابل انتقال بوده و تشریفات حقوق مدنی در آن رعایت نمی‌گردد؛ بدین ترتیب اعتبارات به سهولت از یک نفر به دیگری منتقل می‌شود.

د ـ خصوصیات اسناد تجارتی

این خصوصیات عبارتند از:

ـ **انعکاس طلب در سند:** سند ورقه‌ای است که حق طلب به‌طور مادی در آن منعکس‌شده است. در واقع سند مال اصالی نیست که به عنوان کالای خاص مبادله شود، بلکه نماینده مال بوده و مانند سهم از مصادیق عین معین محسوب و قابل نقل و انتقال و رهن می‌باشد.

ـ **قابلیت انتقال:** قابلیت انتقال موجب می‌شود که حق طلب مندرج در سند تجاری به سادگی به دیگری انتقال یابد. اسناد در وجه حامل با قبض و اقباض منتقل می‌گردند ولی اسنادی که در وجه شخص معین باشند؛ صرفاً با ظهرنویسی انتقال می‌یابند.

ـ **تمتع دارنده سند از تامین بیشتر:** سند تجارتی به دارنده‌اش تامین بیشتری می‌دهد، زیرا شخص اخیر از حق طلب بدون قید و شرط بهره‌مند می‌گردد و ایرادات راجع به فسخ یا پرداخت وجه برات و فقدان یا نامشروع بودن آن نسبت به دارندهٔ قبلی سند در مقابل دارندهٔ فعلی با حسن نیت قابل استناد نمی‌باشد.

هـ ـ وجوه افتراق برات، سفته و چک با سایر اسناد تجارتی

۱ ـ برات، سفته و چک فقط مبیّن وجه نقد بوده و برای پرداخت‌های نقدی تنظیم می‌شوند، ولی سایر اسناد تجاری معرف حقّ عینی برای دارنده‌اش می‌باشد. ضمناً اسناد مذکور با ظهرنویسی قابلیت انتقال دارند.

۲ـ چک و سفته و برات برای معاملات کوتاه مدت استفاده می‌شود ولی اوراق بهادار مانند: سهام، اوراق قرضه برای مدت طولانی پذیره‌نویسی می‌شوند.

۳ـ برات، سفته و چک برای أخذ اعتبارات و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت (کمتر از دو سال) مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی اوراق بهادار برای سرمایه‌گذاری بلند مدت (از ۵ سال بیشتر) در اختیار اشخاص داوطلب گذارده می‌شود.

۴ـ اوراق بهادار، در بازار بورس، تحت شرایطی قابل معامله می‌باشند، در صورتی که برات، سفته و چک چنین خصوصیتی ندارند.

۵ـ برات، سفته و چک از لحاظ صدور، واخواست و وصول و صدور اجرائیه (در مورد چک) تشریفات خاصی دارند، ولی سایر اسناد تجارتی چنین تشریفاتی را ندارند.

بخش دوم

برات

الف ـ تعریف برات

برات نوشته‌ای است که به موجب آن شخصی که براتکش، برات‌دهنده یا محیل نامیده می‌شود، معمولاً به یکی از بدهکاران خود، براتگیر یا محال علیه، دستور می‌دهد تا مبلغ معینی را در موعد یا سررسید معین، در وجه شخص ثالثی که دارندهٔ برات، محال‌له یا محتال نامیده می‌شود، به حواله‌کرد او پرداخت نماید.

ب ـ شرایط صدور برات

برات وقتی دارای اعتبار است که از شرایط شکلی و ماهوی تبعیت نماید.

اوّل ـ شرایط شکلی برات

رعایت تشریفات صوری در برات فوق‌العاده حائز اهمیت می‌باشد که تخلف از آنها موجبات بی‌اعتباری برات را فراهم می‌سازد.

۱ ـ مندرجات الزامی

مادّهٔ ۲۲۳ ق.ت. مندرجات الزامی در برات را که در واقع شرایط اساسی آن می‌باشد به شرح زیر احصاء می‌نماید:

ـ قید کلمهٔ «برات» در ورقه برات

این امر به دلیل آگاه ساختن اشخاص ذی‌نفع از نوع سند تجاری می‌باشد، لیکن مادّهٔ ۲۲۶ ق.ت. عدم تصریح کلمهٔ «برات» را در متن آن، شرط عدم اعتبار برات نمی‌داند؛ با

این وجود مطابق مادّهٔ ۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سوم اسفندماه ۱۳۶۶ عملاً برات در ورقهٔ مخصوص و با تصویر تمبر مالیاتی در شعب بانک‌ها به معرض فروش گذاشته می‌شود.

ـ تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

ذکر تاریخ تحریر برات به روز و ماه و سال برابر بند ۲ از مادّه ۲۲۳ ق.ت. الزامی است و تاریخ مزبور به تجویز مادّه ۲۲۵ همان قانون باید با تمام حروف نوشته شود. قید تاریخ تحریر منشاء آثار حقوقی از لحاظ تعیین وعده برات، مرور زمان و تعیین صلاحیت براتکش بوده و حائز اهمیت می‌باشد.

برابر مادّه ۲۲۶ ق.ت. قید نکردن تاریخ تحریر در برات موجب می‌شود که مقررات راجع به بروات شامل سند مزبور نگردد.

ـ اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند

مطابق بند ۳ مادّهٔ ۲۲۳ ق.ت. ذکر نام شخصی که باید برات را تأدیه کند (براتگیر یا محال‌علیه) اجباری می‌باشد و تخلف از آن با استناد به مادّه ۲۲۶ ق.ت. موجب سلب امتیاز از برات می‌گردد.

ـ تعیین مبلغ برات

بند ۴ از مادّه ۲۲۳ ق.ت. تعیین مبلغ برات را اجباری دانسته و تخلف از آن را مشمول حکم مادّه ۲۲۶ قانون مزبور نموده است.

ضمناً برابر مادّه ۲۲۵ ق.ت. مبلغ برات باید با تمام حروف نوشته شود، ولی نوشتن مبلغ به عدد، برات را مشمول مادّه ۲۲۶ همان قانون نمی‌نماید، در صورتی که مبلغ برات بیش از یک مرتبه به تمام حروف در برات نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد «**مبلغ کمتر مناط اعتبار خواهد بود، اما اگر بین مبلغ با حروف و رقم اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر می‌باشد**» (مادّه ۲۲۵ ق.ت.).

ـ تاریخ تأدیه وجه برات

برابر بند ۵ مادّهٔ ۲۲۳ ق.ت. تاریخ سررسید پرداخت وجه برات باید قید گردد و در غیر این‌صورت بنا به مادّهٔ ۲۲۶ همان قانون، برات فاقد اعتبار خواهد بود.

سررسید برات ممکن است به انحاء ذیل باشد:

۱ ـ **برات به رؤیت** (مادّهٔ ۲۴۱ ق.ت.) اینگونه برات با ارائه به براتگیر یا محال‌علیه توسط شخص اخیر قابل پرداخت می‌باشد. برابر مادّهٔ ۲۷۴ ق.ت. دارندهٔ برات مکلف است پرداخت برات را در ظرف یک سال از تاریخ برات از براتگیر مطالبه و یا از نامبرده،

قبولی أخذ نماید.

۲ ـ برات به وعدهٔ از رؤیت «برات ممکن است به وعده یک یا چند روز یا چند ماه از رؤیت باشد» (مادّهٔ ۲۴۱ ق.ت.)؛ مثلاً نوشته شود خواهشمند است یک ماه از تاریخ رؤیت در مقابل این برات مبلغ پنجاه‌هزار ریال به آقای... یا به حواله کرد او بپردازید.

طبق بند ۱ مادّهٔ ۲۲۸ معمولاً به رؤیت رسانیدن برات به محال‌علیه، با أخذ قبولی از او اشتباه می‌شود و برای رفع این اشکال، بند دوم مادّهٔ ۲۲۸ ق.ت. می‌گوید: **«... در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته شود».** از طرف دیگر اگر تاریخ قبولی قید نشود تاریخ برات، تاریخ رؤیت محسوب خواهد شد (بند ۱ مادّه ۲۲۸ ق.ت.).

۳ ـ برات به وعده از تاریخ برات ـ در این نوع برات مهلت پرداخت از تاریخ تنظیم برات شروع می‌شود مثلاً می‌نویسند **«سه ماه از تاریخ صدور»** و این مدت ممکن است یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات باشد.

۴ ـ برات به روز معین ـ مثلاً تاریخ پرداخت برات را روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۳ قید می‌نمایند.

ـ مکان تأدیه وجه برات

برابر بند ۶ مادّه ۲۲۳ ق.ت. مکان تأدیه وجه برات اعم از محل اقامت محال‌علیه یا محل دیگر می‌باشد و برابر مادّه ۲۲۶ ق.ت. قید مکان تأدیه وجه برات نیز از شرایط اساسی برات بوده و در صورت تخلف برات مذکور از شمول مقررات راجع به بروات خارج می‌گردد.

همچنین در قبولی براتی که وجه آن باید در خارج از اقامت قبول کننده تأدیه گردد، تصریح بر مکان پرداخت، ضروری می‌باشد.

ـ اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می‌شود

برات نباید به نام حامل تنظیم گردد، اما در مورد قید نام دارنده برات توسط ظهرنویس با عنایت به مفهوم مخالف مادّه ۲۴۶ ق.ت. که می‌گوید: **«ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد. ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می‌شود قید گردد».** فقط امضاء ظهرنویس «سفید امضاء» یا سفید مهر کافی خواهد بود و منتقل‌الیه می‌تواند به عنوان دارنده برات نام خود یا دیگری را در ظهر برات قید و وجه مندرج در آن را دریافت دارد. برات ممکن است در وجه یا «به حواله کرد» دارنده برات نیز صادر شود مگر آن که براتکش صراحتاً کلمهٔ «حواله کرد» را خط بزند و این امر محمول بر این است که شخص حق واگذاری برات را به دیگری از دارنده آن سلب می‌کند.

- **تصریح به اینکه نسخه اوّل و یا دوم و یا سوم یا چهارم است**
برات ممکن است در چند نسخه اصلی تنظیم گردد؛ در این صورت براتکش می‌بایست مراتب تعدد را تصریح نماید؛ مثلاً بنویسد برات در ۴ نسخه تنظیم و این نسخه اوّل است. والا هر کدام برات جداگانه‌ای محسوب خواهد شد.
- **امضاء یا مهر برات دهنده**
اگر چه با ملاحظه مادّه ۲۲۶ ق.ت. اینگونه به نظر می‌رسد که عدم وجود امضاء یا مهر برات‌دهنده موجب سلب اعتبار برات نمی‌شود، ولی با مراجعه به قواعد عام حقوق مدنی می‌توان گفت که امضاء برات نشان‌دهندهٔ ارادهٔ انشائی براتکش، در صدور برات است و در صورتی که براتکش، برات را امضاء ننماید، در واقع در مقابل دارنده برات و ظهرنویس‌های احتمالی قبول تعهد نکرده است.

۲ ـ مندرجات اختیاری

مهم‌ترین این مندرجات عبارتند از:
- **شرط بازگشت بدون هزینه یا بدون واخواست:** در این صورت دارنده برات بدون انجام تشریفات واخواست برات، حق دارد به براتکش مراجعه و وجه برات را وصول نماید.
- **تعیین ضامن پرداخت وجه برات:** دارندهٔ برات می‌تواند در صورت تعیین ضامن علاوه بر براتگیر به ضامن نیز مراجعه نماید.
- **قید علت تأمین محل برات**
- **قید بدون حواله کرد:** در این‌صورت برات قابلیت انتقال خود را از دست می‌دهد.
- **قید بهره در برات:** معمولاً بهره در بروات قابل پرداخت به رؤیت یا به وعده از رؤیت، قید نمی‌گردد.
- **قید دریافت اعلامیه بعدی برای پرداخت وجه برات**
- **قید پرداخت وجه برات بدون اعلام بعدی**

دوم ـ شرایط ماهوی برات

امضاء برات از طرف برات‌دهنده و سایر امضاءکنندگان (براتگیر ـ ضامن ـ ظهرنویس) در واقع یک عمل حقوقی است که از شرایط ماهوی راجع به اعمال حقوقی و قراردادها، تبعیت می‌نماید.

این شرایط عبارتند از:

۱ـ رضایت: که مبیّن قصد انشائی برات‌دهنده بوده و با امضاء برات ظاهر می‌گردد. اگر رضایت برات‌دهنده به‌وسیلهٔ اشتباه، تدلیس، اکراه و یا غیره معیوب گردد، برات‌دهنده نمی‌تواند نسبت به دارنده برات با حسن نیت به بطلان مزبور استناد کند. این امر ناشی از اصل استقلال اعتبار برات است که تحت عنوان حقوق مبادله‌ای یا تعهد مبادله‌ای مطرح گردیده و دارای خصوصیات «تجارتی، یک‌طرفه، تضامنی، مجرد، غیرقابل تمدید بودن سررسید برات توسط دادگاه و بالاخره حق استفاده از مرور زمان کوتاه‌مدت» می‌باشد.

۲ـ اهلیت: امضاء برات، یک عمل تجارتی است (بند ۸ مادّه ۱ ق.ت.). در اینجا قانونگذار به شکل عمل تجارتی توجه داشته نه به ذات عمل و یا حرفه‌ای بودن آن.

معذلک اشخاصی که اهلیت انجام عمل تجارتی را ندارند، نمی‌توانند برات را امضاء نمایند.

۳ـ علت تعهد: علت تعهد، عبارت از بیان دلیل، هدف و یا حتی نفع متعهد به‌طور مستقیم می‌باشد که او را وادار به قبول تعهد می‌نماید.

برات‌دهنده اگر براتی به‌روی براتگیر می‌کشد، علت مستقیم، وصول طلب خود می‌باشد، ولی پس از دریافت آن ممکن است داعی مختلفی داشته و آن را مثلاً برای رفتن به زیارت، خرید اتومبیل و غیره مصرف نماید. اگر علت تعهد در برات قید شود، حتماً باید مشروع باشد، اگر جهت هم تصریح شود باید مشروع باشد والا معامله باطل است.

مع‌الوصف بطلان تعهد در مقابل دارنده‌ای که حسن نیت دارد قابل استناد نمی‌باشد و بطلان فقط در روابط حقوقی دیگر امضاءکنندگان مطرح می‌گردد.

ج ـ حقوق و تضمینات دارنده برات، تعهدات برات‌دهنده و براتگیر

این حقوق شامل موارد زیر می‌باشد:

ـ تعهدات مبادله‌ای برات‌دهنده

در صورتی که براتگیر از قبول برات خودداری نماید، برات دهنده تنها کسی است که در مقابل دارندهٔ برات که ممکن است بر مبنای حقوق عام به شخص اخیر بدهکار باشد جوابگو خواهد بود و دارنده برات نه تنها برمبنای حقوق عام حق مطالبه خود را از برات دهنده حفظ می‌کند، بلکه از امتیازات تعهد مبادله‌ای که مقررات راجع به بروات آنها را پیش‌بینی کرده استفاده می‌نماید.

ـ خصوصیات تعهد مبادله‌ای برات‌دهنده

این خصوصیات عبارتند از:

خصوصیات تجارتی: برات‌دهنده با امضاء برات تعهد تجارتی می‌نماید که در صورت

عدم پرداخت وجه آن، طلبکار حق خواهد داشت علیه مدیون به دادگاه ذیصلاح، دادخواست توقف تسلیم نماید و ثانیاً اگر براتی جعل شود، ارتکاب چنین جرمی جعل اسناد تجارتی محسوب می‌شود.

خصوصیت یک طرفه: تعهدات برات‌دهنده مستقل از امضائات دیگر است وتعهدمزبوردرمقابل‌دارنده‌برات‌با حسن نیت دارای اعتبار می‌باشد.

خصوصیت تضامنی: برات‌دهنده می‌تواند به هر یک از امضاءکنندگان، در صورت عدم تأدیه ارزش قابل پرداخت توسط براتگیر مراجعه نماید.

خصوصیت مجرد بودن: ایرادات شخصی که بین برات‌دهنده و براتگیر یا یکی از ظهرنویس‌ها، مورد استناد قرار می‌گیرد، نمی‌تواند متوجه دارندهٔ براتی که حسن نیت دارد، گردد.

ـ خصوصیت غیرقابل تمدید بودن سررسید (مادّه ۲۶۹ ق.ت.).

برات‌دهنده باید برات را در سررسید تعیین شده پرداخت نماید و نمی‌تواند مهلت اضافی درخواست نماید.

ـ خصوصیت استفاده از مرور زمان کوتاه‌مدت

قانونگذار برای دعاوی تجاری، مرور زمان کوتاه‌تری نسبت به دعاوی مدنی پیش‌بینی نموده است.

ـ خصوصیات تعهدات مبادله‌ای براتگیر

براتگیر در مقابل دارنده برات تعهد مبادله‌ای دارد که خصوصیات این تعهدات عبارتند از: تجارتی بودن، تضامنی، یک‌طرفه...

د ـ ارائه برات و أخذ قبولی

قبولی برات به‌صورت امضاء یا الصاق مهر توسط براتگیر در برات می‌باشد و این کار براتگیر را مجبور به پرداخت وجه معین در برات نمی‌نماید، ولی او را در مقابل دارنده برات، متعهد مبادله‌ای و یا مدیون می‌سازد. شرایط أخذ قبولی عبارتند از:

ـ أخذ قبولی در ظرف یکسال

دارنده برات در برات به رؤیت و به وعده از رؤیت باید در ظرف یک سال از تاریخ برات، برات را به براتگیر جهت پرداخت یا نوشتن قبولی ارائه و مطالبه نماید والا حق رجوع به ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به براتگیر رسانیده باشد، نخواهد داشت (مادّه ۲۷۴ ق.ت.).

۲ـ صریح بودن عدم قبولی

نوشتن هر عبارت و امضاء یا مهر توسط براتگیر، قبولی محسوب شده و عدم قبولی وقتی مصداق پیدا می‌کند که براتگیر صراحتاً آن را در متن برات قید نماید؛ حتی اگر عدم قبولی قسمتی از وجه برات توسط براتگیر نوشته شود عدم قبولی تمام به حساب نمی‌آید، بلکه دلالت بر قبولی بقیه وجه برات دارد.

۳ـ فوریت قبولی براتگیر پس از ارائهٔ برات

برات باید به محض ارائه از طرف دارنده آن یا منتهی در ظرف مدت ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه توسط براتگیر قبول یا نکول شود (مواد ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ق.ت.).

هـ ـ نکول برات

نکول برات به وسیلهٔ اعتراض یا واخواست برات مسجّل می‌شود. زمانی که براتگیر صراحتاً در برات، عدم قبولی خود را بنویسد یا آن را به‌طور مشروط قبول نماید و یا از قبولی امتناع ورزد و یا امتناع از نکول نماید می‌تواند به تنظیم برگ واخواستنامه متوسل شود.

اگر برات پس از صدور توسط براتکش به دارنده برات تسلیم و دست به دست نگشته باشد در صورت نکول گیرنده برات، فقط براتکش مسئول پرداخت وجه آن به دارنده برات می‌باشد، ولی اگر این سند با ظهرنویسی به اشخاص دیگری منتقل شود، دارنده می‌تواند به ظهرنویس قبلی خود نیز مراجعه نماید.

و ـ ظهرنویسی

برات اولین‌بار توسط محیل صادر و در اختیار شخصی به نام محالٌ‌له قرار می‌گیرد، ولی چون‌ممکن است شخص اخیر احتیاج به‌وجه نقد داشته‌باشد، برات را می‌تواند باظهرنویسی به دیگری منتقل کند، در چنین صورتی منتقل‌الیه دارندهٔ جدید برات محسوب می‌شود.

اگر دارندهٔ برات برای وصول وجه برات به دیگری وکالت دهد، ظهرنویسی به عنوان وکالت انجام داده است و اگر محال‌له (راهن) با ظهرنویسی، مبلغ مندرج در برات را نزد شخص دیگری (مرتهن) به وثیقه گذارد ظهرنویسی برای وثیقه برات است.

ظهرنویسی به نام حامل در حکم ظهرنویسی سفید امضاء است با این تفاوت که در ظهرنویسی به نام حامل، حامل فقط متصرف برات محسوب می‌شود، در صورتی که در ظهرنویسی سفید امضاء دارنده با نوشتن نام خود یا دیگری و یا حامل، رابطه حقوقی

خود را با سایر امضاءکنندگان برات برقرار می‌کند.

ظهرنویس نمی‌تواند وصول وجه برات را مقیّد به تحقق شروطی نماید و نیز ظهرنویسی قسمتی از مبلغ مندرج در برات، باطل می‌باشد و ظهرنویس با سایر امضاکنندگان برات مسئولیّت تضامنی دارد.

نوع دیگر ظهرنویسی، ظهرنویسی به‌عنوان ضمانت است که مادّه ۲۴۹ ق.ت. در این خصوص می‌گوید: «**ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط باکسی مسئولیّت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است**».

ز ـ پرداخت وجه برات و نتایج عدم پرداخت آن

ـ چه کسی باید مبلغ مندرج در برات را پرداخت نماید؟

براتگیری که برات را قبول نموده مکلف به پرداخت وجه برات می‌باشد. بعضی از حقوقدانان معتقدند که حتی در صورت عدم قبولی و عدم تأمین محل برات نیز نامبرده مکلف به پرداخت وجه برات است و در این‌صورت براتگیر می‌تواند به براتکش مراجعه و مبلغ پرداختی را مطالبه نماید. ضمناً بعد از اعتراض عدم تأدیه شخص ثالثی می‌تواند از طرف براتکش یا یکی از ظهرنویس‌ها وجه برات اعتراض شده را بپردازد که در این‌صورت کلیه ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات بری‌الذمه می‌شوند و شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته، کلیه حقوق و وظایف محال‌له را دارا خواهد بود.

اگر دو نفر متفقاً حاضر به پرداخت مبلغ برات شوند، پیشنهاد کسی که تأدیه وجه از طرف او تعداد زیادتری از مسئولین پرداخت مبلغ برات را بری‌الذمه می‌کند پذیرفته می‌شود.

ـ چه کسی حق دریافت وجه برات را دارد؟

آخرین کسی که برات را در دست دارد، حق دریافت مبلغ مندرج در برات را دارد. برات به وعده باید در روز سررسید به دارنده پرداخت گردد و در بروات به وعده از تاریخ صدور روز رؤیت و روز صدور برات احتساب نخواهد شد (مواد ۲۵۴ و ۲۵۵ ق.ت.).

اگر دارندهٔ برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بعد از سررسید برات بدهد، حق مراجعه به ظهرنویس‌های ماقبل خود و به براتکش را نخواهد داشت.

ـ در صورت گم شدن برات وجه برات چگونه پرداخت می‌شود؟

دارنده برات می‌تواند وصول وجه برات گم شده‌ای راکه هنوز مورد قبول قرار نگرفته بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع‌الخ تقاضا نماید، ولی اگر در نسخه مفقود شده برات، قبولی نوشته شده باشد، تقاضای پرداخت وجه برات به موجب نسخ دیگر باید با امر محکمه و پس از دادن ضامن، به‌عمل آید. (مواد ۲۶۱ و بعد ق.ت.)

نتیجهٔ عدم تأدیه وجه برات

امتناع از تأدیه وجه برات توسط براتگیر، دارنده برات را مکلف می‌سازد که اعتراض خود را به‌وسیلهٔ نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه یا واخواست‌نامه نامیده می‌شود در ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ سررسید برات اعلام نماید؛ اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن به‌عمل می‌آید (مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ ق.ت.).

در برگ واخواست‌نامه باید رونوشت کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و نیز امر به تأدیه وجه برات، نوشته شود.

برگ واخواست‌نامه باید به محال علیه، اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه معین شده‌اند و شخص ثالثی که برات را قبول کرده ابلاغ گردد. (مواد ۲۹۳ و ۲۹۴ ق.ت.)

مدت اقامهٔ دعوی از طرف دارنده برات در براتی که باید در ایران پرداخت شود یک سال از تاریخ اعتراض عدم پرداخت و در مورد براتی که باید در خارج از ایران تأدیه شود دو سال تعیین گردیده است. (مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۵۸/۱۰/۲۶)

نمونهٔ برگ برات

نمونه‌های کاربردی

برات



تاریخ ۱۳

واخواست‌نامه

(مخصوص واخواست برات)

واخواست کننده		خواسته		شخص یا بنگاه و یا شرکتی که علیه او واخواست می‌شود	
	نام شرکت دوچرخه‌سازی (سهامی خاص)	د	ریال		نام شرکت تکنوکار (سهامی خاص)
	شغل تجارت		۲۰ ۰۰۰		شغل تجارت
	جای اقامت تهران خ فردوسی پ ۳۰۷				جای اقامت تهران خ آزادی پ ۱۱۰

شرح واخواست

ریاست دادگاه عمومی تهران

سررسید برات که رونوشت آن در پائین نوشته می‌شود مطابق است با روز یازدهم ماه مرداد یکهزار و سیصد و شصت و پنج چون متعهد نپرداخته است تقاضای واخواست می‌نماید.

امضاء و مهر حسن نقی‌زاده

شماره کنترل خزانه‌داریکل ۱۸۷۰۵۴ سری ج

جای تمبر

سررسید: یازدهم مرداد ماه شصت و پنج — جای پرداخت: تهران — شماره: ۶۳۴۵۲

(این قسمت بایستی توسط بانک تکمیل شود)

۶۰/۰۰۰ ریال بتاریخ یازدهم اردیبهشت شصت و پنج
مبلغ با ارقام — (روز ماه سال با تمام حروف نوشته شود)

در تاریخ یازدهم مرداد ماه شصت و پنج — اینجانب متعهد میشوم / اینجانبان متعهد میشویم

که در مقابل این برات بحواله کرد ....

مبلغ شصت هزار ریال تمام — بپردازم / بپردازیم
(مبلغ با تمام حروف نوشته شود)

امضاء متعهد شرکت عادل (سهامی خاص) — نام برات‌گیر ....

سری ج / ۱۸۷۰۵۴ تا ۶۰/۰۰۰ ریال — محل اقامت تهران خ آزادی پ ۱۱۰

امضاء متعهد ندارد — جای پرداخت تهران خ انقلاب بانک ملی شعبه دانشگاه تهران

ظهر برات:
وجه برات تماماً از شرکت دوچرخه‌سازی دریافت شد
در سررسید در وجه یا بحواله کرد آن شرکت کارسازی فرمایید
شرکت آ ب معدنی (سهامی خاص)

نام واگذارنده: شرکت آ ب معدنی (سهامی خاص) — شماره حساب جاری

۶۵/۵/۱

فرم شماره ۵۴/۲۲۰۱/۱۱۷ دفتر طرح و برنامه‌ریزی — چاپ روزنامه رسمی کشور

شماره پرونده ....

شماره بروبدان ....



دادگاه استان / شهرستان

برگ دادخواست بدادگاه نخستین

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	پدر	شغل	محل اقامت: شهر/دهستان بخش - خیابان - کوچه - شماره پلاک
خواهان	شرکت دوچرخه‌سازی (سهامی خاص) به مدیریت آقای حسین نقی‌زاده				تهران، خیابان فردوسی،
خواندگان	۱- شرکت شیکمال	(سهامی خاص)		تجارت	تهران، خیابان گلزاری، پلاک
	۲- شرکت آمیتا	(سهامی خاص)		تجارت	تهران خیابان فخرآبادی، پلاک
وکیل یا نماینده قانونی	—	—	—	—	—
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه مبلغ شصت هزار ریال بابت یکفقره برات، باکلیه خسارات قانونی واخواست و صدور قرار تأمین خواسته				
دلائل و منضمات دادخواست	۱- فتوکپی مصدق دلیل مدیریت	۲- فتوکپی مصدق برات	۳- فتوکپی مصدق واخواست‌نامه ...		

شرح دادخواست

ریاست محترم دادگاه عمومی تهران

احتراماً بموجب یکفقره برات واخواست شده بشماره خزانه‌داری کل ۱۸۷۰۵۴ سری ج بمبلغ شصت هزار ریال که فتوکپی مصدق آن به پیوست تقدیم است. خواندگان به ترتیب برات‌گیر و ظهرنویس مبلغ خواسته را به بانک بدهکار می‌باشند

نظر به اینکه بدهکاران مزبور با واخواست برات حاضر به پرداخت دین خود نگردیده‌اند، لذا مبادرت به تقدیم این دادخواست نموده و با استناد مواد ۲۹۲ ، ۲۴۹، ۲۸۶ قانون تجارت تقاضای رسیدگی و صدور حکم محکومیت تضامنی خواندگان را به پرداخت اصل خواسته باکلیه خسارات قانونی عاده (اعم از هزینه دادرسی و غیره) دارم و در بدواً صدور قرار تأمین خواسته معادل بهای خواسته از اموال و دارائی خواندگان مورد استدعا می‌باشد.

حسین نقی‌زاده

محل امضاء مهر - اثر انگشت

شماره و تاریخ ثبت دادخواست .... شعبه .... دادگاه .... رسیدگی فرمایند .... مقام ارجاع کننده:

نام .... نام خانوادگی .... تاریخ .... سمت .... امضاء ....



برگه واخواست نامه

تاریخ	معترض			خواسته	معترض علیه		
	نام	شغل	محل اقامت		نام	شغل	محل اقامت
۶۵/۵/۲۵	شرکت درج خراسانی (سهامی خاص)	تجارت	تهران ـ خیابان فردوسی ـ میدان فردوسی پلاک ۳۷	۶۰/۰۰۰/-	شرکت نیکوکار (سهامی خاص)	تجارت	تهران،خیابان آزادی ـ پلاک ۱۱۰

شرح واخواست	نتیجه عملیات دادگاه ومأمور اجرا
ریاست محترم دادگاه عمومی حقوقی تهران سررسید براتی که رونوشت آن درپایین نوشته میشود مطابق است با پانزدهم مرداد یکهزار و سیصد و شصت و پنج چون برات گیر شرکت نیکوکار (سهامی خاص) مبلغ مندرج در برات را نپرداخته بنابراین واخواست می نماید امضاء و مهر حسین تقی زاده شماره کنترل خزانه داریکل ۱۸۷۰۵۴ سری ج برات تا مبلغ شصت هزار ریال تمبر ۳۰۰ ریالی سررسید ۱۳۶۵/۵/۱۵ جای پرداخت تهران (این قسمت توسط بانک تکمیل شود) مبلغ به عدد ۶۰/۰۰۰/- ریال تاریخ صدور تهران پانزدهم اردیبهشت ماه شصت و پنج (تاریخ صدور ـ سررسید ـ روز ـ ماه ـ سال با تمام حروف نوشته شود) خواهشمند است در تاریخ پانزدهم مرداد ماه شصت و پنج در مقابل این برات که نسخه اول است و نسخه دوم قابل پرداخت نیست در وجه یا بحواله کرد شرکت آب معدنی (سهامی خاص) مبلغ شصت هزار ریال (مبلغ با تمام حروف نوشته شود) بپردازید. نام برات دهنده شرکت عادل (سهامی خاص) امضاء برات دهنده مدیرعامل نام برات گیر شرکت نیکوکار (سهامی خاص) محل اقامت تهران ـ خیابان آزادی پلاک ۱۱۰ محل پرداخت تهران ـ خیابان انقلاب بانک ملی شعبه دانشگاه تهران ظهر برات وجه برات تماماً از شرکت درج خراسانی (سهامی خاص) دریافت شد در سررسید در وجه یا حواله کرد آن شرکت کارسازی فرمایید. شرکت آب معدنی (سهامی خاص) مهر و امضاء ۱۳۶۵/۵/۱	

بخش سوم

سَفْتِه

Promissory Note

الف ـ تعریف سفته

سفته (به فتح سین) یا فَته‌طلب (سندطلب) از نظر لغوی چیزی است که کسی برحسب آن از دیگری به رسم عاریت یا قرض بگیرد و در شهری دیگر یا مدتی بعد، آن را مسترد دارد.

مادّهٔ ۳۰۷ قانون تجارت ایران، سفته را به طریق ذیل تعریف نموده است: «**فته طلب (سفته) سندی است که به موجب آن امضاءکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معینی و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید**».

ب ـ ماهیت حقوقی سفته

امضای سفته برخلاف برات ذاتاً عمل تجارتی نمی‌باشد، زیرا مادّهٔ ۳۱۸ ق.ت. مقرر می‌دارد: «**دعاوی راجعه به برات و فته‌طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای ۵ سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود...**».

در تفسیر قسمت اوّل مادّهٔ فوق‌الذکر هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره $\frac{۲۷۸۳}{۱۳۳۹/۹/۱۲}$ چنین اعلام نظر نموده که (شرط و قید مذکور در مادّهٔ ۳۱۸ ق.ت. که در فصل ۴ در مورد مرور زمان انشاء گردیده) و می‌گوید: «**دعاوی راجعه به برات و فته‌طلب و چک که از طرف تجار برای امور تجارتی صادر شده مربوط به فته‌طلب و**

چک معامله می‌باشد و ارتباطی با برات ندارد».

بنابراین امضای سفته در صورتی که از طرف تجار یا برای امور تجارتی باشد، عمل تجارتی محسوب می‌شود.

ج ـ شرایط شکلی سفته

مادّهٔ ۳۰۸ قانون تجارت ایران مقرر می‌دارد: «فته‌طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱ ـ مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف

۲ ـ گیرنده وجه

۳ ـ تاریخ پرداخت

قید کلمه «سفته» بر روی ورقه سفید به‌منظور آگاه ساختن اشخاص ذی‌نفع از نوع سند تجارتی ضروری می‌باشد».

د ـ وعده سفته

سررسید پرداخت مبلغ مندرج در سفته ممکن است به ترتیب زیر نوشته شود:

ـ به رؤیت

پس از قید این کلمه در متن سفته، متعهد سفته مکلف است به محض ارائه سفته از طرف دارندهٔ سفته (اعم از متعهدله یا ظهرنویس) مبلغ مندرج در سفته را در وجه دارنده بپردازد، ولی دارنده باید سفته مزبور را ظرف مدت یک سال از تاریخ صدور آن به متعهد ارائه نماید و الاّ حق مراجعه به ظهرنویس‌های سفته را نخواهد داشت. منظور از کلمهٔ عندالمطالبه در مادّهٔ ۲۷۴، سفته به رؤیت است.

ـ به وعده از رؤیت

هرگاه در متن سفته، سررسید آن به وعده از رؤیت (مثلاً ۱۰ روز پس از رؤیت متعهد) باشد در چنین صورتی دارنده سفته باید در ظرف مهلت یک سال از تاریخ سفته، آن را به رؤیت برساند والا از مراجعه به ظهرنویس‌ها محروم خواهد شد.

ـ به وعده از تاریخ سفته

در این نوع سفته، مهلت پرداخت از تاریخ صدور سفته شروع می‌شود (مادّهٔ ۲۴۱ ق.ت.).

ـ به روز معین

امروزه اغلب سفته‌ها به روز معین صادر می‌گردد، مثلاً قید می‌گردد: «اینجانب متعهد

می‌شوم که در تاریخ پانزدهم مرداد ماه یکهزاروسیصد و شصت‌وپنج مبلغ ده‌هزار ریـال در وجه ... بپردازم». آخرین روز پرداخت وجه سفته، یک‌روز تمام را شامل می‌شود. اگر به هنگام ارائه سفته روز سررسید با روز تعطیل مصادف باشد، سررسید اولین روز غیرتعطیل خواهد بود. و روز مبدأ جزء مدت شروع وعده محسوب نمی‌شود.

هـ ـ مکان تأدیه وجه سفته

رأی وحدت رویه ردیف ۴ مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۶ به دارنده سفته امکان می‌دهد که دعوی خود را با عنایت به مواد ۲۱ و ۲۲ آ.د.م[1] در محل اقامت خوانده یا محل وقوع عقد یا قرارداد و یا محل انجام تعهد طرح نماید. هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور در این مورد چنین اظهارنظر نموده است:

«حکم مقرر در مادّه ۲۲ ق.آ.د.م راجع به مراجعه خواهان به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد و یا محل انجام تعهد، قاعده عمومی صلاحیت نسبی دادگاه محل اقامت خوانده راکه در مادّه ۲۱ قانون مزبور پیش‌بینی شده نفی نکرده، بلکه از نظر ایجاد تسهیل در رسیدگی به دعاوی بازرگانی و هر دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قرارداد ناشی شده باشد، انتخاب بین سه دادگاه را در اختیار خواهان گذاشته است».

و ـ ظهرنویسی سفته

انتقال سفته به وسیلهٔ ظهرنویسی به عمل می‌آید (مواد ۲۴۵ و ۳۰۹ ق.ت.) ؛ اما اگر متعهد سفته (کلمهٔ «حواله کرد» را خط زده) یا کلمات «غیرقابل انتقال بودن» یا اصطلاح معادل آن را در سفته بنویسد در این صورت انتقال سفته با ظهرنویسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

ظهرنویسی سفید امضاء یا سفیدمهر

ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد. ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که سفته به او انتقال داده شده قید گردد (مواد ۲۴۶ و ۳۰۹). مطابق این مواد همان‌طوری که در بخش دوم راجع به برات گفته شد، ظهرنویسی سفید امضاء یا سفید مهر در سفته مانند برات است. با توجه به ابهام موجود در مادّهٔ ۲۴۶ ق.ت. آنچه مسلم است ظهرنویسی سفید امضاء یا سفید مهر در حکم تفویض وکالت از طرف ظهرنویس

۱- با توجه به تصویب قانون آئین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱، مفاد مواد مذکور به مادّهٔ ۱۳ تغییر یافته است.

به منتقل‌الیه است که به موجب آن بتواند در سفید امضاء سفته، نام خود یا دیگری را نوشته، حتی با قبض و اقباض آن را به شخص ثالثی انتقال دهد.

مسئولیّت تضامنی متعهد سفته و ظهرنویس‌ها و ضامن

با استناد به مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ ق.ت. دارندهٔ سفته می‌تواند به کلیهٔ امضاکنندگان سفته (اعم از متعهد یا ظهرنویس‌ها) به‌طور انفرادی یا جمعی مراجعه و در صورت امتناع اشخاص اخیرالذکر از پرداخت مبلغ مندرج در سفته علیه آنان مبادرت به طرح دعوی نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به متعهد و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد.

امضاء شخص ثالث در پشت سفته

به نظر می‌رسد، اگر شخص ثالثی ظهر سفته را بدون درج هرگونه مطلبی امضاء نماید، ظهرنویس سفته محسوب شده و با کلیه امضاکنندگان سفته مسئولیّت تضامنی خواهد داشت و چنین تفسیری با توجه به تئوری حقوق مبادله‌ای یا تعهد مبادله‌ای در جهت تقویت حقوق دارنده سفته خواهد بود.

ز ـ اعتراض یا پروتست (Protest)

اگر متعهد سفته در سررسید، از پرداخت مبلغ مندرج در آن امتناع کند، دارنده سفته مکلف است به موجب نوشته‌ای که واخواست یا اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود، در ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وعده سفته، اعتراض خود را به‌عمل آورد (مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۳۰۹ ق.ت.) پس از واخواست یا اعتراض عدم تأدیه که برابر آئین دادرسی مدنی به متعهد سفته ابلاغ می‌گردد، دارنده سفته می‌بایست ظرف مدت یک سال در مورد سفته‌ای که درایران باید پرداخت شود و ظرف مهلت دوسال در مورد سفته‌ای که در خارج از ایران باید تأدیه شود، علیه متعهد سفته اقامهٔ دعوی نماید و در چنین صورتی است که دارندهٔ سفته می‌تواند از حق پیش‌بینی شده در مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ قانون تجارت استفاده نموده و محکومیت کلیهٔ امضاکنندگان سفته را به نحو تضامن از دادگاه ذیصلاح تقاضا نماید.

نمونه‌های کاربردی

سفته

نمونه برگ سفته:

۸۷۷۰۲۷

(سری / ب)

مبلغ ______

تاریخ ______

سر رسید ______

نام بستانکار ______

نام متعهد ______

محل اقامت ______

محل پرداخت ______

سفته تا مبلغ پانصد هزار ریال



شماره خزانه داری کل	شماره	جای پر داخت	سر رسید
۸۷۷۰۲۷ (سری / ب)			۱۳۵۹/۳/۱

مبلغ به عدد ______ تاریخ صدور اول اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و نه

(تاریخ صدور و سر رسید - روز - ماه - سال با تمام حروف نوشته شود)

اینجانب متعهد میشوم / اینجانبان متعهد میشویم که در تاریخ اول خرداد ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و نه در مقابل این سفته

به حواله کرد ______

مبلغ یکهزار و پانصد ریال ______ ریال بپردازم / بپردازیم

(مبلغ با تمام حروف نوشته شود)

نام متعهد ______

محل اقامت ______

محل پرداخت ______

امضاء متعهد ______

مدیر عامل

تاریخ ۱۳



واخواست‌نامه

(مخصوص واخواست سفته)

واخواست کننده		خواسته		شخص یا بنگاه و یا شرکتی که علیه او واخواست می‌شود	
	نام شرکت دوچرخه‌سازی (سهامی خاص) شغل تجارت جای اقامت تهران خ فردوسی پ ۲۷	د	ریال: ۱۰/۰۰۰		نام شرکت نیکوکار (سهامی خاص) شغل تجارت جای اقامت تهران خ آزادی پلاک ۱۱۰

شرح واخواست

ریاست دادگاه عمومی تهران

سررسید سفته‌ای که رونوشت آن در پائین نوشته می‌شود مطابق است با روز اول ماه خرداد یکهزار و سیصد و پنجاه و نه چون متعهد نپرداخته است تقاضای واخواست می‌نماید.

امضاء حسین تقی‌زاده

نتیجه عملیات دادگاه و مأمور اجراء

شماره کنترل خزانه‌داریکل ۸۷۷۰۲۷ (سری ب)

جای تمبر

سررسید ۱۳۵۹/۳/۱ — جای پرداخت تهران — شماره ....

(این قسمت بایستی توسط بانک تکمیل شود)

۱۰/... ریال بتاریخ اول اردیبهشت پنجاه و نه

مبلغ با ارقام — (روز ماه سال با تمام حروف نوشته شود)

در تاریخ اول خرداد هزار و سیصد و پنجاه و نه اینجانب متعهد می‌شوم / اینجانبان متعهد می‌شویم که در مقابل این سفته بحواله کرد شرکت آب‌های معدنی (سهامی خاص)

مبلغ ده هزار ریال تمام بپردازم / بپردازیم

(مبلغ با تمام حروف نوشته شود)

امضاء متعهد شرکت نیکوکار (سهامی خاص) — نام متعهد شرکت نیکوکار (سهامی خاص)

سری ب ۱ سفته تا ده هزار ریال — محل اقامت تهران خ آزادی پ ۱۱۰

امضاء متعهد دارد — جای پرداخت تهران خ آزادی بانک ملی شعبه آزادی

ظهر سفته: وجه سفته تماماً از شرکت دوچرخه‌سازی (سهامی خاص) دریافت شد در سررسید در وجه یا حواله کرد که شرکت ... بپردازید مهر و امضای حسین تقی‌زاده

نام واگذارنده: شرکت آب‌های معدنی (سهامی خاص) — شماره حساب جاری ۶۱۰۱۱

فرم شماره ۵۴/۲/۲۰-۰۱/۱۱۷ دفتر طرح و برنامه‌ریزی

چاپ روزنامه رسمی کشور



برگه واخواست نامه

تاریخ	معترض: نام	شغل	محل اقامت	خواسته	معترض علیه: نام	شغل	محل اقامت
۶۵/۲/۱۰	شرکت دوچرخه سازی کارساز (سهامی خاص)	تجارت	تهران – خیابان فردوسی– میدان فردوسی پلاک ۲۷	۱۰/۰۰۰ـــــ	شرکت نیکوکار (سهامی خاص)	تجارت	تهران، خیابان آزادی پلاک ۱۱۰

شرح واخواست

ریاست محترم دادگاههای عمومی

سررسید سفته‌ای که رونوشت آن در پایین نوشته میشود مطابق است با روز اول خردادماه یکهزارو سیصدو شصت و پنج با اینکه متعهد وجه آنرا پرداخت ننموده است لذا واخواست می نماید.

حسین تقی زاده

مهر و امضاء

نتیجه عملیات دادگاه و مأمور اجرا

۸۷۷۰۲۷

شماره خزانه‌داری کل سری ب نمره ۵۰ـ

ریالی شماره جای پرداخت تهران سررسید ۱۳۶۵/۲/۱

(این قسمت توسط بانک تکمیل میشود) مبلغ به عدد ۱۰/۰۰۰/ تاریخ صدور– اول اردیبهشت ماه شصت و پنج (تاریخ صدور– سررسید – روز– ماه– سال با تمام حروف نوشته شود)

اینجانب متعهد میشوم / اینجانبان متعهد میشویم که در تاریخ اول خردادماه یکهزاروسیصد و شصت و پنج در مقابل این سفته به حواله کرد شرکت آبهای معدنی (سهامی خاص) مبلغ ده‌هزار ریال تمام بپردازم / بپردازیم (مبلغ با تمام حروف نوشته شود).

نام متعهد شرکت نیکوکار (سهامی خاص)

محل اقامت: تهران خیابان آزادی پلاک ۱۱۰

محل پرداخت: تهران، خیابان آزادی، بانک ملی شعبه آزادی، پلاک ۲۰

(امضاء متعهد: شرکت نیکوکار (سهامی خاص)

مدیرعامل – عضو هیئت مدیره

ظهر سفته – وجه سفته تماماً از شرکت دوچرخه سازی کارساز (سهامی خاص) دریافت شد در سررسید، در وجه حواله کرد آقا/شرکت کارسازی فرمایید.

شرکت آبهای معدنی (سهامی خاص)

مهر و امضاء ۱۳۶۵/۲/۱۵

بخش چهارم

چک

الف ـ تعریف چک

چک کلمه‌ای فارسی است، به معنی نوشته‌ای که به وسیلهٔ آن از پولی که در بانک دارند، مبلغی دریافت داشته یا به کسی دیگر حواله دهند.

مقررات چک در ایران، از مادّهٔ ۳۱۰ تا مادّهٔ ۳۱۷ قانون تجارت (مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ هجری شمسی) پیش‌بینی شده است.

به موجب مادّهٔ ۳۱۰ ق.ت، چک عبارت است از نوشته‌ای که به موجب آن صادرکننده وجوهی راکه در نزد محال‌علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.

طبق تعریف بالا محال‌علیه اعم از بانک، صرافی و یا هر شخص دیگر می‌باشد که صادر کننده می‌تواند وجوهی را در نزد محال‌علیه داشته باشد و صاحب حساب می‌تواند چک را به نام خود یا به حواله‌کرد دیگری صادر نماید. قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵ چک را تعریف ننموده است ولی می‌توان گفت:

چک سندی است به‌منظور پرداخت مبلغ معینی که در حساب صادرکننده موجود است و بر روی بانک کشیده می‌شود تا در وجه یا به حواله‌کرد دارنده یا حامل پرداخت گردد.

ب ـ وجوه اشتراک و افتراق چک با برات

وجوه اشتراک

ـ در تنظیم چک نیز مانند برات، اصولاً صادر کننده چک (محیل)، دارندهٔ آن (محال‌له) و پرداخت‌کننده (بانک محال‌علیه) دخالت دارند.

ـ از نظر ضمانت صادرکننده، ظهرنویس‌ها، اعتراض، اقامهٔ دعوی، ضمان و مفقود شدن،

چک همانند برات است (مادهٔ ۳۱۴ ق.ت.).

وجوه افتراق

ـ چک برخلاف برات وسیلهٔ اعتباری محسوب نشده، بلکه به صورت سندی جانشین پول نقد می‌شود که تاجر یا غیرتاجر از آن برای پرداخت یا استرداد وجه استفاده می‌کنند.

ـ چک فقط بر روی بانک کشیده می‌شود ولی در برات کلمهٔ محال‌علیه عمومیت دارد و شخص دیگری غیر از بانک می‌تواند براتگیر باشد.

ـ به هنگام صدور چک، محل آن باید در بانک تأمین شده باشد در غیر این صورت صادر کننده با ضمانت اجرائی جزایی مواجه خواهد شد.

ـ چک را در وجه حامل می‌توان صادر کرد ولی در برات اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می‌شود باید قید گردد.

ـ بانک محال‌علیه نباید در چک قبولی خود را بنویسد، ولی در برات، محال‌علیه باید قبولی خود را اعلام داشته و در سررسید، وجه آن را پرداخت نماید.

ـ صدور چک ذاتاً عمل تجارتی محسوب نمی‌شود، ولی صدور برات ذاتاً عمل تجارتی است.

ـ حق تمبر چک با توجه به میزان آن مبلغی ثابت است که این مبلغ در برات متغیّر می‌باشد.

ـ اگر محال‌علیه برات از نوشتن قبولی امتناع ورزد، دارندهٔ برات فقط حق طرح دعوی مدنی دارد، ولی در چک حق تعقیب کیفری داشته و یا می‌تواند علیه صادر کننده اجرائیه صادر نماید.

ج ـ انواع چک

ـ **چک عادی:** این چک را صاحب حساب به روی بانک محال‌علیه در وجه خود یا حامل و یا دروجه شخص معین یا به حواله‌کرد او صادر می‌نماید.

ـ **چک بسته:** چک بسته، همان چک معمولی است که دو خط موازی بر روی آن به‌طور مورّب خواه توسط صادرکننده و یا دارندهٔ چک کشیده می‌شود.

این دو خط موازی به معنای آن است که مبلغ مندرج در چک مزبور فقط توسط بانک محال‌علیه (بانک صاحب حساب) به بانک دیگری که دارندهٔ چک در آن حساب دارد، پرداخت می‌گردد. چک بسته بر دو نوع است:

ـ **چک بسته عام:** که هیچ‌گونه مطلبی میان دو خط وجود نداشته باشد. دیگری چک‌بسته‌خاص

که نام بانکدار مشخصی بین دو خط موصوف قید شده باشد.
بدیهی است در چنین صورتی مبلغ مندرج در چک فقط به بانکی که روی چک نام آن نوشته شده، پرداخت می‌گردد.
ـ چک مسافرتی یا تراولر چک: چکی است که بانک صادرکننده آن را به‌عهدهٔ خودش می‌کشد و در شعب بانک فوق یا نمایندگان و کارگزاران آن قابل‌پرداخت می‌باشد.
ـ چک بانکی یا تضمین شده: چکی است که از طرف بانک بر روی خود بانک صادر می‌شود و پرداخت آن توسط بانک مزبور تضمین شده می‌باشد.
انواع دیگر چک عبارتند از: ۱ ـ چک پستی ۲ ـ چک‌های صندوقی ۳ ـ حواله‌های بانکی ۴ ـ چک‌های وعده‌دار ۵ ـ چک‌های صورتحسابی ۶ ـ چک رسیده ۷ ـ چک تأئید شده.

د ـ شرایط صدور چک

برای حفظ اعتبار چک در قوانین کلیه کشورها شرایط شکلی و ماهوی پیش‌بینی شده است.

اوّل ـ شرایط شکلی

شامل مندرجات الزامی و اختیاری بر روی چک است که ذیلاً مورد بررسی قرارمی‌گیرد.

اولاً ـ مندرجات الزامی

۱ـ نوشتن کلمه چک بر روی برگ چک ـ اگر چه قانونگذار در مورد قید کلمه چک بر روی برگ چک سکوت اختیار نموده است، ولی بانک‌ها در دسته چک‌هایی که در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند، کلمه مذکور را نیز چاپ می‌نمایند.
۲ـ تعهد بدون قید و شرط پرداخت مبلغ معین ـ قید هر گونه شرطی برای پرداخت وجه چک بلااثر خواهد بود (مادّهٔ ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵).
۳ـ نام کسی که مبلغ چک را پرداخت می‌نماید (محال‌علیه) ـ امروزه بانک‌ها، محال‌علیه چک‌های صادره از طرف مشتریان خود می‌باشند.
۴ـ محلی که باید چک در آنجا پرداخت شود ـ معمولاً محل پرداخت چک بر روی چک از طرف بانک قید می‌گردد؛ مثلاً: بانک ملی ایران شعبهٔ دانشگاه تهران.
۵ـ محل و تاریخ صدور چک ـ برابر مادّهٔ ۳۱۱ قانون تجارت ایران در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده باشد و این امر به جهت رعایت مهلت‌های مقرر در مادّهٔ ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت. برای مطالبهٔ مبلغ مندرج در چک از ظهرنویس حائز کمال اهمیت می‌باشد.

۶ـنام گیرندهٔ چک ـ برابر مادّهٔ ۳۱۲ ق.ت. ایران «چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله‌کرد باشد و ممکن است به صرف امضاء در ظهر چک به دیگری منتقل شود».
۷ـ امضاء صادرکنندهٔ چک ـ مادّهٔ ۳۱۱ ق.ت. مقرر می‌دارد «چک باید... به امضای صادرکننده برسد...».

ثانیاً ـ مندرجات اختیاری
قید نکات اختیاری در چک هیچ‌گونه تأثیری در پرداخت وجه آن ندارد و در صورتی که پرداخت وجه چک منوط به تحقق شرطی بوده و یا چک به‌عنوان تضمین معامله یا تعهدی باشد، بانک محال‌علیه توجهی به‌آن نمی‌نماید.

دوم ـ شرایط ماهوی
چک نیز مانند برات و سفته باید از شرایط ماهوی اعمال حقوقی، شامل اهلیت، رضایت و علت تعهد، پیروی نماید.
ـ **اهلیت**: برای صدور چک داشتن اهلیت پرداخت ضروری است؛ لذا محجورین که شامل: (صغار، اشخاص غیررشید، مجانین) می‌باشند، حق صدور چک و دادن دستور پرداخت مبلغ معین در وجه دارنده آن را ندارند.
ـ **رضایت**: رضایت صادرکننده چک که مبین قصد انشاء او بوده و با امضای چک ظاهر می‌گردد، نباید به علل اشتباه و اکراه، معلول گردد.
ـ **علت تعهد**: صادرکننده چک که عهده‌دار پرداخت مبلغ مندرج در چک بوده، ممکن است در قبال چک صادره وجه یا کالایی از دارنده چک دریافت کرده باشد؛ در این صورت با عدم پرداخت وجه چک در سررسید آن فی‌الواقع مبلغ مزبور را من غیر حق دریافت کرده است و ضامن عین مبلغ و منافع آن است. ضمناً علت تعهد باید مشروع باشد.

هـ ـ ظهرنویسی و انتقال چک
در صورتی که چکی در وجه شخص معینی یا به حواله‌کرد او صادر شده باشد، شخص مزبور می‌تواند با ظهرنویسی، چک را به دیگری انتقال دهد.
چک ممکن است به صرف امضاء دارنده در ظهر آن به دیگری منتقل شود (مادّهٔ ۳۱۲ ق.ت.).
اگر چک در وجه حامل باشد، انتقال با قبض و اقباض صورت می‌گیرد و نیازی به ظهرنویسی و امضاء ندارد و چنانچه در متن چکی که به نام شخص معینی صادر گردیده

است، به حواله کرد خط کشیده شده و یا کلماتی از قبیل غیرقابل انتقال و امثال آن نوشته شود، این چک قابل ظهرنویسی و انتقال به دیگری نمی‌باشد.
ظهرنویسی سفید امضاء در مورد چک نیز مانند برات پذیرفته شده است. به عبارت دیگر دارنده چک می‌تواند فقط با امضاء خود در پشت چک آن را به دیگری انتقال دهد و نیازی به قید نام منتقل‌الیه و تاریخ انتقال در ذیل امضای خود ندارد.
ظهرنویسی، کلیهٔ حقوق ناشی از چک را از دارنده به دیگری منتقل می‌نماید و ظهرنویس ضامن پرداخت وجه چک می‌باشد، مگر آنکه خلاف آن را ثابت نماید.
به‌طور کلی، ظهرنویسی و انتقال‌چک و ضمانت‌ظهرنویس‌ها، از مقررات مربوط به‌برات‌تبعیت می‌نماید، زیرا مادهٔ ۳۱۴ ق.ت. می‌گوید: «... **مقررات راجع به بروات از لحاظ ظهرنویس‌ها، اعتراض، ضمانت صادرکننده، اقامهٔ دعوی، ضمان و مفقودشدن، شامل‌چک نیز خواهد بود».**

و ـ پرداخت چک

اوّل ـ فوریت پرداخت وجه چک

مطابق مادّه ۳۱۳ قانون تجارت «**وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود**»؛ بنابراین اولاً: دارندهٔ چک امکان وصول فوری وجه چک را دارد، ثانیاً: چک نباید وعده‌دار باشد. (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲)
در حال حاضر برابر مادّهٔ ۱۳ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، صدور چک بدون تاریخ و یا اینکه تاریخ واقعی صدور مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد قابل تعقیب کیفری نیست.

دوم ـ مهلت ارائهٔ چک به بانک

برای اینکه دارنده چک بتواند از حقوق و تضمینات پیش‌بینی شده در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت استفاده نماید، باید در ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور چک وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطهٔ دیگر ایران صادر شده باشد باید ظرف ۴۵ روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود و در مورد چک‌های صادره در خارج کشور، دارندهٔ چک مکلف است در ظرف مهلت ۴ ماه از تاریخ صدور، وجه چک را مطالبه نماید (قسمت اخیر مادّه ۳۱۷) در غیر این‌صورت، برابر قسمت دوم مادّهٔ ۳۱۵ ق.ت. «**دعوای او برعلیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود، دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست».**

مادّهٔ ۱۱ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵، مهلت مطالبه وجه چک را از بانک محال‌علیه برای تعقیب کیفری صادرکننده مدت ۶ ماه از تاریخ صدور چک و یا ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت، تعیین نموده است.

سوم ـ مسئولیّت بانک در پرداخت

به‌طور کلی، متّصدی بانک برای پرداخت وجه چک به نکات زیر توجه می‌نماید:

ـ رعایت مقررات راجع به تنظیم چک.

ـ احراز هویت مطالبه کننده وجه چک.

ـ رسیدگی به مرتب بودن ردیف ظهرنویس‌ها با تسلسل امضائات.

ـ پرداخت وجه چک فقط به کسی که نام وی در متن چک نوشته شده باشد.

در صورت قلم خوردگی چک تصحیح آن باید با امضای صادرکننده چک در پشت چک انجام شود.

ـ امضای پشت چک توسط دارنده آن در حضور متّصدی بانک به هنگام مطالبه وجه چک.

ـ تطبیق امضای صادرکننده چک با نمونهٔ امضای وی توسط متّصدی بانک.

ـ دستور عدم پرداخت وجه چک.

مادّهٔ ۱۴ قانون اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱، دستور عدم پرداخت وجه چک را در موارد ذیل پیش‌بینی نموده است:

ـ در صورت جعل چک، در مورد سرقت چک، در صورت گم شدن چک.

ـ در موارد تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا ارتکاب جرایم دیگر.

ضمناً دستور پرداخت وجه چک به بانک باید به‌صورت کتبی باشد و بانک نیز مکلف است که بدواً هویت دستور دهنده را احراز نموده، سپس از پرداخت وجه چک استنکاف کند. در این صورت باید به ارائه‌دهنده چک، گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده، صادر و تسلیم نماید، دارندهٔ چک حق دارد علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده است، طرح دعوی نماید و اگر اثبات کند که دستور دهنده برخلاف واقع موجب عدم پرداخت گردیده، دادگاه، دستور دهندهٔ عدم پرداخت را علاوه بر مجازات مقرر در مادّهٔ ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارندهٔ چک محکوم خواهد کرد.

چهارم ـ عدم پرداخت و اعتراض

اگرچه طبق مادّهٔ ۳۱۴ قانون تجارت، اعتراض عدم پرداخت چک از مقررات مربوط به

برات (مادّهٔ ۲۹۳ تا ۲۹۷) تبعیت می‌نماید، لیکن انجام تشریفات نکول (تنظیم واخواست و ارسال آن به صادرکننده و یا به ظهرنویس و ظهرنویسان) در مورد چک ضرورتی نداشته و گواهی عدم پرداخت صادره از طرف بانک جایگزین واخواست‌نامه یا پروتست بوده و برای عدم تأدیه چک کافی می‌باشد.

دارندهٔ چک می‌بایست در مهلت‌های مقرر ۱۵ یا ۴۵ روز یا چهارماه از تاریخ صدور چک، برحسب مورد، جهت مطالبه چک به بانک مراجعه نموده و در صورت عدم تأدیه، گواهی‌نامه عدم پرداخت دریافت نماید، در غیر این‌صورت به ظهرنویس یا ظهرنویسان و به صادرکننده‌ای که وجه چک را به محال‌علیه رسانیده و به سببی که مربوط به شخص اخیر باشد (مثلاً ورشکستگی در مورد بانک) وجه چک از بین برود، حق مراجعه نخواهد داشت. مقررات بروات در مورد مسئولیّت تضامنی امضاکنندگان و تقاضای صدور تأمین خواسته از دادگاه شامل چک مزبور نخواهد بود.

پنجم ـ پرداخت بعد از فوت صاحب حساب

در مادّهٔ ۱۵ مقررات و شرایط عمومی حساب جاری بانک‌ها مقرر گردیده است: **«چنانچه صاحب حساب و در مورد حساب‌های مشترک یکی از دارندگان حساب فوت نماید، مادام که اطلاع کتبی به بانک نرسیده باشد و چک‌های صادره عهده حساب مزبور پرداخت شود، هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه بانک نخواهد بود. پس از اطلاع از فوت مشتری، بانک چک‌هایی را که تاریخ صدور آن مقدم به تاریخ فوت باشد پرداخت و از پرداخت چک‌هائی که تاریخ صدور آن مؤخر به تاریخ فوت باشد خودداری خواهد نمود».**

ششم ـ پرداخت و مسألهٔ گم شدن چک یا سرقت، جعل یا تحصیل آن از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت یا ارتکاب جرایم دیگر

اولاً ـ پرداخت و گم شدن چک

ممکن است چک گم شده در وجه حامل و یا به نام شخص معین یا به حواله کرد او باشد.

۱ـ گم شدن چک در وجه حامل ـ اگر چک در وجه حامل مفقود شود در این صورت از نظر تعقیب حقوقی مطابق مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ ناظر به مادّهٔ ۳۲۸ و مادّه ۳۲۹ ناظر به مادّهٔ ۳۲۴ راجع به اسناد در وجه حامل به شرح زیر عمل می‌شود:

ـ مادّهٔ ۳۳۲ ق.ت. می‌گوید: **«هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در مادّه ۳۲۲ نباشد به ترتیب**

ذیل رفتار خواهد شد:

محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم شدن سند را قابل اعتماد دید حکم می‌دهد که مدیون، وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضاء اجل (در صورت مؤجّل بودن) به صندوق عدلیه بسپارد».

ـ مادّه ۳۳۳ ق.ت. مقرر می‌دارد: «اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق مادّهٔ ۳۲۸ رفتار و الاّ وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می‌شود».

۲ـ گم شدن چک به نام شخص معین یا به حواله کرد او ـ اگر چک در وجه شخص معین مفقود شود باید بدواً به نزدیکترین ظهرنویس رجوع نموده و با راهنمائی توأم با تفویض اختیار به ترتیب به ظهرنویس‌های دیگر و بالاخره به صادرکننده چک مراجعه نمود، و از شخص اخیر چک دیگری دریافت کرده و وجه آن را از بانک محال‌علیه وصول کند؛ در غیر این‌صورت دارندهٔ چک گم شده با تقدیم دادخواست به دادگاه صلاحیت‌دار، وجه چک را از مدیون مطالبه می‌نماید و دادگاه با گرفتن ضامن از مدعی، دستور پرداخت مبلغ چک را توسط مدیون در وجه مدعی صادر می‌نماید. مدت ضمانت ضامن ۳ سال است به شرط آنکه ضامن مدتی برای ضمانت خود تعیین نکرده باشد. حال اگر از طرف کسی در ظرف مدت مذکور علیه ضامن اقامهٔ دعوی نشده و یا مبلغ چک رسماً از او مطالبه نشود، دیگر هیچ‌گونه دعوائی از این حیث علیه ضامن در دادگاه مسموع نیست.

ثانیاً ـ پرداخت و سرقت چک یا جعل و یا تحصیل آن از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت یا ارتکاب جرایم دیگر

در صورتی که صادرکننده چک یا ذی‌نفع یا قائم‌مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت... تحصیل گردیده، کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک می‌دهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائهٔ چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام صادر شده، صادر و تسلیم می‌نماید. دارندهٔ چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت را داده شکایت کند...» (مادّهٔ ۱۴ اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱).

ز ـ صدور اجرائیه و اقامه دعوی حقوقی و تعقیب جزائی

اوّل ـ صدور اجرائیه

مادّهٔ ۲ قانون اصلاح[1] قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵، چک را در حکم سند لازم‌الاجرا دانسته و مطابق مادّهٔ مارالذکر دارندهٔ چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجرائیه ارائه و تسلیم عین چک و گواهینامهٔ عدم پرداخت به اجرای ثبت اسناد الزامی است. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارندهٔ چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک یا قائم‌مقام قانونی آنان».

دوم ـ اقامهٔ دعوا حقوقی

طرح دعوا حقوقی علیه متعهد، با وجود مادّهٔ ۲ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵ که چک را در حکم سند لازم‌الاجرا می‌داند و با توجه به بطی دادرسی، کاری پرزحمت و مستلزم صرف زمان بیشتری خواهد بود. ولی اگر صادرکننده چک ملائت نداشته باشد، اصلح است که علیه ظهرنویسان چک و ضامن (اگر باشد) در دادگاه حقوقی با استعانت از مواد ۳۱۴ و ۲۹۴ و ۲۸۶ و ۲۴۹ قانون تجارت طرح دعوا کرده و محکومیت آنان را به نحو تضامنی تقاضا نمود.

سوم ـ تعقیب جزائی

۱ـ شرایط تعقیب جزائی چک بدون محل

برابر مادّه ۱۱ قانون اصلاح قانون صدور چک، به شرح زیر می‌باشد؛

اولاً: مراجعه به بانک محال‌علیه ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور چک و طرح شکایت ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور گواهینامهٔ عدم پرداخت.

ثانیاً: طرح دعوای جزایی از طرف دارنده چک بدون محل با تسلیم شکوائیه به دادسرا

---

۱ ـ نظریه ۱۳۶۲/۴/۲۴ـ۷/۱۵۹۴ ل.ح.ق.

به‌انضمام فتوکپی مصدق پشت و روی چک و گواهینامه عدم پرداخت.

ثالثاً: به موجب مادّه ۱۰ اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱ «هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به‌صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدورچک بی‌محل خواهد بود و به حدّاکثر مجازات مندرج در مادّه ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق است».

با مقایسه این مادّه با مادّه ۹ سابق (که مجازات قابل تعلیق بود) ملاحظه می‌شود که تشدید مجازات در مادّه ۱۰ فوق‌الذکر مغایر با اجرای سیاست کیفری در زمینه انطباق مجازات با شخصیت مجرم می‌باشد؛ به‌علاوه، مادّه اخیر به عنصر سوءنیت اشاره‌ای ننموده و ممکن است مسدود بودن حساب مربوط به موارد دیگری غیر از اقدام عالمانه صاحب حساب باشد.

رابعاً: مادّه ۷ اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲ مقرّر می‌دارد: «هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ج ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به اصدار چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.»

۲ـ در موارد زیر چک قابل تعقیب کیفری نخواهد بود

ـ هرگاه چکی پس از برگشت از بانک به‌دیگری انتقال داده شده باشد، در این صورت منتقل‌الیه حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آنکه انتقال قهری باشد؛ مانند اینکه دارنده چک فوت کرده و ورّاث قهراً منتقل‌الیه باشند (قسمت سوم مادّه ۱۱ قانون اصلاح قانون صدور چک).

ـ در صورت فوت صادرکننده چک، حق تعقیب کیفری برای دارنده ساقط می‌شود.

ـ پرداخت وجه چک قبل از تاریخ شکایت دارنده چک.

در صورت گذشت صادرکننده یا موافقت او که مدیون ترتیبی برای پرداخت وجه چک داده یا موجبات پرداخت را در بانک محال‌علیه فراهم سازد.

ـ در صورت عدم مراجعه ذی‌نفع ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور چک به بانک محال‌علیه.

ـ در صورت عدم شکایت کیفری ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور گواهینامه عدم‌پرداخت.

۳ـ مواردی که چک به موجب مادّه ۱۳ (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲)، صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست.

الف ـ در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده باشد.
ب ـ هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.
ج ـ چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
د ـ هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
هـ ـ در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدّم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

۴ـ مطالبهٔ خسارات و هزینه‌های وارده به طلبکار ناشی از صدور چک بدون محل

دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارده که مستقیماً و به‌طور متعارف در وصول طلب خود ناشی از صدور چک متحمل شده است در جریان دعوا یا پس از صدور حکم با تقدیم دادخواست از همان دادگاه صادرکننده حکم تقاضا کند. (تبصرهٔ الحاقی به مادّه ۲، ۱۳۷۶/۳/۱ ق.ص.چ) ضمناً براساس قانون استفساریه تبصره الحاقی به مادّه ۲ مزبور از مجمع تشخیص مصحلت نظام مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ منظور از کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده، پرداخت خسارات تأخیر تأدیه که بر مبنای نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی (شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تاریخ تأدیه چک، تقسیم بر شاخص‌های مزبور در تاریخ صدور چک ضرب در مبلغ چک) می‌باشد و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی محاسبه می‌شود.

نمونه‌های کاربردی

چک

۲۵۸۶۰۰

تاریخ ......

نام گیرنده ......

مانده قبل ......

وجه بحساب ......

ریخته شده ......

$\frac{۱}{۸۳۲}$

جمع ......

مبلغ این چک ......

مانده کنونی ......

بانک ملی ایران ۲۵۸۶۰۰ $\frac{۱}{۸۳۲}$

شعبه دانشگاه ۸۷



تاریخ بتمام حروف نوشته شود ......

بموجب این چک مبلغ ...... ریال

در وجه ...... یا بحواله کرد

بپردازید.

ریال

حساب شماره ......

54630

شماره ۱۵۷

تاریخ ۱۳۶۴/۳/۱

بانک ملی ایران

گواهینامه عدم پرداخت چک

چک شماره ۱۸۶۵۵۶ مورخ ۱۳۶۴/۲/۳ به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ (به عدد) ریال

(ده هزار ریال تمام (به حروف)) عهده حسابجاری شماره ۵۴۶۳۰

بنام شرکت نیکوکار دارنده شناسنامه شماره ـــــ صادره از تهران

نام پدر ـــــ به نشانی تهران - خیابان آزادی - پلاک ۱۰

تلفن ـــــ صادره بامضای صاحب حساب / وکیل / نماینده قانونی / مدیر / مدیران

به نشانی تهران - خیابان آزادی - پلاک ۲۰ تلفن ـــــ

بعلت: ☒ نبودن محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) ☐ دستور عدم پرداخت از طرف صادرکننده

چک ☐ عدم مطابقت امضا ☐ قلم خوردگی درمتن چک ☐ اختلاف درمندرجات چک ☐

بسته بودن حسابجاری ☐ و ـــــ قابل پرداخت نیست.

امضای صادرکننده چک با نمونه امضای موجود در بانک (درحدود عرف بانکداری) تطبیق ☒ مینماید ☐ نمینماید

مشخصات دارنده چک:

نام حسین نقی‌زاده دارنده شناسنامه شماره ۱۲۵ صادره از تهران

نام پدر نقی به نشانی تهران - خیابان فردوسی - میدان فردوسی، پلاک ۲۷ تلفن ـــــ

موجودی حساب درتاریخ صدور چک ۹۰۰/- ریال نهصد ریال تمام (به عدد و حروف) ریال

موجودی حساب در تاریخ ارائه چک به‌بانک ۹۰۰/- ریال نهصد ریال تمام (به عدد و حروف) ریالی

امضا و مهر شعبه ـــــ

نسخه ۴ = اعلامیه برای صاحب حساب

نمونه ۱۴۱-۰۰۰۰۵-۲۰۰۴۲/۰

بانک ملی ایران

شماره ________

تاریخ ________

گواهینامه عدم پرداخت چک

چک شماره ________ مورخ ________ به‌مبلغ ________ (به عدد) ________ ریال

(________ (به حروف) ________) عهده حسابجاری شماره ________

بنام ________ دارنده شناسنامه شماره ________ صادره از ________

نام پدر ________ به نشانی ________

تلفن ________ صادره بامضای صاحب حساب / وکیل / نماینده قانونی / مدیر / مدیران

به نشانی ________ تلفن ________

بعلت: ☐ نبودن محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) ☐ دستور عدم پرداخت از طرف صادرکننده چک ☐ عدم مطابقت امضا ☐ قلم خوردگی درمتن چک ☐ اختلاف در مندرجات چک ☐

بسته بودن حسابجاری ☐ و ________ قابل پرداخت نیست.

امضای صادرکننده چک با نمونه امضای موجود در بانک (درحدود عرف بانکداری) تطبیق ________ مینماید ☐ / نمینماید ☐

مشخصات دارنده چک:

نام ________ دارنده شناسنامه شماره ________ صادره از ________

نام پدر ________ به نشانی ________ تلفن ________

موجودی حساب درتاریخ صدور چک ________ (به عدد و حروف) ________ ریال

موجودی حساب در تاریخ ارائه چک به‌بانک ________ (به عدد و حروف) ________ ریال

امضا و مهر شعبه ________

نسخه ۴ - برای بایگانی در پرونده حسابهای جاری صاحب حساب

نمونه ۱۴۴۱-۰۰۰۰۰۸-۲۰۰-۲/۲۰۳۷

تاریخ ۱۲۶
شماره ....
پیوست ....

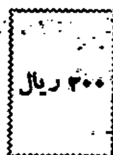




دادگستری جمهوری اسلامی ایران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

شماره * ۰۵۲۲۰۹
سری الف
(کد ۱۹-۲-۱)
تاریخ چاپ



تقاضانامه صدور اجرائیه چك (از ده هزار ریال بیشتر)

اجرای ثبت ....

چون چك شماره ۱۸۶۵۵۶ بمبلغ ده هزار ریال عهده بانك ملی ایران شعبه دانشگاه تهران که بنام اینجانب حسین شهرت نقی زاده دارای شناسنامه شماره ۱۹۶ صادره از تهران ساکن تهران خیابان هجرت میدان خوشی پلاک از طرف (صادر کننده) بانو/آقای شرکت نیکوکار (سهامی خاص) شهرت .... شناسنامه شماره .... صادره از .... ساکن تهران خیابان آزادی، پلاک .... صادر/ظهرنویسی شده طبق گواهی مورخ ۱۳۶۴/۳/۱ بانك بر گشت و با ابلاغ اظهارنامه/اعتراضنامه و انقضاء ده روز ضرب الاجل مقرر در پرداخت وجه آن اقدام نکرده لذا ضمن درخواست صدور اجرائیه وصول چك طبق مقررات مورد تقاضا است و در صورت امتناع از تأدیه باز داشت اموال مشارالیه را که معرفی خواهم نمود درخواست دارم.

رونوشت چك و گواهی بانك و اظهارنامه/اعتراضنامه ابلاغ شده پیوست است خواهشمند است دستور فرمائید رونوشت چك را با اصل تطبیق و اصل را مسترد دارند متعهدم درصورت مطالبه بادارهٔ اجراء تسلیم نمایم ودرصورت عدم تسلیم پرونده بمسؤلیت اینجانب راکد خواهد ماند اجراء حق خواهد داشت حقوق دولتی را از اینجانب مطالبه و وصول نماید. **محل امضاء**

هویت وصلاحیت درخواست کننده گواهی میشود. **محل امضاء متصدی**

درخواست صدور اجرائیه نسبت بچك شماره .... عهده بانك .... بمبلغ .... ریال صادره از ناحیه بانو/آقای .... شهرت .... درتاریخ .... از طرف بانو/آقای .... به اجرای ثبت .... واصل گردید. **محل امضاء متصدی**

بتعالی



تاریخ ۱۳۷

شماره ......

پیوست ......

شماره پرونده ......

برگ دادخواست به دادگاه عمومی

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت: شهرستان/بخش ـ دهستان ـ خیابان ـ کوچه ـ شماره ـ پلاک
خواهان	حسین	تقی زاده	تقی	آزاد	تهران ـ خ آزادی ـ پلاک ۸۰
خوانده	عباس	کریمی	علی	آزاد	تهران ـ خ آزادی ـ پلاک ۱۴
وکیل یا نماینده قانونی	—	—	—	—	—
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه مبلغ ۱۰/---/--- ریال بابت یک فقره چک شماره ۱۸۷۵۵۶ مورخ ۸۰/۲/۲۰ به انضمام هزینه دادرسی و ضرر و زیان ناشی از عدم پرداخت با اعمال مادهٔ ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی				
دلائل و منضمات دادخواست	محتویات پرونده به کلاسه ۱۲۰۶ شعبه ۱۲۸ دادگاه عمومی تهران				

ریاست محترم شعبهٔ ۱۲۸ دادگاه عمومی تهران

با سلام و احترام

خوانده به موجب پرونده کلاسه ۱۲۰۶ نزد آن شعبه متهم به صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ۱۸۶۵۵۶ مورخ ۸۰/۲/۲۰ بانک ملی شعبه دانشگاه تهران به مبلغ ۱۰/---/--- ریال از حساب جاری شماره ۵۴۶۳۰ در وجه اینجانب صادر نموده است. که وقت رسیدگی به امر کیفری به روز ۱۳۸۰/۸/۲ ساعت ۹/۵ صبح تعیین و ابلاغ گردیده است لذا با تقدیم این دادخواست در مهلت قانونی تقاضا دارد علاوه بر تعیین کیفر خوانده را به پرداخت مبلغ ۱۰/---/--- ریال با احتساب تغییر شاخص سالانه طبق ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصل خواسته و پرداخت هزینهٔ دادرسی با اعمال مادهٔ ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی محکوم فرمائید.

با تجدید احترام ـ حسین تقی زاده

محل امضاء ـ مهر ـ انگشت

شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه ...... دادگاه عمومی ...... رسیدگی فرمائید
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده ......
تاریخ	تاریخ ...... امضاء ......

چاپ روزنامه رسمی کشور — فرم شماره ۵۴/۲۲۰۱/۱۲۹۶ دفتر طرح و برنامه ریزی

بسمه تعالی

۱۳۷۴/۳/۲

ریاست محترم دادسرای تهران

شاکی: حسین تقی‌زاده ساکن تهران ـ خیابان فردوسی ـ میدان فردوسی پلاک
مشتکی عنه: (جعفر ... فرزند غلام‌علی مدیرعامل شرکت نیکوکار (سهامی خاص) ساکن تهران ـ خیابان آزادی ـ پلاک
موضوع: تقاضای تعقیب جزائی مشتکی عنه به عنوان صدور چک بدون محل
احتراماً باستحضار می‌رساند: نظر به اینکه آقای جعفر... (مشتکی عنه) چکی به شماره ۱۸۶۵۵۶ مورخ سوم اردیبهشت ماه یکهزاروسیصدو هفتاد وچهار به مبلغ ده‌هزار ریال به عهده بانک ملی ایران شعبه دانشگاه تهران از حساب جاری شماره ۵۴۶۳۰ در وجه اینجانب حسین تقی‌زاده (شاکی) صادر نموده که با مراجعه به بانک محال علیه به موجب گواهی نامه عدم پرداخت شماره ۱۵۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱ چک مزبور برگشت شده است با توجه به اینکه مشتکی عنه علیرغم تذکرات و مراجعات مکرر از پرداخت دین خود امتناع نموده، لذا با تقدیم فتوکپی مصدّق چک مزبور و گواهی عدم پرداخت مربوطه تقاضای احضار و رسیدگی و تعقیب قانونی مشتکی عنه را ضمن صدور قرار تامین خواسته معادل وجه چک از اموال و دارائی نامبرده دارد.

حسین تقی‌زاده ـ امضاء

ضمایم:
۱ـ فتوکپی مصدّق چک بدون محل یک نسخه ضمناً اصل چک در صورت لزوم ابراز خواهد شد.
۲ـ فتوکپی مصدّق گواهینامه عدم پرداخت یک نسخه

دفتر: ثبت و عیناً به کلانتری...... ارسال تا موضوع شکایت شاکی به مشتکی عنه تفهیم و ابلاغ و به نامبرده ۵ روز مهلت داده شود که رضایت شاکی را فراهم نماید در صورت گذشت شاکی پرونده استحضاراً والا پس از انقضاء مهلت فوق به همراه طرفین به دادسرا فرستاده شود.

دادیار دادسرای تهران

فصل پنجم

شرکت‌های سهامی عام و خاص[1]

Joint stock public and private companies

---

۱ ـ برای مطالعه بیشتر در مورد شرکت‌های تجارتی، به حقوق تجارت جلد دوم، نشر میزان، تألیف دکتر محمود عرفانی، مراجعه فرمائید ضمناً متن انگلیسی این کتاب نیز توسط مؤلف تحت عنوان Company Law in Iran نشر میزان، انتشار یافته است.

مقدمه
طبقه‌بندی شرکت‌های تجارتی
الف ـ شرکت‌های سرمایه

در شرکت‌های سرمایه، فقط سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد، نه شخص سرمایه‌گذار، زیرا در این نوع شرکت‌ها، مسئولیّت هر یک از سهامداران در مقابل اشخاص ثالث به حصهٔ خود که «سهم» نامیده می‌شود، محدود می‌گردد. از مشخصات بارز این نوع شرکت‌ها، قابل انتقال بودن سهام است و با فوت سهامدار، اوراق سهام به وراث وی منتقل می‌گردد. در شرکت‌های سرمایه پس از فوت، ورشکستگی یا ممنوعیت قانونی و قضائی سهامدار، شرکت همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. شرکت‌های سهامی خاص و عام و شرکت‌های مختلط سهامی و تعاونی جزو شرکت‌های سرمایه محسوب می‌شوند.

ب ـ شرکت‌های شخص

در این نوع شرکت‌ها، شخصیت و روابط شرکاء با یکدیگر اهمیت مخصوص دارد و مسئولیّت هر یک از شرکای ضامن در مقابل اشخاص ثالث، نامحدود و تضامنی است و شخص ثالث می‌تواند برای وصول طلب خود به فردفرد شرکاء مراجعه نماید و شریک ضامن، ملزم به تأدیهٔ طلب شرکت می‌باشد.

اصولاً در شرکت‌های شخص، سهم‌الشرکه در حال حیات و دیگر پس از فوت قابل انتقال نیست مگر با رضایت سایر شرکاء. شرکت‌های تضامنی و نسبی از جملهٔ شرکت‌های شخص هستند و شرکت‌های مختلط غیرسهامی و شرکت با مسئولیّت محدود را نیز می‌توان جزء شرکت‌های شخص دانست.

بخش اوّل

ماهیت حقوقی شرکت‌های سهامی

الف ـ نظریات مختلف

در مورد ماهیت حقوقی شرکت دو نظریهٔ مختلف، وجود دارد:
دستهٔ اوّل معتقدند که شرکت، قراردادی بیش نیست که بین شرکاء تنظیم می‌گردد و دستهٔ دوم می‌گویند که شرکت تجارتی شخصیت حقوقی مستقل دارد.
دلایل دسته اوّل از این قرار است:
اولاً: سهامدار قبلاً با پذیره‌نویسی یا خرید سهام شرکت، رضایت خود را اعلام می‌نماید و چنین عملی در واقع امضای قرارداد شرکت می‌باشد.
ثانیاً: اختیارات مجامع عمومی شرکت ناشی از عقد است و سهامداران به مجامع مذکور اختیار می‌دهند تا تصمیمات در امور شرکت بر مبنای اکثریت آراء اتخاذ گردد و بدین ترتیب اقلیت، ارادهٔ اکثریت را مورد قبول قرار می‌دهند.
ثالثاً: شرکت سهامی به وسیله نمایندگان انتخابی اداره می‌شود که این امر بر مبنای عقد وکالت می‌باشد و آنان امین مالکین مشاع می‌باشند.
برابر نظریهٔ شخصیت حقوقی، دارائی شخصی سهامداران از آورده‌های آنان به شرکت، منفک و مجزا می‌گردد و در نتیجه طلبکاران شرکت فقط حق دارند طلب خود را از طریق تعقیب از اموال شرکت مطالبه نمایند و خود شرکت نیز در صورت داین بودن می‌تواند اقدام به وصول مطالبات خود کند. بنابراین دارائی متعلق به شخص حقوقی منفک از دارائی اشخاص حقیقی که شرکت را تأسیس نموده‌اند، می‌باشد.

ب ـ شخص حقوقی در قانون تجارت ایران

لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۷ با حذف تنظیم شرکت‌نامه برای تأسیس شرکت و الزام به تنظیم اظهارنامه و ضمیمه نمودن آن به اساسنامهٔ شرکت، ظاهراً به نظریهٔ شخص حقوقی که در آن شخصیت سهامداران موردنظر نمی‌باشد، توجه خاصی نموده است.

بخش دوم

تعریف و انواع شرکت سهامی

الف ـ تعریف شرکت سهامی

برابر مادّهٔ اوّل لایحهٔ اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ که می‌گوید: «**شرکت سهامی شرکتی است که سرمایهٔ آن به سهام تقسیم شده و مسئولیّت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است**»، در شرکت سهامی، سرمایهٔ شرکت به سهام متساوی‌القیمه تقسیم شده، مبلغ اسمی سهام و حتی در صورت تجزیه آن به قطعات سهام باید متساوی باشد.

تجزیه سهم بدین صورت است که هر سهم ممکن است به چند قطعه معین که «پاره سهم» نامیده می‌شود، تجزیه گردد. هرپاره سهم دارای ارزش معین بوده ولی فاقد حقوق مربوط به یک سهم می‌باشد و مجموع آنها یک سهم را تشکیل می‌دهد.

ب ـ انواع شرکت سهامی

مادّهٔ ۴ لایحه اصلاح قانون تجارت می‌گوید: «**شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می‌شود:**

نوع اوّل ـ شرکت‌های سهامی عام هستند که مؤسسین آنها قسمتی از سرمایهٔ شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند.

نوع دوم ـ شرکت‌های سهامی خاص هستند که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسین تأمین گردیده است.»

ج ـ جهات افتراق شرکت سهامی عام و خاص

جهات افتراق دو شرکت مذکور به‌شرح زیر می‌باشد:

ـ شرکت سهامی عام برای تأمین سرمایه اقدام به پذیره‌نویسی عمومی می‌نماید، ولی شرکت سهامی خاص حق مراجعه به عامه را ندارد.

ـ امکان صدور اوراق قرضه برای شرکت سهامی عام وجود دارد ولی شرکت سهامی خاص چنین حقی ندارد.
ـ نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی عام مشروط به موافقت سهامداران نیست، ولی در شرکت سهامی خاص چنین نقل و انتقالی منوط به توافق مدیران یا مجامع عمومی شرکت می‌تواند باشد.
ـ سهام شرکت سهامی عام قابل عرضه در بازار بورس می‌باشد، ولی شرکت سهامی خاص چنین اجازه‌ای ندارد.
ـ حداقل سرمایه برای تأسیس شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد، در حالی که حداقل سرمایه برای تأسیس شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
ـ مدیران و سهامداران شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و شرکت سهامی خاص حداقل ۳ نفر می‌باشد (مواد ۳ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت).

بخش سوم
تشکیل شرکت سهامی

الف ـ تشکیل شرکت سهامی عام

اوّل ـ مراحل تشکیل شرکت سهامی عام

۱ـ الزامات قانونی مؤسسین

مطابق مادّه ۶ (ل.ا.ق.ت) مؤسسین شرکت سهامی عام می‌باید اقلاً ۲۰٪ سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل ۳۵٪ مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس، نزد یکی از بانک‌ها بسپارند. (مثلاً سرمایه شرکت اگر ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد ۲۰٪ آن ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۳۵٪ مبلغ اخیر که تعهد شده ۲/۱۰۰/۰۰۰ ریال خواهد بود).

چنانچه قسمتی از تعهدات مؤسسین به صورت غیرنقد باشد، طبق تبصره مادّه ۶ (ل.ا.ق.ت) مؤسسین مکلفند عین مال غیرنقد و یا مدارک مالکیت آن را در بانک تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمایم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

مؤسسین باید در مورد آورده‌های غیرنقدی، نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را جلب نموده، آن را ضمیمهٔ گزارش اقدامات خود کرده و در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند (مادّه ۷۶ ل.ا.ق.ت).

۲ـ پذیره‌نویسی سهام

مؤسسین در شرکت سهامی عام، قسمتی از سرمایه را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌نمایند. به همین منظور مؤسسین مکلفند اظهارنامه و طرح اساسنامه و اعلامیهٔ پذیره‌نویسی را به ادارهٔ ثبت شرکت‌ها داده و پس از أخذ تأئیدیه، اقدام به آگهی آن در یکی از جراید نمایند و آن را در یکی از بانک‌ها که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد، در معرض دید علاقه‌مندان گذارند.

۳ـ طرح پذیره‌نویسی
طرح پذیره‌نویسی باید مشتمل بر نکات زیر باشد:
ـ نام شرکت.
ـ موضوع شرکت.
ـ مرکز اصلی شرکت.
ـ مدت شرکت.
ـ هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسین.
ـ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن ـ که برابر تبصره مادّهٔ ۶ (ل.ا.ق.ت). آوردهٔ غیرنقدی مخصوص مؤسسین در شرکت سهامی عام می‌باشد.
ـ تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند.
ـ ذکر هزینه‌هایی که مؤسسین جهت تأسیس شرکت پرداخت کرده‌اند.
ـ درج مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت‌نامه اصولی أخذ شده به منظور انجام موضوع شرکت.
ـ ذکر حداقل تعداد سهامی که باید توسط پذیره‌نویس تعهد گردد و تعیین مقداری از آن که باید نقداً پرداخت شود.
ـ ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی.
ـ تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقه‌مندان به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شده است.
ـ ذکر نام روزنامهٔ کثیرالانتشار.
ـ چگونگی تخصیص سهام پذیره‌نویسان.

۴ـ نحوه پذیره‌نویسی سهام
برابر مادّهٔ ۱۲ (ل.ا.ق.ت) هر پذیره‌نویس پس از امضای ورقه تعهد سهام مبلغی را که باید نقداً پرداخت شود، به نام شرکت در شرف تأسیس پرداخت و رسید دریافت می‌نماید.
ورقهٔ تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و به امضای مراجع بانکی و پذیره‌نویس یا قائم‌مقام قانونی او رسیده، نسخهٔ دوم ورقهٔ مزبور با قید رسید وجه و مهر و امضاء به پذیره‌نویس داده می‌شود. ورقهٔ تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد (مواد ۱۳ و ۱۴ ل.ا.ق.ت):
۱ـ نام و موضوع و مرکز اصلی و مدّت شرکت.
۲ـ سرمایهٔ شرکت.

۳ـ شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیهٔ پذیره‌نویسی و مرجع صدور آن.
۴ـ تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیره‌نویسی باید پرداخت شود.
۵ـ نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره‌نویسان باید به‌آن حساب پرداخت شود.
۶ـ هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس.
۷ـ قید اینکه پذیره‌نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.

۵ـ ماهیت حقوقی پذیره‌نویسی

از نظر حقوقی، پذیره‌نویسی تعهد ساده‌ای است که پذیره‌نویس را متعهد می‌کند آورده را در حدود مبلغ قید شده در ورقهٔ تعهد سهم، تأدیه نماید و در مقابل چنین تعهدی، حق دریافت سهام پس از تشکیل شرکت و استفاده قانونی از آن برای پذیره‌نویس ایجاد می‌گردد. مع‌الوصف چنانچه شرکت تا ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به ثبت نرسیده باشد، مرجع ثبت، بنا به تقاضای هر یک از مؤسسین یا پذیره‌نویسان گواهی‌نامه حاکی از عدم ثبت شرکت را صادر و پذیره‌نویس یا مؤسس می‌تواند با مراجعه به بانک وجوه پرداختی خود را مسترد دارد.

۶ـ اظهارنامه و طرح اساسنامهٔ شرکت

همان‌طوری که مادّه ۶(ل.ا.ق.ت) مقرر داشته، برای تأسیس شرکت سهامی عام، مؤسسین باید اظهارنامه‌ای مشتمل بر نکات مذکور در مادّهٔ ۷ (ل.ا.ق.ت) به ضمیمهٔ طرح اساسنامه شرکت و اعلامیهٔ پذیره‌نویسی سهام که به امضای کلیهٔ مؤسسین رسیده باشد، به ادارهٔ ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت نمایند.

طرح اساسنامه به تجویز مادّهٔ ۸ (ل.ا.ق.ت) باید شامل نکات ذیل باشد:
ـ نام شرکت.
ـ موضوع شرکت به‌طور صریح و منجز.
ـ مدت شرکت.
ـ مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد.
ـ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک.

ـ تعداد سهام بی‌نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز موردنظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام.
ـ تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیهٔ مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.
ـ نحوهٔ انتقال سهام با نام.
ـ طریقهٔ تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام و بالعکس.
ـ در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب آن.
ـ شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.
ـ مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.
ـ مقررات راجع به حدنصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
ـ طریقه شور و أخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.
ـ تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوهٔ تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفا می‌دهند یا محجور یا معزول و یا به جهات قانونی ممنوع می‌گردند.
ـ تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.
ـ تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
ـ قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوهٔ انتخاب و مدت مأموریت بازرس.
ـ تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و محاسبه سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و مجمع عمومی سالانه.
ـ نحوهٔ انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیهٔ امور آن.
ـ نحوهٔ تغییر اساسنامه.

دوم ـ تشکیل مجمع عمومی مؤسس

۱ـ اقدامات مقدماتی مؤسسین برای تشکیل مجمع

با توجه به مادّهٔ ۱۶ (ل.ا.ق.ت) مؤسسین باید قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس اعمال زیر را انجام دهند:
ـ رسیدگی به تعهدات پذیره‌نویسان حداکثر ظرف مدّت یک ماه پس از انقضای مهلت پذیره‌نویسی اعم از اینکه مهلت مذکور تمدید شده یا نشده باشد.
ـ احراز اینکه کلیه سرمایه شرکت به‌طور صحیح پذیره‌نویسی شده باشد.

ـ ملاحظه این که لااقل ۳۵ درصد کل سرمایه شرکت به‌طور نقدی پرداخت گردیده است.
ـ تعیین و اعلام تعداد سهام هر پذیره‌نویس.
ـ جلب نظر کارشناس در ارزیابی آورده‌های غیرنقدی که فقط به مؤسسین تعلق دارد.
برابر مادّه ۷۷ (ل.ا.ق.ت) صاحبان آورده غیرنقدی، از حق رأی به هنگام رسیدگی مجمع مؤسس در مورد آورده‌های مذکور محروم می‌باشند و از سوی دیگر، سرمایهٔ غیرنقد را که موضوع مذاکره و رأی می‌باشد از حیث حدنصاب، جزء سرمایه شرکت منظور نمی‌دارند.
ـ دعوت مجمع عمومی مؤسس که چنین دعوتی در روزنامه کثیرالانتشاری به‌عمل می‌آید که برابر بند ۱۴ از مادّه ۹ در طرح پذیره‌نویسی قبلاً تعیین گردیده است.
به نظر می‌رسد در دعوت مجمع عمومی مؤسس، رعایت مفاد مواد ۹۷ و ۹۸ به بعد (ل.ا.ق.ت) الزامی باشد.
در آگهی دعوت مذکور، باید دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل قید شود.
به دستور مادّهٔ ۹۸ (ل.ا.ق.ت) فاصلهٔ نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده‌روز و حداکثر چهل‌روز خواهد بود.

۲ـ وظایف مجمع عمومی مؤسس

در مجمع عمومی مؤسس شرکت بایستی بدواً در اجرای مادّهٔ ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) هیأت رئیسه شامل ریاست مجمع و نظار و منشی جلسه را انتخاب و برابر مادّهٔ ۷۴ (ل.ا.ق.ت) به گزارش مؤسسین رسیدگی، و در صورت لزوم آن را تصویب نماید؛ سپس ضمن احراز پذیره‌نویسی کلیهٔ سهام شرکت و تأدیهٔ مبلغ لازم به تصویب طرح اساسنامه شرکت و عنداللزوم به اصلاح آن مبادرت ورزد و بالاخره مجمع مذکور، اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب و روزنامهٔ کثیرالانتشاری را برای آگهی‌های بعدی شرکت تعیین نماید.
برابر مادّهٔ ۷۵ (ل.ا.ق.ت) حدنصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی مؤسس عبارت است از:
در دعوت اوّل باید عده‌ای از پذیره‌نویسان که حداقل نصف سرمایهٔ شرکت را تعهد نموده‌اند حاضر باشند و در دعوت دوم چنانچه در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد، مجمع عمومی برای باردوم دعوت می‌شود که در این صورت حضور لااقل صاحبان ثلث سرمایه شرکت الزامی است و چنانچه در دعوت سوم اکثریت لازم (صاحبان ثلث سرمایه شرکت) در مجمع عمومی حاضر نشدند، مؤسسین باید عدم

تشکیل شرکت را اعلام دارند.
در هر یک از مجامع فوق کلیهٔ تصمیمات باید به اکثریت $\frac{۲}{۳}$ رأی حاضر در جلسه اتخاذ گردد. تبصرهٔ مادهٔ فوق در مجمع عمومی مؤسس برای هر سهم، حق یک رأی قائل شده است و بدین ترتیب تعداد آراء برابر با تعداد سهام خواهد بود. پس از آنکه مدیران و بازرسان شرکت کتباً سمت خود را قبول نمودند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود (قسمت اخیر مادّه ۱۷ ل.ا.ق.ت).

ب ـ تشکیل شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص، شرکتی است که تمام سرمایهٔ آن در موقع تأسیس منحصراً به‌وسیلهٔ مؤسسین تأمین می‌گردد.

اوّل ـ تشریفات تشکیل شرکت سهامی خاص

برای تشکیل شرکت سهامی خاص رعایت نکات ذیل الزامی است:
۱ـ اساسنامهٔ شرکت که باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.
۲ـ اظهارنامهٔ مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامهٔ بانکی حاکی از تأدیهٔ قسمت نقدی آن که نباید کمتر از ۳۵٪ کل سهام باشد.
همچنین تأدیه و تقویم سرمایه غیرنقدی و تفکیک آن در اظهارنامه و ذکر سهام ممتازه در صورت وجود چنین سهامی.
۳ـ انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیهٔ سهامداران رسیده باشد.
۴ـ قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر مادّهٔ ۱۷.
۵ـ ذکر نام روزنامهٔ کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت.

دوم ـ خصوصیات شرکت سهامی خاص

سرمایهٔ شرکت به هنگام تأسیس نباید کمتر از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد و نیز شرکای شرکت نباید کمتر از ۳ نفر باشند.
سهام شرکت، قابل معامله در بازار بورس نمی‌باشد و نقل و انتقال سهام شرکت، مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی صاحبان سهام است. ضمناً این شرکت نمی‌تواند مبادرت به صدور اوراق قرضه نماید.

بخش چهارم

مسئولیّت مدنی و جزائی راجع به تشکیل شرکت

طبق مادّهٔ ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) هرگاه در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد مقررات قانونی رعایت نشود، برحسب مورد، بنا به درخواست هر ذی‌نفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور، به حکم دادگاه اعلام خواهد شد. لیکن مؤسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

چنانچه قبل از صدور حکم بطلان شرکت، در مرحلهٔ بدوی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد، دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد (مادّهٔ ۲۷۱ ل.ا.ق.ت).

همچنین برای رفع موجبات بطلان، به درخواست خوانده، مهلت ۶ ماهه‌ای در نظر گرفته شده است (مادّهٔ ۲۷۲ ل.ا.ق.ت).

در مورد مسئولیّت جزائی باید گفت که هر کس عالماً و برخلاف واقع، پذیره‌نویسی سهام را تصدیق کند، و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیهٔ پذیره‌نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند و یا در عین ارزش آوردهٔ غیرنقد تقلب کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود (مادّهٔ ۲۴۳ ل.ا.ق.ت). هرکس اعلامیهٔ پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیهٔ انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده‌هزار ریال تا سی‌هزار ریال محکوم خواهد شد (مادّهٔ ۲۴۸ ل.ا.ق.ت).

بخش پنجم

سهام و اوراق قرضه

الف ـ تعریف سهام و انواع آن

اوّل ـ تعریف سهام

در تعریف سهام می‌توان گفت : «سهم قسمتی از سرمایهٔ شرکت سهامی است که مشخص کنندهٔ میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقهٔ سهم، سند قابل معامله‌ای است که نمایندهٔ تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. سهم ممکن است با نام و یا بی‌نام باشد».

در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات قانون تجارت مزایایی قائل شوند، این‌گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.

مجموع ارزش اسمی سهام، سرمایهٔ شرکت را تشکیل می‌دهد و پس از انحلال شرکت هر سهامداری حق دارد، مبلغ اسمی سهام خود را دریافت نماید، در صورتی که سهم انتفاعی جزء سرمایهٔ شرکت نبوده و صاحب آن حق مطالبهٔ مبلغ اسمی آن را پس از انحلال شرکت ندارد.

اصولاً همهٔ سهامداران در شرکت سهامی از حقوق مساوی برخوردارند و این حقوق شاخص میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب سهم در شرکت سهامی می‌باشد و برای استفاده از این حقوق، دارندهٔ سهم باید مبلغ اسمی سهامی را که پذیره‌نویسی نموده در مهلت قانونی پرداخت نماید.

دوم ـ انواع سهام

سهم با نام

سهمی است که بر مالکیت شخص معینی دلالت می‌کند و نام و مشخصات صاحب سهم در ورقهٔ سهم و در دفتر ثبت سهام شرکت درج می‌گردد و در موارد زیر صدور سهام با نام الزامی است:

ـ مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم بی‌نام پرداخت نشده باشد.

ـ سهامی که مدیران شرکت به عنوان وثیقه می‌سپارند و تا خاتمهٔ مفاصا حساب دورهٔ تصدی مدیران، غیرقابل انتقال می‌باشد.

ـ سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنها.

سهام با نام و هرگونه نقل و انتقال آنها باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و الاّ فاقد اعتبار قانونی برای شرکت و اشخاص ثالث خواهد بود.

در صورتی که قسمتی از مبلغ اسمی سهم با نام پرداخت نشود، منتقلٌ‌الیه قائم‌مقام ناقل خواهد بود.

سهم بی‌نام

سهمی است که نام دارنده در آن درج نمی‌شود و به صورت سند در وجه حامل تنظیم و دارندهٔ آن مالک شناخته می‌شود، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد. این سهم به راحتی قابل نقل و انتقال بوده و انتقال مالکیت با قبض و اقباض تحقق می‌یابد.

این نوع سهام از حیث صلاحیت محاکم در حکم اموال منقول است و باید به دادگاه محلی رجوع شود. سرقت و یا مفقود شدن سهام بی‌نام و همچنین خیانت در امانت امین و وکیل نسبت به سهام بی‌نام که به آنها سپرده شده، خطر بزرگی برای صاحب آن محسوب می‌شود؛ زیرا بی‌نام بودن سهم مانع شناسایی دارندهٔ اصلی می‌شود و سارق و یا یابنده به آسانی می‌تواند سهم مزبور را در بازار بورس و یا خارج از آن به اشخاص دیگر بفروشد و خریدار نیز حق دارد به تصرف خود به عنوان مالکیت استناد نماید.

سهام ممتازه

یکی از اصول اساسی شرکت‌های سهامی، تساوی حقوق سهامداران است، مگر در دو مورد: اوّل آنکه شرکت با مشکلات مالی مواجه باشد و نتواند به آسانی به منابع مالی دسترسی یابد؛ در این صورت، ناچار خواهد بود امتیازات بیشتری به سهامداران جدید قائل شود و دوم اینکه در هنگام افزایش سرمایهٔ شرکت، شرکت از ذخایر مالی خود

برای این منظور استفاده نماید که در این‌صورت باید حقوق بیشتری برای سهامداران سابق شرکت در نظر گرفت و در این دو مورد سهم ممتاز صادر می‌شود.
امتیازاتی که توسط سهم ممتاز به وجود می‌آید می‌تواند به صورت برداشت نفع ثابت از سود قابل تقسیم شرکت باشد و یا اینکه دارندهٔ سهم ممتاز می‌تواند نسبت به صاحبان سهام عادی در برداشت ارزش اسمی سهام ممتاز به هنگام انحلال و تصفیه و تقسیم دارائی شرکت، اولویت داشته باشد. به هنگام انحلال و تصفیهٔ شرکت، مطالبات معوقهٔ صاحبان سهام ممتاز از دارائی شرکت پرداخت می‌گردد و نیز به هنگام استهلاک سهام شرکت، صاحبان سهام ممتاز دارای اولویت می‌باشند.

سهم مؤسس یا انتفاعی

سهم مؤسس یا انتفاعی سهمی است که دارندهٔ آن بدون داشتن حقی به سرمایهٔ شرکت از منافع شرکت، به نسبت سهم خود بهره‌مند گردد، و معمولاً این‌گونه سهام را مؤسسان بابت اطلاعات علمی و فنی و تجارتی که به شرکت می‌آورند به‌خود تخصیص می‌دهند.
در اساسنامهٔ شرکت می‌بایستی حقوق صاحبان سهام مؤسس یا انتفاعی مثل حق حضور در مجامع، حق رأی، حق اولویت در پذیره‌نویسی سهام و غیره تصریح گردد.
چون سهامداران مزبور مالک سرمایه نمی‌باشند، لذا نمی‌توانند سهامداران شرکت محسوب شوند؛ ولی در منافع شرکت، حقوقی دارند که از آن مانند طلبکار منتفع می‌گردند و استفادهٔ آنها از سود شرکت بستگی به موفقیت و سودآوری شرکت دارد.

سوم ـ شکل سهام و مطالبهٔ مبلغ اسمی سهام

در ورقهٔ سهام باید نام شرکت و شمارهٔ ثبت آن در دفتر ثبت شرکت‌ها، مبلغ سرمایهٔ ثبت شده و مقدار پرداخت شدهٔ آن، تعیین نوع سهم، مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شدهٔ آن به حروف و به اعداد و بالاخره تعداد سهامی که هر ورقه نمایندهٔ آن است، ذکر گردد.
در مورد مطالبهٔ مبلغ اسمی سهام باید گفت که بهای تعهد شدهٔ سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدّت مقرر که حداکثر نباید از پنج سال تجاوز نماید، از کلیهٔ صاحبان سهام و بدون تبعیض مطالبه شود (بند ۷ مادهٔ ۸ ل.ا.ق.ت). مطالبهٔ تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشدهٔ سهام باید در روزنامهٔ کثیرالانتشاری درج گردد، در صورتی که صاحب سهم بقیه بهای تعهد شده را در مهلت مقرر پرداخت ننماید به مبلغ پرداخت نشده، خسارت دیرکرد به نرخ رسمی بهره به علاوهٔ چهار درصد در سال تعلق خواهد گرفت.
دارندگان سهامی که با وجود مطالبهٔ هیأت مدیره، بقیهٔ تعهد خود را بابت سهام پرداخت

نتموده‌اند، حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع عمومی، تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت، کسر خواهد شد و در صورت پرداخت بدهی خود، مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند یافت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را در صورتی که مشمول مرور زمان نشده باشد، مطالبه کنند (مواد ۳۷ و ۳۸ ل.ا.ق.ت).

چهارم ـ تبدیل سهام

برای تبدیل سهام بی‌نام به سهام با نام باید مراتب، در سه نوبت و هر یک به فاصلهٔ ۵ روز در روزنامهٔ کثیرالانتشار شرکت نشر گردد و در مدتی که نباید کمتر از ۶ ماه از تاریخ اولین آگهی باشد، به صاحبان سهام فرصت داده شود تا به منظور تبدیل سهام خود، به مرکز شرکت مراجعه نمایند. پس از انقضای مهلت مزبور کلیهٔ سهام بی‌نام شرکت باطل و به تعداد آنها سهام با نام صادر و از طریق بورس اوراق بهادار و یا از طریق حراج به فروش می‌رسد.
برای تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام، مراتب فقط یک مرتبه در روزنامهٔ کثیرالانتشار شرکت آگهی می‌گردد و مهلت تبدیل سهام برای صاحبان آن نباید کمتر از دوماه از تاریخ نشر آگهی باشد. پس از انقضای مهلت مذکور شرکت نسبت به تبدیل سهام اقدام می‌نماید.
در کلیهٔ موارد تبدیل سهام بی‌نام به سهام با نام و بالعکس مراتب باید پس از انقضای مهلت‌های مقرر در قانون در ادارهٔ ثبت شرکت‌ها جهت اطلاع عموم اعلام گردد.

پنجم ـ وثیقهٔ سهام

چنانچه سهم بی‌نام به رهن گذاشته شود، باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین، معین می‌گردد، داده شود (مادّهٔ ۷۷۲ ق.م) و در مورد رهن سهم با نام، مراتب در دفتر سهام شرکت ثبت می‌گردد والاّ از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود.

ب ـ اوراق قرضه (اوراق سرمایه‌گذاری)

اول - تعریف اوراق

در شرکت‌های سهامی، فقط شرکت سهامی عام می‌تواند تحت شرایطی مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید. این اوراق مانند سهام، قابل معامله بوده و نقل و انتقال آن مثل سهام بی‌نام (با قبض و اقباض) و سهام با نام (ثبت در دفتر نقل و انتقال سهام شرکت)

صورت می‌گیرد. ورقهٔ مزبور معرف مبلغی وام است بدین معنی که دارندهٔ ورقهٔ قرضه بستانکار شرکت می‌گردد و برخلاف صاحب سهم نمی‌تواند از حقوق ناشی از سهم منتفع گردد. به ورقهٔ قرضه بهرهٔ معینی تعلق می‌گیرد و این بهره، مبلغ ثابت بوده و در هر سال مالی، به دارندهٔ ورقه توسط شرکت پرداخت می‌گردد.
شرکت ملزم است تمامی وام دریافتی را در یک دفعه و یا به اقساط به صاحب ورقهٔ قرضه مسترد نماید و نیز شرکت می‌تواند علاوه بر بهره، **حقوق دیگری** از قبیل قابل تعویض یا قابل تبدیل بودن ورقهٔ قرضه به سهام رابه صاحب آن اعطاء نماید.

دوم - اوراق مشارکت

قانون راجع به نحوهٔ انتشار اوراق[1] مشارکت که در ۱۳۷۶/۶/۲ به تصویب رسیده است دارای ماهیت دولتی بوده، به عبارت دیگر بخش دولتی با انتشار اوراق مشارکت قسمت عمدهٔ پس‌اندازهای مردم و حتی منابع سیستم بانکی را به خود جذب می‌نماید. گرچه انتشار چنین اوراقی یکی از سالم‌ترین ابزار اقتصادی برای جمع‌آوری نقدینگی مردم و مقابله باکسری بودجه و پیشگیری از آثار استقراض از بانک مرکزی می‌باشد، ولی با توجه به تضميناتی که دولت به اوراق مشارکت می‌دهد و بالاترین نرخ بهره را نیز می‌پردازد موجبات رکود بخش خصوصی را فراهم می‌سازد. زیرا بخش خصوصی نمی‌تواند با بخش دولتی در جذب سرمایه‌های مردم رقابت نماید. از طرف دیگر هدف از انتشار اوراق مشارکت تأمین مالی یک طرح مشخص دولتی می‌باشد و چون پول جمع‌آوری شده برای طرح‌های عمرانی هزینه می‌گردد با این ترتیب به رشد نقدینگی و به کاهش نرخ تورم کمک نمی‌نماید. لذا اصلح است مقررات اوراق قرضه که در دنیای امروز برای جذب سرمایه‌های مردم نقش مهمی را ایفاء می‌نماید توسط بانک‌ها برای بخش خصوصی (شرکت سهامی عام) تضمین گردد تا این بخش که در مضیقه شدید نقدینگی می‌باشد بتواند در واحدهای تولیدی، صنعتی و بازرگانی فعال شده و موجبات اشتغال و تحرک اقتصادی کشور را فراهم سازد.

اوّل ـ انتشار اوراق قرضه

انتشار اوراق قرضه درایران از طرف دولت و مؤسسات وابسته به آن سابقهٔ طولانی دارد.

---

۱ ـ مجموعه قوانین روزنامه رسمی سال ۱۳۷۶ ص ۵۶۱ تا ۵۶۵ و تصویب‌نامه راجع به اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۲۶، ص ۱۱۶۵.

ولی صدور این اوراق در بخش خصوصی به علت عدم نیاز به سرمایه‌های عظیم برای واحدهای تولیدی، متداول نشده است با وجود آن ترتیبات قانونی آن در مواد ۵۱ الی ۷۱ (ل.ا.ق.ت) پیش‌بینی شده است. موارد انتشار اوراق قرضه توسط شرکت‌های سهامی عبارتند از : نیاز به سرمایهٔ بیشتر برای توسعهٔ فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی، کم‌هزینه بودن انتشار اوراق قرضه نسبت به انتشار سهام، تمایل شرکت سهامی به عدم تغییر در ترکیب مجمع عمومی.

دوم ـ نحوهٔ انتشار اوراق قرضه

انتشار اوراق قرضه وقتی امکان‌پذیر است که شرکت سهامی عام کلیهٔ سرمایهٔ ثبت شدهٔ خود را تأدیه نموده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد. ضمناً، ترازنامه‌های سالیانه مربوط به دوسال گذشته نیز به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

چنانچه در اساسنامه، انتشار اوراق قرضه پیش‌بینی نشده باشد، مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران بنا به پیشنهاد هیأت مدیره شرکت، انتشار اوراق قرضه را تصویب نموده، شرایط آن را نیز تعیین می‌کند. مبلغ اسمی اوراق قرضه و همچنین قطعات اوراق قرضه در صورت تجزیه باید متساوی باشد (مواد ۵۵ و ۵۶ ل.ا.ق.ت).

سوم ـ اطلاعیهٔ انتشار اوراق قرضه

اطلاعیه انتشار اوراق قرضه، مشتمل بر نکات مندرج در مادّهٔ ۵۸ (ل.ا.ق.ت) است که پس از امضاء توسط دارندگان امضای مجاز شرکت باید به انضمام تصمیم کتبی راجع به فروش اوراق قرضه، و شرایط صدور و انتشار آن، به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام گردد.

ادارهٔ ثبت شرکت‌ها، پس از ثبت مفاد تصمیم شرکت راجع به فروش اوراق قرضه، خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیهٔ انتشار اوراق مزبور به هزینهٔ شرکت در روزنامهٔ رسمی آگهی می‌نماید. توضیح آنکه بدون انجام تشریفات مورد بحث هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع می‌باشد.

پس از انتشار آگهی فوق، شرکت مکلف است که تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیهٔ انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر در روزنامهٔ رسمی، و همچنین شماره و تاریخ روزنامهٔ رسمی که آگهی در آن منتشر شده است، در روزنامهٔ کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی نماید (مواد ۵۷، ۵۸، ۵۹ ل.ا.ق.ت).

برابر مادّهٔ ۶۰ (ل.ا.ق.ت) ورقهٔ قرضه مانند سهام، شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است، توسط لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین شده‌اند، امضاء می‌شود:

۱ـ نام شرکت.
۲ـ شماره و تاریخ ثبت شرکت.
۳ـ مرکز اصلی شرکت.
۴ـ مبلغ سرمایهٔ شرکت.
۵ـ مدت شرکت.
۶ـ مبلغ اسمی و شمارهٔ ترتیب و تاریخ صدور ورقهٔ قرضه.
۷ـ تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقهٔ قرضه (اگر قابل بازخرید باشد).
۸ـ تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است.
۹ـ در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام، شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا مؤسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده‌اند.
۱۰ـ در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت، مهلت و شرایط این تبدیل.

چهارم ـ حقوق صاحبان اوراق قرضه

۱ـ حق دریافت بهره

نرخ بهره که ضمن تصمیم شرکت راجع به فروش و شرایط انتشار اوراق قرضه تعیین می‌گردد، در اطلاعیهٔ انتشار اوراق قرضه، همان‌طوری که بند ۹ مادّهٔ ۵۸ ل.ا.ق.ت پیش‌بینی شده برای اطلاع خریداران قید می‌شود تا علاوه بر مبلغ اسمی هر ورقه، نرخ بهره‌ای که به قرضه تعلق می‌گیرد و همچنین ترتیب محاسبهٔ آن مشخص گردد.

به دستور مادّهٔ ۵۲ ل.ا.ق.ت شرکت مکلف است تمامی بهرهٔ (ربح) مبلغ هر ورقهٔ قرضه یا قسمتی از آن را در موعد معینی به دارنده‌اش مسترد نماید، اعم از این که شرکت سود و یا زیان کرده باشد. اما باید توجه داشت که دولت نیز از بهرهٔ متعلقه به اوراق قرضه با دریافت مالیات بر درآمد منتفع می‌گردد، زیرا با استناد به تبصرهٔ ۱ از مادهٔ ۴۰ قانون مالیات‌های مستقیم، و در نظر گرفتن مادهٔ ۱۳۴ همان قانون بهره متعلقه به اوراق قرضهٔ شرکت‌های سهامی که برای معامله به مردم عرضه می‌شود، مشمول مالیات بر درآمد

می‌باشد. از جمله امتیازات، ممکن است علاوه بر پرداخت بهره ثابت، صاحب ورقه را در سود شرکت مشارکت داده و یا وابسته به تغییرات قیمت بعضی از محصولات و یا خدمات بنمایند. معمولاً بهرهٔ متعلقه به ورقهٔ قرضه هر سال یک‌بار پرداخت می‌شود.

۲ـ حق دریافت مبلغ اسمی ورقهٔ قرضه

هر صاحب قرضه حق دارد پس از انقضای موعد یا مواعد ورقهٔ قرضه، مبلغ اسمی آن را مطالبه نماید و شرکت صادرکنندهٔ ورقهٔ مزبور نیز مکلف است مبلغ اسمی مندرج در ورقهٔ قرضه را در موعد یا مواعد معین به دارنده‌اش مسترد دارد. اما **سقوط ارزش پول** موجب می‌شود که مبلغ اسمی مذکور با توجه به تورم تقلیل پیدا نماید و بدین ترتیب دارندهٔ ورقهٔ قرضه متضرر می‌گردد. برای جلوگیری از این ضرر، معمولاً در بازپرداخت مبلغ اسمی، میزان افزایش نرخ بعضی از محصولات یا خدمات شرکت را پیش‌بینی می‌نماید، مثلاً اگر شرکت راه‌آهن دولتی بخواهد برای توسعهٔ شبکهٔ راه‌آهن تهران – مشهد مبادرت به صدور اوراق قرضه نماید، می‌تواند در شرایط صدور اوراق مزبور قید کند که در استرداد مبلغ اسمی با توجه به میزان درصد افزایش، بهای بلیط درجهٔ دوم قطار نیز محاسبه و علاوه بر مبلغ مزبور به صاحب ورقه پرداخت نماید. و همچنین شرکت می‌تواند به منظور جلوگیری از متضرر شدن دارندهٔ ورقهٔ قرضه، پرداخت جایزه‌ای را به او در نظر بگیرد.

بدیهی است مبلغ اسمی ورقهٔ قرضه با توجه به قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ با اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ باید به واحد پول ایران (ریال) قید گردد. اما در قراردادهای بین‌المللی، از جمله فروش یا خرید اوراق قرضه، قید مبلغ اسمی ورقه به پول خارجی، در تجارت بین‌الملل، پذیرفته شده است.

۳ـ حقوق دیگری که علاوه بر بند ۱ و ۲ فوق ممکن است به صاحب ورقه تعلق بگیرد

مادهٔ ۵۲ ل.ا.ق.ت مقرر داشته که: «... برای ورقهٔ قرضه ممکن است علاوه بر بهره **حقوق دیگری** نیز شناخته شود.»

مقنن کلمات «حقوق دیگری» را به طور مجمل به کار برده، و توضیحی نداده است که چه حقوقی دیگر به صاحبان اوراق قرضه تعلق می‌گیرد. اما با مداقه در مواد ۵۱ الی ۵۷ ل.ا.ق.ت راجع به اوراق قرضه ملاحظه می‌شود که شرکت می‌تواند حقوق دیگری نیز به شرح زیر برای دارندگان اوراق مزبور در اعلامیه انتشار ورقه قرضه اعطاء نماید که

قسمتی از آن را در بازپرداخت بهره و مبلغ اسمی و مشارکت دادن در بالا (بند ۱-۲) گفته شد و این امر از چندین سال پیش برای جذب سرمایه‌های مردم در شرکت‌های اتحادیه اروپا یا سایر به مورد اجرا گذاشته می‌شود ضمناً حقوق ذیل نیز به صاحب ورقه قرضه اعطاء می‌شود:

۱-۳- حق تبدیل ورقهٔ قرضه با سهم شرکت

ورقه قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، در چنین صورتی، مجمع عمومی فوق‌العاده که بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت، اجازه انتشار اوراق قرضه را می‌دهد، ضمن تعیین شرایط و مهلت تبدیل اوراق مزبور به سهام شرکت، اجازهٔ افزایش سرمایه نیز به هیأت مدیره می‌دهد و هیأت اخیرالذکر در پایان مهلت مقرر، معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه‌ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایهٔ شرکت را افزایش داده پس از انجام تشریفات ثبت افزایش مزبور در ادارهٔ ثبت شرکت‌ها، سهام جدید صادر و به صاحبان اوراق مورد بحث معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم نموده‌اند تحویل می‌دهد.
(مواد ۶۹-۷۰-۷۱، ل.ا.ق.ت)

۲-۳- حق تعویض ورقهٔ قرضه با سهم شرکت

مجمع عمومی فوق‌العاده، در صورتی که اوراق قرضه شرکت قابل تعویض با سهام آن باشد، بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت، مقارن اجازهٔ انتشار اوراق قرضه، افزایش سرمایه شرکت را لااقل برابر با مبلغ اسمی اوراق قرضه تصویب می‌نماید. این افزایش سرمایه قبل از صدور اوراق قرضه باید به وسیلهٔ یک یا چند بانک و یا مؤسسه مالی معتبر پذیره‌نویسی شود و قراردادی که در مورد این‌گونه پذیره‌نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره‌نویس مبنی بر دادن این قبیل سهام به صاحبان اوراق قرضه و همچنین سایر شرایط مربوط به آن که بین شرکت و پذیره‌نویسان موصوف منعقد شده است باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام برسد وگرنه فاقد اعتبار خواهد بود (مادهٔ ۶۱ و ۶۲، ل.ا.ق.ت). نظر به این‌که پذیره‌نویسی بانک و یا مؤسسات مالی معتبر از نظر سیاست پولی و مالی حائز اهمیت می‌باشد لذا تبصرهٔ مادهٔ ۶۱ ل.ا.ق.ت، تعیین شرایط بانک‌ها و مؤسسات مالی را، که می‌توانند افزایش سرمایه شرکت‌ها را پذیره‌نویسی نمایند، به شورای پول و اعتبار محول نموده است.

ج ـ مسئولیّت مدنی و جزائی راجع به سهام و اوراق قرضه

اوّل ـ مسئولیّت مدنی

هرگاه تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد انتشار سهام و اوراق قرضه و تعیین شرایط و همچنین انجام سایر تشریفات مربوط به آن، برخلاف مقررات قانونی باشد، به تجویز مادّهٔ ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) بطلان تصمیمات یا عملیات مذکور، برحسب مورد، بنا به درخواست هر ذی‌نفع[1] و به حکم دادگاه اعلان خواهد شد و مؤسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

تبصرهٔ ذیل مادّهٔ ۵۷ (ل.ا.ق.ت) هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه را قبل از انجام تشریفات مقرر در مادّهٔ اخیرالذکر منع نموده است. بدیهی است ضمانت اجرای تخلف از مادّهٔ مذکور، بطلان عمل می‌باشد، زیرا نهی مقنن با توجه به مادّه ۳۴۸ ق.م. موجب فساد معامله خواهد بود. مادّهٔ ۴۰ (ل.ا.ق.ت) انتقال سهام با نام را در صورتی که شرایط قانونی مربوط به انتقال سهام مزبور رعایت نشود، از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار شناخته است.

دوم ـ مسئولیّت جزائی

۱ـ مقررات جزائی مربوط به ورقه سهم

برابر مادّهٔ ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد:

ـ هرکس در ورقهٔ سهم با نام یا گواهینامه موقت سهم، مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه واقعاً پرداخت شده است قید کند.

ـ هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزوّرانه انجام گرفته باشد، صادر نماید.

ـ هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره‌نویسی، کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی‌وپنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند.

ـ هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم، سهام بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام

۱ـ بنا به رأی شمارهٔ ۶۸۰-۷۳/۱۱/۳۰ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور سهامدار از مصادیق بارز ذی‌نفع محسوب می‌گردد.

صادر کند.

به دستور مادّهٔ ۲۴۴ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۵۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

ـ هرکس عالماً سهام یا گواهینامهٔ موقت سهام را بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کرده یا بفروشد و یا به معرض فروش بگذارد.

ـ هرکس سهام با نام را قبل از آنکه لااقل ۳۵٪ مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد، صادر کرده یا بفروشد و یا به معرض فروش بگذارد.

همچنین مادّهٔ ۲۴۵ (ل.ا.ق.ت). محکومیت هرکس را که عالماً در هر یک از عملیات مذکور در مادّهٔ ۲۴۴ فوق شرکت کرده یا انجام عملیات مزبور را تسهیل نماید، برحسب مورد به مجازات شریک یا معاون مرتکب اصلی، محکوم می‌نماید.

۲ـ مقررات جزائی مربوط به اوراق قرضه

ـ هرگاه رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام، قبل از پرداخت کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دوسال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی شرکت، اقدام به انتشار اوراق قرضه بنماید، به جزای نقدی ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد (مادّهٔ ۲۵۰ ل.ا.ق.ت).

ـ به دستور مادّهٔ ۲۵۱ (ل.ا.ق.ت) هرگاه رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عام، بدون رعایت مقررات مادّهٔ ۵۶ مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید، به حبس تأدیبی از سه ماه تا دوسال و جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

ـ هرگاه رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عام، نکات مندرج در مادّهٔ ۶۰ را در اوراق قرضه قید نکنند، به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد (مادّهٔ ۲۵۲. ل.ا.ق.ت).

بخش ششم

طرز کار شرکت سهامی

سه ارگان برای پیشبرد اهداف شرکت سهامی با یکدیگر همکاری دارند:
۱ـ ارگان تصمیم گیرنده ۲ـ ارگان اداره کننده ۳ـ ارگان کنترل کننده

الف ـ ارگان تصمیم‌گیرنده شرکت سهامی

ارگان تصمیم گیرنده، مجامع سهامداران هستند که از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود؛ این مجامع عبارتند از:
مجمع عمومی مؤسس، مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده.
نظر به اینکه مجمع عمومی مؤسس قبلاً مورد بحث قرارگرفته است، لذا ذیلاً به مطالعهٔ دو مجمع دیگر می‌پردازیم:

اوّل ـ مقررات مشترک راجع به مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده

دعوت مجامع

دعوت مجامع از جمله وظایف هیأت مدیره بوده و در صورت خودداری هیأت‌مدیره از دعوت، این امر به عهدهٔ بازرس یا بازرسان شرکت محول شده است. دعوت مجامع عمومی و فوق‌العاده از طریق انتشار آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به‌عمل می‌آید و تاریخ تشکیل جلسه نباید زودتر از ۱۰ روز و دیرتر از ۴۰ روز پس از انتشار دعوتنامه تعیین شود. ضمناً در صورتی که کلیهٔ صاحبان سهام شرکت در مجمع عمومی حضور داشته باشند، ارسال دعوتنامهٔ قبلی لازم نمی‌باشد.
از طرف دیگر سهامدارانی که لااقل یک پنجم سهام شرکت را دارا می‌باشند، حق دارند

دعوت و تشکیل مجمع عمومی را از هیأت مدیره و در صورت امتناع هیأت مدیره، از بازرس یا بازرسان خواستار شوند وگرنه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیأت مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده ۹۵ (ل.ا.ق.ت)

نحوهٔ شرکت در مجامع عمومی

قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده، هر صاحب سهمی که بخواهد در مجمع عمومی یا فوق‌العاده شرکت کند، می‌بایست ورقهٔ ورود به جلسهٔ مجمع را با ارائهٔ ورقهٔ سهم یا گواهینامه موقت سهام متعلق به خود، از شرکت دریافت نماید.

همچنین هر سهامدار می‌تواند برای خود وکیل یا قائم‌مقام قانونی جهت حضور در کلیهٔ مجامع عمومی تعیین نماید.

نحوهٔ أخذ رأی

أخذ رأی در مجامع معمولاً با ورقه انجام می‌شود، ولی به علت سکوت قانون تجارت در این مورد، رأی‌گیری با قیام و قعود و یا بلند کردن انگشت مجاز می‌باشد. در کلیه مجامع تصمیمات به اکثریت آراء به ترتیب مقرر اتخاذ می‌گردد. مراد از اکثریت، اکثریت آرای حاضرین در جلسه می‌باشد (مادّه ۱۰۳ ل.ا.ق.ت).

انتخاب هیأت رئیسه

مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده توسط هیأت رئیسه‌ای مرکب از **یک رئیس و دو ناظر و یک منشی** اداره می‌شود. ریاست مجمع از بین صاحبان حاضر در جلسه، به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد.

محدودیت اختیارات مجامع عمومی

باتوجه به‌مادّهٔ ۹۴ (ل.ا.ق.ت) که می‌گوید: «**هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید**»، این سؤال مطرح می‌شود که منظور از افزایش تعهدات صاحبان سهام توسط اکثریت سهامداران شرکت چیست؟ مثلاً افزایش سرمایهٔ شرکت و الزام هر سهامدار به مشارکت در آن موجب ازدیاد تعهد او می‌شود و چنین عملی برخلاف نص صریح قانون می‌باشد؛ ولی با توجه به مفهوم مخالف قسمت اخیر مادّه ۹۴ می‌توان گفت که اگر کلیه سهامداران شرکت به پیشنهاد شرکت در مورد افزایش سرمایه، رأی موافق بدهند، در این صورت منع قانونی نخواهد داشت.

حق کسب اطلاع سهامداران

قانون تجارت ایران در مادهٔ ۱۳۹، فقط حق کسب اطلاع سهامداران قبل از تشکیل مجمع عمومی را پیش‌بینی نموده و مقرر می‌دارد: «**هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت، به صورت حساب‌ها مراجعه کرده، از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان، رونوشت بگیرد**».

دوم ـ مجمع عمومی عادی

۱ـ حد نصاب برای تشکیل مجمع و اتخاذ تصمیم

در مجمع عمومی عادی، حضور دارندگان اقلاً بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند، ضروری می‌باشد. هرگاه در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد، مجمع برای بار دوم، دعوت خواهند شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارند، جلسه رسمیّت می‌یابد و تصمیمات لازم را نسبت به کلیهٔ امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است، اتخاذ خواهند نمود؛ مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجهٔ دعوت اوّل قید شده باشد (مواد ۸۶ و ۸۷ ل.ا.ق.ت). تصمیمات در مجمع عمومی عادی، همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی، معتبر می‌باشد؛ مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود (بند ۱ مادهٔ ۸۸ ل.ا.ق.ت).

۲ـ وظایف مجمع عمومی عادی

این وظایف شامل موارد زیر خواهد بود:

ـ استماع گزارش و پیشنهادات هیأت مدیره و بازرسان شرکت در مورد وضع مالی و خط‌مشی آینده شرکت و أخذ تصمیم دربارهٔ آنها.

ـ تصویب ترازنامه سالیانه و حساب سود و زیان.

ـ تعیین حق‌الزحمهٔ مدیران و بازرسان و تعیین جانشینان در خاتمهٔ مأموریت آنان.

ـ تعیین روزنامهٔ کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌شود.

۳ـ اختیارات مجمع عمومی عادی

اولاً ـ رسیدگی به حساب‌های شرکت و تقسیم سود.

ثانیاً ـ برابر مادهٔ ۹۰ (ل.ا.ق.ت) که می‌گوید: «**تقسیم سود و اندوخته صاحبان سهام فقط پس**

از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع، تقسیم ۱۰٪ از سود ویژهٔ سالانه بین صاحبان سهام الزامی است».

در مادّهٔ مذکور مقنن به سود ویژه اشاره می‌کند و منظور از آن عبارت است از وضع تمام مخارج شرکت، مانند: هزینهٔ تجارتی و مخارج بهره‌برداری، استهلاک، هزینهٔ عمومی و تبلیغات، مالیات و پاداش، مطالبات مشکوک‌الوصول، پذیرایی و غیره، و کسر آن از درآمد کل شرکت. از سود ویژه به میزان $\frac{1}{20}$ یا ۵٪ جهت تشکیل ذخیره قانونی شرکت، تا زمانی که میزان آن به ۱۰٪ سرمایهٔ اصلی شرکت برسد، برداشت می‌شود و بعد از آن برداشت به‌عنوان ذخیره قانونی، اختیاری خواهد بود (مادّهٔ ۱۴۰ ل.ا.ق.ت).

ثالثاًـ انتخاب مدیران و بازرسان: مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند و مدت مدیریت آنان نباید از دوسال تجاوز نماید (مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت)؛ از طرف دیگر مجمع مزبور می‌تواند در تصمیمات بعدی خود هیأت مدیره را کلاً یا بعضاً عزل نماید.

نحوهٔ انتخاب مدیران شرکت در مادّهٔ ۸۸ (ل.ا.ق.ت) با اکثریت نسبی پیش‌بینی شده است و تعداد آرای هر رأی‌دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق هر رأی‌دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود.

در قسمت دوم مادّهٔ ۸۸ مذکور گفته شده است که : **«با توجه به اصل رعایت تساوی حقوق هر سهامدار در تخصیص رأی به انتخاب مدیران، تعداد سهام هر رأی‌دهنده تعداد آراء صاحبان سهام ممتاز مندرج در مادّه ۴۲ (ل.ا.ق.ت) مانند سهام عادی حساب می‌شود در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود».**

معمولاً اقلیت از سیستم رأی ادغامی استفاده می‌نمایند، به این معنی که سهامداران اقلیت آراء خود را روی یک یا چند مدیر کاندیدا متمرکز می‌کنند تا بدین وسیله بتوانند در هیأت مدیره نفوذ نمایند و تا حدودی در کنترل شرکت مدخلیت داشته باشند.

رابعاًـ تعیین روزنامهٔ کثیرالانتشار شرکت از جمله اختیارات مجمع عمومی عادی سالیانه برای آگهی‌ها و اطلاعیه‌های بعدی سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد می‌باشد.

سوم ـ مجمع عمومی فوق‌العاده

۱ـ حدنصاب برای تشکیل مجمع و اتخاذ تصمیم

مجمع عمومی فوق‌العاده با حداقل دارندگان بیش از یک دوم سهامی که حق رأی دارند یا

نمایندگان آنها در جلسه، رسمیت خواهد داشت. اگر این حدنصاب در اولین دعوت حاصل نشود، مجمع برای مرتبهٔ دوم دعوت خواهند شد و حدنصاب در این مجمع با حضور بیش از یک سوم سهام صاحبان سهام با حق رأی شرکت است؛ مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجهٔ دعوت اوّل ذکر شده باشد. تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با شرکت دوسوم آراء صاحبان سهام حاضر در جلسه معتبر خواهد بود (مواد ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت).

۲ـ وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده

وظایف مجمع عبارت است از: «افزایش سرمایه، کاهش سرمایه، تغییرات اساسنامه، انحلال شرکت قبل از موعد و یا تغییر نوع شرکت.»

اولاً ـ افزایش سرمایه:

حدود اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد افزایش سرمایه: افزایش سرمایه از نظر حقوقی وقتی صورت می‌گیرد که سرمایهٔ شرکت تماماً تأدیه شده باشد که این افزایش به چهار صورت تحقق می‌یابد:

ـ افزایش سرمایه از طریق پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد. (بند ۱ مادهٔ ۱۵۸ ل.ا.ق.ت)

ـ به وسیلهٔ تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایهٔ شرکت. (بند ۳ مادهٔ ۱۵۸)

ـ به صورت تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید. (بند ۲ مادهٔ ۱۵۸)

ـ بالاخره با تبدیل اوراق قرضه به سهام. (بند ۴ مادهٔ ۱۵۸)

مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اختیار دهد که در ظرف مدت معینی که از ۵ سال تجاوز ننماید، سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مندرج در مواد ۱۵۹ الی ۱۸۸ افزایش دهد. این تفویض اختیار به هیأت‌مدیره به‌طور استثناء است، زیرا افزایش سرمایه در صلاحیت اصلی مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

۱ـ افزایش سرمایه از طریق پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد:

شرکت سهامی برای ادامه کار و فعالیت تجاری خود از طریق فراهم ساختن سرمایهٔ ضروری مبادرت به انتشار سهام جدید عادی می‌نماید و چنین اقدامی در صورتی نتیجه‌بخش خواهد بود که شرکت از اعتبار کافی برخوردار باشد والاّ اگر شرکت متحمل

زیان شد و ذخائر خود را نیز مصرف کرده باشد، اصلح است که به عوض سهام عادی جدید مبادرت به صدور سهام ممتازه و یا اوراق قرضه بنماید.

بدیهی است اگر شرکت اطمینان از فروش سهام عادی جدید خود داشته باشد در این صورت نه امتیازی به سهامداران جدید خود می‌دهد و نه بار مالی پرداخت بهره اوراق قرضه را در مواعد معین تحمل می‌نماید.

ارزش اسمی سهام جدید که منتشر می‌گردد باید مساوی با بهای اسمی سهام قدیم باشد، زیرا برابر مادّهٔ ۳۲ (ل.ا.ق.ت) مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد. بدین ترتیب ارزش اسمی کلیه سهام شرکت، در طول مدت حیات شرکت، چه در بدو تأسیس و چه به هنگام انتشار سهام جدید به علت افزایش سرمایه و چه در صورت تجزیه سهام به قطعات باید متساوی باشد.

منظور از اضافه ارزش هر سهم که در مادّهٔ ۱۶۰ (ل.ا.ق.ت) اشاره گردیده، مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی هر سهم است که شرکت می‌تواند به‌مناسبت افزایش از پذیره‌نویسان مطالبه نماید و علت چنین مطالبه‌ای هم این است که سهامداران قدیم شرکت متضرر نشوند.

در مورد پاسخ به این سؤال که آیا جمع اضافه ارزش‌های دریافتی شرکت از پذیره‌نویسان جزو سرمایه شرکت محسوب می‌شود و یا می‌توان آنها را در ردیف منافع و ذخائر شرکت منظور نمود، مادّهٔ ۱۶۰ (ل.ا.ق.ت) اختیار اتخاذ تصمیم را به شرکت محول نموده و می‌گوید: **«شرکت می‌تواند از عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد».**

بر طبق مادّه ۱۶۶ (ل.ا.ق.ت.) حق تقدم صاحبان سهام قدیم پیش‌بینی شده است که می‌گوید: **«در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است، مهلتی که طی آن سهامداران می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند، کمتر از ۶۰ روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره‌نویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود».**

مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هنگام تصویب افزایش سرمایه از طریق فروش سهام، حق تقدم سهامداران را نسبت به پذیره‌نویسی تمام و یا قسمتی از سهام جدید را از آنان سلب نماید، مشروط بر آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت مدیره و بازرس و بازرسان شرکت اتخاذ گردد والاّ تصمیم مزبور باطل خواهد بود (مادّه ۱۶۷ ل.ا.ق.ت).

در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از سهامداران سابق سلب شده، یا

صاحبان سهام از حق تقدم خود در ظرف مدت مقرر استفاده ننمایند، تمام یا باقیمانده سهام جدید، حسب مورد، عرضه شده و به متقاضیان فروخته خواهد شد (مادّهٔ ۱۷۲ ل.ا.ق.ت).
بر طبق مادّهٔ ۱۷۱ (ل.ا.ق.ت) گواهینامهٔ حق خرید سهامی که صاحبان سهام حق تقدم در خرید آن را دارند باید شامل نکات زیر باشد:
- نام و شماره ثبت مرکز اصلی شرکت.
- مبلغ سرمایه فعلی و نیز مبلغ افزایش سرمایه شرکت.
- تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.
- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
- مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.

گواهینامه مذکور باید لااقل به امضای دونفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می‌شود، برسد.
شرکت سهامی عام باید قبل از عرضه سهام جدید جهت پذیره‌نویسی مردم، ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید برای افزایش سرمایه را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت نماید، که اعلامیهٔ مزبور الزاماً باید به امضای مجاز شرکت رسیده باشد و نیز شامل نکات مقرر در مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ (ل.ا.ق.ت) باشد، سپس مراجع ثبت شرکت‌ها پس از بررسی طرح اعلامیه مزبور و ضمایم مربوط، اجازه انتشار آن را صادر می‌نماید و شرکت، اعلامیه پذیره‌نویسی سهام افزایش سرمایه را باید علاوه بر روزنامهٔ کثیرالانتشار که آگهی های شرکت در آن منتشر می‌گردد، لااقل در دو روزنامهٔ کثیرالانتشار دیگر آگهی نماید و نیز در آگهی مزبور باید تاریخ شروع پذیره‌نویسی سهام افزایش سرمایه و تاریخ خاتمهٔ آن که مجموعاً نباید کمتر از ۲ ماه باشد قید شود.
حال اگر مقدار سهام خریداری شده، بیشتر از کل سهم تعیین شده برای افزایش سرمایه باشد، هیأت مدیره باید نسبت به تعدیل سهام مذکور با تعیین تعداد سهام هر خریدار، دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط صادر نماید (مادّه ۱۸۸ ل.ا.ق.ت).
مطابق مادّهٔ ۸۲ (ل.ا.ق.ت) و مادّه ۷۶ همان قانون، اگر قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقدی تأدیه شود، باید بدواً آورده‌های غیرنقدی، طبق نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری ارزیابی گردد و گزارش مربوط به ارزیابی آورده‌های غیرنقدی

در اختیار مجمع عمومی فوق‌العاده قرار گیرد. اگر آورده‌های غیرنقدی یا مزایایی که مطالبه شده مورد تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده قرار نگیرد، دومین جلسه مجمع اخیر که حدنصاب آن حضور بیش از نصف پذیره‌نویسان هر مقدار سهام جدید و صاحبان سهام شرکت می‌باشد، به فاصلهٔ مدتی که از یک ماه تجاوز ننماید تشکیل می‌شود و در فاصلهٔ دو جلسهٔ مذکور، صاحبان آورده‌های غیرنقدی که آورده آنها مورد تصویب واقع نشده، می‌توانند تعهد غیرنقدی خود را به تعهد نقدی تبدیل و مبلغ معادل آن را پرداخت کنند و همچنین کسانی که مزایای مورد مطالبهٔ آنان از طرف مجمع عمومی فوق‌العاده پذیرفته نشده است در صورت تمایل می‌توانند از مزایای مزبور انصراف حاصل و در شرکت باقی بمانند.

در شرکت سهامی خاص، قانونگذار تشریفات کمتری برای افزایش سرمایه از طریق صدور سهام قایل شده است. به منظور ثبت افزایش سرمایه شرکت مزبور فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمهٔ مدارک مندرج در مادّهٔ ۱۸۳ ناظر به مادّهٔ ۱۶۹ (ل.ا.ق.ت) کافی خواهد بود.

برای افزایش سرمایه در شرکت سهامی خاص از طریق فروش سهام جدید، مجمع عمومی فوق‌العاده باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در این مورد مراتب را تصویب نماید.

در صورتی که سلب حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید، از بعضی از سهامداران به نفع بعضی دیگر انجام پذیرد، صاحبان سهامی که سهام جدید برای تخصیص به آنان در نظر گرفته شده است، حق شرکت در أخذ رأی دربارهٔ سلب حق تقدم مورد بحث ندارند و در حدنصاب رسمیت جلسه و اکثریت برای اتخاذ تصمیم نیز آرای آنان به حساب نخواهد آمد و همچنین مهلتی که طی آن صاحبان سهام می‌توانند حق تقدم خود را در خرید سهام جدید به مناسبت افزایش سرمایه شرکت، اعمال کنند، حداقل ۶۰ روز خواهد بود و این مهلت از روزی که برای پذیره‌نویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود (مواد ۱۶۶، ۱۶۷ و ۱۶۸ ل.ا.ق.ت).

شرکت سهامی خاص، نمی‌تواند در اساسنامهٔ خود اختیار افزایش سرمایه را برای هیأت مدیره تفویض نماید و ضمناً مادامی که سرمایهٔ شرکت کلاً تأدیه نشده باشد، افزایش سرمایه مجاز نخواهد بود (مواد ۱۶۴ و ۱۶۵ ل.ا.ق.ت). ناگفته نماند بموجب تبصره ۱ مادهٔ ۱۵۷ ل.ا.ق.ت فقط در شرکت سهامی خاص تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.

۲ـ افزایش سرمایه به وسیله تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام به سرمایه شرکت:

سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص در هر سال مالی منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته‌ها (اختیاری، مالیاتی و قانونی) و حسب مورد به علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده، منهای پاداش اعضای موظف هیأت مدیره با در نظر گرفتن شرایط مقرر در مادهٔ ۲۴۱ (تلفیقی از مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۱ ل.ا.ق.ت).

اگر شرکت بخواهد سود تقسیم نشده یا اندوخته و یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام را تبدیل به سرمایه بنماید (بند ۳ از مادهٔ ۱۵۸ ل.ا.ق.ت)، در چنین حالتی شرکت با استفاده از منابع مالی مربوط از یک نوع خودکفائی برخوردار می‌باشد و چون سهامداران شرکت هیچ‌گونه مبلغ جدیدی از بابت افزایش سرمایه مذکور پرداخت نمی‌نمایند؛ لذا توزیع اوراق تعهد سهام بین صاحبان سهام، از طرف شرکت، برای پذیره‌نویسی و به طریق اولی، انتشار اعلامیه و آگهی مربوط به پذیره‌نویسی الزامی نخواهد بود.

مطابق تبصرهٔ ۲ از مادهٔ ۱۵۸ (ل.ا.ق.ت) انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع شده است و این امر شاید به منظور تضمین بیشتر مطالبات اشخاص ثالث از شرکت بوده است، ولی عملاً اگر اندوخته‌های قانونی به سرمایه منتقل شود، موجب افزایش سرمایه شرکت خواهد بود و چنین اقدامی به نفع طلبکاران شرکت می‌باشد نه به ضرر آنان، گرچه ممکن است اندوخته مذکور با صدور سهام جدید مجانی بین سهامداران تقسیم گردد.

در صورتی که کلیه صاحبان سهام با افزایش مبلغ اسمی سهام شرکت موافق باشند در این صورت سهام سابق شرکت باطل و به عوض آنها سهام جدید با مبلغ اسمی بیشتر تعیین شده از طرف شرکت صادر می‌گردد.

مطابق مادهٔ ۱۸۸ (ل.ا.ق.ت) در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد، کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود.

افزایش سرمایهٔ شرکت موجب بالا رفتن اعتبار آن در مقابل اشخاص طرف قرارداد با شرکت بالاخص با بانک‌ها و مؤسسات مالی معتبر می‌گردد.

در صورتی که شرکت ذخائر قابل تقسیم و یا اضافه ارزش سهام فروخته شده را بدواً بین صاحبان سهام تقسیم و سپس مبادرت به صدور سهام جدید با پرداخت مبلغ اسمی بنماید، کاری بیهوده و عبث خواهد بود، زیرا حتی در صورتی که سهامداران شرکت پس

از دریافت سود متعلقه به خود، مجدداً آنها را صرف خرید سهام جدید شرکت بنمایند، شرکت ناچار خواهد بود برای پذیره‌نویسی سهام جدید تشریفات قانونی که مستلزم هزینه و اتلاف وقت است انجام دهد.
مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند رأساً مبادرت به افزایش سرمایه نماید یا این کار را به هیأت مدیره محول می‌کند، در هر حال هیأت مدیره مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر مدت یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت راجع به میزان سرمایه ثبت شده شرکت، جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند تا پس از انجام تشریفات ثبت، نتیجه جهت اطلاع عموم آگهی شود (مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ ل.ا.ق.ت).

۳ـ تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید:
مطابق مادّهٔ ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) مجمع عمومی فوق‌العاده اختیار دارد از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده طلبکاران شرکت به سهام جدید، سرمایه شرکت را افزایش دهد و این در صورتی است که شرکت در فروخته شدن سهام جدید خود تردید داشته باشد زیرا طلبکاران شرکت حاضر نمی‌شوند بدون کسب امتیازاتی از قبیل سلب حق تقدم خرید سهام جدید از بعضی و یا کل سهامداران شرکت، به تبدیل مطالبات حال شده خود به سهام مذکور مبادرت نمایند، مگر اینکه شرکت از نظر مالی، وضع موفقیت‌آمیزی داشته باشد.
با توجه به مادّهٔ ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) ملاحظه می‌گردد که برای تبدیل مطالبات نقدی حال نشده اشخاص به سهام جدید علاوه بر اتخاذ تصمیم مجمع مزبور، تمایل طلبکاران در تبدیل مطالبات حال شده آنان به سهام جدید، الزامی می‌باشد.
حال باید دید که آیا بین دین شرکت و دین طلبکار شرکت که پس از خرید سهام جدید ایجاد می‌شود، تهاتر حاصل خواهد شد یا خیر؟
مطابق مادّهٔ ۱۸۸ (ل.ا.ق.ت) که اشاره‌ای به تهاتر نموده است، کلیه افزایش سرمایه از طریق مذکور باید نقداً پرداخت شود و به هنگام پذیره‌نویسی تمام سهام جدید، بر حسب مورد، کلاً پرداخت یا تهاتر شود.
با توجه به اینکه تهاتر قهری مندرج در مادّهٔ ۲۹۵ قانون مدنی ایران نمی‌تواند در این مورد مصداق داشته باشد، اگر طرفین با رعایت مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ قانون مذکور در شرایط تهاتر توافق نمایند، آیا بین دیون تهاتر حاصل می‌شود یا خیر؟
مجمع عمومی فوق‌العاده که تبدیل مطالبات حال شده اشخاص را به سهام جدید برای

افزایش سرمایه تصویب نموده و طلبکار نیز به این امر رضایت داده است، تصور نمی‌شود که به حقوق اشخاص ثالث لطمه وارد شده باشد، مگر اینکه این شرکت به نفع اشخاص اخیر توقیف شود.

اگر طلبکار شرکتی ورقهٔ تعهد سهام جدید شرکت مزبور را به منظور تبدیل مطالبات خود به سهام پذیره‌نویسی نماید، آیا اشخاص ثالث می‌توانند قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه، دیون شرکت به طلبکار مزبور را تأمین یا توقیف نمایند؟

مطابق مادهٔ ۱۸۴ (ل.ا.ق.ت) وجوهی راکه به حساب افزایش سرمایه پرداخت می‌شود و باید در حساب سپرده مخصوص نیز نگاهداری شود قابل تأمین و توقیف و انتقال به حساب‌های شرکت نیست، مگر اینکه افزایش سرمایهٔ شرکت مزبور در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشد.

ورقهٔ تعهد سهم مذکور، در مورد شرکت‌های سهامی عام باید مشتمل بر نکات مندرج در مادهٔ ۱۸۶ (ل.ا.ق.ت) ناظر به مادهٔ ۱۷۹ همان قانون باشد و همچنین شرکت مکلف است برای به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه با تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید، مدارک مذکور در مادهٔ ۱۸۷ (ل.ا.ق.ت) را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نماید.

۴ـ تبدیل اوراق قرضه به سهام:

قانونگذار برای افزایش سرمایه با صدور سهام جدیدی که با اوراق قرضه قابل تبدیل یا تعویض باشد، تشریفات خاصی به شرح زیر قایل شده است:

ـ در صورت قابل تبدیل بودن اوراق قرضه به سهام شرکت، مجمع عمومی فوق‌العاده بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان، اجازهٔ انتشار اوراق قرضه را می‌دهد و ضمن تعیین شرایط و مهلتی، به هیأت مدیره اجازه می‌دهد تا سرمایه شرکت راافزایش دهد و هیأت مدیره نیز در پایان مهلت تعیین شده، معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه‌ای که برای تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است، سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از انجام تشریفات ثبت افزایش مزبور در مرجع ثبت شرکت‌ها سهام جدید انتشار و به صاحبان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق که به شرکت تسلیم نموده‌اند، تحویل می‌دهد.

در تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت حق تقدم سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تبدیل مزبور، خود به خود منتفی می‌باشد.

ـ در صورت قابل تعویض بودن اوراق قرضه با سهام شرکت، مجمع عمومی فوق‌العاده بنا

به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش مخصوص بازرسان شرکت، مقارن اجازهٔ انتشار اوراق قرضه، افزایش سرمایهٔ شرکت را، لااقل برابر با مبلغ اسمی اوراق مزبور تصویب می‌کند. این قبیل افزایش سرمایه باید قبل از انتشار اوراق قرضه به وسیلهٔ یک یا چند بانک و یا مؤسسه مالی معتبر پذیره‌نویسی شود و قرارداد مربوط به این‌گونه پذیره‌نویسی و سایر شرایط مربوط به آن و پذیره‌نویسان شرکت، به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران برسد و الاّ فاقد هرگونه اعتبار خواهد بود.
اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت، الزاماً باید با نام باشد (مواد ۶۱ و ۶۲ ل.ا.ق.ت) و شرکت مکلف است اوراق مذکور را به صاحبان مربوط انتقال داده، در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برساند (مواد ۶۷ و ۶۸ ل.ا.ق.ت).

ثانیاً ـ کاهش سرمایه:
کاهش سرمایه شرکت برخلاف استهلاک آن موجب تغییر مبلغ اسمی سرمایه شده، در نتیجه وثیقه طلبکاران شرکت تقلیل پیدا می‌کند. کاهش سرمایه شرکت معمولاً بنا به دلایل و طرق مشروحه زیر به عمل می‌آید:

۱ـ **کاهش سرمایه به علت زیان‌های وارده به شرکت:** در چنین صورتی باید سرمایه شرکت ارزیابی شده و بر مبنای واقعیت موجود تقلیل داده شود.
به تجویز مادّهٔ ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) کاهش سرمایه هنگامی اجباری محسوب می‌شود که زیان‌های وارده شرکت حداقل برابر نصف سرمایه شرکت باشد. کاهش اجباری سرمایه برابر تبصره مادّهٔ ۱۸۹ به شرح زیر به عمل می‌آید:
ـ **تقلیل تعداد سهام شرکت:** مثلاً تعویض دو سهم قدیم در مقابل یک سهم جدید که این کار به ضرر سهامدارانی است که لااقل یک سهم داشته، یا تعداد سهام آنان منفرد باشد و برای این قبیل سهامداران هم نمی‌توان سهام انتفاعی قایل شد، زیرا اعطای سهام انتفاعی غالباً موجبات نارضایتی سهامداران شرکت و اشخاص ثالث را فراهم می‌سازد. برای تعیین و تکلیف این صاحبان سهام منفرد می‌توان در صورت تقلیل اجباری سرمایه از طریق تقلیل تعداد سهام، در مواردی که بعضی از سهامداران فقط یک سهم و یا سهام منفرد غیرقابل تبدیل به سهام جدید داشته باشند، باطل شده محسوب و سهامدار حقی از این بابت نخواهد داشت و یا اینکه چنین سهامدارانی را به خرید سهام جدید شرکت ملزم نمود.

- **تقلیل قیمت اسمی سهام:** در این حالت ارزش اسمی سهام شرکت تقلیل پیدا می‌کند به‌طوری که سهام قدیم کلاً باطل شده و سهام جدید با ارزش اسمی کمتری بین سهامداران شرکت به نسبت سهام آنان توزیع می‌گردد.

۲ـ کاهش سرمایه به علت زیاد بودن دارائی شرکت: هنگامی که میزان سرمایه شرکت با فعالیت آن تناسبی نداشته و از نظر تجاری قابل توجیه نباشد؛ در این صورت می‌توان از طریق توزیع قسمتی از سرمایه شرکت بین سهامداران آن، سرمایه شرکت را کاهش داد و این کاهش که به‌طور اختیاری است، کمتر در شرکت‌ها عملی می‌شود. بعبارت دیگر کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.
در صورتی که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه وارد نشود، یاسرمایه شرکت از حداقل مقرر در مادّهٔ ۵ (ل.ا.ق.ت) کمتر نشود، مجمع عمومی فوق‌العاده بنا به پیشنهاد هیأت مدیره وگزارش بازرس یا بازرسان اتخاذ تصمیم می‌نماید. هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه مکلف است تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده را درباره کاهش مزبور حداکثر ظرف مدت یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری آگهی نماید تا از این طریق از اشخاص ثالث حمایت به عمل آورده باشد.

۳ـ آیا کاهش سرمایه از طریق خرید سهام شرکت به وسیله خود شرکت امکان‌پذیر است یا خیر؟ برابر مادّهٔ ۱۹۸ (ل.ا.ق.ت) خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع می‌باشد، زیرا شرکت ممکن است سهام بعضی از سهامداران را خریداری و باطل نماید و اشخاص اخیر از وضع بهتری نسبت به سایر صاحبان سهام برخوردار شوند و علت دیگر ممنوعیت این کار این است که اصل تساوی حقوق سهامدار در شرکت، با چنین اقدامی رعایت نشده و اشخاص ثالث نیز که با شرکت طرف قرارداد می‌باشند، با کاهش مخفی سرمایه مواجه خواهند شد.

ثالثاً ـ تغییرات در اساسنامه:
در صورتی که تغییرات در اساسنامه به اصل تساوی حقوق سهامداران در شرکت خللی وارد نکند، مجمع عمومی فوق‌العاده اختیار کامل دارد که در اساسنامه شرکت با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسهٔ رسمی تغییراتی بدهد (مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت).

یکی از استثنائات اصل مذکور غیرقابل تغییر بودن تابعیت شرکت می‌باشد که چون اعطای تابعیت یا سلب آن علی‌الاصول از جمله اختیارات دولت می‌باشد لیکن اگر شرکتی مرکز اصلی خود را به کشور دیگری انتقال دهد در این صورت قهراً شرکت تابعیت آن کشور را کسب می‌نماید. امروزه دولت‌ها در نقل و انتقال بین‌المللی مرکز اصلی شرکت‌ها نرمش به خرج داده و با انعقاد قرارداد با کشورهای دیگر به شرکت‌ها اجازه می‌دهند که تحت شرایطی تابعیت کشور خارجی را با حفظ تابعیت کشور اصلی کسب نمایند.

با صراحت مادّهٔ ۹۴ (ل.ا.ق.ت) هیچ مجمعی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. بدیهی است چنانچه برخلاف این مادّه اتخاذ تصمیم بنماید، ضمانت اجرای آن بطلان تصمیم متخذه خواهد بود.

استثناء دیگر، منع افزایش تعهدات صاحبان سهام می‌باشد که مجمع عمومی فوق‌العاده حق ندارد با اکثریت مقرر تعهدات سهامداران را افزایش دهد و این به خاطر رعایت اصل تساوی حقوق سهامداران و آزادی قراردادهاست.

رابعاً ـ انحلال شرکت قبل از موعد و یا تغییر نوع شرکت:

وقتی که شرکت موضوعی راکه برای آن تشکیل شده، انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد و یا مدت شرکت منقضی شده باشد، در صورت ورشکستگی شرکت، در هر موقع به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده و بالاخره در زمان انحلال به حکم قطعی دادگاه، شرکت سهامی منحل می‌گردد (مادّهٔ ۱۹۹ ل.ا.ق.ت).

تغییر نوع شرکت در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد که با توجه به مواد ۵ و ۲۷۸ به بعد (ل.ا.ق.ت) به شرح زیر به عمل می‌آید:

۱ـ تبدیل شرکت سهامی خاص به سهامی عام: شرکت سهامی خاص با رعایت شرایط ذیل می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود:

ـ موضوع شرکت به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد. سرمایه آن نباید از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر باشد در غیر این‌صورت افزایش سرمایه الزامی است.

– از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت دو سال گذشته و دو ترازنامه سال مالی آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد.

ـ اساسنامه شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد شرکت سهامی اصلاح و یا مجدداً تنظیم گردد.
شرکت سهامی خاص باید ظرف مدت یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران تبدیل شرکت را به سهامی عام تصویب نموده است صورتجلسه مجمع مزبور را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نماید:
ـ اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است.
ـ ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت.
ـ صورت دارائی شرکت.
ـ اعلامیه تبدیل شرکت که به امضاء صاحبان امضاء مجاز شرکت رسیده باشد و حاوی نام و شماره ثبت شرکت، موضوع شرکت، مرکز اصلی شرکت، تاریخ انقضای مدت آن، سرمایه شرکت، تعداد امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار، هویت کامل رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت، شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی، مقررات اساسنامه، مبلغ دیون شرکت، ذکر نام روزنامهٔ کثیرالانتشار، باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها پس از دریافت مدارک فوق و تطبیق مندرجات آنها با قانون تجارت، تبدیل شرکت سهامی خاص را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینهٔ شرکت آگهی می‌نماید.

۲ـ تبدیل شرکت سهامی به انواع شرکت‌های دیگر: مطابق مادّهٔ ۵ (ل.ا.ق.ت) هرگاه سرمایه شرکت سهامی عام از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سرمایه شرکت سهامی خاص از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر شود باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام نموده و یا شرکت را به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجارتی تغییر دهند، در غیر این‌صورت هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ذی‌صلاح انحلال شرکت را درخواست نماید.

چهارم ـ مسئولیّت مدنی و جزائی ارگان تصمیم گیرنده

ـ مسئولیّت مدنی

باید گفت که مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده شرکت سهامی ممکن است بدون رعایت مقررات قانونی تصمیماتی اتخاذ کند که بنا به تقاضای هر ذی‌نفع (سهامدار زیان دیده،

طلبکار، صاحب سهم انتفاعی که در سود یامزایای متعلقه به وی لطمه وارد شده و نیز خود شرکت در صورت متضرر شدن از این تصمیمات)، دادگاه حکم بطلان تصمیمات مذکور را صادر می‌نماید، لکن مدیران و بازرسان و سهامداران شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند (مادّه ۲۷۰ ل.ا.ق.ت).
اشخاص ثالث می‌توانند پس از قطعیت حکم بطلان صادره، از کسانی که مسئول بطلان بوده‌اند خسارات وارده را أخذ نمایند.
از نظر اعتبار قضیهٔ محکوم بها، طبق اصل کلی حکم بطلان صادره بین طرفین از اعتبار قانونی (به طور مطلق) برخوردار است، ولی به لحاظ اینکه ممکن است حکم بطلان در اثر تبانی سهامداران و یا مدیران شرکت سهامی صادر گردد، قانونگذار در جهت تقویت اعتبار شرکت‌های سهامی، به اشخاص ذی‌نفع حق داده تا علیه کسانی که مسئول بطلان بوده‌اند دعوی مسئولیّت اقامه نمایند.
ضمناً کسانی که به صاحبان سهام و اشخاص ثالث در اثر بطلان، خساراتی وارد کرده باشند مسئولیّت تضامنی خواهند داشت.
راجع به تغییرات در اساسنامه، در صورتی که مجمع عمومی تابعیت شرکت را تغییر دهد و یا با اکثریت (نه به اتفاق آراء) تعهدات صاحبان سهام را افزایش دهد، چون بر خلاف مادّهٔ ۹۴ (ل.ا.ق.ت) می‌باشد، لذا تصمیم متخذه در این مورد باطل خواهد بود.
در مورد انحلال شرکت قبل از موعد، در صورتی که پس از تأسیس، سرمایه شرکت‌های مزبور (شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال) به‌هر علت از حداقل مذکور کمتر شود، شرکت مکلف است ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام کند و یا نوع شرکت را تغییر دهد، وگرنه هر ذی‌نفع حق دارد انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست نماید.

مسئولیّت جزائی

اگر هیأت رئیسه هر مجمع عمومی از تنظیم صورت جلسه‌ای توسط منشی از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی که به امضای هیأت رئیسه نیز رسیده باشد، خودداری نماید به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.
مطابق مادّهٔ ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به مادّهٔ ۲۵۵ (ل.ا.ق.ت) هر کس عامداً مانع حضور صاحب سهم در جلسات مجامع عمومی سهامداران بشود و یا هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در أخذ رأی در مجمع عمومی

صاحبان سهام شرکت نماید، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.
بند ۳ از مادهٔ ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) هرکس را که از اعلام مطالب مندرج در مادهٔ ۱۰۶ (ل.ا.ق.ت) و یا سایر موارد مقرر در قانون که باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام گردد، بعضاً یاکلاً خودداری کند و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مذکور اعلام دارد، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم می‌نماید.

ب ـ ارگان اداره کننده

شرکت‌های سهامی عام و خاص به وسیلهٔ هیأت مدیره‌ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند، اداره می‌شود. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و در شرکت سهامی خاص نباید از ۳ نفر کمتر باشد (مواد ۱۰۷ و ۳ ل.ا.ق.ت).

اوّل ـ انتخاب و عزل مدیران

به هنگام تأسیس شرکت، مجمع عمومی مؤسس اولین مدیران شرکت را انتخاب می‌نماید و مدّت مدیریت آنان، که در هر حال نباید از دوسال تجاوز کند، در اساسنامه تعیین می‌شود، در طول حیات شرکت هیأت‌مدیره از میان سهامداران شرکت و توسط مجمع عمومی عادی با اکثریت نسبی انتخاب می‌شود و مجمع مزبور می‌تواند در تصمیمات بعدی خود هیأت مدیره راکلاً و یا بعضاً عزل کند. برای انتخاب مدیران تعداد آرای هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و بدین ترتیب هر سهامدار رأی دهنده می‌تواند یک یا چندنفری راکه مایل باشد، انتخاب نماید. ضمناً صورت جلسهٔ مجمع عمومی در مورد انتخاب مدیران باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد (مواد ۸۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت).
مطابق مادهٔ ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: افراد محجور، افراد ورشکسته (تاجر ورشکسته)، محکومین جزائی، کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌ها (سرقت – خیانت در امانت – کلاهبرداری – اختلاس– تدلیس – تصرف غیرقانونی در اموال عمومی) به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند و نیز کسانی که در امور دولتی و دفاتر

اسناد رسمی برابر اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دارای مشاغلی هستند.
دادگاه عمومی بنا به تقاضای هر ذی‌نفع، حکم عزل هر مدیری را که بر خلاف مادّهٔ ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) انتخاب شود، صادر خواهد نمود و حکم دادگاه موصوف قطعی خواهد بود.
مادّهٔ ۱۲۶ (ل.ا.ق.ت) مقرر می‌دارد که علاوه بر اشخاص مندرج در مادّهٔ ۱۱۱، افرادی که مدیریت عاملی بیش از یک شرکت را دارا باشند، نیز نمی‌توانند به عنوان مدیرعامل شرکت انتخاب شوند.
اعضای هیأت مدیره ممکن است از اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد. شخص حقوقی باید یک نفر را به نمایندگی خود جهت انجام وظایف مدیریت به شرکت معرفی نماید. مسئولیّت مدنی و جزائی نمایندهٔ شخص حقوقی و مدیر همانند مسئولیّت مدیران طبیعی می‌باشد، ولی از جهت مسئولیّت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین و معرفی نموده است، مسئولیّت تضامنی خواهد داشت (مادّهٔ ۱۱۰ ل.ا.ق.ت).
مدیران شرکت نمی‌توانند از بابت عزل خود از مدیریت شرکت تقاضای ضرر و زیان بنمایند، مگر اینکه عزل آنان در نتیجهٔ سوء استفاده از حق صورت گرفته باشد.
با مداقه در مادّهٔ ۱۱۲ به بعد (ل.ا.ق.ت) برای استعفای مدیران منع قانونی وجود ندارد. اما اگر مدیری، با قصد اضرار به شرکت یا بی‌موقع استعفا دهد، ممکن است مرتکب تقصیر جرمی[1] یا تقصیر عمدی شده و به جبران ضرر و زیان وارده به شرکت محکوم شود.
مدیران باید از بین سهامداران انتخاب شوند و دارای تعداد سهامی باشند که در اساسنامه شرکت مقرر شده است. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است، کمتر باشد و نیز برای جبران خسارات احتمالی از سوی مدیران، مطابق مادّهٔ ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت)، باید تعدادی سهام با نام و غیرقابل انتقال به عنوان وثیقه به صندوق شرکت بسپارند. تعداد سهام مورد وثیقه برای هر یک از مدیران باید به میزانی باشد که خسارات مورد بحث را جبران نماید.
هر مدیری می‌تواند، سهام مورد وثیقه خود را پس از پایان دورهٔ مدیریتش از صندوق آزاد نماید. پس از انتخاب هیأت مدیره از طرف مجمع عمومی عادی برابر مادّهٔ ۱۱۹ (ل.ا.ق.ت) هیأت مزبور اولین جلسهٔ خود را تشکیل می‌دهد و از بین خود یک رئیس و یا

۱- تقصیر جرمی عبارت از تخلف از قانون، مقررات و یا از الزامات عمومی راجع به دقت و توجه به عواقب امور و احتیاط است. ضمانت اجرای تخلف مزبور در صورتی که به کسی ضرری وارد شود، جبران زیان وارده توسط فاعل زیان به زیان‌دیده خواهد بود.

نایب‌رئیس تعیین می‌کند.
هیأت مدیره مکلف است لااقل یک نفر شخص حقیقی را به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب نماید و مدت تصدی شخص اخیر در صورتی که عضو هیأت مدیره باشد نباید از مدت عضویت او در هیأت‌مدیره بیشتر باشد.
وقتی که مدیرعامل از میان اعضای هیأت مدیره انتخاب می‌شود، الزاماً سهامدار شرکت نیز می‌باشد، ولی از مفهوم مخالف مادّهٔ ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) این طور استنباط می‌شود که مدیرعامل می‌تواند از خارج از اعضای هیأت مدیره نیز انتخاب شود.
آیا هیأت‌مدیره شرکت می‌تواند خارج از اعضای خود یک نفر شخص طبیعی راکه حتی سهامدار همان شرکت هم نباشد، به آن سمت انتخاب نماید؟
به نظر می‌رسد، اصلح است برای جلب اعتماد مردم به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های سهامی و برای حسن ادارهٔ شرکت، مدیرعامل از میان سهامداران انتخاب شود تاخود در نفع و ضرر شرکت سهیم باشد و در صورت ارتکاب تقصیر یا سوء استفاده از اختیارات، سهام وثیقه برای جبران خسارات احتمالی وارده به شرکت و سهامدار و شخص ثالث ذی‌نفع در صندوق شرکت داشته باشد.

دوم ـ اختیارات مدیران و محدودیت آن

۱ـ قلمرو اختیارات مدیران

مادّهٔ ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) در تعیین قلمرو اختیارات مدیران مقرر می‌دارد: **«جز دربارهٔ موضوعی که به موجب مقررات این قانون أخذ تصمیم و اقدام دربارهٔ آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیهٔ اختیارات لازم برای ادارهٔ امور شرکت می‌باشند، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدودکردن اختیارت مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده، در مقابل اشخاص ثالث باطل وکان‌لم یکن است».**
این اختیارات شامل موارد زیر می‌باشند: انجام عملیات شرکت، تعیین و انتخاب و عزل نماینده و وکیل باحق وکالت در توکیل، اقدام به هرگونه معاملات منقول و غیرمنقول، انعقاد هرگونه قرارداد اجاره، رهن دارائی شرکت و قبول رهن مشتریان، دادن هرگونه رسید و مفاصا، کشیدن و امضاء و ظهرنویسی چک‌ها و بروات و سفته‌ها، انجام تشریفات گمرکی...

۲ـ محدودیت اختیارات مدیران

مواد ۱۱۸ و ۱۲۹ به بعد (ل.ا.ق.ت) در موارد زیر اختیارات تامه مدیران را محدود نموده است:

ـ مدیران حق ندارند دربارهٔ موضوعی که به موجب مقررات قانون تجارت أخذ تصمیم و اقدام دربارهٔ آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است (انتخاب هیأت رئیسه برای مجامع، تصویب ترازنامه سالیانه وحساب سود وزیان، تعیین روزنامه کثیرالانتشار، تعیین حق‌الزحمه مدیران و بازرسان و تعیین جانشینان در خاتمه مدت آن و...) اقدام و اتخاذ تصمیم بنمایند.

ـ مدیران نمی‌توانند در خارج از موضوع شرکت معامله و یا اقدام نمایند، زیرا برخلاف هدف شرکت بوده، علیه منافع عمومی شرکت می‌باشد.

ـ اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت، حق ندارند بدون اجازهٔ هیأت‌مدیره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در معاملاتی که با شرکت یا به‌حساب شرکت می‌شود، طرف معامله واقع و یا سهیم شوند (مادّهٔ ۱۲۹ ل.ا.ق.ت).

ـ اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل (به استثنای اشخاص حقوقی) از تحصیل هرگونه وام یا اعتبار از شرکت ممنوع می‌باشند و ضمناً شرکت نمی‌تواند دیون مدیران مزبور را در مقابل ثالث تعهد و یا تضمین نماید. این‌گونه عملیات به خودی خود باطل محسوب می‌شود.

ـ مدیران و مدیرعامل حق ندارند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت محسوب شود انجام دهند. در صورت تخلف مسئول جبران ضرر وارده به شرکت اعم از ورود خسارت یا تفویت منفعت خواهند بود (مادّهٔ ۱۳۲ ل.ا.ق.ت).

سوم ـ الزامات قانونی مدیران

۱ـ هیأت مدیره مکلف است در اولین جلسهٔ خود یک رئیس و یک نایب رئیس از اشخاص حقیقی که مدت ریاست آنها نباید بیشتر از مدت عضویت در هیأت مدیره باشد، برای هیأت مدیره انتخاب نمایند. در هر حال مدت مدیریت مدیران از دو سال تجاوز نخواهد کرد و انتخاب مجدد آنان بلامانع می‌باشد.

۲ـ رئیس هیأت‌مدیره علاوه بر دعوت و ادارهٔ جلسات هیأت مدیره مکلف است مجامع عمومی سهامداران (اعم از عادی و فوق‌العاده و مجمع خاص) را در موارد زیر که هیأت مدیره ملزم به دعوت کردن آنها می‌باشد، فرا خواند:

ـ مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت

ـ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده بنا به درخواست سهامدارانی که اقلاً $\frac{1}{5}$ سهام شرکت را مالک می‌باشند.
ـ دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده در مواقع مقتضی.
ـ دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده در موارد تغییر در اساسنامه، کاهش و افزایش سرمایه شرکت، انحلال شرکت قبل از موعد یا تغییر نوع شرکت، زیان‌های وارده به شرکت حداقل به میزان نصف سرمایهٔ شرکت. مجامع عمومی توسط رئیس هیأت‌مدیره و در غیاب او توسط جانشین او افتتاح خواهد گردید (مستفاد از مواد ۸۳، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۳۸، ۱۴۱ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت).
۳ـ رئیس هیأت‌مدیره در مواردی که مجمع عمومی (اعم از عادی و فوق‌العاده) نتواند دربارهٔ موضوعات مطروحه در دستور جمعی اتخاذ تصمیم نماید، اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسهٔ بعدی را که نباید بیش از دو هفته باشد، تعیین می‌نماید (مستفاد از مادّهٔ ۱۰۴ ل.ا.ق.ت).
۴ـ در زمان انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان، تصویب ترازنامه، کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییرات در اساسنامه و انحلال شرکت و نحوهٔ تصفیهٔ آن باید یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی که به امضای هیأت رئیسه مجمع رسیده است به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد (مادّهٔ ۱۰۵ و ۱۰۶ ل.ا.ق.ت).
۵ـ برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیأت مدیره الزامی است.
۶ـ هیأت مدیره موظف است در هر سال مالی $\frac{1}{20}$ یا ۵ درصد از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی کسر نماید؛ اما اگر اندوختهٔ قانونی به $\frac{1}{10}$ سرمایه شرکت رسید، کسر کردن آن اختیاری خواهد بود و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش داده شود، وضع $\frac{1}{20}$ مذکور تا هنگامی که اندوختهٔ قانونی به $\frac{1}{10}$ سرمایه بالغ گردد، ادامه خواهد یافت.
۷ـ برای هر یک از جلسات هیأت مدیره باید صورت جلسه‌ای که اسامی مدیران حاضر یا غایب در جلسه و خلاصه‌ای از مذاکرات و تصمیمات متخده با قید تاریخ در آن ذکر شده، تنظیم و حداقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد.
۸ـ پیشنهاد هیأت‌مدیره در مورد افزایش یا کاهش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش یا کاهش سرمایه و نیز شامل گزارشی دربارهٔ امور شرکت از ابتدای سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی نسبت به حساب‌های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد، حاکی از وضع شرکت از اوّل سال مالی قبل باشد.

چهارم ـ مسئولیّت مدنی و جزائی مدیران

در مورد مسئولیّت مدنی مدیران مادّهٔ ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) مقرر می‌دارد: «اگر عملیات یا تصمیمات ارگان مدیریت (شامل هیأت مدیره و مدیرعامل) برخلاف مقررات قانون و یا اساسنامه باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ذیصلاح صدور حکم بطلان و طرح دعوی علیه تصمیمات را، حسب مورد، درخواست نماید».

قانون اصلاحی تجارت، مسئولیّت فردی ـ اشتراکی ـ تضامنی مدیران را به شرح زیر پیش‌بینی نموده است:

اولاً ـ در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پیش از انحلال، دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع، هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیهٔ آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید (مادّهٔ ۱۴۳ ل.ا.ق.ت).

ثانیاً ـ در صورت صدور حکم قطعی بطلان عملیات و تصمیمات شرکت، اگر مدیران مسئول بطلان باشند، متضامناً مسئول جبران ضرر و زیانی خواهند بود که در اثر بطلان مزبور به سهامداران و اشخاص ثالث ذی‌نفع وارد شده است (مادّهٔ ۲۷۳ ل.ا.ق.ت).

ثالثاً ـ مدیران (هیأت مدیره و مدیرعامل) نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی (عادی یا فوق‌العاده)، در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، برحسب مورد، منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیّت هر یک از مدیران مزبور را جهت جبران ضرر و زیان وارده به متضرر تعیین خواهد نمود (مادّهٔ ۱۴۲ ل.ا.ق.ت).

رابعاً ـ مسئولیّت انفرادی هر مدیری که معاملاتی نظیر معاملات شرکت انجام دهد که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، در مادّهٔ ۱۳۳ (ل.ا.ق.ت) پیش‌بینی شده است.

خامساً ـ مسئولیّت تضامنی مدیران در زمانی که بر اثر انجام معامله به شرکت، خسارتی وا ـ شود، در مادّهٔ ۱۳۰ (ل.ا.ق.ت) پیش‌بینی شده است.

سادساً ـ شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنان حداقل یک‌پنجم مجموع سهام شرکت باشد، حق دارند در صورت احراز تخلف یا تقصیر مدیران (هیأت مدیره و مدیرعامل) به نام و از طرف شرکت و به هزینهٔ خود علیه تمام یا بعضی از مدیران مزبور اقامهٔ دعوی مسئولیّت نموده، جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند (مادّهٔ ۲۷۶ ل.ا.ق.ت).

در مورد مسئولیّت جزائی مدیران باید به مقررات خاص قانون اصلاحی تجارت اشاره‌ای نمائیم:

ـ **عدم دعوت مجمع و عدم تنظیم اسناد:** اگر رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی، مجمع عمومی عادی سهامداران را دعوت نکنند، به حبس از ۲ تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از ۱۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به‌هر دو مجازات محکوم خواهند شد (مادّهٔ ۲۴۵ ل.ا.ق.ت).

ـ **عدم تنظیم صورت حاضرین در مجمع:** که در این صورت رئیس و اعضای هیأت مدیره به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد (مادّه ۲۵۵ ل.ا.ق.ت).

ـ **جلوگیری از حضور سهامدار در مجامع عمومی و عدم رعایت حق رأی:** که در صورت انجام این کار توسط هر یک از مدیران (اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل) شرکت سهامی، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا یک‌سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (مستنبط از مادّهٔ ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به مادّهٔ ۲۵۵ ل.ا.ق.ت).

ـ **تقسیم سود موهوم:** هرگاه رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند و یا ترازنامه غیرواقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به سهامداران ارائه یا منتشر کرده باشند، به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد (مستفاد از بند ۱ و ۲، مادّهٔ ۲۵۸ ل.ا.ق.ت).

ـ **استفاده خلاف از اموال و اعتبارات شرکت:** که در این صورت رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد (مستفاد از بند ۳ و ۴ مادّهٔ ۲۵۸ ل.ا.ق.ت).

ـ **در صورت سلب حق تقدم به هنگام افزایش سرمایه و دادن اطلاعات نادرست:** توسط رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد. در صورتی که مدیران مذکور عالماً مبادرت به این کار نمایند به حبس از شش‌ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰ ریال تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (بند ۱ از مادّهٔ ۲۶۲ و مادّهٔ ۲۶۳).

ـ **عدم رعایت مقررات راجع به کاهش سرمایه:** توسط رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی، منجر به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکومیت

خواهد شد (مادّهٔ ۲۶۴ ل.ا.ق.ت).

ـ با از میان رفتن بیش از نصف سرمایه: رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی باید حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند، در غیر این‌صورت به حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از ۱۰/۰۰۰ ریال تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال یا به‌هر دو مجازات محکوم خواهند شد (مادّهٔ ۲۶۵ ل.ا.ق.ت).

ـ ورشکستگی شرکت: هرگاه مدیران عالماً تمام یا قسمتی از اموال منقول یا غیرمنقول شرکت ورشکسته را به نفع او از بین ببرند یا پیش خود نگاهداشته یا مخفی نمایند به مجازات ورشکستگی به تقلب محکوم خواهند شد (مستفاد از مادّهٔ ۵۵۱ ق.ت.).

در صورتی که مدیران شرکت سهامی مرتکب جرایم دیگری مانند کلاهبرداری یا تصرف غیرقانونی در اموال دیگران و غیره شوند بر طبق مقررات پیش‌بینی شده در قوانین مربوط مجازات خواهند شد.

ج ـ ارگان کنترل کننده

کنترل ادارهٔ امور شرکت سهامی به عهدهٔ سهامداران است که به وسیلهٔ حق کسب اطلاع از امور شرکت و حق رأی در مجامع متجلّی می‌گردد. برای تقویت کنترل ادارهٔ امور، بازرس یا بازرسان شرکت که منتخب سهامداران می‌باشند به نمایندگی از طرف آنان ترازنامه و حساب‌های شرکت را کنترل می‌نمایند، ولی حق مداخله در مدیریت شرکت را ندارند.

اوّل ـ انتخاب و عزل بازرس یا بازرسان

اولین بازرسان در شرکت سهامی عام توسط مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند، ولی در شرکت سهامی خاص انتخاب بازرسان شرکت در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران شرکت می‌رسد (بند ۳ مادّهٔ ۲۰ و بند ۳ مادّه ۷۴ و مادّهٔ ۱۴۵ ل.ا.ق.ت).

از لحظه‌ای که بازرسان و مدیران کتباً سمت خود را قبول می‌نمایند، تشکیل شرکت قطعی تلقی می‌گردد (مادّهٔ ۱۷ ل.ا.ق.ت) و پس از تشکیل شرکت، انتخاب بازرسان در صلاحیت مجمع عمومی عادی است که در هر سال یک یا چند بازرس حساب و یک یا چند بازرس علی‌البدل از صاحبان سهام یا خارج از آنان از بین اشخاص واجد صلاحیت انتخاب می‌نماید.

اختیار عزل بازرس یا بازرسان توسط مجمع عمومی آن هم در هر موقع قابل انتقاد است،

زیرا چنین عملی به ثبات کنترل شرکت لطمه وارد می‌نماید.
شرایط لازم برای بازرسان شرکت‌های سهامی عام عبارتند از: داشتن حسن شهرت و نداشتن پیشینهٔ کیفری مؤثر، داشتن درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته‌های متناسب با وظایف و مسئولیّت‌های بازرسی به تشخیص کمیسیون مذکور در مادّهٔ ۲، داشتن حداقل ۵ سال تجربه، عدم اشتغال به نمایندگی در مجلس، عدم اشتغال به‌طور تمام وقت در مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها.
در مورد شرکت سهامی خاص آئین‌نامهٔ خاصی پیش‌بینی شده است؛ با وجود این قانونگذار در مادّهٔ ۱۴۷ به عنوان اقدامات تأمینی در شرکت‌های سهامی عام و خاص اشخاص زیر را از انتخاب شدن به سمت بازرس منع نموده است؛ مدیران و مدیرعامل شرکت، اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجهٔ سوم از طبقات اوّل و دوم و هرکسی که خود یا همسرش از مدیران و مدیرعامل شرکت، موظفاً حقوق دریافت می‌دارد و نیز اشخاص مندرج در مادّهٔ ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت).

دوم ـ وظایف بازرس یا بازرسان

مطابق مادّهٔ ۱۴۸ (ل.ا.ق.ت)، بازرس یا بازرسان... مکلفند دربارهٔ صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دورهٔ عملکرد و حساب سود وزیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند... اظهارنظر کنند».
وظیفهٔ دیگر بازرسان بر طبق مادّهٔ ۱۴۸ (ل.ا.ق.ت)، کنترل اطلاعات داده شده توسط مدیران به مجامع و سهامداران می‌باشد. از طرف دیگر مادّهٔ ۱۵۰ (ل.ا.ق.ت) بازرسان را موظف می‌کند که گزارش جامعی راجع به وضع شرکت با در نظر گرفتن مادّهٔ ۱۴۸ (ل.ا.ق.ت) تهیه و به مجمع عمومی عادی تسلیم نماید و این گزارش باید لااقل ۱۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه سهامداران در مرکز شرکت آماده باشد.
بازرسان مکلفند هر گونه تخلف یا تقصیری را که از طرف مدیران و مدیرعامل، در امور شرکت مشاهده می‌نمایند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و نیز اگر ضمن انجام وظیفه از وقوع جرمی مطلع شوند باید جریان امر را به مرجع قضائی ذیصلاح و نیز اولین مجمع عمومی شرکت اطلاع دهند (مادّهٔ ۱۵۱ ل.ا.ق.ت).
رعایت تساوی حقوق سهامداران مطابق مادّهٔ ۱۴۸ (ل.ا.ق.ت) نیز از دیگر وظایف بازرسان می‌باشد (مثل حق پذیره‌نویسی و دریافت سهام، حق انتقال سهام، حق رأی در مجامع...).

سوم ـ اختیارات بازرس یا بازرسان

بازرس یا بازرسان اختیار دارند در هر موقع از سال مالی، رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات راجع به شرکت را از مسئولین شرکت مطالبه کرده، مورد رسیدگی قرار دهند (مستفاد از مادّهٔ ۱۴۹ ل.ا.ق.ت).

کلیهٔ بازرسان (در صورت تعدد بازرسان) مکلفند گزارش واحدی تهیه نمایند و در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان، موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید شود (تبصره مادّهٔ ۱۵۰ ل.ا.ق.ت).

در صورتی که مجمع عمومی اعم از عادی یا فوق‌العاده بدون دریافت گزارش بازرس یا براساس گزارش اشخاصی که برخلاف مادّهٔ ۱۴۷ قانون اصلاحی تجارت به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند، صورت‌حساب دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد، چنین تصویبی هیچ‌گونه اثر قانونی نداشته، از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود (مادّهٔ ۱۵۲ ل.ا.ق.ت).

چهارم ـ مسئولیّت مدنی و جزائی بازرس یا بازرسان

مسئولیّت مدنی بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند تابع قواعد عام مربوط به مسئولیّت مدنی بوده و مسئول جبران خسارت وارده به زیان دیده خواهد بود (مادّهٔ ۱۵۴ ل.ا.ق.ت).

در صورتی که تصمیمات ارگان کنترل‌کننده (بازرس یا بازرسان) برخلاف مقررات قانونی و یا اساسنامه شرکت باشد، هر ذی‌نفع (شرکت، سهامدار، شخص ثالث) می‌تواند از مرجع قضائی ذیصلاح صدور حکم بطلان تصمیمات را درخواست نماید (مادّهٔ ۲۷۰ ل.ا.ق.ت).

در مورد مسئولیّت جزائی بازرسان باید متذکر شد که هرکس با وجود منع قانونی عمداً سمت بازرس را در شرکت سهامی قبول کند به حبس تأدیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد (مادّهٔ ۲۶۶ل.ا.ق.ت).

هرکس در سمت بازرس شرکت سهامی عمداً دربارهٔ اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش‌های خود اطلاع خلاف واقع دهد یا آنها را تصدیق کند، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد (مادّهٔ ۲۶۷ ل.ا.ق.ت).

در صورتی که بازرس یا بازرسان شرکت سهامی جرایم دیگری را که در مقررات جزائی پیش‌بینی شده، مرتکب شوند مطابق همان مقررات مجازات خواهند شد.

بخش هفتم

انحلال و تصفیه شرکت سهامی

الف ـ انحلال شرکت سهامی

شرکت سهامی ممکن است بنا به علل زیر منحل شود:

- از بین رفتن حداقل نصف سرمایهٔ شرکت بر اثر زیان‌های وارده به شرکت (مادّهٔ ۱۴۱ ل.ا.ق.ت).
- از بین رفتن موضوع شرکت یا غیرممکن شدن انجام موضوع شرکت (بند ۱ از مادّهٔ ۱۹۹ ل.ا.ق.ت).
- در صورت انقضای مدت شرکت (بند ۲ مادّهٔ ۱۹۹ ل.ا.ق.ت).
- تقلیل سرمایه شرکت به کمتر از حداقل قانونی (حداقل سرمایهٔ شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حداقل سرمایه شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد).
- در صورت ورشکستگی شرکت
- در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده مبنی بر انحلال شرکت.
- انحلال شرکت به حکم دادگاه. موارد مندرج در مادّهٔ ۲۰۱ (ل.ا.ق.ت)، ناظر به انحلال شرکت از طریق دادگاه با درخواست ذی‌نفع می‌باشد.

به تجویز مواد ۱۰۶، ۲۰۹ و ۲۱۰ (ل.ا.ق.ت) یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد انحلال شرکت و نحوهٔ تصفیهٔ آن باید به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال شود تا پس از ثبت برای اطلاع مردم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد، آگهی شود و تازمانی که انحلال به ثبت نرسیده و آگهی انحلال منتشر نشده باشد، انحلال شرکت نسبت به اشخاص ثالث بلااثر خواهد بود.

ب ـ تصفیهٔ شرکت سهامی

تصفیهٔ شرکت سهامی مشتمل بر عملیات زیر می‌باشد:
ـ نقد کردن دارائی شرکت منحلّه
ـ وصول مطالبات شرکت منحلّه
ـ پرداخت دیون شرکت منحلّه
ـ تقسیم باقیماندهٔ دارائی شرکت بین سهامداران.

اوّل ـ انتخاب و عزل مدیر یا مدیران تصفیه

تصفیهٔ امور شرکت سهامی با مدیران شرکت است، مگر اینکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق‌العاده که رأی به انحلال شرکت می‌دهد، ترتیب دیگر مقرر داشته باشد (مادّهٔ ۲۰۴ ل.ا.ق.ت).

پس در درجهٔ اوّل مدیران شرکت برای انجام امور تصفیه انتخاب می‌شوند، از طرف دیگر شرکت می‌تواند مدیر یا مدیران تصفیه غیر از مدیران شرکت انتخاب نماید. با این کار، دیگر وظایف مدیران شرکت و سایر نمایندگان، خاتمه می‌یابد.

چنانچه به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد و یا تعیین شده، ولی به وظایف خود عمل ننماید، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه ذیصلاح درخواست نماید.

مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر ۲ سال است، تمدید این مدت با ذکر علل و جهات از طرف مدیر تصفیه به مجمع عمومی سهامداران، بلامانع است.

اگر مدیر تصفیه قصد استعفاء داشته باشد باید مراتب را به مجمع عمومی عادی سهامداران شرکت اعلام نماید و نیز در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه، هرگاه مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیهٔ متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کند ولی اگر مدیر تصفیه فرد واحدی باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی او اگر مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی سهامداران را برای تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت کند.

برای دورهٔ تصفیه ممکن است به موجب اساسنامه یا به تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام، یک یا چند ناظر تعیین شود تا به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده، گزارش

خود را به مجمع عمومی عادی سهامداران تقدیم کنند.

دوم ـ اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه

مدیران تصفیه، نماینده شرکت در حال تصفیه محسوب شده و دارای کلیهٔ اختیارات لازم جهت امر تصفیه حتی از طریق اقامه دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش می‌باشند و حق دارند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع از آنها وکیل تعیین کنند (مادهٔ ۲۱۲ ل.ا.ق.ت)؛ ولی مدیر تصفیه نمی‌تواند دارائی شرکت در حال تصفیه را به خود یا به اقارب خود از طبقهٔ اوّل و دوم تا درجهٔ چهارم انتقال دهد (مادهٔ ۲۱۳ ل.ا.ق.ت).

سوم ـ وظایف مدیران تصفیه

۱ـ عملیات تصفیه شرکت منحلّه

ـ وصول مطالبات شرکت از بدهکاران اعم از سهامدار یا اشخاص ثالث ولو از طریق اقامهٔ دعوی در مراجع قضائی.

ـ نقد کردن دارائی شرکت، از طریق فروش اموال منقول یا غیرمنقول.

ـ پرداخت دیون شرکت با رعایت حقوق صاحبان مطالبات ممتازه.

ـ تقسیم باقیماندهٔ دارائی شرکت بین سهامداران.

۲ـ دعوت مجامع عمومی

اوّل ـ مقام دعوت‌کننده مجامع عمومی در دوران تصفیه

دعوت مجامع اعم از عادی، فوق‌العاده یا عادی به‌طور فوق‌العاده به عهدهٔ مدیران تصفیه است. در صورت خودداری مدیر تصفیه از انجام تکلیف، ناظر مکلف است نسبت به دعوت مجمع عمومی اقدام نماید و یا هر ذی‌نفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد (مادهٔ ۲۰۵ ل.ا.ق.ت) و یا اینکه دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد (مادهٔ ۲۱۹ ل.ا.ق.ت).

دوم ـ حق کسب اطلاع سهامداران

سهامداران شرکت حق ندارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حساب‌ها در مدت تصفیه کسب اطلاع نمایند (مادهٔ ۲۲۰ ل.ا.ق.ت).

مدیر یا مدیران تصفیه مکلفند تا زمانی که امر تصفیه شرکت خاتمه نیافته است، همه

ساله مجمع عمومی عادی سهامداران را با رعایت شرایط و تشریفاتی که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت و صورت دارائی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به مجمع عمومی سالیانه تسلیم و گزارشی از اعمالی که تا زمان تشکیل مجمع مزبور انجام داده‌اند به مجمع عمومی عادی تقدیم نمایند.

۳ـ الزام رعایت تشریفات قانونی

در طول مدت تصفیه، مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حدنصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال شرکت باید رعایت شود و هرگونه دعوتنامه و اطلاعیه‌ای که مدیران تصفیه برای سهامداران منتشر می‌کنند، باید در روزنامهٔ کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد، منتشر شود. در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی و یااینکه مجمع عمومی مزبور تشکیل شود، ولی اتخاذ تصمیم ننماید، مدیر یا مدیران تصفیه مکلف به انتشار گزارش خود و صورتحساب‌های مقرر در مادهٔ ۲۱۷ (ل.ا.ق.ت) در روزنامهٔ کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد، جهت اطلاع عموم صاحبان سهام، می‌باشند.

۴ـ اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها

مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از پایان امر تصفیه شرکت سهامی، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها به منظور حذف نام شرکت از دفتر مرجع مذکور و دفتر ثبت تجارتی اعلام نمایند و نیز جریان امر باید در روزنامهٔ رسمی و روزنامهٔ کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌شود، آگهی شود.
پس از پایان تصفیه در صورتی که وجوهی متعلق به بستانکاران و سهامداران شرکت باقی مانده باشد، مدیر تصفیه مکلف است وجوه باقیمانده را در حساب مخصوص نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که مطالبات خود را وصول ننموده‌اند نیز به بانک مزبور تسلیم و مراتب را طی آگهی در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار، به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا برای دریافت مطالبات خود به بانک موردنظر مراجعه کنند.

چهارم ـ مسئولیّت مدنی و جزائی مدیران تصفیه

مسئولیّت مدنی مدیران تصفیه در اثر ارتکاب تقصیر تابع اصول کلّی حقوق مدنی

می‌باشد و چنانچه دراثر تقصیر مدیران تصفیه، به سهامدار، شخص ثالث ذی‌نفع یا شرکت مستقیماً خسارتی وارد گردد، زیان دیده برای أخذ خسارت باید تقصیر فاعل زیان و رابطهٔ سببیت بین فعل زیان‌آور و ضرر وارده را اثبات نماید.

مادّهٔ ۲۲۶ (ل.ا.ق.ت) مدیر یا مدیران تصفیه را که از مقررات مندرج در مادّهٔ ۲۲۵ (ل.ا.ق.ت) تخلف نموده باشد، از لحاظ میزان خسارت وارده به بستانکارانی که طلب خود را دریافت نکرده باشند، مسئول می‌داند.

در صورتی که پس از انحلال شرکت معلوم شود که دارائی شرکت برای تأدیهٔ طلب بستانکار تکافو نمی‌کند، دادگاه ذیصلاح می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع، هر یک از مدیران یا مدیرعاملی راکه کافی نبودن دارائی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده، منفرداً یا متضامناً به پرداخت آن قسمت از دیونی که تأدیه آن از دارائی شرکت امکان‌پذیر نیست محکوم کند.

در مورد مسئولیّت جزائی مدیران تصفیهٔ مادّهٔ ۲۶۸ (ل.ا.ق.ت) مقرر می‌دارد که مدیر یا مدیران تصفیهٔ هر شرکت در صورتی که عالماً مرتکب جرایم زیر شوند به حبس تأدیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- عدم اعلام نام و نشانی مربوط به مرجع ثبت شرکت‌ها در ظرف مدت یک ماه پس از اتخاذ تصمیم راجع به انحلال شرکت.
- دعوت ننمودن مجمع عمومی عادی صاحبان سهام و اطلاع ندادن به مجمع از وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوهٔ تصفیه امور شرکت و مدتی راکه جهت خاتمه امر تصفیه لازم می‌دانند تا مدت ۶ ماه پس از شروع به امر تصفیه.
- دعوت ننمودن مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت، همه ساله تا قبل از خاتمه امر تصفیه با رعایت شرایط و تشریفاتی که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است و نیز عدم تسلیم صورت دارائی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات مربوط به مجمع مذکور به انضمام گزارش حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند.
- ادامه دادن به عملیات امر تصفیه پس از خاتمه دوره تصدی مدیریت، مشروط بر آنکه تمدید مأموریت خود را خواستار شده باشند.
- عدم اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها در ظرف مدت یک ماه پس از خاتمهٔ آن.
- عدم تودیع وجوه باقیمانده، پس از ختم تصفیه، متعلق به سهامداران و بستانکارانی که

طلب خود را وصول ننموده‌اند، در حساب مخصوص در یکی از بانک‌های ایرانی.
ـ عدم اطلاع توديع وجوه باقیمانده مذکور به اشخاص ذی‌نفع در طی آگهی ختم تصفیه.
ـ و نیز ارتکاب جرایم مندرج در مادّهٔ ۲۶۹ (ل.ا.ق.ت) منجر به حبس تأدیبی از ۱ سال تا ۳ سال محکومیت خواهد داشت.

صورتجلسه تبدیل شرکت سهامی خاص به‌عام (مواد ۲۷۸ و ۲۷۹ و بعد ل.ا.ق.ت)

صورتجلسه هیأت مدیره شرکت.... (سهامی خاص)

جلسه هیأت مدیره شرکت.... (سهامی خاص) در ساعت... روز.... مورخ.... با حضور کلیه اعضاء در محل شرکت تشکیل گردید.

ابتدا آقای..... رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اقدامات انجام شده برای تبدیل شرکت را به‌شرکت سهامی عام بیان داشتند و اضافه نمودند که برای انجام این منظور باید اقدامات زیر معمول گردد:

۱ـ تبدیل شرکت به‌شرکت سهامی عام.

۲ـ تهیه و تنظیم اساسنامه جدید با توجه به‌مقررات قانون شرکت‌های سهامی عام.

هیأت مدیره با توجه به‌مراتب فوق مذاکرات لازم انجام و تصمیمات به‌اتفاق آراء به‌شرح زیر اتخاذ نمود:

۱ـ تبدیل شرکت به‌شرکت سهامی عام و تهیه مقدمات لازم و تنظیم اساسنامه جدید.

۲ـ مقرر گردید مجمع عمومی فوق‌العاده برای ساعت... روز... مورخ.... در محل شرکت تشکیل و از کلیه سهامداران دعوت به‌عمل آید تا نسبت به‌موارد زیر شور و مذاکره و اتخاذ تصمیم به‌عمل آید:

الف ـ تصویب تبدیل شرکت....(سهامی خاص) به‌شرکت.... (سهامی عام).

ب ـ تصویب اساسنامه جدید شرکت که با عنایت به‌مقررات قانونی تنظیم خواهد شد.

ج ـ تصویب ارزیابی و اظهارنظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری در مورد دارایی و اموال و ماشین‌آلات شرکت که برای تبدیل شرکت به‌شرکت سهامی عام ضروری می‌باشد.

د ـ تصویب اقداماتی که برای قبول سهام شرکت در بورس اوراق بهادار تهران باید صورت گیرد.

هـ ـ اعطاء اختیارات لازم برای هیأت مدیره که کلیه تصمیمات متخذه مجمع عمومی فوق‌العاده را اجرا نماید.

و ـ مدیرعامل شرکت موظف است تصمیمات فوق را اجرا نماید.

جلسه در ساعت... خاتمه یافت.

امضاء هیأت مدیره

بسمه تعالی

مجمع عمومی موسسین

صورت جلسه مجمع مؤسسین شرکت...... (سهامی خاصّ)

اولین جلسه مجمع عمومی صاحبان سهام در ساعت..... صبح / بعد از ظهر مورخ..... با حضور صددرصد اعضاء موسسین بشرح زیر در محل شرکت واقع در خیابان..... کوچه...... پلاک .... تشکیل گردید:

۱ ـ آقای ...... فرزند ...... شناسنامه شماره .... صادره از........ تعداد.... سهم بانام / بی‌نام

۲ ـ

۳ ـ

۴ ـ

مجمع عمومی پس از مشاهده حضور کلیه سهامداران و احراز کلیه سرمایه شرکت و پرداخت نقدی ۳۵٪ مبلغ اسمی هر سهم به حساب شماره..... بانک..... شعبه....... و بحث و بررسی در مورد موضوع شرکت ابتدا هیأت رئیسه را به اسامی زیر انتخاب نمود:

۱ ـ آقای / خانم..... بعنوان رئیس جلسه

۲ ـ آقای / خانم..... بعنوان ناظر

۳ ـ آقای / خانم..... بعنوان ناظر

۴ ـ آقای / خانم..... بعنوان منشی

متعاقباً از طرف رئیس جلسه رسمیت مجمع اعلام و در نتیجه همه اعضاء به اتفاق آراء درباره موضوعات مشروحه زیر:

۱ ـ استماع گزارش موسسین.

۲ ـ بررسی و تصویب اساسنامه شرکت.

۳ ـ انتخاب هیأت مدیره.

۴ ـ انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل .

۵ ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت.

که دستور جلسه نیز بود اتخاذ تصمیم نمودند:

الف ـ گزارش موسسین در مورد تأسیس شرکت قرائت و به اتفاق آراء بـه تـصویب رسید.

ب ـ اساسنامه شرکت مشتمل بر..... مادّه قرائت و تصویب و به امضاء کلیه موسسین رسید.

ج ـ هیأت مدیره مرکب از آقایان / خانم ۱ ـ..... ۲ ـ..... ۳ ـ..... ۴ ـ..... برای مدت دوسال به عضویت هیأت مدیره انتخاب شدند.

د ـ آقای...... به سمت بازرس اصلی و آقای...... به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.

هـ ـ روزنامه .... بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های مربوط به شرکت تعیین گردید.

و ـ افراد انتخاب شده با امضاء ذیل صورتجلسه سمت‌ها و مسئولیّت‌های خود را قبول نمودند.

ز ـ مجمع به آقای..... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت شرکت و مصوّبات مجمع و درج آگهی و هر اقدامی که لازم است معمول دارد.

مجمع در ساعت ..... صبح / بعد از ظهر خاتمه یافت.

محل امضاء هیأت رئیسه

امضاء هیأت مدیره و بازرسان

بسمه تعالی

انتخاب هیأت مدیره

اولین جلسه هیأت مدیره شرکت...... (سهامی خاصّ)

اولین جلسه هیأت مدیره شرکت....... (سهامی خاص) در ساعت... صبح / بعد از ظهر مورخ..... در محل شرکت تشکیل و نسبت به موارد زیر به اتفاق آراء اتخاذ تصمیم به‌عمل آمد:

الف ـ تعیین سمت و اعضاء هیأت مدیره

۱ ـ آقای ... به‌عنوان رئیس هیأت مدیره

۲ ـ آقای ... به‌عنوان نایب رئیس هیأت مدیره

۳ ـ آقای ... به‌عنوان مدیرعامل

۴ ـ آقای ... به‌عنوان عضو هیأت مدیره

ب ـ صاحبان امضاء مجاز

کلیه اوراق و اسناد تعهدآور و چک‌ها و سفته‌ها و بروات و قراردادها و غیرو با امضاء متفق مدیر عامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره و با مهر شرکت (یا با امضاء دو عضو هیأت‌مدیره و ممهور به مهر شرکت) معتبر می‌باشد.

ج ـ هیأت مدیره به آقای ..... وکالت داد تا کلیه تشریفات مربوط به ثبت تصمیمات فوق را انجام داده و دفاتر اداره ثبت شرکت‌ها را از طرف آنان امضاء نماید.

محل امضاء هیأت مدیره

بسمه‌تعالی

مجمع عمومی سالیانه

صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت.... (سهامی خاصّ)

بر طبق دعوت قبلی مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت.... (سهامی خاص) ساعت..... صبح / بعدازظهر روز ...... مورّخ ..... با حضور کلیه سهامداران بشرح زیر در محل شرکت تشکیل گردید:

۱ ـ آقای ..... تعدادسهام .....

۲ ـ آقای ..... تعدادسهام .....

۳ ـ آقای ..... تعدادسهام .....

۴ ـ خانم ..... تعدادسهام .....

مجمع عمومی پس از مشاهده حضور کلیه سهامداران بدواً هیأت‌رئیسه را به اسامی زیر انتخاب نمود:

۱ ـ آقای ...... به‌عنوان رئیس جلسه

۲ ـ آقای ...... به‌عنوان ناظر

۳ ـ خانم ...... به‌عنوان ناظر

۴ ـ آقای ...... به‌عنوان منشی

پس از انتخاب هیأت‌رئیسه مجمع وارد دستور شد و به شرح زیر اتخاذ تصمیم نمود:

الف ـ قرائت دستور جلسه

دستور جلسه توسط رئیس مجمع به‌شرح ذیل قرائت گردید:

۱ ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت.

۲ ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی...

۳ ـ تصویب میزان سود سهام و مبالغ انتقال یافته به حساب اندوخته‌ها.

۴ ـ انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل.

۵ ـ انتخاب مدیران.

۶ ـ تعیین خط‌مشی و تصویب بودجه پیشنهادی سال آتی شرکت.

۷ ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت.

ب ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی

گزارش هیأت‌مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، قرائت شد و توضیحات کافی در مورد هر یک از آنها به استماع مجمع رسیده و سؤالات صاحبان سهام در مورد گزارش بازرس قانونی و صورتحساب‌های مالی مورد توجه قرارگرفت.

ج ـ رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان و حساب‌های مالی

ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت پس از استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس / بازرسان شرکت، برای سال منتهی به ماه و سال... به شرح مذکور در صفحات .... تا.... گزارش هیأت‌مدیره مورد بررسی قرار گرفت سود ویژه / زیان شرکت به‌میزان..... ریال می‌باشد. همچنین تعدیلات مربوط به سنوات مالی گذشته مورد تصویب مجمع واقع گردید.

د ـ تصویب میزان سود سهام و مبالغ انتقال یافته به حساب اندوخته‌ها

تقسیم سهم سودی به مبلغ ..... ریال بین صاحبان سهام از محل ... مقرر گردید و علاوه بر میزان ۵ درصد از سود ویژه سالیانه که باید طبق مقررات لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت به حساب اندوخته قانونی انتقال یابد مبلغ ..... ریال از محلّ ..... به اندوخته‌ها منتقل گردد.

هـ ـ انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت

آقای ..... به سمت بازرس اصلی و آقای ..... به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند.

و ـ انتخاب مدیران

آقایان: ۱ ـ..... ۲ ـ..... ۳ ـ..... ۴ ـ..... خانم..... به سمت اعضاء هیأت مدیره برای مدت دوسال انتخاب شدند.

ز ـ تعیین خط‌مشی و تصویب بودجه سال آتی

....

ح ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار شرکت

روزنامه ..... به‌عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های مربوط به شرکت تعیین گردید.

جلسه در ساعت..... خاتمه یافت.

ط ـ مجمع به آقای .... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت مـ[illegible]ب و درج آگهی هر اقدامی که لازم است معمول دارند.

محل امضاء هیأت رئیسه

۱ ـ آقای ..... رئیس مجمع

۲ ـ آقای ..... ناظر

۳ ـ خانم ..... ناظر

۴ ـ آقای ..... منشی

محل امضاء مدیران و بازرسان

بسمه تعالی

افزایش سرمایه

صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت ..... (سهامی خاصّ)

بر طبق دعوت قبلی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت.... (سهامی خاص) ساعت ..... صبح / بعدازظهر روز ..... مورّخ ..... به تجویز تبصره ذیل مادّه ۹۷ متن اصلاحی قانون تجارت با حضور کلیه سهامداران به شرح زیر در محل شرکت تشکیل گردید:

۱ ـ آقای....... دارنده .... سهم

۲ ـ آقای....... اصالتاً و ولایتاً دارنده...... سهم

۳ ـ خانم ...... دارنده ..... سهم

۴ ـ آقای ...... دارنده ..... سهم

ابتداء آقای ..... رسمیت جلسه را اعلام و اظهار داشتند به طوری که استحضار دارند غرض از تشکیل مجمع امروز استماع گزارش هیأت‌مدیره در مورد افزایش سرمایه است، مجمع پس از مشاهده حضور کلیه سهامداران بدواً هیأت رئیسه را به اسامی زیر انتخاب نمود:

۱ ـ آقای ..... به عنوان رئیس جلسه

۲ ـ آقای ..... به عنوان ناظر

۳ ـ خانم ..... به عنوان ناظر

۴ ـ آقای ..... به عنوان منشی

مجمع پس از انتخاب هیأت‌رئیسه وارد دستور شد و تصمیماتی به شرح ذیل به اتفاق آراء اتخاذ نمود:

۱ ـ گزارش هیأت مدیره و توضیحات مدیرعامل درباره لزوم افزایش سرمایه شرکت استماع و پس از شور و تبادل نظر مجمع عمومی فوق‌العاده باتفاق آراء تصویب کرد که سرمایه شرکت به مبلغ ..... ریال افزایش یابد و مادّه.... اساسنامه به شرح زیر اصلاح شد:

«مادّه.... سرمایه و سهام شرکت: سرمایه شرکت مبلغ ..... ریال است که به ..... سهم ...... هزار ریالی بی‌نام / بانام تقسیم و تماماً پرداخت شده است.»

نظر به اینکه موضوع دیگری در دستور جلسه نبود مجمع در ساعت... خاتمه یافت.

مجمع به آقای .... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت و درج آگهی در روزنامه هر اقدامی که لازم باشد انجام دهد.

محل امضاء هیأت رئیسه مجمع

بسمه تعالی

انتخاب هیأت مدیره

صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت .... (سهامی خاص)

بر طبق دعوت قبلی و به تجویز تبصرهٔ ذیل مادّهٔ ۹۷ قانون اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت.... سهامی خاص در ساعت ..... روز ...... مورخ ..... با حضور کلیه سهامداران به شرح زیر در محل شرکت تشکیل گردید:

۱ ـ آقای ...... دارنده .... سهم

۱ ـ آقای ...... دارنده .... سهم

۱ ـ خانم ...... دارنده .... سهم

۱ ـ آقای ...... دارنده .... سهم

ابتدا آقای ...... رسمیت جلسه را اعلام و اظهار داشتند به طوری که اطلاع دارند منظور از تشکیل مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده امروز انتخاب اعضاء جدید هیأت مدیره شرکت می‌باشد.

سپس مجمع مبادرت به انتخاب هیأت رئیسه به شرح زیر نمود:

۱ ـ آقای .... به‌عنوان رئیس جلسه

۲ ـ خانم ..... به‌عنوان ناظر

۳ ـ آقای ..... به‌عنوان ناظر

۴ ـ آقای ..... به‌عنوان منشی

پس از انتخاب هیأت رئیسه مجمع وارد دستور شد و به‌شرح زیر أخذ تصمیم نمود: آقایان : ۱ ـ.... ۲ ـ.... ۳ ـ.... ۴ ـ.... برای مدت دو سال به‌عنوان اعضاء هیأت مدیره انتخاب شدند.

چون موضوع دیگری در دستور جلسه نبود مجمع در ساعت..... خاتمه یافت.

مجمع به آقای ..... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت مراتب فوق و درج آگهی در مطبوعات اقدام نماید.

امضاء هیأت رئیسه مجمع...... هیأت مدیره

تبدیل شرکت با مسئولیّت محدود به سهامی خاصّ

صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت..... با مسئولیّت محدود

مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت..... با مسئولیّت محدود ثبت شده به شماره .... با حضور کلیه شرکاء در ساعت... روز.... مورّخ .... در محلّ شرکت تشکیل و تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

۱ ـ در مورد وضعیت حقوقی شرکت بحث و مذاکره شد و نوع شرکت از مسئولیّت محدود به سهامی خاصّ تبدیل گردید.

۲ ـ اساسنامه مشتمل بر .... مادّه به تصویب و امضاء کلیه سهامداران رسید.

۳ ـ سرمایه شرکت مبلغ .... ریال که به .... سهم.... هزارریالی بانام/ بی‌نام تماماً پرداخت گردید که با توجه به میزان سهم‌الشرکه شرکاء میزان سهام هر یک از سهامداران شرکت به شرح زیر تعیین گردید:

الف ـ آقای .... دارنده..... سهم ...... بانام / بی‌نام

ب ـ آقای .... دارنده..... سهم ...... بانام / بی‌نام

ج ـ آقای .... دارنده..... سهم ...... بانام / بی‌نام

د ـ آقای .... دارنده..... سهم ...... بانام / بی‌نام

۴ ـ پس از تبدیل نوع شرکت به سهامی خاصّ به تجویز مادّه ۸۸ قانون اصلاحی تجارت برای انتخاب هیأت مدیره أخذ رأی به‌عمل آمد و آقایان:

۱ ـ .... ۲ ـ ... ۳ ـ .... ۴ ـ خانم .... به سمت اعضاء هیأت‌مدیره شرکت برای مدت دوسال انتخاب شدند.

۵ ـ برای تعیین بازرس اصلی و علی‌البدل بحث و مذاکره شد و پس از أخذ رأی آقای .... به سمت بازرس اصلی و آقای .... به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.

۶ ـ روزنامه .... به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های مربوط به شرکت تعیین گردند.

۷ ـ افراد انتخاب شده با امضاء ذیل صورتجلسه سمت‌ها و مسئولیّت‌های خود را قبول نمودند.

۸ ـ مجمع به آقای دکتر .... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت شرکت و مصوبات مجمع و درج آگهی در مطبوعات و هر اقدامی که لازم است معمول دارد.

محل امضاء هیأت رئیسه

محل امضاء هیأت مدیره و بازرسان

بسمه تعالی

انحلال شرکت

صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت....... (سهامی خاصّ)

بر طبق دعوت قبلی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت....... (سهامی خاص) در ساعت..... روز....... مورّخ ...... با حضور کلیه صاحبان سهام به‌شرح زیر (با حضور دارندگان ..... سهم از کل...... سهام شرکت) در محل شرکت تشکیل گردید:

۱ ـ آقای .... دارنده .... سهم

۲ ـ آقای .... دارنده .... سهم

۳ ـ آقای .... دارنده .... سهم

۴ ـ خانم .... دارنده .... سهم

ابتداء آقای ..... به سمت رئیس جلسه و آقایان...... و...... به سمت نظار و خانم .... به سمت منشی جلسه انتخاب گردیدند و پس از انتخاب هیأت رئیسه مجمع وارد دستور شد و تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ نمود:

شرکت...... (سهامی خاص) به علت ...... منحلّ اعلام و........ به سمت مدیر تصفیه / هیأت تصفیه انتخاب شدند / شد. محل تصفیه....... می‌باشد.

هیأت تصفیه / مدیر تصفیه اقرار به دریافت دارائی و دفاتر و اسناد شرکت نمود و با امضاء ذیل صورتجلسه قبولی خود را اعلام نمودند / نمود.

چون موضوع دیگری در دستورجلسه نبود مجمع در ساعت ..... خاتمه پذیرفت.

امضاء هیأت رئیسه

هیأت تصفیه / مدیر تصفیه

فصل ششم

شرکت با مسئولیّت محدود

Limited Liability Company (LTD)
Société A Responsabilité Limité (SARL)
Gesellshaft mit beschrankter Haftung (GmbH)

بخش اوّل

تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیّت محدود

الف ـ تعریف شرکت

«شرکت با مسئولیّت محدود، شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتی تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد، فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است» (مادّهٔ ۹۴ ق.ت.).

در این تعریف :

اولاً ـ سرمایه به سهم‌الشرکه تقسیم شده نه به سهام و در شرکت با مسئولیّت محدود ورقه‌ای به نام سهم‌الشرکه صادر نمی‌شود؛

ثانیاً ـ مسئولیّت شرکاء در مقابل دیون و قروض شرکت در حدود سهم‌الشرکه‌ای است که هر شریک سرمایه‌گذاری نموده؛

ثالثاً ـ سهم‌الشرکه آزادانه قابل نقل و انتقال نمی‌باشد؛

رابعاً ـ شرکت با مسئولیّت محدود حداقل بین دونفر و حداکثر بین هر چند نفری که باشد، تشکیل می‌گردد.

ب ـ خصوصیات شرکت

اوّل ـ محاسن و معایب شرکت با مسئولیّت محدود در مقایسه با شرکت‌های سهامی

شرکت سهامی عام با حضور الزامی حداقل پنج سهامدار (مدیر) و شرکت سهامی خاص با حداقل سه سهامدار تشکیل می‌گردد، در صورتی که شرکت با مسئولیّت محدود را می‌توان با حداقل دو شریک تشکیل داد.

در شرکت بامسئولیّت محدود هیچ‌گونه حداقل سرمایه‌ای پیش‌بینی نشده و الزام قانونی ارائه مدارک در این زمینه به اداره ثبت شرکت‌ها برای مؤسسین وجود ندارد؛ فقط اقرار مؤسسین به میزان سرمایه و پرداخت آن به صندوق شرکت یا هیأت‌مدیره در شرکت نامه کافی خواهد بود، در صورتی که حداقل سرمایه در شرکت سهامی عام و خاص به ترتیب پنج‌میلیون و یک‌میلیون ریال می‌باشد و مؤسسین مکلفند حداقل ٪۳۵ کل سرمایه را به حساب شرکت در شرف تأسیس واریز و فیش بانکی را به اداره ثبت شرکت‌ها ارائه نمایند.

شرکت با مسئولیّت محدود به وسیله یک یا چندنفر مدیر موظف یا غیرموظف که ممکن است خارج از شرکاء هم باشند برای مدت محدود یا نامحدود اداره می‌شود، ولی در شرکت‌های سهامی عام و خاص به ترتیب حداقل مدیران نباید از پنج و سه نفر کمتر باشد و نیز این مدیران برای مدت حداکثر ۲ سال انتخاب می‌شوند.

و بالاخره آخرین حُسن شرکت با مسئولیّت محدود در مقایسه با شرکت‌های سهامی این است که قلمرو آگهی‌ها در شرکت‌های سهامی وسیعتر از شرکت با مسئولیّت محدود می‌باشد.

از معایب شرکت با مسئولیّت محدود این است که پذیره‌نویسی و پرداخت تمام سهم‌الشرکه شرکت صوری می‌باشد و نیز در شرکت با مسئولیّت محدود ورقه‌ای به نام سهم‌الشرکه به صورت اوراق تجارتی قابل انتقال اعم از با نام و بی‌نام صادر نمی‌گردد، ولی در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام کاملاً آزاد بوده و در شرکت‌های سهامی خاص این نقل و انتقال ممکن است مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی سهامداران بشود.

دوم ـ مقررات مالیاتی

برابر مادّهٔ ۱۰۵ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷[1] که از اوّل سال ۱۳۸۱ به‌مورد اجرا در آمده است ***جمع درآمد شرکت‌ها*** و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود پس از ***وضع زیان‌های حاصل از منابع غیر معاف*** و کسر ***معافیت‌های مقرر*** به‌استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۰۹ ـ ۱۳۸۰/۱۲/۱۳ که از این به‌بعد با علامت ق.ا.م.م. قید می‌شود.

جداگانه‌ای می‌باشد مشمول مالیات به‌نرخ (۲۵٪) خواهند بود.

ضمناً قانون اصلاحی مزبور در مورد کلیه اشخاص حقوقی که شروع سال مالی آنها از اوّل فروردین ۱۳۸۰ به‌بعد باشد نیز از لحاظ ترتیب رسیدگی و نرخ مالیاتی قابل اجـرا می‌باشد. (مادّه ۲۷۳ ق.ا.م.م). شایان ذکر است که مالیات بردرآمد اشخاص حقیقی طبق مـادّه ۱۳۱ (ق.ا.م.م) بـه‌استثنای مـواردی کـه طـبق مـقررات قـانون مـزبور دارای نـرخ جداگانه‌ای است به‌شرح زیر می‌باشد.[1]

امتیازی که شرکت‌های سهامی عام در مقایسه با شرکت‌های با مسؤولیت مـحدود دارند این است که برابر مادّهٔ ۱۴۳ قانون اصلاحی مالیات‌های مستقیم شرکت‌هایی که سهام آنها از طرف هیأت پذیرش بورس برابر قانون برای معامله در بازار بورس پذیرفته شده‌اند از سال پذیرش تا سالی که از فهرست نرخ‌ها در بورس حذف نشده‌اند معادل ده درصد (۱۰٪) مالیات آنها بخشوده می‌شود (۲۲/۵ درصد دریافت می‌شود.) به‌موجب تبصره ۲ مـادّه مـذکور از هـر نـقل و انـتقال سـهام و سـهم‌الشـرکه و حـق‌تقدم سـهام و سهم‌الشرکه شرکاء در سایر شرکت‌ها مالیات مقطوعی به‌میزان ۰/۴٪ ارزش اسـمی آنـها به‌حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌گردد.

به‌موجب تبصره ۳ مادّه فوق در شرکت‌های سهامی پذیرفته شده در بورس اندوخته سود (صرف) سهام مشمول مالیات مقطوع به‌نرخ نیم درصد خواهد بود، به‌این درآمد مالیات دیگری تعلق نمی‌گیرد. البته پس از افزایش سرمایه شرکت‌ها پس از سی روز باید آن را به‌حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند.[2]

---

۱ ـ مادّه ۱۳۱ مقرر می‌دارد:

ـ"تا میزان سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به‌نرخ پانزده درصد (۱۵٪)

ـ تا میزان یک‌صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به‌مازاد سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به‌نرخ بیست درصد (۲۰٪).

ـ تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسـبت بـه‌مازاد یک‌صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به‌نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪).

ـ تا میزان یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به‌مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به‌نرخ سی درصد (۳۰٪).

ـ نسبت به‌مازاد یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به‌نرخ سـی و پـنج درصد (۳۵٪)."

۲ ـ واژه سازمان مالیاتی کشور در قانون جدید به‌جای عبارت وزارت امور اقتصادی و دارایی اصلاح شده است (قانون اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مادّه ۶۶ مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷).

سوم ـ حقوق و تعهدات شرکاء شرکت

هر شریک به هر میزانی که سهم‌الشرکه دارد، می‌تواند سهم‌الشرکه خود را با رعایت شرایط مندرج در مواد (۱۰۲ و ۱۰۳ ق.ت.). به شخص دیگری انتقال دهد و در صورتی که شرکت نصف سرمایه خود را از دست بدهد، هر شریکی می‌تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را بنماید، به شرط اینکه محکمه دلایل او را موجه تشخیص داده و سایر شرکاء نیز جهت خروج او از شرکت حاضر به پرداخت سهم‌الشرکه‌ای که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد، نباشند.

شریک شرکت حق دارد تا ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز اصلی شرکت حاضر شده و از ترازنامه و صورت دارائی و گزارش هیأت نظارت (اگر باشد) اطلاع حاصل نماید.

از حقوق دیگر، حق استفاده از سود شرکت و استرداد سهم‌الشرکه می‌باشد که نحوهٔ استفادهٔ شرکاء از سود شرکت موکول به اساسنامه یعنی توافق فیمابین شرکاء گردیده است، ولی اگر اساسنامه راجع به سود و زیان مقررات خاصی را پیش‌بینی نکرده باشد، تقسیم سود و زیان به نسبت سرمایه شرکاء خواهد بود.

استرداد سهم‌الشرکه موکول به موافقت شرکاء می‌باشد که به موجب آن تصمیمات راجع به شرکت باید با اکثریت حداقل نصف سرمایه در دعوت اوّل اتخاذ گردد. چنانچه اکثریت حاصل نشد کلیهٔ شرکاء برای بار دوم دعوت شده و در این صورت تصمیمات با اکثریت عددی شرکاء اتخاذ خواهد شد، هرچند که اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشند.

حق رأی هم یکی دیگر از حقوق شرکاء می‌باشد که هر شریکی به نسبت سهم‌الشرکه خود در شرکت دارای رأی می‌باشد، مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد.

ـ در مورد تعهدات شرکاء باید متذکر شد که برابر مادّهٔ (۹۴ ق.ت). مسئولیّت هر شریک در مقابل قروض و تعهدات شرکت محدود به مبلغ اسمی سهم‌الشرکه‌ای است که در شرکت سرمایه‌گذاری نموده است. بنابراین اگر شرکت منحل شده و اموال آن تصفیه گردد، طلبکاران شرکت برای وصول مطالبات خود فقط حق دارند به دارائی باقیمانده شرکت مراجعه و از حاصل فروش آن مطالبات خود را برداشت نمایند. اداره تصفیه برای طلبکارانی که طلب خود را به‌طور کامل حصول ننموده‌اند، سند عدم کفایت دارائی صادر می‌کند.

طلبکاران شرکت قادر نخواهند بود در صورت توقف شرکت از ادای دیون، مطالبات خود را از اموال شخصی شرکاء مطالبه نمایند و این امر موجبات سوء استفاده شرکاء شرکت را فراهم می‌سازد؛ به این معنی که ممکن است شخص ثالثی کالایی را به طور نسیه به شرکت بفروشد، ولی شرکت از پرداخت ثمن معامله خودداری نماید؛ در اینجا طلبکار فقط می‌تواند به مقررات راجع به ورشکستگی علیه شرکت متوسل شود و مآلاً قسمتی از طلب چنین شخصی بلاوصول خواهد ماند.

- برابر مادّهٔ (۱۱۲ ق.ت.) در هیچ مورد شرکاء نمی‌توانند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم‌الشرکه خود بنمایند و این امر کاملاً منطقی است، زیرا تأسیس شرکت تجارتی امری اختیاری می‌باشد و برخلاف حقوق مدنی شرکت قهری وجود خارجی ندارد و قانونگذار سعی کرده اراده سرمایه‌گذار را در پذیرش افزایش سرمایه مورد توجه قرار دهد.

سایر تعهدات شرکاء عبارتند از : رقابت غیرقانونی، توزیع سود موهوم و تغییر تابعیت شرکت. در توضیح هر کدام باید گفت که در اساسنامه، شرکاء می‌توانند تعهد نمایند، معاملاتی نظیر معاملات شرکت را که موجب رقابت با عملیات شرکت باشد انجام ندهند و در صورت تخلف وایجاد ضرر مسئول جبران آن خواهند بود.

- مدیرانی که بدون تنظیم ترازنامه یا با استناد به صورت دارائی مزور، سود موهومی را بین شرکاء تقسیم نمایند، کلاهبردار محسوب و به‌مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

در خاتمه باید متذکر شد که به موجب مادّهٔ (۱۱۰ ق.ت) شرکاء حق ندارند تابعیت شرکت را تغییر دهند، مگر به اتفاق آراء.

بخش دوم

تشکیل شرکت با مسئولیّت محدود

الف ـ شرایط ماهوی

اوّل ـ رضایت و اهلیت

در قرارداد تشکیل شرکت با مسئولیّت محدود که بین شرکاء امضاء می‌شود؛ مانند شرکت‌های دیگر، رضایت شرکاء باید بدون عیوب مانند اشتباه، اکراه یا تدلیس باشد، به عبارت دیگر هر شرکت باید با ارادهٔ آزاد خود قرارداد شرکت یا شرکتنامه را امضاء کند. در پاسخ به این سؤال که آیا محجورین می‌توانند شریک شرکت شوند باید گفت برابر مادّهٔ (۱۲۱۲ ق.م) اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد؛ باطل و بلااثر است. به این ترتیب صغیری که به سن بلوغ نرسیده است نمی‌تواند هیچ‌گونه اعمال حقوقی انجام دهد؛ اما مطابق قسمت دوم مادّهٔ (۱۲۱۲ ق.م.) و مادّهٔ ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی، صغیر ممیز می‌تواند اموال و منافعی را که به سعی خود او حاصل شده با اذن ولی یا قیم اداره نماید و در صورتی که ولی یا قیم او مقتضی بداند به نامبرده اجازه اشتغال به کار یا پیشه داده می‌شود. به این ترتیب نامبرده می‌تواند شریک شرکت با مسئولیّت محدود شود؛ اما سایر محجورین فقط می‌توانند به وسیلهٔ نماینده قانونی خود شریک شرکت شوند.

دوم ـ موضوع شرکت و میزان سرمایه

به هنگام تشکیل شرکت با مسئولیّت محدود شرکاء که مکلّف به تنظیم شرکتنامه و امضاء آن می‌باشند، موضوع شرکت را در آن قید و این موضوع مطابق مادّهٔ (۱۹۰ ق.م) باید مشروع باشد؛ هرچند در مادّهٔ مزبور به علت تعهد اشاره نشده است، لیکن علت تعهد نباید بنا به تجویز مادّهٔ (۳۴۸ ق.م) امر ممنوعی باشد.

با وجود اینکه در قانون تجارت ایران برای سرمایه شرکت با مسئولیّت محدود

حداقل سرمایه‌ای پیش‌بینی نشده، ولی با این حال شرکت با مسئولیّت محدود زمانی تشکیل می‌شود که کلیه سرمایه نقدی آن تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

به‌نظر می‌رسد که در حقوق ایران به‌منظور جلوگیری از تشکیل شرکت‌های با مسئولیّت محدود به‌طور صوری و بدون سرمایه و حمایت از بستانکاران بهتر است که همانند شرکت‌های سهامی، مؤسسین مکلف باشند که حداقل سرمایه‌ای به حساب شرکت در بانک پرداخت و فیش مربوطه را نیز به اداره ثبت شرکت‌ها ارائه نمایند.

برابر مواد (۱۰۰ و ۹۶ ق.ت.) شرکاء می‌توانند سهم‌الشرکه خود را به‌طور غیرنقدی به شرکت پس از تقویم تسلیم نمایند و این امر باید در شرکتنامه نیز قید گردد. بدیهی است شرکاء مزبور نسبت به قیمت آن در مقابل اشخاص ثالث مسئولیّت تضامنی دارند. با این ترتیب مقررات راجع به آورده‌های غیرنقدی در شرکت‌های با مسئولیّت محدود، حقوق اشخاص ثالث و شرکایی که آورده نقدی به شرکت تأدیه نموده‌اند را تأمین نمی‌نماید، زیرا در تقویم آورده‌های غیرنقدی نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری همانند شرکت‌های سهامی پیش‌بینی نشده است.

سوم ـ تعداد شرکاء و سهم‌الشرکه

مطابق مادّهٔ (۹۴ ق.ت.) حداقل شرکاء شرکت با مسئولیّت محدود ۲ نفر تعیین گردیده ولی قانونگذار حداکثر شرکاء را پیش‌بینی ننموده است، اما در حقوق فرانسه حداکثر شرکای شرکت با مسئولیّت محدود ۵۰ نفر در نظر گرفته شده است و چنانچه تعداد شرکاء بیشتر از ۵۰ نفر باشد، شرکت باید نوع خود را تغییر داده و ظرف دوسال به شرکت سهامی تبدیل گردد.

اگر شرکت با مسئولیّت محدودی با حداقل ۲ نفر تشکیل گردد و بعد از تشکیل یکی از شرکاء سهم خود را به دیگری انتقال دهد، آیا شرکت می‌تواند با یک نفر شریک به بقای خود ادامه دهد یا خیر؟ در قانون تجارت ایران پاسخی به این مسئله داده نشده است، ولی در قانون فرانسه آمده که اگر سهم‌الشرکه یا سهام شرکتی در دست یک نفر به علت انتقال یا ارث و غیره جمع شود، این امر موجبات انحلال شرکت را فراهم نمی‌آورد، ولی هر کسی می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد مگر آنکه شریک منحصر به فرد ظرف یکسال وضع خود را از لحاظ تعداد شرکاء با قانون تطبیق دهد.

چهارم ـ نام شرکت و مدت آن

در نام شرکت باید عبارت «با مسئولیّت محدود» قید شود، و الاّ شرکت با مسئولیّت محدود در مقابل اشخاص، شرکت تضامنی محسوب شده و تابع مقررات آن خواهد

بود. ضمناً نام شرکت نباید متضمن نام هیچیک از شرکاء باشد؛ حال اگر شریک نام خود را به دنبال اسم شرکت قید نماید، در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی خواهد بود. در مورد مدت شرکت در قانون تجارت ایران ذکری به عمل نیامده و معمولاً شرکاء به هنگام تشکیل شرکت، مدت آن را نامحدود قید می‌نمایند، ولی در حقوق فرانسه مدت شرکت ۹۹ سال می‌باشد و این مدت از تاریخ ثبت آغاز می‌گردد.

ب ـ شرایط شکلی

اوّل ـ لزوم تنظیم شرکتنامه و نشر آگهی آن

در قانون تجارت ایران، نص صریحی در خصوص لزوم تنظیم شرکتنامه وجود ندارد، ولی با عنایت به مادّهٔ (۹۷ ق.ت). ملاحظه می‌شود که مؤسسین شرکت الزاماً باید شرکتنامه بین خود تنظیم و امضاء نمایند.

تنظیم اساسنامه برای شرکت با مسئولیّت محدود، علاوه بر شرکتنامه ضروری می‌باشد، زیرا شرکاء می‌توانند ارادهٔ خود را از نظر قلمرو و اختیارات و اتخاذ تصمیم و یا حق رأی و بالاخره روابط فیمابین در آن منعکس نمایند.

برابر بند ۲ مادّهٔ ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک با اصلاحات بعدی، صلحنامه و هبه‌نامه و شرکتنامه باید طبق سند رسمی تنظیم گردد. از طرف دیگر طبق مادّهٔ ۱ نظامنامه قانون تجارت، شرکت‌های تجارتی باید به موجب شرکتنامه رسمی تشکیل شوند.

مطابق مادّهٔ (۱۹۷ ق.ت.) ظرف ماه اوّل تشکیل هر شرکت، خلاصهٔ شرکتنامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد و نیز برابر مادّه (۱۹۶ ق.ت.) **«اسناد و نوشته‌جاتی که برای به‌ثبت رسیدن شرکت لازم‌است در نظامنامه وزارت عدلیه‌معین می‌شود».**

نظامنامهٔ مندرج در مواد فوق باید در تهران در دایره ثبت شرکت‌ها و در خارج از تهران در اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به ثبت برسد و طبق مادّهٔ ۳ نظامنامه، تسلیم تقاضانامه در دو نسخه الزامی است و علاوه بر آن در شرکت‌های با مسئولیّت محدود باید یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد)، یک نسخه مصدق از شرکتنامه، اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره شرکت تعیین شده‌اند و بالاخره نوشته‌ای به امضاء مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی و سرمایه غیرنقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیرنقدی نیز تقدیم گردد.

بعد از ثبت شرکت، متّصدی ثبت باید نسخه ثانی تقاضانامه را با قید تاریخ و نمره ثبت، امضاء و به مهر اداره ممهور نموده و به متقاضی بدهد، این سند، سند ثبت شرکت محسوب خواهد شد، متعاقباً در ظرف ماه اوّل ثبت هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمات آن توسط اداره ثبت محل در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت به هزینهٔ خود شرکت منتشر می‌گردد.

دوم ـ وضعیت قراردادهای تنظیمی به حساب شرکت قبل از تشکیل آن

طبق اصل تفکیک و تنجیز شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء و سهامداران، تا زمانی که شرکت تشکیل نشده و دارای شخصیت حقوقی نگشته است، نمی‌تواند با اشخاص ثالث قرارداد تنظیم نموده و دارای حقوق و تعهدات گردد.

اگر قبل از تشکیل شرکت با مسئولیّت محدود، مؤسسین به حساب شرکت با اشخاص ثالث تعهداتی بنمایند، آیا شرکت پس از تشکیل در مقابل صاحبان حق، جوابگو می‌باشد یا خیر؟ قانون تجارت در این زمینه سکوت نموده، ولی به نظر می‌رسد برای حفظ حقوق اشخاص ثالث که قبل از تشکیل شرکت با مؤسسین قرارداد تنظیم نموده‌اند، مؤسسین در مقابل آنان و همچنین نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که برای تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند، مسئولیّت تضامنی داشته باشند.

ج ـ مسئولیّت مدنی و جزایی راجع به تشکیل شرکت

در مورد مسئولیّت مدنی مؤسسین نسبت به اشخاص متضرر از تأسیس شرکت باید به مقررات خاص قانون تجارت و قانون مدنی توجه نمود.

مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون تجارت، بطلان تأسیس شرکت با مسئولیّت محدودی که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ (تأدیه تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم آورده‌های غیرنقدی) تأسیس شده باشد را پیش‌بینی نموده و آن را از درجهٔ اعتبار ساقط دانسته است. در صورتی که حکم بطلان شرکت به شرح فوق صادر گردد، شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها می‌باشد و نیز هیأت نظار و مدیرانی که در حین حدوث سبب بطلان، در سمت خود باقی بوده و به وظایف خود عمل ننموده باشند، به نحو تضامنی مسئول می‌باشند.

مدت مرور زمان دعاوی ناشی از این امر نیز ۱۰ سال از تاریخ حدوث سبب بطلان می‌باشد. بر طبق مقررات خاص قانون مدنی اگر مؤسسین شرکت با مسئولیّت محدود در تأسیس شرکت از مقررات قانونی یا اساسنامه مربوطه تخلف نمایند و از این تخلف به سایر شرکاء و یا اشخاص ثالث ضرر و زیانی وارد گردد، هر ذی‌نفع می‌تواند با توسل به مقررات عام پیش‌بینی شده راجع به مسئولیّت مدنی در دادگاه صلاحیت‌دار طرح دعوی نماید.

از نظر مسئولیّت جزایی مؤسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکهٔ نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید به اداره ثبت شرکت‌ها بدهند، اظهار بنمایند، کلاهبردار محسوب و مطابق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوّب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مجازات خواهد شد.

بخش سوم

ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیّت محدود

الف ـ انتخاب و عزل مدیران

شرکت با مسئولیّت محدود ممکن است توسط یک یا چند مدیر موظف یا غیرموظف (که از بین شرکاء یا خارج از شرکاء انتخاب می‌گردند) اداره شود، مدیران مزبور می‌توانند برای مدت محدود یا نامحدود انتخاب شوند (مادّه ۱۰۴ ق.ت.).

مدیران باید اشخاص حقیقی بوده و اهلیت قانونی برای انجام مدیریت داشته باشند. در قانون تجارت ایران تصریحی در خصوص عزل مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیّت محدود وجود ندارد؛ ولی به نظر می‌رسد در صورتی که مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیّت محدود با ارتکاب تقصیر (مانند ترک شرکت به قصد اضرار) موجبات ضرر شرکت را فراهم سازند، شرکاء با توجه به اصول عام پیش‌بینی شده در حقوق مدنی مجمع عمومی را تشکیل داده و با در دست داشتن ادله موجه و رعایت نصاب اتخاذ تصمیم در مجمع، مدیر مقصر را عزل و مراتب را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند.

ب ـ قلمرو اختیارات مدیران

مدیران شرکت کلیهٔ اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت، مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد (مادّه ۱۰۵ ق.ت.).

برابر بند ۴ مادّهٔ ۴۹ قانون تجارت فرانسه حدود روابط مدیران با شرکاء به اساسنامه محول شده است؛ یعنی مدیران در مواردی مانند تنظیم بعضی از قراردادها و یا انجام برخی از اعمال حقوقی مهم مانند أخذ وام از بانک (غیر از اعتبار)، رهن اموال غیرمنقول شرکت و یا وثیقه و غیره مکلف به کسب اجازه قبلی از شرکاء می‌باشند و در صورت تجاوز از اختیار خود، علاوه بر جبران زیان وارده، شرکاء می‌توانند عزل مدیر متخلف را

بخواهند، بدون اینکه نامبرده حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از عزل را داشته باشد.

سایر اختیارات مدیران عبارتند از: دعوت مجامع عمومی، گزارش وضع مالی شرکت و کسر اندوخته‌های قانونی مندرج در مادّهٔ (۱۱۳ ق.ت.)، گزارش در مورد افزایش و کاهش سرمایه، گزارش سالیانه راجع به فعالیت وضع عمومی شرکت و بالاخره اعلام صورتجلسه مربوط به انتخاب مدیران و بازرسان، تصویب ترازنامه، کاهش و افزایش سرمایه، تغییرات در اساسنامه، انحلال شرکت و نحوهٔ تصفیه آن به اداره ثبت شرکت‌ها.

ج ـ محدودیت اختیارات مدیران

در قانون تجارت ایران هیچ‌گونه محدودیتی در مورد اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیّت محدود پیش‌بینی نشده است، ولی قانونگذار با قید جمله.... مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگر مقرر شده باشد، تحدید اختیارات مدیران را به شرکاء واگذار نموده است. قسمت دوم مادّهٔ (۱۰۵ ق.ت.) می‌گوید: «**هر قراردادی که اختیارات مدیران را محدود نماید و در اساسنامه نیز به این امر اشاره‌ای نشده باشد، در مقابل اشخاص ثالث، باطل وکان‌لم یکن می‌باشد**». اگر مدیری در خارج از موضوع شرکت اقدام نماید، در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت در صورت ایراد، شخصاً جوابگو می‌باشد.

د ـ مسئولیّت مدنی و جزایی مدیران

مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیّت محدود به نمایندگی از طرف شرکت و به نام شرکت وظایف خود را بر طبق قانون یا اساسنامه انجام می‌دهند و چون تاجر محسوب نمی‌شوند، بنابراین علیه آنان در صورت توقف شرکت از ادای دیون و قروضی که به عهده دارند، نمی‌توان اعلام ورشکستگی نمود و این یکی از نقایص قانون تجارت می‌باشد؛ زیرا امکان دارد که مدیران اموال شرکت را به دارایی شخصی خود انتقال دهند و طلبکاران شرکت نیز در صورت وصول نشدن مطالبات خود ناچار خواهند بود فقط به دارایی شرکت مراجعه نمایند، مگر آنکه دادخواست جداگانه‌ای براساس مقررات قانون مدنی به دادگاه تسلیم و پس از اثبات تقصیر مدیران و ضرر وارده و رابطه علیت، جبران زیان وارده را تقاضا نمایند.

از نظر جزائی مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد به صورت دارائی مزور، منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم نمایند، کلاهبردار محسوب خواهند شد و زیان دیده می‌تواند تقاضای استرداد منافع موهوم تقسیم شده را جهت جبران زیان وارده بنماید.

بخش چهارم

ارگان کنترل کننده شرکت با مسئولیّت محدود

الف ـ انتخاب هیأت نظار[1]

قانونگذار در حقوق ایران، انتخاب بازرس یا بازرسان را جهت کنترل شرکت با مسئولیّت محدود لازم ندانسته است؛ لیکن در صورتی که تعداد شرکای با مسئولیّت محدود بیش از ۱۲ نفر باشد، انتخاب هیأت نظار را از بین شرکاء الزامی دانسته است. در این زمینه مادّهٔ ۱۰۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «**هر شرکت با مسئولیّت محدود که عده شرکای آن بیش از ۱۲ نفر باشد، باید دارای هیأت نظار بوده...**».

هیأت نظار باید لااقل مرکب از سه نفر شرکا بوده و به وسیله مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی برای اولین‌بار به مدّت یکسال انتخاب گردند که این مدت می‌تواند در تجدید انتخاب مدیران به بیش از یکسال و حتی نامحدود افزایش یابد (مادّهٔ ۱۰۹ ناظر بر مادّه ۱۶۵ ق.ت.).

ب ـ وظایف و اختیارات هیأت نظار

اوّل ـ کنترل آورده نقدی و غیرنقدی

هیأت نظار باید پس از تشکیل، بلافاصله اطمینان حاصل کند که تمام سرمایه نقدی به وسیله شرکاء تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی شرکت نیز تقویم و تسلیم شده و در شرکتنامه صراحتاً قید گردیده باشد که سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است (مستفاد از قسمت دوم مادّه ۱۰۹ ق.ت. و رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ همان قانون).

---

۱ ـ هیأت نظار در شرکت مختلط سهامی هم پیش‌بینی شده است.

دوم ـ کنترل دفاتر و دارائی شرکت

به موجب مادّهٔ ۱۰۹ ناظر به مادّه ۱۶۸ ق.ت ، هیأت ناظر مکلفند که دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را به طور دقیق کنترل نموده و در پایان هر سال مالی گزارشی به مجمع عمومی شرکت در این مورد تقدیم کنند و چنانچه در تنظیم ترازنامه و تقسیم منافع شرکت به وسیلهٔ مدیران تخلفی مشاهده نمایند، باید آن را در گزارش خود قید کنند. هر شریک می‌تواند از گزارش مزبور تا ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی شخصاً یا به‌وسیلهٔ نماینده‌اش کسب اطلاع نماید.

سوم ـ دعوت مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده

هیأت نظار مکلف است سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را دعوت کرده و آن را تشکیل دهد؛ همچنین هیأت مزبور می‌تواند مجمع عمومی فوق‌العاده را نیز برای انعقاد دعوت نماید. هیأت نظار تصمیمات خود را با اکثریت آرای اعضاء خود اتخاذ می‌نمایند.

ج ـ مسئولیّت هیأت نظار (مادّهٔ ۱۰۹ ناظر به مادّه ۱۶۷)

در صورتی که تصمیمات و اقدامات هیأت نظار برخلاف قوانین حاکم باشد، مسئولیّت آن متوجه اعضای هیأت خواهد بود. ضمناً هیأت نظار در صورت تبانی در مورد تقویم سهم‌الشرکه غیرنقدی به بیش از قیمت واقعی آن، علاوه بر مسئولیّت تضامنی، در مقابل اشخاص ثالث مشمول مجازات جزائی مقرر در مادّه ۱۱۵ خواهند بود.

بخش پنجم

ارگان تصمیم‌گیرنده شرکت با مسئولیّت محدود

الف ـ کلیات

دعوت و تشکیل مجامع عمومی در شرکت با مسئولیّت محدود، فقط در مادّه ۱۰۹ ق.ت، که می‌گوید : **«هر شرکت با مسئولیّت محدود که عده شرکای آن بیش از ۱۲ نفر باشد، باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد...»** اجباری شناخته شده است.

در مفهوم مخالف مادّهٔ مذکور می‌توان گفت که تشکیل مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده در شرکت‌های با مسئولیّت محدود که شرکای آن کمتر از ۱۲ نفر می‌باشند، کاملاً اختیاری است؛ ولی شرکاء می‌توانند در اساسنامه الزام تشکیل مجامع عمومی را مطابق مقررات شرکت‌های سهامی عام و خاص و با در نظر گرفتن مواد ۹۲، ۹۷ و ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت) پیش‌بینی نمایند.

ب ـ تصمیمات مجمع عادی

شرکت با مسئولیّت محدود می‌تواند تصمیمات مجمع عمومی عادی خود را بدون تشکیل مجمع اتخاذ نماید و تصمیمات راجع به شرکت را به صورت صورتجلسه تهیه و به امضاء شرکت برساند. هر شریک به نسبت سهم‌الشرکه خود حق رأی دارد؛ مگر اینکه اساسنامه، ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. مادّهٔ ۱۰۶ ق.ت. می‌گوید: **«تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود، اگر در دفعهٔ اوّل این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند، در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود، اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد، اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد».**

تقسیم سود در قانون تجارت ایران در مادّهٔ ۱۱۷ پیش‌بینی شده و مقرر می‌دارد:

روابط شرکاء تابع اساسنامه است، اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد، تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به‌عمل خواهد آمد. در شرکت با مسئولیّت محدود قانونگذار در مادّه ۱۱۳ ق.ت. اندوخته قانونی را تحت عنوان سرمایه احتیاطی با رعایت مادّهٔ ۵۷ قانون شرکت سهامی ۱۳۱۱ که می‌گوید: **« همه ساله لااقل یک‌بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد، همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایهٔ شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است»**، الزامی دانسته است.

ج ـ تصمیمات مجمع فوق‌العاده

در شرکت با مسئولیّت محدود تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده همانند شرکت‌های سهامی عام و خاص الزامی شناخته نشده است، ولی با عنایت به مادّه ۱۱۱ ق.ت. که می‌گوید: **«هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند، به‌عمل آید؛ مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد».** به نظر می‌رسد که تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده از نظر اهمیت موارد پیش‌بینی شده در مادّه ۱۱۱ مذکور ضروری می‌باشد. در این صورت وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده در اساسنامه باید به شرح زیر پیش‌بینی گردد:

۱ ـ تغییرات در اساسنامه یا الحاق یا حذف چند مواد از آن.

۲ ـ افزایش یا کاهش سرمایه شرکت.

۳ ـ ورود شریک یا شرکاء جدید به شرکت.

۴ ـ تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت.

۵ ـ انحلال شرکت قبل از موعد.

بدیهی است تصمیمات در موارد فوق باید با موافقت دارندگان $\frac{۳}{۴}$ سرمایه شرکایی که اکثریت عددی را نیز دارند، اتخاذ گردد.

د ـ مسئولیّت مدنی و جزایی

اگر مجامع عمومی شرکت با مسئولیّت محدود در تصمیمات خود از مقررات قانونی تخلف نموده و از این بابت شرکاء یا اشخاص ثالث متضرر گردند، زیان‌دیده می‌تواند براساس مقررات قانون مدنی و تعیین ضرر وارده و اثبات رابطه علیت، جبران زیان وارده را از دادگاه درخواست نماید و در مواردی که شرکاء با استناد به تصمیم مجامع مرتکب جرایمی از قبیل کلاهبرداری و غیره بشوند، بر طبق مقررات پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی با آنان رفتار خواهد شد.

بخش ششم

انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیّت محدود

الف ـ انحلال شرکت با مسئولیّت محدود

موارد انحلال شرکت با مسئولیّت محدود در مادّه ۱۱۴ ق.ت. به شرح زیر پیش‌بینی شده است:

در مورد بندهای ۱ و ۲و ۳ مادّه (۹۳ ق.ت.) (شرکت‌های سهامی منسوخه سال ۱۳۱۱)[1]:

ـ وقتی که شرکت برای هدفی که تشکیل شده آن را انجام داده یا انجام آن غیرممکن باشد.

ـ وقتی که شرکت برای مدّت معینی تشکیل شده و آن مدّت منقضی شده باشد.

ـ در صورتی که شرکت ورشکسته اعلام گردد.

ـ در صورتی که به‌واسطهٔ ضررهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکای شرکت با مسئولیّت محدود تقاضای انحلال آن را کرده باشد، دادگاه نیز دلایل مدعی را موجه تشخیص دهد و سایر شرکاء حاضر نباشند سهم‌الشرکه‌ای که در صورت انحلال شرکت به او تعلق می‌گیرد، پرداخت نموده و او را از شرکت خارج سازند.

ـ در صورتی که عده‌ای از شرکایی که سهم‌الشرکه آنان بیش از نصف کل سرمایه شرکت باشد راجع به انحلال اتخاذ تصمیم نموده باشند. بدیهی است که اساسنامه

۱- گرچه از ماده ۱ تا ۳۰۰ به موجب قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.۱۲.۲۴ جانشین مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.۱۲.۱۳ گردی ولی چون بر اساس ماده ۲۹۹ قانون اصلاحی مذکور «آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکت‌های سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکت‌های تجارتی است نسبت به آن شرکت‌ها به قوت خود باقی است. لذا بندهای ۱ تا ۳ در اینجا آورده شده است.»

شرکت با مسئولیّت محدود، برای انحلال شرکت می‌تواند اکثریت سرمایه را به‌هر میزانی بیش از نصف اعم از $\frac{۳}{۴}$ و غیره پیش‌بینی نماید.

- در مورد فوت یکی از شرکاء و آن در صورتی است که چنین موردی در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. قانونگذار حجر یکی از شرکاء را از موارد انحلال ندانسته است؛ لیکن در صورت ورشکستگی شرکت (نه یکی از شرکاء) انحلال و تصفیهٔ آن امری بدیهی است.

ب ـ تصفیهٔ شرکت با مسئولیّت محدود

بعد از انحلال شرکت، امر تصفیه آن آغاز می‌گردد. عملیات تصفیه شامل مراحل زیر خواهد بود:

- وصول مطالبات شرکت
- نقد کردن دارایی شرکت
- پرداخت دیون شرکت
- تقسیم دارایی باقیمانده شرکت بین شرکاء

در شرکت با مسئولیّت محدود امر تصفیه به موجب مادّه ۲۱۳ ق.ت. به عهده مدیران شرکت می‌باشد؛ مگر اینکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

وظایف مدیر یا مدیران تصفیه

مدیران شرکت که برای تصفیه تعیین می‌شوند، مکلفند اسامی خود را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند (مادّهٔ ۲۰۵ ق.ت.). مدیر تصفیه در حکم وکیل شرکاء بوده و حتی مدیر مزبور می‌تواند از طریق دادگاه انتخاب گردد.

رسیدگی به حساب‌های شرکت وتنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان به هنگام انحلال آن، اجرای تعهدات شرکت، وصول مطالبات و نقد کردن دارایی شرکت و پرداخت دیون شرکت و تقسیم دارایی باقیمانده بین شرکاء از وظایف مدیر یا مدیران تصفیه می‌باشند.

مسئولیّت مدنی و جزائی مدیران تصفیه

اگر مدیران تصفیه از مقررات قانونی و یا اساسنامه تخلف نمایند و از این تخلف به اشخاص ذی‌نفع ضرر و زیانی وارد گردد، متضرر می‌تواند پس از اثبات تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان‌آور و ضرر وارده جبران خسارت وارده را مطالبه نماید.

از نظر جزایی در صورتی که مدیران تصفیه برخلاف قوانین عام، مرتکب جرایمی از قبیل خیانت در امانت، کلاهبرداری و غیره شوند، طبق مقررات پیش‌بینی شده تعقیب و مجازات خواهند شد.

فصل هفتم

شرکت تضامنی

Partnership Company

بخش اوّل

تعریف شرکت و وضعیت حقوقی شرکاء

«شرکت تضامنی شرکتی است که تحت اسم مخصوص برای امور تجارتی بین دو یا چندنفر با مسئولیّت تضامنی تشکیل می‌شود. اگر دارائی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد، هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان‌لم یکن خواهد بود» (مادّهٔ ۱۱۶ ق.ت.).

دراسم شرکت تضامنی باید عبارت شرکت تضامنی و حداقل اسم یک نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد، باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است، عبارتی از قبیل : «و شرکاء» یا «و برادران» قید گردد (مادّهٔ ۱۱۷ ق.ت.).

از مطالب بالا می‌فهمیم که شرکت تضامنی بین دو یا چند نفر شریک تشکیل می‌شود و شرکای شرکت تضامنی در برابر تعهدات شرکت متضامناً و به‌طور نامحدود مسئولیّت دارند. هرگونه توافق بین شرکاء جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن می‌باشد، آخرین نکته‌ای که از مطالب بالا فهمیده می‌شود این است که خصوصیت شخصی بودن قرارداد شرکت تضامنی موجب شده سهم‌الشرکه هر یک از شرکاء اصولاً غیرقابل انتقال باشد، مگر با رضایت کلیهٔ شرکاء در طول حیات شرکاء و یا پس از فوت یکی از شرکاء.

بخش دوم

مسئولیّت شرکای تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت

شرکای شرکت تضامنی مسئولیّت تضامنی دارند و کلیهٔ بستانکاران مطالبات خود را از شرکت مطالبه می‌نمایند. حال اگر دارائی شرکت تکافوی ادای دیون بستانکاران را نکند، اشخاص اخیر حق دارند به شرکای شرکت تضامنی جهت وصول مابقی مطالبات خود منفرداً و یا مجتمعاً مراجعه نمایند. هیچیک از شرکاء نمی‌توانند با استناد به اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید، از تأدیهٔ قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیّت هر یک از آنها در تأدیهٔ قروض شرکت به نسبت سرمایه‌ای خواهد بود که در شرکت گذاشته‌اند؛ آن هم در صورتی که در شرکت‌نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد (مستفاد از مواد ۱۱۶ و ۱۲۴ ق.ت).

در تأئید مطالب بالا مادّهٔ ۴۰۳ ق.ت. می‌گوید: «**در کلیهٔ مواردی که به‌موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی، ضمانت تضامنی باشد، طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیهٔ طلب، به دیگری رجوع نماید**».

بخش سوم

مسئولیّت شرکاء در مقابل طلبکاران شخصی خود

طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند که طلب خود را از دارائی شرکت تأمین و یا وصول نمایند؛ اما می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود (شریک تضامنی شرکت)، از منافع شرکت یا سهامی که ممکن است در صورت انحلال شرکت عاید مدیون مزبور گردد، هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به‌عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت برای تأدیه طلب آنها کافی نباشد، می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (مستفاد از مادّهٔ ۱۲۹ ق.ت.).

در مورد تهاتر دیون مطالبی در مادّهٔ ۱۳۰ ذکر گردیده که خلاصهٔ آنها عبارتند از:

۱ـ مدیون شرکت حق ندارد در مقابل طلبی که از یکی از شرکاء شرکت مزبور دارد استناد به تهاتر کند.

۲ـ شریک شرکت نیز نمی‌تواند در مقابل کسی که به شرکت مدیون بوده ولی از شریک مزبور طلب شخصی دارد استناد به تهاتر کند.

۳ـ تهاتر دیون طلبکار شخصی یکی از شرکاء پس از انحلال شرکت به دلیل از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت و تعلق دارائی آن به شرکاء تجویز شده است (در اینجا اصل تفکیک شخصیت حقوقی شرکت با شرکاء مورد توجه قرار گرفته است).

بخش چهارم

تأسیس و اداره شرکت تضامنی

الف ـ تأسیس شرکت تضامنی

تأسیس شرکت تضامنی با تنظیم شرکتنامه که به صورت اوراق چاپی در اداره ثبت شرکت‌ها موجود می‌باشد صورت می‌گیرد. در شرکتنامه مذکور باید نام، نوع، موضوع شرکت و مرکز اصلی و نشانی کامل، همچنین اسامی شرکاء یا مؤسسین و شماره شناسنامه و محل اقامت آنها و غیره قید گردد.

برای تشکیل شرکت تضامنی تمام سرمایه نقدی تأدیه و چنانچه سهم‌الشرکه غیرنقدی باشد باید تقویم شده و تسلیم گردد.

به هنگام تأسیس شرکت، اساسنامه مربوط به آن نیز که در واقع آئین‌نامهٔ داخلی شرکت می‌باشد، توسط مؤسسین تنظیم می‌گردد.

مطابق مادّهٔ ۱۹۵ ق.ت. ثبت کلیهٔ شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی است و تابع مقررات قانون ثبت شرکت‌هاست.

ب ـ اداره شرکت تضامنی

اوّل ـ نحوهٔ انتخاب و عزل مدیر

شرکت تضامنی توسط حداقل یک مدیر که شرکاء از میان خود انتخاب می‌نمایند، اداره می‌شود، مدیر مزبور ممکن است غیر از شرکاء بوده و از خارج انتخاب شود (مادّه ۱۲۰ ق.ت.) در صورتی که مدیران از بین شرکاء بدون قید در اساسنامه انتخاب شده باشند، با توجه به شرایط اساسنامه یا به اتفاق‌آراء سایر شرکاء قابل عزل می‌باشند. مدیر غیر شریک با شرایط پیش‌بینی شده در اساسنامه و در غیر این صورت با تصمیم اکثریت شرکاء معزول می‌شود.

در صورتی که عزل مدیری بدون دلیل موجه باشد، مدیر معزول حق مطالبهٔ ضرر و

زیان را از شرکت خواهد داشت.

ـ مدیر یا مدیران مندرج در شرکتنامه قابل عزل نمی‌باشند و حق استعفاء نیز ندارند، مگر با توافق کلیهٔ شرکاء شرکت تضامنی.

ـ در صورتی که مدیر یا مدیران در اساسنامه انتخاب شده باشند، ممکن است طبق اساسنامه نسبت به تغییر مدیر یا مدیران مذکور عمل شود.

ـ اگر مدیر یا مدیران در شرکتنامه یا اساسنامه انتخاب نشده، ولی انتخاب آنان بعداً صورت گرفته باشد، در این صورت شرکاء می‌توانند مدیر یا مدیران فوق را معزول نمایند. بدیهی است مدیر یا مدیران حق استعفاء خواهند داشت.

دوم ـ قلمرو و محدودیت اختیارات مدیر

مدیر شرکت تضامنی برای اینکه بتواند شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد سازد، باید به نام شرکت و در حدود اختیارات خود اقدام و اتخاذ تصمیم نماید؛ در غیر این صورت، شخصاً مسئول تعهدات مزبور خواهد بود.

در دو مورد به محدودیت اختیارات مدیر یا شریک شرکت تضامنی به‌طور صریح اشاره شده است:

۱ـ تا جبران ضررهای وارده به شرکت تقسیم سود ممنوع می‌باشد (مادّهٔ ۱۳۲ ق.ت.).

۲ـ محدودیت انجام عملیات تجارتی (مادّهٔ ۱۳۴ ق.ت.).

سوم ـ مسئولیّت مدنی مدیر شرکت

مسئولیّت مدنی مدیران در مقابل شرکت از مقررات عقد وکالت پیروی می‌نماید و مسئولیّت مدنی مدیر در مقابل شرکاء تابع اصول کلی حقوق مدنی که در باب تسبیب و قانون مسئولیّت مدنی پیش‌بینی شده است، می‌باشد؛ بالاخص در مواردی که قلمرو اختیارات مدیران در اساسنامه تعیین شده است.

ج ـ تقسیم سود

منافع در شرکت تضامنی به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکاء تقسیم می‌شود؛ مگر آنکه شرکتنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد؛ لیکن تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء تا زمانی که کمبود سهم‌الشرکه شرکاء به علت زیان‌های وارده جبران نشده باشد، ممنوع خواهد بود (مستفاد از مواد ۱۱۹ و ۱۳۲ ق.ت.).

بخش پنجم

انحلال شرکت تضامنی

زمانی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده است ، انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد، وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد و بالاخره در صورت ورشکستگی شرکت، شرکت تضامنی منحل می‌گردد (فقرات ۱ و ۲ و ۳ مادّهٔ ۹۳ ق.ت.) موارد دیگری که باعث انحلال شرکت می‌شوند عبارتند از:

تراضی تمام شرکاء ، صدور حکم انحلال از دادگاه، تقاضای فسخ از طرف یکی از شرکاء، ورشکستگی یکی از شرکاء و در خاتمه فوت یا محجوریت یکی از شرکاء.

الف ـ نتایج انحلال

اوّل ـ ثبت و اعلام انحلال

انحلال شرکت تضامنی باید طبق مادّهٔ (۲۰۰ ق.ت) ناظر به مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ همان قانون و برابر نظامنامه وزارت عدلیه اعلام شود. این نظامنامه در مادّهٔ ۹ خود می‌گوید: **«در هر موقع که تصمیماتی راجع به تمدید مدّت شرکت، زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدّت معیّنه یا تغییر در تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تغییر اسم شرکت یا تغییر دیگر در اساسنامه یا تبدیل و یا خروج بعضی از شرکاء ضامن از شرکت اتخاذ شود و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می‌یابد و یا تصمیمی نسبت به مورد معین در مادّهٔ ۵۸ قانون تجارت اتخاذ شود، مقررات این نظامنامه راجع به ثبت و انتشار باید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود».**

شرکاء شرکت تضامنی مکلفند که انحلال خود را با تقدیم مدارک مقرر بدواً در ادارهٔ ثبت شرکت‌ها به ثبت برسانند و سپس در ظرف ماه اوّل از تاریخ ثبت، انحلال آن را به هزینهٔ خود شرکت توسط اداره ثبت محل در روزنامه رسمی و یکی از جراید

کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت منتشر نمایند.

دوم ـ تصفیه شرکت تضامنی

شرکت تضامنی پس از انحلال باید تصفیه شود. در بعضی کشورها شرکت پس از انحلال و در حال تصفیه می‌تواند با شرکت دیگر ادغام شده و یا نوع خود را تغییر دهد. بدین ترتیب تصفیه صورت نمی‌گیرد. در قانون تجارت ایران تبدیل شرکت تضامنی به شرکت سهامی (اعم از عام و خاص) فقط در زمان حیات شرکت پیش‌بینی شده است (مادّهٔ ۱۳۵ ق.ت.) و ظاهراً چنین تبدیلی پس از انحلال امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ ولی با اصلاح مادّه ۱۳۵ مذکور شرکاء می‌توانند پس از پرداخت طلب طلبکاران حتی در زمان انحلال شرکت و در طول مدت تصفیه، شرکت تضامنی را به شرکت سهامی عام و خاص تبدیل نمایند.

مدیر یا مدیران تصفیه، دارائی شرکت منحله را نقد و مطالبات شرکت را نیز وصول می‌نمایند. همچنین دیون شرکت را پرداخته و در آخر دارائی باقیمانده شرکت را بین شرکاء تقسیم می‌کنند.

سوم ـ انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه

امر تصفیه در شرکت تضامنی با مدیر یا مدیران شرکت می‌باشد مگر آنکه شرکای ضامن، اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. در صورت عدم توافق سایر شرکاء با اشخاص تعیین شده، دادگاه عمومی، اشخاصی را برای امر تصفیه تعیین خواهد کرد. اسامی مدیرانی که غیر از مدیران شرکت باشند، باید در اداره ثبت شرکت‌ها در تهران و در دایره ثبت شرکت‌ها در شهرستان‌ها به ثبت و آگهی برسد.

چهارم ـ وظایف مدیر یا مدیران تصفیه

از کارهایی که مدیر تصفیه مکلف به اجرای آن می‌باشد، خاتمه دادن به کارهای جاری شرکت و اجرا نمودن تعهدات شرکت می‌باشد و در صورت نیاز می‌تواند برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی نیز بنماید. از جمله کارهای دیگر مدیر تصفیه وصول مطالبات شرکت تضامنی و تقسیم دارائی شرکت می‌باشد. آن قسمت از دارائی شرکت‌که درمدت تصفیه‌موردنیازنمی‌باشد، به‌طور موقت بین شرکاء تقسیم می‌شود.

مدیر یا مدیران تصفیه، حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از

نفع و ضرر تعیین می‌نمایند. در صورت اختلاف‌نظر در مورد تقسیم بین شرکاء حل مسأله با دادگاه ذیصلاح می‌باشد.

ب ـ مرور زمان

«دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند». (مادّهٔ ۲۱۷ ق.ت) ضمناً مدت مرور زمان در دعاوی مطروحه از طرف اشخاص ثالث علیه شرکاء یا ورّاث آنها راجع به معاملات شرکت در صورتی که شرکاء یا ورّاث قانوناً مسئول باشند، ۵ سال است و مبدأ مرور زمان از روزی است که انحلال شرکت تضامنی یا استعفاء شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی آگهی شود. چنانچه طلب پس از ثبت و آگهی مزبور قابل مطالبه شده باشد، مرور زمان از روزی شروع می‌شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده باشد.

شرکای شرکت تضامنی در مدت ۵ سال از تاریخ جاری شدن مرور زمان هر کدام منفرداً و متضامناً در مورد تعهدات شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئول می‌باشند.

مرور زمان پیش‌بینی شده در مادّهٔ ۲۱۹ ق.ت. که مدت آن ۵ سال است، مانند سایر مرور زمان‌های مندرج در قانون تجارت، قاعدهٔ خاص بوده و به قوت خود باقی است و با احراز شرایط زیر جاری می‌گردد:

- دعوی شخص ثالث علیه شرکای شرکت تضامنی یا وراث آنها باشد.
- شرکاء یا وراث آنها قانوناً مسئول قرار داده شده باشند.
- دعوی شخص ثالث راجع به معاملات (تعهدات) شرکت باشد.

مبدأ مرور زمان از تاریخ ثبت انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت، و اعلان در مجله رسمی شروع می‌شود.

فصل هشتم

شرکت نسبی

تعریف و خصوصیات شرکت نسبی

«شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتی تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیّت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته است.» (مادّهٔ ۱۸۳ ق.ت.) قانونگذار برای آگاهی اشخاص ثالث از نسبی بودن مسئولیّت شرکاء، قید عبارت مزبور را لازم دانسته است. منظور از مسئولیّت شرکاء به نسبت سرمایه این است که هر شریک در صورتی که دارائی شرکت پس از انحلال و تصفیه برای ادای دیون و قروض شرکت کافی نباشد به نسبت سهم‌الشرکه خود از کل قروض در مقابل طلبکاران مسئولیّت مدنی دارد.

نحوهٔ تأسیس و طرز کار و انحلال شرکت نسبی، همانند شرکت تضامنی است و تنها وجه افتراق این دو شرکت در میزان مسئولیّت مدنی شرکاء بعد از انحلال شرکت در مقابل طلب طلبکاران می‌باشد.

فصل نهم

شرکت مختلط غیرسهامی

بخش اوّل
تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت مختلط غیرسهامی

الف ـ تعریف

«شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجارتی تحت اسم مخصوص بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چندنفر شریک با مسئولیّت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌گردد، در این شرکت شریک ضامن، مسئول کلیهٔ قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت حاصل شود و مسئولیّت شریک با مسئولیّت محدود تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت، سرمایه‌گذاری کرده یا خواهدکرد. به دنبال نام این شرکت باید عبارت «شرکت مختلط» و حداقل نام یکی از شرکاء ضامن قیدگردد» (مادّهٔ ۱۴۱ ق.ت.).

شرکت مختلط غیرسهامی دو نوع شریک دارد: شریک ضامن که شبیه شریک ضامن در شرکت تضامنی است و غیرضامن که وجود شریک اخیرالذکر شریک مختلط غیرسهامی را از شرکت تضامنی متمایز می‌سازد.

ب ـ وضعیت حقوقی شرکاء

شریک ضامن که مقداری از سرمایه شرکت را پرداخت می‌نماید، مسئول کلیه بدهیهایی است که شرکت ممکن است علاوه بر دارایی خود پیدا نماید. یعنی اگر سرمایه شرکت تکافوی طلب طلبکاران را ننمود، طلبکاران می‌توانند به اموال و دارایی فردفرد شرکاء ضامن و یا به کلیه آنان به نحو تضامن مراجعه نموده و آن قسمت از طلب خود را که از دارائی شرکت دریافت ننموده‌اند، وصول نمایند؛ در صورتی که شرکاء با مسئولیّت محدود فقط در حدود آورده خود به شرکت در مقابل طلبکاران جوابگو خواهند بود و به

هیچ‌وجه طلبکار حق مراجعه به اموال و دارائی شخصی شرکاء اخیرالذکر را ندارد.

در شرکت مختلط غیرسهامی روابط بین شرکاء تابع شرکتنامه خواهد بود.

نام شریک غیرضامن نباید به دنبال اسم شرکت آورده شود و اگر برخلاف این مورد عمل شود، شریک مذکور ضامن تلقی خواهد شد.

بخش دوم

تشکیل شرکت مختلط غیرسهامی

شرکت مختلط غیرسهامی که از نظر طبقه‌بندی جزء شرکت‌های شخص محسوب می‌شود با تنظیم شرکتنامه و اساسنامه و امضای شرکاء تشکیل و به ثبت می‌رسد. روابط شرکاء تابع شرکتنامه خواهد بود. تنظیم اساسنامه نیز در شرکت متداول و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در تنظیم شرکتنامه و اساسنامه باید مفاد مادّهٔ ۱۶۱ ق.ت. ناظر به مواد ۱۳۶ تا ۱۴۰ همان قانون مورد توجه قرار گیرد.

بعد از ثبت شرکت مختلط غیرسهامی، خلاصه‌ای از شرکتنامه در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج می‌گردد.

بخش سوم

ارگان اداره کننده شرکت مختلط غیرسهامی

ادارهٔ امور شرکت مختلط غیرسهامی به عهدهٔ شریک یا شرکاء ضامن بوده و قلمرو اختیارات آنان از مقررات شرکت تضامنی تبعیت می‌نماید. به این ترتیب شریک ضامن مسئول تأدیه قروضی است که شرکت مختلط غیرسهامی بر اثر فعالیت خود به دیگران پیدا می‌نماید. بدیهی است که طلبکار پس از انحلال شرکت در بدو امر به دارایی شخص حقوقی مراجعه کرده و در صورت عدم تکافوی دارایی شرکت می‌تواند به‌طور نامحدود و تضامنی به دارائی شخصی شرکای ضامن مراجعه نماید (مستفاد از مواد ۱۴۱، ۱۶۴، ۱۵۱ و ۱۵۷ ق.ت.).

شریک با مسئولیّت محدود حق اداره‌کردن شرکت را ندارد و در صورت انجام معاملاتی برای شرکت در مورد تعهدات ناشی از آن معاملات در مقابل طرف معامله، ضامن خواهد بود؛ مگر اینکه تصریح نماید که معامله را به وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد.

در صورت زیاد بودن شرکاء، کلیهٔ آنان حق مداخله در امور شرکت را خواهند داشت. به نظر می‌رسد که اساسنامه شرکت می‌تواند اداره امور شرکت را به یک یا چند مدیر منتخب واگذار نموده و نحوه مدیریت مدیر یا مدیران را تعیین کرده و قلمرو و حدود اختیارات آنان را ترسیم نماید.

برابر مادّهٔ ۱۴۴ ناظر به مادّهٔ ۱۲۳ ق.ت. هیچ یک از شرکای ضامن نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند؛ مگر به رضایت تمام شرکاء. و نیز به موجب مادّهٔ ۱۴۸ ق.ت. شریک با مسئولیّت محدود حق ندارد بدون رضایت سایر شرکاء تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود را به‌شخص ثالثی انتقال داده و او را در شرکت مختلط داخل نماید. در چنین صورتی شخص ثالث مزبور حق دخالت در اداره شرکت و حق بازرسی در امور

شرکت را نخواهد داشت.

ضمناً در اساسنامهٔ شرکت مختلط غیرسهامی می‌توان بازرس یا بازرسانی را برای کنترل و مراقبت شرکت پیش‌بینی نمود.

بخش چهارم

ارگان تصمیم‌گیرنده

در قانون تجارت ایران تشکیل مجامع عمومی عادی یا فوق‌العاده برای شرکت مختلط غیرسهامی پیش‌بینی نشده است، ولی این مانع از آن نیست که شرکای به هنگام تأسیس شرکت مجامع مزبور را در اساسنامه پیش‌بینی نمایند.

شریک یا شرکاء با مسئولیّت محدود نمی‌توانند از سود شرکت استفاده نمایند، مگر در صورتی که تقسیم سود بین آنان موجبات تقلیل سرمایه را فراهم ننماید. از طرف دیگر چنانچه در اثر زیان‌های وارده سهم‌الشرکه شریک با مسئولیّت محدود نقصان پیدا نماید تا جبران کسری مذکور هیچ‌گونه سودی را نمی‌توان به وی تخصیص داد و در صورتی که وجهی برخلاف موارد فوق تأدیه گردد، شریک با مسئولیّت محدود تا معادل وجه دریافتی در مقابل تعهدات شرکت جوابگو خواهد بود، مگر اینکه ثابت نماید با حسن‌نیت و با استناد به ترازنامه مرتب وجه مزبور را دریافت نموده است (مستفاد از مادّهٔ ۱۵۴ ق.ت.).

بخش پنجم

انحلال و تصفیه

شرکت مختلط غیرسهامی در موارد ذیل منحل می‌گردد (مادّه ۱۶۱ ناظر بر مادّه ۱۳۶ ق.ت.):

۱ـ در موارد فقرات ۱ و ۲ و ۳ مادّه ۹۳ ق.ت. (منسوخه).

۲ـ در صورت تراضی تمام شرکاء.

۳ـ در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا نموده و دادگاه با احراز موجه بودن دلایل مزبور حکم به انحلال شرکت بدهد.

۴ـ در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق با مادّه ۱۳۷ ق.ت.

۵ـ در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق مادّه ۱۳۸ ق.ت.

۶ـ در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق.ت.

مطابق قسمت دوم مادّه ۱۶۱ ق.ت. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکای با مسئولیّت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.

امر تصفیه به‌عهده مدیر یا مدیران شرکت می‌باشد، مگر آنکه شرکای ضامن اشخاص دیگری راaز خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. در صورت اختلاف‌نظر بین شرکای ضامن، دادگاه اشخاصی را برای تصفیه تعیین می‌نماید و شرکای غیرضامن نیز حق دارند که یک یا چندنفر را جهت نظارت در امر تصفیه معین نمایند. وظیفهٔ مدیران تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است.

اگر شرکت مختلط غیرسهامی منحل شده و شریک بامسئولیّت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته باشد، طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه از بابت سهم‌الشرکه باقی مانده است، مستقیماً علیه

شریک با مسئولیّت محدود اقامه دعوی نمایند و اگر شرکت ورشکسته شده باشد، حق مزبور با مدیر تصفیه می‌باشد. در صورت ورشکستگی شرکت مختلط غیرسهامی، دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخص شرکاء در آن حقی ندارند. سهم‌الشرکه شرکای با مسئولیّت محدود نیز جزء دارایی شرکت محسوب می‌گردد. در صورت عدم تکافوی دارایی شرکت برای تأدیهٔ قروض، طلبکاران بقیهٔ طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکای ضامن وصول می‌نمایند و در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود. و درصورت ورشکستگی یکی از شرکای شرکت و یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی‌الحقوق خواهند بود (مستفاد از مواد ۱۵۶ ،۱۵۷، ۱۵۸ ق.ت.).

دفاتر هر شرکتی که منحل شود، با نظر مدیر ثبت اسناد، در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا دو سال محفوظ می‌ماند و نیز هر شرکتی مجاز است که جهت تصفیه ترتیب دیگری را در اساسنامه خود مقرر دارد (مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.ت.).

فصل دهم

شرکت مختلط سهامی

بخش اوّل: تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت

الف ـ تعریف

«شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چندنفر شریک ضامن تشکیل می‌شود» (مادّهٔ ۱۶۲ ق.ت.).

با توجه به مادّه فوق شرکت مختلط سهامی نیز مانند شرکت مختلط غیرسهامی دارای دونوع شریک می‌باشد؛ یک یا چندنفر شریک ضامن که میزان مسئولیّت آنها در قبال قروض شرکت تضامنی است و یک عده شرکای غیرضامن که در حکم سهامدار شرکت‌های سهامی بوده و حدود و مسئولیّت آنان تا میزان آورده‌شان می‌باشد و آنان تحت عنوان شرکای سهامی یا شرکای غیرضامن نامیده می‌شوند.

در شرکت مختلط سهامی وجود یک شریک ضامن برای تشکیل شرکت کافی بوده ولی شریک سهامی حتماً باید بیش از یک‌نفر باشد.

شرکت مختلط سهامی برای امور تجارتی تشکیل می‌گردد. در شرکت مختلط سهامی سهم‌الشرکه شرکای غیرضامن به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده و مانند شرکت‌های سهامی قابل نقل و انتقال می‌باشد. مطابق مادّهٔ ۱۶۳ ق.ت. در اسم شرکت باید عبارت «شرکت مختلط» و لااقل اسم یکی از «شرکای ضامن» قید شود.

ب ـ وضعیت حقوقی شرکای شرکت

در شرکت مختلط سهامی، شرکای سهامی که سرمایه آنها به صورت سهام باارزش مساوی در آمده و مسئولیّت آنان در مقابل بدهی شرکت تا میزان همان سرمایه‌ای است که در شرکت سرمایه‌گذاری نموده‌اند، حق دخالت در امور شرکت را ندارند و فقط حق نظارت بر آن را دارند و مکلفند آورده خود را کاملاً پذیره‌نویسی کرده و لااقل ثلث آن را به صورت نقد در موقع تأسیس شرکت تأدیه نمایند.

شرکت یا شرکای ضامن در شرکت مختلط سهامی که سرمایه آنها به صورت سهام

در نیامده و مسئول کلیه قروض شرکت علاوه بر دارایی موجود شرکت می‌باشند، در صورت تعدد شریک ضامن، مسئولیّت آنان در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت خواهد بود. شرکای مزبور، مدیریت شرکت را به عهده دارند و سرمایه را در این شرکت فقط شرکای سهامی تأمین می‌کنند و شریک ضامن ملزم به سرمایه‌گذاری نبوده و فقط با انجام کار و فعالیت صنعتی خود، اداره امور شرکت را عهده‌دار می‌گردد و در مقابل، قسمتی از منافع شرکت را که معمولاً به نسبت یک دوم، یک سوم و یا یک چهارم خواهد بود، در پایان سال مالی دریافت می‌نمایند.

بخش دوم: تشکیل شرکت مختلط سهامی

شرکت مذکور با تنظیم شرکتنامه و اساسنامه و موافقت شریک یا شرکای ضامن تشکیل می‌گردد. برای تشکیل شرکت مختلط سهامی شرایط ذیل الزامی است:

۱ـ تعهد پرداخت تمام سرمایه و تأدیه نقدی حداقل یک‌سوم آن توسط شرکاء.

۲ـ تقویم سهم‌الشرکه غیرنقدی برطبق مادّه ۴۱ قانون شرکت سهامی منسوخه و تسلیم آن.

۳ـ تقسیم سهم‌الشرکه یا سهام شرکاء به یکصد ریالی، چنانچه سرمایه بیشتر از دویست هزار ریال باشد و در صورتی که سرمایه کمتر از مبلغ اخیرالذکر باشد، حداقل هر سهم‌الشرکه یا سهام نباید کمتر از ۵۰ ریال باشد.

۴ـ تهیه نوشته‌ای از طرف هیأت‌مدیره که به موجب آن سرمایه متعهد و تأدیهٔ ثلث آن اعلام شده و همچنین اسامی شرکاء و میزان سرمایه پرداخت شده در آن قید گردد.

بخش سوم: ارگان اداره کننده شرکت مختلط سهامی

با وجود اینکه شرکت مختلط سهامی دارای دو نوع شریک می‌باشد، ولی مدیریت شرکت مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است.

اگر شریک ضامن یک نفر باشد به تنهایی مدیریت شرکت را تقبل می‌نماید و در صورت تعدد اساسنامه پیش‌بینی می‌نماید که به‌طور جمعی باید مدیریت نمایند یا اینکه یک یا چند نفر از میان آنان اداره امور شرکت را به‌عهده می‌گیرند.

نام مدیر شرکت باید در اساسنامه قید گردد و چون جهت تغییر اساسنامه موافقت شریک نیز لازم است در نتیجه مدیر شرکت مختلط سهامی غیرقابل عزل می‌باشد.

اختیارات، حقوق، وظایف و میزان مسئولیّت مدیران در این نوع شرکت همانند مقررات شرکت‌های تضامنی است، زیرا مدیران شرکت، شرکای ضامن می‌باشند.

فوت یا محجوریت مدیر شرکت امکان انحلال شرکت را فراهم ساخته و استعفای مدیر با موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام خواهد بود.

بخش چهارم: ارگان کنترل کننده شرکت

کنترل شرکت‌های مختلط سهامی از طریق هیئتی مرکب از حداقل سه‌نفر بوده که از میان شرکاء با تصویب مجمع عمومی انتخاب می‌گردند. شریک ضامن نیز می‌تواند از اعضای ارگان کنترل‌کننده باشد. شرکای سهامی در شرکت‌های مختلط سهامی حق نظارت فردی بر امور شرکت را ندارند و این حق را توسط نمایندگان خود در هیأت نظار اعمال می‌نمایند، لیکن تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می‌تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده و از صورت بیلان و صورت دارایی و گزارش هیأت نظار اطلاع حاصل نماید.

مدت ماموریت اولین هیأت نظار یک سال است و تجدید انتخاب آنان به موجب شرایط مقرر در اساسنامه به عمل می‌آید و می‌توان مدت مأموریت آنان را به‌طور نامحدود تعیین نمود.

وظیفه اولین هیأت نظار این است که بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق نمایند که شرایط لازم جهت تشکیل شرکت رعایت شده یا خیر؟ وظایف دیگراین هیأت عبارت است از:

- اعضای هیأت نظار، دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده، همه ساله گزارشی به مجمع عمومی می‌دهند و هر گاه در تنظیم صورت دارایی بی‌ترتیبی مشاهده نمایند، در گزارش مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می‌کنند.
- هیأت نظار می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نموده و با تحصیل موافقت مجمع مزبور، شرکت را منحل کند.

بخش پنجم: ارگان تصمیم‌گیرنده شرکت

شرکت مختلط سهامی نخست دارای مجمع عمومی مؤسس می‌باشد که صاحبان سهام شرکت آن را تشکیل می‌دهند. از وظایف این مجمع تقویم سهم‌الشرکه غیرنقدی و تصویب اظهارنامه جهت تقدیم به اداره ثبت شرکت‌ها می‌باشد.

مجمع عمومی عادی شرکت سالی یک مرتبه تشکیل می‌گردد و به نظر می‌رسد که جهت تشکیل آن از مقررات شرکت‌های سهامی و یا از شرایط اساسنامه پیروی می‌شود.

هر زمانی که تغییری در اساسنامه و یا انحلال شرکت مطرح شود مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل می‌گردد. هیأت نظار می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده جهت تصمیم‌گیری نسبت به انحلال شرکت در صورتی که این حق به مجمع مذکور در اساسنامه داده شده باشد دعوت نماید.

در صورتی که حق انحلال و یا تغییرات اساسنامه به مجمع عمومی داده شده باشد، از آنجایی که شرکت مختلط سهامی دارای شرکای ضامن نیز باشد و با توجه به مقررات شرکت‌های تضامنی رعایت تمام آنها شرط است، در ابتدا باید مجمع عمومی با توجه به مقررات شرکت‌های سهامی نسبت به‌موضوع رأی داده و شرکای ضامن نیز به‌آن رضایت‌بدهند.

بخش ششم: بطلان شرکت مختلط سهامی

به موجب مادّهٔ (۱۷۷ ق.ت.) «هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند». این مواد در مورد شرکت‌های سهامی منسوخه می‌باشد:

- در صورتی که سرمایه شرکت سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند، سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه‌ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست‌هزار ریال باشد سهام یا قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود (مادّه ۲۸).
- مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده، سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی‌اسم) نمی‌توان صادر کرد. هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده شده باشد، باطل و صادرکنندگان متضامناً مسئول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق وارد شده است (مادّه ۲۹).
- چیزی که در ازاء سهام غیرنقدی تعهد شود تماماً باید تحویل شود (مادّه ۳۹).
- برای اینکه تعهد و تأدیه وجه سرمایه از طرف شرکاء ثابت شود، باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می‌سپارد و به ثبت می‌رسد، اعلام نماید و باید اسامی شرکاء را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسختین شرکتنامه به نوشتهٔ مزبور منضم نماید (مادّه ۵۰).

هر شرکت سهامی که برخلاف موارد فوق‌الذکر تشکیل شود، باطل است؛ لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. اگر حکم به بطلان شرکت به استناد مادّهٔ ۱۷۸ صادر شود، شرکایی که بطلان مستند به عمل آنهاست و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

بخش هفتم: انحلال و تصفیه

به موجب مادّهٔ ۱۸۱ ق.ت. مجمع عمومی به‌خودی خود نمی‌تواند تصمیم به انحلال شرکت بگیرد، بلکه موقعی این حق را خواهد داشت که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. برطبق مادّهٔ فوق شرکت مختلط سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود:

- در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ مادّهٔ ۹۳.
- برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.
- برحسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن.
- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن، مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشند.

هرگاه در اساسنامه حق تصمیم به انحلال برای مجمع معین نشده و بین مجمع و شرکای ضامن توافقی حاصل نشود، محکمه با موجه دیدن دلایل طرفداران انحلال، حکم به انحلال خواهد داد (مستفاد از مادّهٔ ۱۸۲ ق.ت.). تا زمانی که شرکت منحل نگردیده، مطالبهٔ قروض از خودِ شرکت به‌عمل می‌آید ولی پس از انحلال طلبکاران می‌توانند به‌هر یک از شرکای ضامن یابه تمام آنها مراجعه نمایند، به هر حال هیچ شریکی نمی‌تواند با استناد به اینکه میزان سهم‌الشرکه او از میزان قروض شرکت کمتر است از تأدیهٔ قروض خودداری نماید؛ فقط در روابط بین شرکاء مسئولیّت در پرداخت به میزان سرمایه آنها خواهد بود (مستفاد از مادّهٔ ۱۷۲ ناظر بر مادّه ۱۲۴ ق.ت.). شرکت در موارد ورشکستگی نیز منحل می‌گردد ولی ورشکستگی هیچیک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد، مگر در مورد مادّه ۱۳۸.

امر تصفیه شرکت‌های مختلط سهامی همانند شرکت‌های مختلط غیرسهامی از مقررات مواد ۲۰۲ به بعد قانون تجارت پیروی می‌نماید.

اگر انحلال ناشی از ورشکستگی باشد تصفیه تابع مقررات مربوط به ورشکستگی خواهد بود. اگر شرکت به غیر از موارد ورشکستگی منحل شود، طلبکاران حق مراجعه

به شرکای سهامی راکه بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت می‌باشند، دارند و تا میزان بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه خواهند نمود، لیکن قبل از انحلال طلبکاران حق مراجعه به‌شرکای سهامی را جهت وصول طلب خود ندارند.

فصل یازدهم

شرکت‌های تعاونی

بخش اوّل: سابقه تاریخی و سیر قانونی

قانون تجارت مصوب سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ موضوع شرکت تعاونی را پیش‌بینی نمود و قانون مصوب سال ۱۳۱۱ در مبحث هفتم از مادهٔ ۱۹۰ تا ۱۹۴ به‌شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف پرداخته است.

قوانین و مقررات شرکت‌های تعاونی از سال ۱۳۰۳ تا سال ۱۳۵۰ سیر تکاملی خود را طی نمود، تا اینکه در ۱۶ خرداد ماه سال ۱۳۵۰ قانون شرکت‌های تعاونی تصویب و با اصلاحاتی در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ و ۱۴۹ ماده بر شبکه‌های تعاونی کشور حاکم گردید. در سال ۱۳۵۶ وظایف وزارت تعاون به‌وزارت بازرگانی محول شد و متعاقباً وظایف امور روستاها با نظارت وزارت کشاورزی اداره گردیده و بخش عشایری امور روستاها از وزارت کشاورزی به‌وزارت جهاد سازندگی واگذار شده و تحت نظارت سازمان امور عشایری کشور به‌وظایف قانونی خود عمل می‌نماید.

در سال ۱۳۶۵ طرح قانونی بخش تعاونی، اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۴۴ قانون اساسی بدان اشاره شده است تهیه و به‌مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید، طرح مذکور پس از تصویب تحت عنوان «قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» مشتمل بر ۷۱ ماده و ۵۰ تبصره شامل شرکت‌های تعاونی، اتحادیه تعاون، اتاق تعاون، وزارت تعاون در تاریخ ۱۳۷۰/۶/۲۴ به‌تأیید شورای نگهبان رسیده و مطابق مادهٔ ۷۱ قانون مذکور کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی گردیده است.[1] به‌موجب مادهٔ ۶۵ قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران وزارت تعاون به‌منظور اعمال نظارت دولت در اجرای قوانین و مقررات مربوط به‌بخش تعاونی و حمایت و پشتیبانی از این بخش تشکیل گردیده که وظایف و اختیارات آن طی ۲۹ بند در مادهٔ ۶۶ قانون فوق پیش‌بینی شده است.

---

۱ ـ به‌نظر می‌رسد موادی که در شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات بعدی در قانون جدید به‌سکوت برگزار شده و مغایرتی هم با آن ندارد به‌قوت خود باقی است، از جمله تعاریف و مجازات‌ها (کتاب قوانین تجارت، تدوین نویسنده این سطور صفحه ۲۲۹ تا ۲۶۸).

به‌موجب مادهٔ واحده مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۴ سازمان مرکزی تعاون روستایی وابسته به‌وزارت کشاورزی (با دارا بودن کلیه وظایف و اختیارات مندرج در مقررات مربوط به‌سازمان) از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مستثنی و کماکان تابع وزارت کشاورزی می‌باشد.

مطابق قانون انتقال کلیهٔ وظایف مربوط به‌تأسیس، اداره و نظارت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستائی، به‌وزارت جهاد سازندگی از مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ کلیه امور مربوط به‌تأسیس، اداره، سیاست‌گذاری، انجام مراحل ثبت، هدایت و نظارت بر فعالیت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به‌وزارت جهادسازندگی، محول گردیده است، تا وزارت مذکور با امکانات موجود خود نسبت به‌انجام آن وظایف اقدام نماید و ضمناً کلیهٔ تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف که تاکنون تأسیس شده‌اند نیز مشمول قانون مذکور می‌باشند.[۱]

---

۱ ـ مجموعه قوانین سال ۱۳۷۳ صفحهٔ ۹۸۳ روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۴۵۷۱ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۸.

بخش دوم: تعاریف و تشکیل و ثبت شرکت‌های تعاونی

به‌موجب قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (منبعد با علامت اختصاری ق.ت.ج ا) بخش تعاونی ایجاد و امورات بخش مذکور در مادهٔ ۱ همان قانون به‌شرح زیر پیش‌بینی گردیده است:

- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به‌اشتغال کامل.
- قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به‌کارند ولی وسایل کار ندارند.
- پیش‌گیری از تمرکز و تداوّل ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.
- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت.
- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود.
- پیش‌گیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به‌غیر.
- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم.

تبصره ـ اهداف مذکور این ماده باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد، عملی شود.

به‌موجب مادهٔ ۲ (ق.ت.ج.ا) شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به‌ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند.

الف ـ تعریف شرکت‌های تعاونی

به‌موجب مادهٔ ۱۷ (ق.ت.ج.ا) «شرکت‌های تعاونی شرکت‌هایی است که تمام یا حداقل ۵۱٪ سرمایه به‌وسیله اعضاء در اختیار شرکت تعاونی قرار گیرد و وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و وابسته به‌دولت و تحت پوشش دولت، بانک‌ها، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می‌توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع

دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به‌شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی، صلح، اقدام به‌کمک در تأمین یا افزایش سرمایه شرکت‌های تعاونی نمایند بدون آن‌که عضو باشند.

تبصره ـ در مواردی که دستگاه‌های دولتی در تأسیس شرکت‌های تعاونی شریک می‌شوند ظرف مدتی که با موافقت طرفین در ضمن عقد شرکت تعیین خواهد شد سهم سرمایه‌گذاری دولت به‌تدریج بازپرداخت و صد درصد سرمایه به‌تعاونی تعلق خواهد گرفت».

چنانکه مطابق مادهٔ ۲۶ همان قانون «تعاونی‌های تولید شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به‌کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صیدماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستائی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نمایند».

و به‌موجب مادهٔ ۲۷ «تعاونی‌های توزیع عبارتند از تعاونی‌هایی که نیاز مشاغل تولیدی و یا مصرف‌کنندگان عضو خود را در چهار چوب مصالح عمومی و به‌منظور کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها تأمین می‌نمایند».

تعاونی‌های موضوع این قانون با رعایت قوانین و مقررات می‌توانند به‌امر صادرات و واردات در موضوع فعالیت خود بپردازند (تبصره مادهٔ ۲۸).

ب ـ تشکیل و ثبت شرکت‌های تعاونی

تأسیس شرکت‌های تعاونی براساس اقدام مجمع مؤسس که عبارت از عده‌ای افراد واجد شرایط عضویت می‌باشد صورت می‌گیرد، تعداد اعضای مجمع عمومی مؤسس هفت نفر بوده که سه نفر را از بین خود به‌عنوان هیأت مؤسس انتخاب می‌نمایند و متعاقباً هیأت اخیر یک نفر نماینده تام‌الاختیار خود را به‌اداره کل تعاون معرفی می‌نماید. هیأت مؤسس اساسنامه شرکت را طبق قانون و مقررات و تطبیق آن با اساسنامه‌های مقبول وزارت تعاون تنظیم نموده و کلیات طرح پیشنهادی مشتمل بر توجیه ضرورت تشکیل تعاونی، اعلام تعداد و مشخصات داوطلبان اولیه عضویت و مهارت‌ها و تخصص‌های آنان در تعاونی‌های تولیدی، چگونگی تهیه سرمایه و میزان سهم هر عضو جهت تأمین سرمایه شرکت، اعلام نام بانک یا مؤسسهٔ اعتباری، توضیح میزان و چگونگی سرمایه‌گذاری و مشارکت وزارت‌خانه، سازمان و یا شرکت دولتی، وابسته یا تحت پوشش دولت، بانک، نهاد انقلاب اسلامی و یا تعاونی دیگر را تهیه می‌نماید و با تقدیم تقاضانامه کتبی تأسیس شرکت، اولین مجمع عمومی را جهت تصویب و ثبت اساسنامه و تعیین هیأت مدیره و سایر وظایف مجمع عمومی پس از کسب موافقت وزارت یا اداره کل تعاون دعوت کرده و تشکیل می‌دهد (مستفاد از مادهٔ ۳۱ و ۳۲ و بخش الف

دستورالعمل تشکیل شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی).[۱] لازم به‌تذکر است که اداره تعاون متعاقب وصول مدارک فوق آن را مورد بررسی و اظهار نظر قرار داده و موافقت اولیه خود را اعلام می‌نماید. در اولین جلسه رسمی مجمع عمومی عادی که با شرکت متقاضیان همراه با رسید لازم اتحادیه سهام مقرر تشکیل می‌شود، اساسنامه پیشنهادی پس از بحث و بررسی با موافقت حداقل دو سوم اعضاء تصویب شده و اعضایی که با مصوبه‌آن مجمع در مورد اساسنامه موافقت نداشته باشند می‌توانند در همان جلسه تقاضای عضویت خود را پس بگیرند (مستفاد از تبصره ۲ و ۳ مادهٔ ۳۲).

حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی‌ها به‌نسبت سرمایه و فرصت اشتغال ونوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز و تداوّل ثروت به‌موجب آیین‌نامه مصوبه‌وزارت تعاون تعیین می‌گردد، ولی در هر حال تعداد اعضاء از ۷ نفر کمتر نخواهد بود (مادهٔ ۶).

در همان جلسه اوّل مجمع عمومی عادی اعضاء هیأت مدیره انتخاب می‌گردند و با تشکیل اولین جلسه هیأت مدیره، اسامی و مشخصات کامل اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و بازرسان شرکت تهیه و جهت بررسی تقدیم اداره کل تعاون می‌گردد. اولین هیأت مدیره منتخب شرکت تعاونی مکلف است پس از اعلام قبولی با انجام تشریفات مقرر نسبت به‌ثبت تعاونی اقدام نماید. جهت ثبت شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی پس از طرح و تصویب آن ارائه مدارک زیر در چهار نسخه به‌اداره ثبت شرکت‌ها الزامی است (مستفاد از مادهٔ ۵۱):

ـ صورت جلسه تشکیل مجمع مؤسس و اولین مجمع عمومی عادی و اسامی اعضاء و هیأت مدیره منتخب و بازرسان و مدیرعامل شرکت.

ـ اساسنامه مصوب مجمع عمومی ـ درخواست کتبی ثبت ـ طرح پیشنهادی و ارائه مجوز وزارت تعاون ـ رسید پرداخت مقدار لازم‌التأدیه سرمایه ـ مدارک دعوت تشکیل اولین جلسه مجمع عمومی عادی (موضوع بند ۲ مادهٔ ۳۲) ـ موافقت‌نامه تشکیل شرکت یا اتحادیه (تبصره مادهٔ ۵۱) ـ مجوز ثبت شرکت یا اتحادیه (بند ۲۸ مادهٔ ۶۶ و بند ۴ مادهٔ ۵۱).

لازم به‌تذکر است که به‌موجب مقررات وزارت تعاون سرمایه تأمین یا تعهد شده از طرف اعضاء در مرحلهٔ تأسیس شرکت نباید کمتر از ۵۱ درصد کل سرمایه شرکت باشد و هر تعاونی وقتی ثبت و تشکیل می‌گردد که حداقل یک سوم سرمایه آن تأدیه و در صورتی که به‌صورت نقدی و جنسی باشد تقدیم و تسلیم شده باشد. اعضاء تعاونی نیز مکلفند مبلغ پرداخت نشده سهم خود را ظرف مدت مقرر در اساسنامه تأدیه نمایند(ماده ۲۱).

اداره ثبت شرکت‌ها موظف است که پس از دریافت اسناد و مدارک لازم نسبت

---

۱ ـ دستورالعمل تشکیل شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، انتشارات حوزه معاونت آموزشی و تحقیقات وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۱ ص ۱ و بعد.

به‌ثبت تعاونی‌ها و آگهی در روزنامه رسمی اقدام نماید (مادهٔ۵۲).

عضو در شرکت‌های تعاونی شخصی است حقیقی که واجد شرایط مندرج در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بوده و ملتزم به‌اهداف بخش تعاونی و اساسنامه قانونی آن تعاونی باشد. در تعاونی‌های تولید عضو باید در تعاونی به‌کار اشتغال داشته باشد (مادهٔ ۸ ق.ت.ج.ا). شرایط عضویت در تعاونی‌ها در مادهٔ ۹ (ق.ت.ج.ا) به‌شرح زیر احصاء شده است:

ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران ـ عدم ممنوعیت قانونی و حجر و ورشکستگی به‌تقصیر ـ عدم سابقه ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ـ درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی ـ عدم عضویت در تعاونی مشابه.

خروج عضو از تعاونی اختیاری بوده و نمی‌توان آن را منع کرد لیکن در صورتی که خروج نامبرده موجب ضرری برای تعاونی باشد، ملزم به‌جبران آن خواهد بود (مستفاد از تبصره ۱ و ۲ مادهٔ۱۲).

اعضاء تعاونی در صورت پیشنهاد هر یک از مدیران و تصویب مجمع عمومی در موارد زیر اخراج می‌گردند:

ـ از دست دادن هر یک از شرایط عضویت مقرر در این قانون.

ـ عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از هر اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به‌فاصله ۱۵ روز و گذشتن ۱۵ روز از تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی فوق‌العادة.

ـ ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به‌حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم بنماید (مستفاد از مادهٔ ۱۳).

در صورت فوت عضو، ورثهٔ او با وجود شرایط لازم عضو تعاونی محسوب می‌شوند و در صورت تعدد بایستی مابه‌التفاوت افزایش سهم ناشی از تعدد خود را بپردازند در غیر این صورت و یا اعلام عدم تمایل، عضویت آنهالغو می‌گردد، در صورت لغو عضویت به‌سبب فوت، استعفاء، انحلال، اخراج، به‌موجب اساسنامه و قرارداد منعقده سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو به‌قیمت روز تقویم و به‌دیون تعاونی تبدیل می‌شود که پس از کسر دیون وی به‌تعاونی، به‌او یا ورثه‌اش پرداخت می‌شود، در صورت تقاضای ورثه مبتنی بر پرداخت سهم عضو متوفی از عین اموال تعاونی و عدم امکان تراضی یا مصالحه، چنانچه عین قابل واگذاری بوده و موجب اخلال و ضرر فاحش به‌اعضاء تعاونی نگردد آن قسمت از مطالبات تسلیم ورثه می‌گردد (مستفاد از مواد ۱۴ و ۱۵ ق.ت.ج.ا).

سهم اعضای تعاونی در تأمین سرمایه شرکت تعاونی برابر می‌باشد مگر آن‌که مجمع

تصویب نماید که اعضاء سهم بیشتری را تأدیه نمایند، در این صورت حداقل و حداکثر سهام باید در حدودی باشد که وزارت تعاون متناسب با نوع و تعداد اعضاء تعاونی‌ها تعیین می‌نماید. عضو یا اعضاء تعاونی می‌توانند سهم خود را به‌دیگر اعضاء و یا افراد جدید واجد شرایط با رعایت مقررات واگذار نمایند (مستفاد از مواد ۲۰ و ۲۲).

در خاتمه این قسمت متذکر می‌گرد که اتحادیه‌های تعاونی که با عضویت شرکت‌ها و تعاونی‌هایی که موضوع فعالیت آنها واحد می‌باشد تشکیل می‌گردد (حداقل هفت شرکت تعاونی داوطلب)، بعد از تشکّل ارکان مقرر در هر اتحادیه (مجمع عمومی، هیأت مدیره، هیأت بازرسی) همانند مراحل ثبت شرکت‌های تعاونی به‌ثبت می‌رسد (مستفاد از مواد ۴۳ و ۴۵).

پس از ثبت شرکت یا اتحادیه تعاونی، مراحل اخذ پروانه تأسیس طبق دستورالعمل وزارت تعاون به‌شرح زیر می‌باشد:

ـ درخواست کتبی شرکت یا اتحادیه تعاونی.

ـ ارائه مدارک ثبت شرکت یا اتحادیه تعاونی و آگهی تأسیس مندرج در روزنامه رسمی.

ـ تعیین شمارهٔ مخصوص (کد) از طرف وزارت تعاون یا ادارهٔ کل تعاون استان برای شرکت یا اتحادیه تعاونی ثبت شده.

ـ بالاخره صدور پروانه تأسیس برای متقاضی توسط وزارت تعاون یا ادارهٔ کل تعاون استان.

بخش سوم: ارگان اداره کننده

اداره امور تعاونی بر طبق اساسنامه به‌عهده هیأت مدیره منتخب مجمع عمومی می‌باشد، وظایف و اختیارات هیأت مدیره در مادهٔ ۳۷ (ق.ت.ج.ا) طی ۱۰ بند و یک تبصره احصاء شده است، خدمات اعضاء هیأت مدیره در ازاء عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های تعاونی بلاعوض است ولی هزینه اجرای مأموریت‌هایی که از طرف تعاونی در حدود بودجه مصوب مجمع عمومی به‌آنان ارجاع می‌شود قابل پرداخت می‌باشد و مجمع می‌تواند مبلغی از سود خالص را به‌عنوان پاداش به‌آنان بپردازد (تبصره ۴ مادهٔ ۳۶).

قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در خصوص مجازات‌های ارکان شرکت‌های تعاونی در صورت تخلف مراتب را به‌سکوت برگزار نموده است؛ لیکن قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۶ خرداد ماه ۱۳۵۰ فصل بیست و یکم را به‌این امر اختصاص داده و به‌نظر می‌رسد که بتوان از آن مواد در این زمینه استفاده نمود.

الف ـ نحوه انتخاب اعضاء هیأت مدیره

انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره بر عهدهٔ مجمع عمومی بوده که با اکثریت مطلق آراء به‌عمل می‌آید. در صورتی که در دوره اوّل رأی‌گیری تمام یا بعضی از داوطلبان حائز اکثریت مطلق نگردند بلافاصله از بین دارندگان بیشترین آراء به‌تعداد دو برابر مورد نیاز برای تکمیل هیأت مدیره و علی‌البدل با اکثریت نسبی رأی‌گیری به‌عمل می‌آید.

هیأت مدیره مرکب از حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضاء اصلی، اعضاء علی‌البدل می‌باشد، برای تعاونی‌های بزرگ در مقابل افزایش هر چهارصد نفر یک نفر به‌اعضاء اصلی و یک نفر به‌اعضاء علی‌البدل اضافه می‌گردد، به‌شرط آن‌که مازاد بر ۱۵ نفر نشود، اعضاء هیأت مدیره برای مدت ۲ سال با رأی مخفی انتخاب می‌شوند که اخذ رأی در یک نوبت به‌عمل می‌آید، حائزین اکثریت بعد از اعضاء اصلی به‌ترتیب اعضاء علی‌البدل شناخته می‌شوند و انتخاب مجدد هر یک از اعضاء اصلی و علی‌البدل بلامانع است (مستفاد از مادهٔ ۳۶ و تبصره آن)

هیأت مدیره و مدیرعامل علاوه بر داشتن شرایط عضویت باید واجد شرایط مندرج

در مادهٔ ۳۸[1] (ق.ت.ج.ا)نیز باشند.

در صورت استعفاء، فوت، ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیرموجه مکرر (به‌نحوی که در اساسنامه تعیین می‌شود) اعضاء هیأت مدیره، یکی از اعضاد علی‌البدل به‌ترتیب آراء بیشتر برای بقیه مدت مقرر به‌جانشینی وی در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌نماید (تبصره ۳ مادهٔ ۳۶).

ب ـ قلمرو اختیارات هیأت مدیره

هیأت مدیره در اولین جلسه از میان خود یک نفر را به‌عنوان رئیس و یک نفر را به‌عنوان نایب رئیس و یک یا دو نفر را به‌عنوان منشی انتخاب می‌نماید. همچنین هیأت مدیره مکلف است بلافاصله بعد از انتخاب شدن جهت مدیریت عملیات تعاونی و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیأت مدیره فرد واجد شرایطی از بین اعضاء و یا از خارج تعاونی برای مدت ۲ سال به‌عنوان مدیرعامل انتخاب نماید تا زیر نظر هیأت مدیره انجام وظیفه کند (مستفاد از تبصره ۲ مادهٔ ۳۶ و مادهٔ ۳۹). وظایف و اختیارات هیأت مدیره در مادهٔ ۳۷ (ق.ت.ج.ا) به‌شرح زیر آمده است:

ـ دعوت مجمع عمومی (عادی، فوق‌العاده).

ـ اجرای اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی و سایر مقررات مربوط.

ـ نصب و عزل و قبول استعفای مدیرعامل و نظارت بر عملیات وی و پیشنهاد میزان حقوق مدیرعامل به‌مجمع عمومی.

ـ قبول درخواست عضویت و اخذ تصمیم نسبت به‌انتقال سهم اعضاء به‌یکدیگر و دریافت استعفای هر یک از اعضاء هیأت مدیره.

ـ نظارت بر مخارج جاری و تعاونی و رسیدگی به‌حساب‌ها و ارائه به‌بازرس یا بازرسان و تسلیم به‌موقع گزارش مالی و ترازنامه تعاونی به‌مجمع عمومی.

ـ تهیه و تنظیم طرح‌ها و برنامه‌ها و بودجه و سایر پیشنهادات و ارائه آن به‌مجمع عمومی جهت اتخاذ تصمیم.

---

۱ ـ مادهٔ ۳۸ ق.ت.ج.ا مقرر می‌دارد:«هیأت مدیره و مدیرعامل و بازرسان علاوه بر داشتن شرایط عضو باید واجد شرایط زیر باشند: ۱ـ اطلاعات یا تجربه‌لازم برای انجام وظایف متناسب با آن تعاونی ۲ـ ایمان و تعهد و التزام عملی به‌اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تعهد عملی به‌دین خود ۳ـ عدم سوء سابقه مالی یا محکومیت در دادگاه‌های اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ۴ـ عدم عضویت درگروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم بر ضد امنیت و جعل اسناد ۵ـ عدم اشتهار به‌فساد اخلاقی و مالی.

تبصره ـ در مواردی که مدیرعامل از خارج انتخاب می‌شود داشتن شرایط بندهای ۴ و ۵ مادهٔ ۹ الزامی است».

- تعیین نماینده از بین اعضای تعاونی برای حضور در جلسات مجامع عمومی شرکت‌ها و اتحادیه‌هایی که تعاونی در آنها مشارکت دارند.
- تهیه و تنظیم دستورالعمل‌های داخلی تعاونی و تقدیم آن به‌مجمع عمومی برای تصویب.
- تعیین نماینده یا وکیل در دادگاه‌ها و مراجع قانونی و سایر سازمان‌ها با حق توکیل غیر.
- تعیین و معرفی صاحبان امضای مجاز (یک یا دو نفر از اعضاء هیأت مدیره به‌اتفاق مدیرعامل) برای قراردادها و اسناد تعهدآور تعاونی.

تبصره - «هیأت مدیره وظایف خود را به‌صورت جمعی انجام می‌دهد و هیچ‌یک از اعضای هیأت مدیره حق ندارد از اختیارات هیأت، منفرداً استفاده کند مگر در موارد خاص که وکالت یا نمایندگی کتبی از طرف هیأت مدیره داشته باشد. هیأت مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آراء به‌مدیرعامل تفویض نماید».

هیأت مدیره مکلف است که از حدود اختیارات خود خارج نشده و قوانین و مقررات مربوطه را رعایت نماید. ضمانت اجرای این امر در بند ۵ مادهٔ ۵۴[1] پیش‌بینی شده است.

---

۱ - مادهٔ ۵۴ ق.ش.ت: شرکت‌های تعاونی در موارد زیر منحل می‌شوند: بند ۵ - عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به‌وسیله وزارت تعاون بر طبق آئین‌نامه مربوط.

بخش چهارم: ارگان تصمیم‌گیرنده

مجامع عمومی بر اساس قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی است که از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار به‌صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل شده و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم تنها دارای یک رأی می‌باشد.

لازم به‌تذکر است که مجمع عمومی مؤسس نیز از جمله مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی است، لیکن مجمع عمومی مذکور که اقدام به‌تأسیس شرکت تعاونی می‌نماید پس از تهیه و پیشنهاد اساسنامه بر طبق مقررات و دعوت به‌عضویت افراد واجد شرایط و بالاخره تشکیل اولین جلسه رسمی مجمع عمومی عادی (در صورت موافقت وزارت تعاون یا اداره کل تعاون) و تعیین هیأت مدیره منحل گردیده وظایف هیأت مؤسس خاتمه می‌یابد (مستفاد از مواد ۳۰ و ۳۱).

الف ـ مجمع عمومی عادی

مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار پس از پایان سال مالی جهت انجام وظایف قانونی خود با دعوت هیأت مدیره تشکیل گردیده و وظایف مجمع مذکور به‌شرح زیر می‌باشد (مواد ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۷):

ـ انتخاب هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت ۲ سال.

ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر گزارش‌های مالی هیأت مدیره.

ـ تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات وام‌های درخواستی و سایر عملیات مالی به‌پیشنهاد هیأت مدیره.

ـ اتخاذ تصمیم نسبت به‌افزایش و یا کاهش سرمایه در حدود قوانین و مقررات.

ـ اخذ تصمیم نسبت به‌ذخایر و پرداخت سود و مازاد درآمد تقسیم آن طبق اساسنامه.

ـ تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی تعاونی.
ـ سایر وظایفی که قوانین و مقررات بر عهده مجمع عمومی قرار می‌دهد.

ب ـ مجمع عمومی فوق‌العاده

مجمع عمومی فوق‌العاده بنابه‌تقاضای کتبی حداقل یک سوم اعضای تعاونی و یا اکثریت مطلق اعضاء هیأت مدیره و یا بازرس یا بازرسان با حضور حداقل دو سوم اعضاء کل مجمع تشکیل می‌شود. در تعاونی‌های دارای بیش از پانصد نفر عضو در صورتی که بار اوّل با دو سوم اعضاء تشکیل نشود، بار دوم با نصف به‌علاوه یک رسمیت خواهد داشت.

در صورتی که هیأت مدیره ظرف مدت حداکثر یک ماه نسبت به‌تشکیل مجمع عمومی فوق العاده اقدام ننماید، وزارت تعاون نسبت به‌تشکیل مجمع عمومی اقدام می‌نماید (تبصره ۱ و ۲ مادهٔ ۳۵). وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به‌موجب مادهٔ ۳۵ به‌قرار زیر می‌باشد:
ـ تغییر در مواد اساسنامه (در حدود قانون) ـ تصمیم‌گیری نسبت به‌عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره ـ انحلال یا ادغام تعاونی.

در خاتمه این بخش متذکر می‌گردد که قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در خصوص چگونگی دعوت مجامع عمومی و سایرمقاماتی که علاوه بر هیأت مدیره بتوانند مجمع عمومی عادی را تشکیل دهند و نیز نصاب تشکیل مجمع عمومی عادی ونصاب اخذ تصمیم در مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده و امکان ارائه پیشنهادات اعضاء جهت تصمیم‌گیری در مجامع و عزل مدیران، موادی را احصاء ننموده است و به‌نظر می‌رسد که بتوان در چنین مواردی به‌قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ با اصلاحات بعدی مراجعه نمود.

بخش پنجم: ارگان کنترل کننده

از جمله ارگان شرکت‌های تعاونی جهت اداره امور بازرس می‌باشد (مادهٔ ۲۹). مجمع عمومی عادی برای مدت ۲ سال بازرس یا بازرسانی را انتخاب نموده که انتخاب مجدد آنان بلامانع می‌باشد. بازرس یا بازرسان علاوه بر شرایط عضویت باید دارای شرایط مندرج در مادهٔ ۳۸ نیز می‌باشند؛ حق الزحمه و پاداش بازرس یا بازرسان با تصویب مجمع عمومی تعیین می‌گردد (مادهٔ ۴۰). وظایف بازرس یا بازرسان تعاونی در

مادۀ ۴۱ (ق.ت.ج.ا) به‌شرح زیر پیش‌بینی گردیده است:

ـ نظارت مستمر بر انطباق نحوه اداره امور تعاونی و عملیات و معاملات انجام شده با اساسنامه و قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های مربوطه.

ـ رسیدگی به‌حساب‌ها، دفاتر، اسناد، صورت‌های مالی از قبیل ترازنامه و حساب‌های عملکرد سود و زیان، بودجه پیشنهادی و گزارشات هیأت مدیره به‌مجمع عمومی.

ـ رسیدگی به‌شکایت اعضاء و ارائه گزارش به‌مجمع عمومی و مراجع ذیربط.

ـ تذکر کتبی تخلفات موجود در نحوه اداره امور تعاونی به‌هیأت مدیره و مدیرعامل و تقاضای رفع نقص.

تبصره ـ «بازرس یا بازرسان حق دخالت مستقیم در اداره امور تعاونی را نداشته ولی می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند و نظرات خود را نسبت به‌مسایل جاری تعاونی اظهار دارند».

بازرسان موظفند در صورت مشاهده هر گونه تخلف در انجام امور محوله از جانب هیأت مدیره به‌آنان تذکر داده و اگر به‌تذکرات ترتیب اثر داده نشود موضوع را به‌مجمع عمومی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم لازم گزارش نمایند (مستفاد از مادۀ ۴۲). در صورت فوت یا ممنوعیت قانونی و یا استعفای بازرس یا بازرسان اصلی، هیأت مدیره مکلف است ظرف ده روز بازرس یا بازرسان علی‌البدل را به‌ترتیب اولویت آراء برای بقیه مدت دعوت نماید (تبصره ۱ مادۀ ۴۰).[1]

---

۱ ـ به‌مواد ۵۶ و ۵۹ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ نیز مراجعه شود.

بخش ششم: ادغام، انحلال و تصفیه

الف ـ ادغام

مجامع عمومی فوق‌العاده می‌توانند بر طبق آئین‌نامه اجرایی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، ادغام شرکت‌های تعاونی را با یکدیگر تصویب نمایند. صورت جلسات مجامع عمومی فوق‌العاده تعاونی‌هایی که با هم ادغام شده‌اند به‌همراه مدارک مربوطه حداکثر ظرف مدت دو هفته جهت ثبت به‌اداره ثبت شرکت‌ها تسلیم شده و خلاصه تصمیمات نیز به‌اطلاع کلیه اعضاء و بستانکاران می‌رسد (مستفاد از مادهٔ ۵۳).

ب ـ انحلال و تصفیه

شرکت‌های تعاونی با رأی مجمع عمومی فوق‌العاده یا وزارت تعاون در موارد مشروحه زیر منحل می‌گردند: تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده ـ کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضاء به‌نصاب مقرر نرسیده باشد ـ انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشند ـ توقف بیش از یک سال بدون عذر موجه ـ عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به‌وسیله وزارت تعاون بر طبق آیین‌نامه مربوط ـ ورشکستگی طبق قوانین مربوط.

بعد از آن که مجمع فوق‌العاده و یا وزارت تعاون نسبت به‌انحلال شرکت تعاونی اتخاذ تصمیم نمود، سه نفر را جهت امر تصفیه ظرف مدت یک ماه انتخاب و به‌اداره ثبت محل معرفی می‌نماید، تصفیه امور تعاونی بر طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد. نظر وزارت تعاون در خصوص بندهای ۴ و ۵ قابل شکایت و رسیدگی در دادگاه صالح می‌باشد (مستفاد از مادهٔ ۵۴ و تبصره ۱ و ۲ و ۳ آن و مادهٔ ۵۵).

هر تعاونی موظف است که تا قبل از انحلال به‌تعهداتی که در برابر اخذ سرمایه وامداران و امتیازات از منابع عمومی و دولتی و بانک‌ها و شهرداری سپرده است عمل

نماید و با انحلال تعاونی کلیه امتیازات و اموالی که از منابع عمومی دولتی و بانک‌ها در اختیار قرار گرفته است مسترد شده و مسؤولیت اعضاء تعاونی در این مورد تضامنی است (مستفاد از تبصره ۴ مادهٔ ۵۴ و مادهٔ ۵۶). پس از اعلام انحلال و ثبت آن در اداره ثبت محل، تصفیه شرکت یا اتحادیه تعاونی طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد (تبصره ۱ مادهٔ ۵۴).

فصل دوازدهم

مؤسسات غیر تجاری

ثبت شرکت‌های خارجی و داخلی

و شعب آنها

بخش اوّل: مؤسسات غیر تجاری

الف ـ تعریف و ثبت مؤسسات

تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مؤسساتی هستند که جهت مقاصد غیرتجاری مثل امور علمی، ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شوند و تشکیل‌دهندگان آنها ممکن است قصد انتفاع داشته و یا نداشته باشند.

تشکیلات مزبور از تاریخ ثبت، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند و می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن، بنگاه، کانون و امثال آن را اتخاذ نمایند.

مؤسسات غیرتجاری به دو قسمت تقسیم می‌شوند:

۱ـ مؤسساتی که هدفشان جلب منافع و تقسیم آن بین اعضاء خود نباشد.

۲ـ مؤسساتی که هدفشان جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضاء خود یا غیر باشد، مانند کانون‌های فنی و حقوقی و غیره.

حداقل شرکاء در مؤسسات فوق نباید کمتر از دونفر باشد و قید سرمایه به‌هر میزان مجاز است. مؤسسات غیرتجاری همانند مؤسسات تجاری باید در تهران در اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها در دایره ثبت شرکت‌های اداره ثبت مرکز اصلی مؤسسه به ثبت برسند و جهت ثبت آن کلیهٔ اقدامات تأسیس شرکت‌ها به همراه رعایت مواد آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری که در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسیده است، ضروری می‌باشد.

جهت‌ثبت‌تشکیلات غیرتجاری، تسلیم‌اظهارنامه (فرم‌چاپی تقاضانامه ثبت مؤسسه) به همراه ضمایم لازم در دو نسخه که دارای تاریخ و امضاء بوده، الزامی است، ضمایم آن شامل نسخهٔ اصلی یا رونوشت وکالتنامه (در صورت تقاضا توسط وکیل)، رونوشت گواهی شده تصدیق کشوری که مؤسسه در آنجا به ثبت رسیده به‌همراه ترجمه مصدق فارسی آن، دو نسخه اساسنامه و امضاء تمام صفحات آن توسط شرکاء، صورت مجلس مجمع عمومی مؤسس مبنی بر انتخاب هیأت مدیره و معرفی صاحبان امضاء (دو نسخه)رسیدپرداخت‌حق‌الثبت‌وفتوکپی‌شناسنامه‌شرکاء می‌باشد.

در صورت غیرانتفاعی بودن مؤسسه، اجازه نامه نیروی انتظامی محل جهت ثبت ضروری می‌باشد و در صورت انتفاعی بودن آن موضوع مؤسسه با مدارک تحصیلی و تخصص مؤسسین تطبیق داده شده، سپس دستور ثبت صادر می‌گردد.

اساسنامه مؤسسات غیرتجاری می‌تواند مانند اساسنامه شرکت با مسئولیّت محدود باشد و در آن مواردی مانند موضوع مؤسسه، ارگان اداره‌کننده (هیأت مدیره) و ارگان تصمیم‌گیرنده (مجامع عمومی) و اختیارات آنها، و غیره آورده شود.

مؤسسهٔ مزبور دارای مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده نیز می‌باشد که هر کدام دارای وظایفی هستند. هیأت مدیره مؤسسه می‌تواند در مجمع عمومی عادی از بین شرکاء یا خارج از آن انتخاب گردد و مدیران می‌توانند برای مدت محدود یا نامحدود معین شوند و دارای اختیارات تام نیز می‌باشند، مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد.

جلسات هیأت مدیره با حضور اکثریت اعضاء مؤسسه رسمیت پیدا نموده و تصمیمات هیأت مدیره با اکثریت آراء مناط اعتبار خواهد بود.

در صورتی که تقاضای ثبت مورد قبول واقع شود، مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه‌ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضاکننده داده می‌شود؛ علاوه بر آن خلاصه مراتب در روزنامهٔ رسمی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار با هزینهٔ متقاضی منتشر می‌گردد.

ب ـ انحلال و تصفیه

انحلال مؤسسات غیرتجاری می‌تواند اختیاری و با تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده و یا به موجب حکم دادگاه باشد. چنانچه انحلال اختیاری صورت گرفته باشد، تصفیه آن مطابق مقررات مندرج در اساسنامه توسط مدیر یا مدیران آن انجام می‌گیرد و در صورتی که متّصدی امر تصفیه و چگونگی انجام آن معین نشده باشد، مجمع عمومی فوق‌العاده به هنگام انحلال یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه با تعیین حدود اختیارات آن معرفی می‌نماید.

اگر انحلال به موجب حکم دادگاه باشد، امر تصفیه به عهده متّصدی تصفیه مقرر در اساسنامه خواهد بود و چنانچه متّصدی مشخص نشده باشد، دادگاه ضمن حکم انحلال، یک نفر را جهت تصفیه معین می‌نماید و مطابق قانون تجارت، امر تصفیه صورت خواهد گرفت.

بخش دوم: شرکت‌های خارجی و ثبت آن در ایران

الف ـ روش ثبت شرکت‌های خارجی

مطابق مادهٔ ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران منوط به قانونی بودن آنها در کشور اصلی خود و ثبت در اداره ثبت اسناد تهران است. بنابراین نخست اداره ثبت اسناد تهران با بررسی مدارک لازم از قبیل گواهی اداره ثبت محل و یا گواهی دفتر ثبت تجارتی، قانونی بودن شرکت را در کشور اصلی خود احراز می‌نماید (هرچند که در خصوص ملاحظه اسناد، قانون ثبت شرکت‌ها تصریحی ندارد).

جهت ثبت شرکت‌های خارجی، ارائه مدارک زیر به ادارهٔ کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی الزامی است:

۱ـ اظهارنامه ثبت

۲ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت

۳ـ یک نسخه مصدق از اختیارنامه عمده شرکت در ایران و در صورتی که شرکت چند نماینده مستقل در ایران داشته باشد، یک نسخه مصدق از اختیارنامه هر یک از آنها.

۴ـ داشتن مجوز (قرارداد قانونی) با یکی از وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی و یا چنانچه شرکت خارجی باشد، شرایط عملیات آن باید به موجب امتیازات صحیح و منظّمی مقرر گردیده باشد.

اظهارنامهٔ ثبت شرکت‌ها باید به فارسی نوشته شود و حاوی نام کامل شرکت، نوع شرکت از قبیل سهامی، تضامنی و مختلط و غیره، مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن، تابعیت شرکت، مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاضا و سایر موارد مندرج در مادهٔ ۶ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب سال ۱۳۱۰ باشد.

اساسنامه شرکت و اختیارنامه نماینده عمده آن در ایران و سایر نمایندگان و نیز آخرین بیلان شرکت باید در مرکز اصلی شرکت توسط شخص یا اشخاصی که حق امضای از طرف شرکت دارند تصدیق گردد و امضاء آنها نیز به تصدیق مقامات

صلاحیت‌دار کشوری که امضاء در آنجا واقع شده و یا نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشور مزبور و یا نمایندهٔ سیاسی یا کنسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد.

ادارهٔ ثبت شرکت‌ها علاوه بر مدارک فوق (اظهارنامه و ضمایم آن) صورت جلسه مجمع عمومی مؤسسین و هیأت‌مدیره و چنانچه شرکت از نوع سهامی خاص باشد، رسید بانکی سرمایه مبنی بر پرداخت حداقل ۳۵٪ از سرمایه را از ذی‌نفع مطالبه می‌نماید. بعد از طی مراحل فوق مطابق مادّهٔ ۲۰ نظامنامه **«در ظرف یک‌ماه از تاریخ ثبت هر شرکت خارجی یا شعبه آن، دایره ثبت شرکت‌ها باید مراتب ذیل را به خرج خود شرکت، در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه‌های یومیه تهران منتشر نماید:**

۱ـ خلاصه اساسنامه شرکت

۲ـ اسم نماینده عمده شرکت در ایران و اگر شرکت در ایران چندنفر نماینده مستقل داشته باشد، اسم همهٔ آنها.

۳ـ اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضاء دارند.

۴ـ اسم شخص یا اشخاص مقیم در ایران که برای دریافت کلیه ابلاغیه‌های مربوط به شرکت صلاحیت دارند.»

پس از ثبت شرکت باید از طرف اداره ثبت به تقاضا کننده، تصدیقی ارائه گردد.

ب ـ روش ثبت شعبه شرکت خارجی

اگر شرکت خارجی ثبت شده در ایران تقاضای تأسیس شعبه را نیز داشته باشد، باید اظهارنامهٔ ثبت به فارسی، سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران و سواد مصدق از اختیارنامه نماینده که مدیر شعبه است را تقدیم نماید (مادّهٔ ۸ نظامنامه).

تبصره ـ ممکن است تقاضای ثبت شعبه در ضمن تقاضای ثبت خود شرکت به عمل آید در این صورت تقدیم سواد مصدق سند ثبت خود شرکت لازم نخواهد بود.

ج ـ ثبت تغییرات در شرکت‌های خارجی

تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران یا شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود. تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است؛ مگر اینکه شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این مادّه ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت برساند. (مادّه ۷ قانون ثبت شرکت‌ها).

قانون ثبت شرکت‌ها در خصوص ورشکستگی، انحلال و تصفیه شرکت‌های خارجی، مورد را به سکوت برگزار نموده است. به‌طور مسلم هنگامی که شرکت در کشور اصلی خود ورشکسته و یا منحل می‌گردد، شعبه آن نیز در ایران منحل می‌گردد و انحلال و ورشکستگی آنها تابع مقررات اصلی خود شرکت می‌باشد.

د ـ مقررات جزائی

«اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شرکت‌های خارجی در ایران اقدام به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضاء موعد مقرر، تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی‌العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به تأخیر پس از صدور حکم، متخلف را به تأدیه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهدکرد و هرگاه حکم قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد، دولت از عملیات نماینده یا مدیر شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود» (مادّهٔ ۵ قانون ثبت شرکت‌ها).

اگر نماینده یا مدیر شعبهٔ هر شرکت خارجی قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجارتی یا صنعتی یا مالی نماید، محکوم به جزای نقدی خواهد شد.

بنابراین تنها توجه و تقاضای مدعی‌العموم (دادستان) تهران موجب اعمال مجازات مقرر نسبت به تخلف عدم ثبت شرکت خارجی می‌باشد.

بخش سوم: ثبت شرکت داخلی و شعبه آن

الف ـ ثبت شرکت

قانون تجارت در مادّه ۲۲۰ مقرر می‌دارد: **«هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتی خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورد و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد».**

هر شرکت تجارتی ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده، و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دوهزار ریال خواهد شد.

«این مجازات علاوه بر مجازات‌هایی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده». مرجع ثبت شرکت‌ها در تهران «اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» و در خارج از آن اداره ثبت اسناد، مرکز اصلی شرکت است که دایره و دفتر مخصوصی برای این کار در نظر گرفته شده است. برای ثبت شرکت اظهارنامهٔ تقاضای ثبت و تقاضانامه ثبت شرکت باید بر اساس قانون و آئین ثبت شرکت تقدیم گردد و برای انجام این امر اوراق چاپی مخصوص به وسیله اداره ثبت شرکت‌ها تهیه و تنظیم شده که متقاضی ثبت شرکت آنها را در دو نسخه تنظیم و تسلیم مرجع ثبت می‌نماید.

به موجب مادّه ۱۹۶ ق.ت.: اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین شده که به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد:

- شرکت‌نامه حاوی مشخصات شرکت
- اساسنامه
- صورتجلسه مجمع عمومی

ـ صورتجلسهٔ انتخاب هیأت مدیره و قبولی آنان

ـ رسید سرمایه

پس از آنکه درخواست ثبت شرکت در دو نسخه با ضمایم تسلیم متّصدی ثبت گردید یک نسخه از آن در پرونده ضبط کرده و مندرجات آن را در دفتر مخصوص ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رساند و متّصدی مزبور نسخه ثانی آن را با قید تاریخ و شماره ثبت پس از امضاء و مهر به متقاضی تسلیم می‌نماید.... (مادّه ۵ نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ ق.ت مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵) و متعاقباً صاحبان امضاء مجاز، دفتر مخصوص را امضاء می‌کنند و ثبت در دفتر مزبور مانند ثبت سند در دفترخانه اسناد رسمی است زیرا به موجب مادّه ۵ اصلاح آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها، اداره ثبت شرکت‌ها در تهران و دوایر ثبت شرکت‌ها در شهرستان‌ها در ثبت شرکت‌نامه قایم مقام دفترخانه‌های رسمی می‌باشند.

ضمناً خلاصه‌ای از وضعیت شرکت در دفتر جداگانه‌ای که حاوی شماره ردیف ثبت شرکت و خلاصه مفاد شرکت‌نامه و اساسنامه می‌باشد در صفحه مربوط به همان شرکت ثبت می‌شود و متقاضی ثبت دفتر را با اصل تصدیق می‌نماید.

به موجب مادّه ۱۹۷ ق.ت. که می‌گوید: «**در ظرف ماه اوّل تشکیل شرکت خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد**». انتشار ثبت در ظرف ماه اوّل تشکیل شرکت به انضمام خلاصه‌ای از شرکت‌نامه و پیوست‌های آن منتشر می‌گردد.

به‌موجب مادّه ۲۰۰ ق.ت. «در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال بواسطهٔ انقضاء مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریق حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ ـ ۱۹۷ لازم‌الرعایه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در مادّه ۷۹ این قانون اتخاذ شود رعایت خواهد شد. به عبارت دیگر صورتجلسه تنظیمی در شرکت پس از امضاء به اداره ثبت شرکت‌ها تسلیم می‌شود تا به استناد مادّه ۹ نظامنامه مذکور در موقع تغییر مدیر یا مدیران شرکت، تشریفات ثبت و آگهی صورت پذیرد، باید مراتب ثبت و منتشر گردد.

ب ـ ثبت شعبه شرکت

شعبه شرکت اگر به هنگام تأسیس شرکت معین شده باشد با شرکت اصلی ثبت و آگهی می‌شود و چنانچه شعبه متعاقباً تأسیس گردد، تغییرات در شرکت محسوب شده و طبق مقررات تغییر نسبت به ثبت و نشر آن اقدام می‌شود. ثبت شعبه شرکت در محل شعبه منتشر می‌شود. به عنوان مثال شرکت دوچرخه‌سازی (سهامی خاص) در تهران تشکیل شده و اگر قرار باشد شعبه‌ای از آن در اردبیل تشکیل گردد باید مراحل زیر رعایت شود:

- تنظیم صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و در صورتی که اختیار تأسیس شعبه در اساسنامه به هیأت مدیره داده شده باشد، تنظیم صورتجلسه توسط هیأت مدیره.
- تقدیم صورتجلسه مربوط به اداره ثبت شرکت‌ها در مثال فوق تهران (مرکز اصلی شرکت) به انضمام یک نسخه اساسنامه موجود با آخرین اصلاحات.
- بررسی صورتجلسه توسط کارشناس مربوط و در صورت عدم ایراد و واریز هزینه ثبت، شعبه تأسیس شده در دفاتر اداره ثبت تهران به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی منتشر می‌گردد.
- ارسال یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده (یا هیأت مدیره در صورت داشتن اختیار بانضمام یک نسخه اساسنامه و آگهی ثبت مربوط به اردبیل (محل شعبه).
- مراتب فوق در محل شعبه (اردبیل) به عنوان شعبه ثبت، و شماره مستقلی در اردبیل به آن داده خواهد شد.
- آگهی تأسیس شعبه توسط اداره ثبت شرکت‌های اردبیل در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار.

شایان ذکر است که هزینه ثبت تأسیس شعبه همان هزینه تأسیس شعبه در مرکز اصلی شرکت می‌باشد.

ج ـ شرکت فرعی

گاهی شرکت اصلی مترصد می‌شود که شرکت دیگری را در درون شرکت مزبور ایجاد نماید و سرمایه آن متعلق به شرکای اصلی باشد و یا ممکن است اکثریت سرمایه متعلق به شرکت اصلی بوده و افراد دیگری نیز سرمایه‌گذاری نماید در کلیه این موارد تشریفات و مقررات ثبت همانند ثبت شرکت اصلی می‌باشد و فقط حق‌الثبت به میزان سرمایه اضافه شده به سرمایه اصلی پرداخت می‌گردد.

نمونه‌های عملی شرکت‌ها

و

مؤسسات غیر تجارتی

نمونه اساسنامه شرکت.........با مسئولیت محدود[1]

ماده ۱ـ نام و نوع شرکت................. با مسئولیت محدود

ماده ۲ـ موضوع شرکت............

ماده ۳ـ مرکز اصلی شرکت...............

ماده ۴ـ تاریخ تشکیل و مدت شرکت از تاریخ.................. بمدت نامحدود ......سال

ماده ۵ـ سرمایه شرکت مبلغ............ ریال می‌باشد که تماماً از طرف شرکاء شرکت پرداخت گردیده است.

ماده ۶ـ هیچیک از شرکاء حق انتقال سهم‌الشرکه خود را به‌غیر ندارند مگر با رضایت و موافقت........ و انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر به‌موجب سند رسمی.

ماده ۷ـ مجمع عمومی عادی شرکت در ظرف مدت چهار ماه اول هر سال پس از انقضای سال مالی تشکیل ولی ممکن است بنا بدعوت هر یک از اعضاء هیئت مدیره یا شرکاء بطور فوق‌العاده تشکیل گردد.

ماده ۸ـ دعوت هر یک از جلسات مجامع عمومی توسط هر یک از اعضای هیئت مدیره، مدیر عامل یا شرکاء بوسیله دعوتنامه کتبی یا درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد فاصله دعوت از روز انتشار تا تشکیل جلسه حداقل ده روز خواهد بود.

ماده ۹ـ در صورتی‌که کلیه شرکاء در هر یک از جلسات مجامع عمومی حضور یابند رعایت ماده ۸ اساسنامه ضرورت نخواهد داشت.

ده ۱۰ـ وظایف مجمع عمومی عادی به‌شرح زیر می‌باشد:

الف ـ استماع گزارش هیئت مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه شرکت و تصویب آن.

ب ـ تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیئت مدیره.

ج ـ تعیین خط مشی آینده شرکت و تصویب آن.

هـ ـ انتخاب هیئت مدیره و در صورت لزوم بازرس.

ماده ۱۱ـ وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به‌قرار زیر است :

الف ـ تغییر اساسنامه یا الحاق یا حذف یک یا چند مواد اساسنامه.

ب ـ تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت.

ج ـ افزایش یا تقلیل سرمایه شرکت.

د ـ ورود شریک یا شرکاء جدید به‌شرکت.

ماده ۱۲ـ تصمیمات شرکاء در مجمع عمومی فوق‌العاده با موافقت دارندگان سه چهار سرمایه که اکثریت عددی کلیه شرکاء دارند و در مجمع عمومی عادی طبق دستور ماده ۱۰۶ قانون تجارت معتبر و لازم‌الاجراء خواهد بود.

ماده ۱۳ـ هیئت مدیره شرکت مرکب از........ نفر خواهد بود که مجمع عمومی از بین شرکاء یا از خارج انتخاب می‌نماید.

ماده ۱۴ـ هیئت مدیره می‌تواند از بین خود یکنفر را به‌سمت رئیس هیئت مدیره و یکنفر را بسمت مدیر عامل انتخاب و همچنین می‌تواند برای اعضاء خود سمتهای دیگری تعیین نماید.

---

۱ ـ این اساسنامه فقط به عنوان یک نمونه است و شرکا می‌توانند اساس توافق خود را به صورت دیگری با رعایت قانون تجارت تنظیم نمایند.

ماده ۱۵ـ مدیر عامل / هیئت مدیره نماینده قانونی و تام‌الاختیار شرکت بوده و می‌توانند در کلیه امور مداخله و اقدام نمایند مخصوصاً در موارد زیر:

امور اداری شرکت از هر قبیل ـ انجام تشریفات قانونی ـ حفظ و تنظیم فهرست دارایی شرکت و تنظیم بودجه و تعیین و پرداخت حقوق و انجام هزینه‌ها ـ رسیدگی به محاسبات ـ پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه ـ تهیه آیین‌نامه‌های داخلی ـ اجرای تصمیمات مجامع عمومی ـ ادای دیون و وصول مطالبات ـ تأسیس شعب واگذاری و قبول نمایندگی انتخاب و انتصاب و استخدام متخصصین و کارمندان و کارگران ـ عقد هرگونه پیمان با شرکتها و بانکها و ادارات و اشخاص، خرید و فروش و اجاره اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و بطور کلی وسائل مورد احتیاج و همچنین معاملات بنام و بحساب شرکت ـ مشارکت با شرکتها و شخصیتهای حقوقی ـ استقراض با رهن یا بدون رهن و تحصیل اعتبار و وام دادن و وام گرفتن از بانکها و اشخاص و شرکتها و باز کردن حساب جاری و ثابت در بانکها و بنگاهها ـ دریافت وجه از حسابهای شرکت ـ صدور ظهرنویسی و پرداخت بروات و اسناد و سفته‌ها و هزینه آنها ـ مرافعات چه شرکت مدعی باشد و چه مدعی‌علیه در تمام مراحل با تمام اختیارات از رجوع به دادگاههای صالحه و ابتدایی و استیناف و دیوان کشور ـ تعیین حکم و مصدق ـ ادعای جعل و تعیین جاعل انتخاب وکیل و وکیل در توکیل ـ دادن اختیارات لازمه به نامبرده و عزل آن ـ قطع و فصل دعاوی با صلح و سازش ـ واردات و تهیه و خرید مایحتاج شرکت ـ اختیارات فوق جنبه محدودیت نداشته و هر تصمیمی که هیئت مدیره جهت پیشرفت شرکت اتخاذ نمایند معتبر می‌باشد.

ماده ۱۶ـ جلسات هیئت‌مدیره با حضور اکثریت /کلیه اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آراء / باتفاق‌آراء معتبر است.

ماده ۱۷ـ دارندگان حق امضاء در شرکت: دارندگان حق امضاء اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک ـ سفته ـ برات ـ اسناد تعهدآور و قراردادها را هیئت مدیره / مجمع عمومی تعیین می‌کند.

ماده ۱۸ـ هریک از اعضاء هیئت مدیره می‌تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضاء خود را به هریک از شرکاء یا به اشخاص خارج از شرکت برای هر مدت که صلاح بداند تفویض نماید و همچنین هیئت مدیره می‌تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات خود را به‌مدیر عامل تفویض نماید.

ماده ۱۹ـ تفویض اختیار هر یک از اعضای هیئت مدیره به اشخاص خارج از شرکت باید با موافقت هیئت مدیره باشد.

ماده ۲۰ـ سال مالی شرکت از اول............ ماه هر سال شروع و به آخر......... ماه همان سال خاتمه می‌یابد باستثنای سال اول که ابتدای آن از تاریخ تأسیس شرکت است.

ماده ۲۱ـ تقسیم سود ـ در آمد شرکت پس از کسر تمام مخارج و پرداخت مالیات و کنار گذاردن صدی.......... به‌عنوان سرمایه ذخیره به نسبت سهم‌الشرکه که هر یک از شرکاء بین آنان تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲ـ شرکت مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت منحل خواهد شد در صورتی‌که مجمع عمومی رأی به انحلال شرکت دهد شرکاء از بین خود یا از خارج یک یا چند نفر را به‌سمت مدیر یا مدیران تصفیه انتخاب می‌نماید و وظایف مدیر / مدیران تصفیه طبق قانون تجارت می‌باشد.

ماده ۲۳ـ در سایر موضوعاتی‌که در این اساسنامه پیش بینی نشده طبق قانون تجارت رفتار خواهدشد.

ماده ۲۴ـ این اساسنامه در ۲۴ ماده تنظیم و به‌امضاء کلیه مؤسسان شرکت به اسامی ذیل رسید و تمام صفحات آن امضاء شد.

ـ نام　　　　نام‌خانوادگی　　　　امضا

اساسنامهٔ ثبت مؤسسه

ماده ۱　　نام و نوع مؤسسه:

ماده ۲　　موضوع مؤسسه:

ماده ۳　　مرکز اصلی مؤسسه و نشانی کامل آن:

ماده ٤　　مبدأ تشکیل مؤسسه و مدت آن:

ماده ٥　　دارائی مؤسسه:

ماده ٦　　تابعیت مؤسسه:

ماده ۷　　اسامی مؤسسین و مشخصات و محل اقامت هر یک و میزان دارائی آنها:

ماده ۸　　هیچ‌یک از اعضاء مؤسسه حق انتقال تمام و یا قسمتی از حقوق و دارائی خود را که در این مؤسسه دارا می‌باشد به‌غیر نخواهد داشت، مگر این‌که رضایت و موافقت دارندگان لااقل ـــــ دارائی مؤسسه جلب گردد و انتقال به‌عمل نخواهد آمد مگر به‌موجب سند رسمی در یکی از دفاتر اسناد رسمی و یا با تنظیم صورت جلسه و ثبت آن در ثبت شرکت‌ها.

ماده ۹　　مدیران مؤسسه و اختیارات آنها و دارندگان حق امضاء در مؤسسه به‌ترتیب ذیل می‌باشد:

ماده ۱۰　　ـــــ مؤسسهٔ، نماینده قانونی مؤسسه بوده و می‌تواند در کلیه امور مؤسسه مداخله و اقدام نماید مخصوصاً در موارد زیر:

الف ـ انجام کلیه امور مؤسسه از هر جهت و هر قبیل.

ب ـ گشایش حساب جاری و ثابت در بانک‌ها و بنگاه‌ها و غیره.

ج ـ تحصیل هرنوع اعتبار.

د ـ مشارکت با سایر شرکت‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مشابه‌که موضوع فعالیت آنها یکسان باشد.

هـ ـ عقد هر گونه قرارداد با اشخاص و شرکت‌ها و بانک‌ها و غیره با هر نوع قید و شرطی که مصلحت باشد.

و ـ استخدام کارگران و کارمندان و متخصصین و کارشناسان و غیره و تعیین حقوق و پاداش برای آنها.

ز ـ انتخاب وکیل با حق وکالت در توکیل و دادن اختیارات لازمه به‌نامبرده و عزل آن.

ح ـ مراجعه به‌ادارات و دوایر دولتی و گمرکات و بانک‌ها و شخصیت‌های حقوقی و حقیقی دیگر جهت انجام کلیه اموری‌که مربوط به‌این مؤسسه است.

ط ـ اختیارات و مدت تصدی ـــــ نامحدود است.

ی ـ هر تصمیمی را که ـــــ مؤسسه برای انجام کلیه اموری‌که مربوط به‌توسعه هدف و منظور مؤسسه لازم و مقتضی باشد و به‌ـــــ اتخاذ گردد معتبر و قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۱۱ ـــــ می‌تواند تمام و یا قسمتی از اختیارات و حق امضاء خود را به‌موجب وکالت‌نامه رسمی به‌عضو دیگر مؤسسه و یا اشخاص ثالث تفویض کند و در وکالت‌نامه مزبور بایستی حدود و اختیارات وکیل به‌طور روشن و صریح قید گردد.

ماده ۱۲ ـــــ انحلال مؤسسه: انحلال مؤسسه با موافقت و به‌تصویب عده‌ای از اعضاء که دارای اکثریت عددی بوده و نیز لااقل دارای ۵۵٪ کل دارائی مؤسسه باشند به‌عمل خواهد آمد و مجمع عمومی که رأی به‌انحلال مؤسسه داد یک یا چند نفر از بین اعضاء و یا از خارج به‌سمت مدیر تصفیه انتخاب می‌گردند.

ماده ۱۳ ـــــ هر نوع تغییری در موارد این اساسنامه از قبیل کم کردن یا زیاد کردن دارائی مؤسسه، ورود و خروج اعضاء مؤسسه، اصلاح یا الحاقی نسبت به‌مفاد اساسنامه، انتخاب اعضاء مؤسسه و بالاخره کلیه تصمیمات لازمه برای تغییر و تبدیل مواد اساسنامه بایستی با موافقت ـــــ باشد.

ماده ۱۴ ـــــ تشکیل مجامع عمومی اعم از عادی و یا فوق‌العاده بنا به‌دعوت هر یک از مدیران مؤسسه به‌وسیله ارسال نامه کتبی به‌عمل خواهد آمد و فاصله بین تاریخ دعوت تا روز تشکیل جلسه لااقل ده روز و در صورت حضور کلیه اعضاء در جلسه احتیاجی به‌دعوت مزبور نیست و مجمع می‌تواند نسبت به‌اتخاذ تصمیمات لازم اقدام نماید.

ماده ۱۵ ـــــ اختلاف حاصله بین اعضاء مؤسسه از طریق داوری حل‌وفصل خواهد شد.

ماده ۱۶ ـــــ در سایر موضوعاتی که در این اساسنامه قید نشده است مطابق مقررات قانون تجارت آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷ عمل خواهد شد.

صورت جلسه مجمع مؤسسین مؤسسه

در ساعت ده صبح روز ـــــ اولین جلسه مؤسسین با حضور کلیه اعضاء مؤسس امضاء کنندگان زیر در محل مؤسسه تشکیل و تصمیمات زیر به‌اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت.

۱ـ اساسنامه مؤسسه مشتمل بر ۱۵ ماده تصویب و به‌امضاء رسید.

۲ـ مدیران و دارندگان حق امضاء مؤسسه بر طبق ۷ اساسنامه تعیین گردیدند.

۳ـ تقاضانامه چاپی مربوط به‌ثبت مؤسسه نیز امضاء شد.

٤ـ دارائی مؤسسه در تحویل و اختیار ـــــ مؤسسه قرارگرفت.

۵ـ ـــــ با امضاء ذیل این صورت‌جلسه وصول آن را اعلام می‌دارد.

٦ـ کلیه اعضاء مؤسس با امضاء ذیل صورت‌جلسه، قبولی سمت نمودند.

۷ـ به ـــــ وکالت و اختیار تام و تمام داده شد که با مراجعه به‌اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به‌ثبت این مؤسسه اقدام و ذیل ثبت دفاتر را امضاء نماید.

جلسه در ساعت ۱۲ ظهر همان روز ختم گردید و این صورت‌جلسه به‌امضاء کلیه اعضاء موسس به‌شرح زیر رسید:

۱ـ ـــــــــــــــ ۲ـ ـــــــــــــــ

صورت‌جلسه مجمع عمومی شرکا، و مؤسسین

جلسه مجمع عمومی شرکاء و مؤسسین شرکت ـــــ با مسؤولیت محدود

در ساعت ۱۰ صبح روز ـــــ اولین جلسه مجمع عمومی شرکاء و مؤسسین شرکت مذکور با حضور کلیه شرکاء در محل شرکت تشکیل و تصمیمات ذیل با اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت:

۱ـ اساسنامه شرکت مشتمل بر ٢٤ ماده تنظیم و به‌تصویب کلیه شرکاء رسید.

۲ـ اظهارنامه و شرکت‌نامه رسمی شرکت نیز امضاء شد.

۳ـ جهت انتخاب اعضاء هیأت مدیره و دارندگان حق امضاء اخذ رأی به‌عمل آمد و در نتیجه: امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ـ سفته ـ بروات ـ قراردادها با امضاء ـــــ همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۴ـ هر یک از اعضاء هیأت مدیره با امضاء ذیل این صورت جلسه سمت خود را قبول نمودند.

۵ـ مبلغ ـــــ ریال سرمایه شرکت که از طرف کلیه شرکاء پرداخت گردیده تحویل و در اختیار ـــــ شرکت قرار گرفت و ـــــ با امضاء ذیل این صورت جلسه وصول آنرا اعلام می‌دارد.

٦ـ به ـــــ وکالت و اختیار تام داده شد تا با مراجعه به‌اداره ثبت شرکت‌ها و پرداخت حق‌الثبت و هزینه آگهی‌های مربوط ذیل ثبت دفاتر مربوطه را در اداره ثبت شرکت‌ها امضاء نماید.

چون موضوع دیگری جهت بحث نبود جلسه در ساعت ـــــ همان‌روز خاتمه یافت.

امضاء شرکاء

تقاضانامه ثبت مؤسسات غیر تجاری

امضاء کنندگان ذیل ثبت مؤسسه   را با مشخصات مذکور در این برگ تقاضا می‌نمائیم.

۱ـ نام مؤسسه:

۲ـ موضوع مؤسسه:

۳ـ تابعیّت:

۴ـ مرکز اصلی مؤسسه و نشانی صحیح آن:

۵ـ اسامی مؤسسان (مشخصات کامل قید شود)

۶ـ تاریخ تشکیل مؤسسه:

۷ـ مدیر یا مدیران و اشخاصی‌که در مؤسسه حق امضاء دارند:

۸ـ دارایی مؤسسه و میزان دارایی هر یک از مؤسسان:

۹ـ آدرس شعب مؤسسه (در صورت تأسیس در سایر شهرستانها)

۱۰ـ نام مدیر یا مدیران شعب:

امضاء مؤسسان

ادارهٔ ثبت:.................. قوه قضاییه شماره: ....

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ❊ ۰۰۵۴۶۱

اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی سری الف/۷۱

تقاضانامه ثبت شرکت‌های داخلی کد ۰۵-۲-۱

امضاء کننده / امضاء کنندگان زیر شرکا شرکت ایران چرخ (بامسئولیت محدود)
ثبت شرکت مزبور را با مشخصات زیر تقاضا می‌نمایم / نمائیم

۱ـ نام کامل شرکت و نوع آن: شرکت ایران چرخ (با مسئولیت محدود)

۲ـ موضوع شرکت: تهیه و تولید دوچرخه و بهره‌برداری و اداره آن و مبادرت به کلیه امور صنعتی و مالی مرتبط با موضوع شرکت.

۳ـ مرکز اصلی و نشانی صحیح آن: تهران، خیابان...... کوچه...... شماره.......می‌باشد.

۴ـ اسامی شرکاء یا مؤسسین

ـ آقای....... فرزند........به شماره شناسنامه.........صادره از........ساکن ....

ـ آقای....... فرزند........به شماره شناسنامه.........صادره از........ساکن ....

ـ آقای....... فرزند........به شماره شناسنامه.........صادره از........ساکن ....

۵ـ مبدأ تشکیل شرکت و مدت آن: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

۶ـ سرمایه شرکت: ده‌میلیون ریال که تماماً به طور نقد پرداخت شده است.

الف ـ نقدی: مبلغ ده میلیون ریال

ب ـ غیر نقدی: ندارد

۷ـ میزان سهم‌الشرکه هریک از شرکاء..................................

۱ـ آقای......... مبلغ پنج میلیون ریال ۵۰٪ سهم‌الشرکه

۲ـ آقای......... مبلغ سه میلیون ریال ۳۰٪ سهم‌الشرکه

۳ـ آقای......... مبلغ یک میلیون ریال ۱۰٪ سهم‌الشرکه

۸ـ مدیر یا مدیران شرکت. اشخاصیکه حق امضاء دارند ۱ـ آقای.......۲ـ خانم........ به سمت اعضای هیئت مدیره از تاریخ ۱۳۷۲/۷/۱ به مدت...... سال (یا نامحدود) انتخاب شده‌اند کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضاء مدیر عامل / مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

۹ـ ترتیب تقسیم سود شرکت: مطابق با مواد اساسنامه صورت می‌گیرد

۱۰ـ موقع رسیدگی به‌حساب سالیانه: ۲۹/اسفندماه

۱۱ـ انحلال شرکت مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت

۱۲ـ محل شعب شرکت: ندارد

امضاء..........

ملاحظات :..................................

ادارهٔ ثبت:.................... قوه قضاییه شماره: ....

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۰۰۵۴۶۱ *

اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی سری الف/۷۱

شرکت‌نامه رسمی

۱ـ نام کامل شرکت و نوع آن: شرکت ایران چرخ (با مسئولیت محدود)

۲ـ موضوع شرکت: تهیه و تولید دوچرخه و بهره‌برداری و اداره آن و مبادرت به کلیه امور صنعتی و مالی مرتبط با موضوع شرکت.

۳ـ مرکز اصلی و نشانی صحیح آن: تهران، خیابان....... کوچه....... شماره.......می‌باشد.

۴ـ اسامی شرکاء یا مؤسسین

ـ آقای....... فرزند........به شماره شناسنامه.........صادره از........ساکن . . . .

ـ آقای....... فرزند........به شماره شناسنامه.........صادره از........ساکن . . . .

ـ آقای....... فرزند........به شماره شناسنامه.........صادره از........ساکن . . . .

۵ـ مبدأ تشکیل شرکت و مدت آن: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

۶ـ سرمایه شرکت: ده‌میلیون ریال که تماماً به طور نقد پرداخت شده است.

الف ـ نقدی: مبلغ ده میلیون ریال

ب ـ غیر نقدی: ندارد

۷ـ میزان سهم‌الشرکه هریک از شرکاء . . . .

۱ـ آقای.......... مبلغ پنج میلیون ریال ۵۰٪ سهم‌الشرکه

۲ـ آقای.......... مبلغ سه میلیون ریال ۳۰٪ سهم‌الشرکه

۳ـ آقای.......... مبلغ یک میلیون ریال ۱۰٪ سهم‌الشرکه

۸ـ مدیر یا مدیران شرکت. اشخاصیکه حق امضاء دارند ۱ـ آقای....... ۲ـ خانم....... به سمت اعضای هیئت مدیره از تاریخ ۱۳۷۲/۷/۱ به مدت...... سال (یا نامحدود) انتخاب شده‌اند کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضاء (مدیر عامل / مدیرعامل و عضو هیئت مدیره) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

۹ـ ترتیب تقسیم سود شرکت: مطابق با مواد اساسنامه صورت می‌گیرد

۱۰ـ موقع رسیدگی به‌حساب سالیانه: ۲۹/اسفندماه

۱۱ـ انحلال شرکت مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت

۱۲ـ محل شعب شرکت: ندارد

امضاء موسسین شرکت ....

ملاحظات: . . . .

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت.....

کاهش سرمایه

برطبق دعوت قبلی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت ــــــ ثبت شده به‌شماره ــــــ صبح / بعدازظهر روز ــــــ مورخ ــــــ باحضور کلیه شرکاء شرکت تشکیل و نسبت به‌کاهش سرمایه تصمیمات ذیل آغاز گردید:

۱ـ آقای ــــــ با دریافت مبلغ ــــــ ریال از صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را از ــــــ ریال به ــــــ ریال کاهش داد.

۲ـ خانم ــــــ با دریافت کلیه سهم‌الشرکه خود به‌مبلغ ــــــ ریال از صندوق شرکت از شرکت خارج و منبعد هیچ‌گونه سمتی در شرکت ندارد و در نتیجه سرمایه شرکت از ــــــ ریال به ــــــ ریال به ــــــ ریال کاهش یافت.

امضاء شرکت

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت.....

افزایش سرمایه

بر طبق دعوت قبلی عمومی فوق‌العاده شرکت ــــــ ثبت شده به‌شماره ــــــ صبح / بعدازظهر روز ــــــ مورخ ــــــ باحضور کلیه شرکاء شرکت تشکیل و نسبت به‌افزایش سرمایه تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

۱ـ آقای ــــــ با پرداخت ــــــ ریال به‌صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را از مبلغ ــــــ ریال به‌مبلغ ــــــ ریال افزایش داد.

۲ـ خانم ــــــ فرزند ــــــ شماره شناسنامه ــــــ صادره ــــــ ساکن ــــــ شریک جدید با پرداخت ــــــ ریال به‌صندوق شرکت جزو شرکاء محسوب و سرمایه شرکت از ــــــ ریال به ــــــ ریال افزایش یافت.

مجمع به‌آقای ــــــ وکالت داد تا با مراجعه به‌اداره ثبت شرکت‌ها صورت‌جلسه را به‌ثبت برساند.

امضاء شرکاء

صورت‌جلسه انحلال مؤسسه

صورت‌جلسه مجمع فوق‌العاده مؤسسه ــــــــ ثبت شده به‌شماره ــــــ با حضور کلیه شرکاء در محل مؤسسه تشکیل و نسبت به‌انحلال مؤسسه تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

۱ـ ــــــ به‌سمت مدیر تصفیه مؤسسه تعیین گردید.

۲ـ آدرس مدیر تصفیه به‌نشانی تهران خیابان ــــــ تعیین گردید.

۳ـ مدیر تصفیه اقرار به‌دریافت دفاتر و دارائی و اموال مؤسسه نمود.

٤ـ شرکاء به‌آقای ــــــ مدیر تصفیه وکالت می‌دهند تا شخصاً در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری حاضر و ذیل ثبت را امضاء نماید.

امضاء شرکاء

مدارک لازم جهت انحلال مؤسسه

۱ـ فتوکپی شناسنامه کلیه شرکاء

۲ـ آخرین روزنامه رسمی

۳ـ در صورتی‌که مدیر تصفیه خارج از شرکاء باشد فتوکپی شناسنامه ضروری است.

نمونه انحلال شرکت با مسؤولیت محدود یا تضامنی یا نسبی

صورت‌جلسه مجمع فوق‌العاده شرکت ــــــ ثبت شده به‌شماره ــــــ به‌حضور کلیه شرکاء در محل شرکت تشکیل و نسبت به‌انحلال شرکت تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.

۱ـ آقا/خانم ــــــ به‌سمت مدیر تصفیه شرکت تعیین گردید.

۲ـ آدرس مدیر تصفیه به‌نشانی تهران خیابان ــــــ تعیین گردید.

۳ـ مدیر تصفیه اقرار به‌دریافت دفاتر و دارائی و اموال شرکت نمود.

٤ـ شرکاء به‌آقای ــــــ مدیر تصفیه وکالت دادند تا شخصاً در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری حاضر و ذیل ثبت دفاتر مربوطه را امضاء نماید.

امضاء شرکاء

فصل سیزدهم

مقررات مالیاتی شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی و خارجی

بخش اوّل: مالیات بر درآمد شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیر تجاری

شرکت‌های تجارتی مشمول مالیات را می‌توان به‌شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

الف ـ شرکت‌هائی که صد در صد سرمایه آنها متعلق به‌دولت یا شهرداری‌ها می‌باشد

این شرکت‌ها مکلفند در ظرف چهار ماه بعد از سال مالی به‌حوزه مالیاتی مرکز اصلی شرکت مراجعه نموده و ترازنامه و حساب سود و زیان خود را به‌حوزهٔ مزبور ارائه و مالیات متعلقه را پرداخت نمایند و از کل درآمد مشمول مالیات، به‌نرخ ۲۵٪ به‌عنوان مالیات اخذ می‌شود و از جمع درآمد پس از کسر ۲۵٪ مالیات مزبور نسبت به‌بقیه نرخ مادهٔ ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم [1] مالیات تعلق می‌گیرد، در صورتی که شرکت تجارتی، سهامداران متعدد دولتی داشته باشد بقیه درآمد به‌نسبت سهام آنان تقسیم و سهم هر یک از آنان به‌طور مجزا مشمول مالیات به‌نرخ مادهٔ ۱۳۱ خواهد بود (مستفاد از مادهٔ ۱۰۵ ق.م.م).شرکت‌های دولتی فوق‌الذکر از معافیت‌های مالیاتی (به‌استثنای معافیت کشاورزی) استفاده نمی‌کنند. توضیح آنکه شرکت‌های غیردولتی از معافیت‌های مقرر در قانون مالیات‌ها استفاده می‌نمایند و برای سازمان گسترش مجوز خاصی به‌تصویب رسیده که به‌موجب آن، سازمان گسترش و صنایع ایران و شرکت‌های تابعه آن مشمول معافیت مقرر در مواد ۱۳۲ و ۱۳۸ ق.م.م بر حسب مورد می‌باشند (مادهٔ ۱۰۵

---

۱ ـ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ که منبعد با علامت اختصاری ق.م.م نشان داده خواهد شد.

ق.م.م ۱۳۸۰/۱۱/۲۷). چنانچه صورت‌های مالی، مورد رسیدگی سازمان حسابرسی دولتی قرارگرفته و به‌تأئید مجمع عمومی نیز برسد و در موعد مقرر ارائه گردد از نظر مالیاتی محتاج به‌رسیدگی مجدد نخواهد بود.

ب ـ شرکت‌هائی که قسمتی از سرمایه آنها به‌طور مستقیم متعلق به‌دولت یا شهرداری‌ها می‌باشد

این شرکت‌ها را می‌توان به‌دو دسته تقسیم کرد:

اوّل ـ سهام دولت، بیش از ۵۰٪ می‌باشد

این شرکت‌ها نیز مکلفند ترازنامه و حساب سود و زیان خود را ظرف چهار ماه پس از پایان سال مالی به‌حوزه مالیاتی محل مرکز اصلی شرکت تسلیم و مالیات متعلقه ۲۵٪ به‌نسبت درآمد سهم دولت بوده و بقیه به‌نرخ مادهٔ ۱۳۱ ق.م.م خواهد بود و چنانچه سهم‌الشرکه دولت به‌چند شرکت تعلق داشته باشد، سهم مزبور به‌نسبت سهام شرکت‌ها تقسیم شده و مالیات بر اساس مادهٔ ۱۳۱ مذکور محاسبه می‌شود.

دوم ـ سهام دولت معادل ۵۰٪ و یاکمتر در شرکت باشد

در این صورت سهم دولت از معافیت مالیاتی برخوردار نبوده، ولی سهم بخش خصوصی از معافیت مالیاتی منتفع می‌گردد. ضمناً این قبیل شرکت‌ها مکلف به‌تسلیم اظهارنامه مالیاتی می‌باشند.

ج ـ شرکت‌هائی که اموال آنان به‌حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی مصادره شده و به‌عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشند. (مادهٔ ۴ قانون محاسبات عمومی)

این شرکت‌ها از نظر مالیاتی تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی می‌باشند (بند۲ مادهٔ ۲ ق.م.م).

د ـ سایر اشخاص حقوقی: شرکت‌های سهامی عام و خاص، مختلط سهامی و شرکت‌های تعاونی و اتحادیه آنها، شرکت با مسؤولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی.

در این شرکت‌ها ۱۰٪ از کل درآمد به‌عنوان مالیات شرکت، محاسبه و وصول شده و از کل درآمد مشمول مالیات پس از کسر ۱۰٪ نسبت به‌بقیه به‌شرح زیر عمل خواهد شد:

اوّل ـ شرکت‌های سهامی ـ مختلط سهامی ـ تعاونی و اتحادیه آنها

ـ از درآمد سهم صاحبان سهام بی‌نام و نرخ مادهٔ ۱۳۱ ق.م.م.

ـ از اندوخته سهم صاحبان سهام بانام و شرکای ضامن و یا اعضاء شرکت‌های تعاونی به‌نسبت سهم هر یک از آنها به‌نرخ مادهٔ ۱۳۱ ق.م.م.

ـ از بقیه درآمد مشمول مالیات اعم از سود تقسیم شده یا تقسیم نشده به‌نسبت هر یک از آنها به‌نرخ مادهٔ ۱۳۱ ق.م.م.

شرکت‌هائی که سهام آنها از طرف هیأت پذیرش بورس، برای معامله در بورس، قبول شده است از سال پذیرش تا سالی که از فهرست نرخ‌ها در بورس، حذف نشده‌اند چنانچه کلیهٔ نقل و انتقال سهام خود را از طریق کارگزاران بورس انجام داده و مراتب را نیز در دفاتر مربوطه ثبت نمایند. معادل ده درصد (۱۰٪) مالیات آنها بخشوده می‌شود.

تبصره: «مادهٔ ۱۴۳ برای رونق بازار بورس مقرر می‌دارد که از هر نقل و انتقال سهام شرکت‌ها و همچنین سایر اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شوند مالیات مقطوعی به‌میزان ۰/۵ ٪ فروش سهام و حق‌تقدم سهام را وصول نمایند و کارگزاران بورس مکلفند که مالیات مزبور را در هر انتقال از ناقل وصول کرده و به‌حساب تعیین شده سازمان امور مالیاتی کشور واریز نموده و رسید آن را ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتقال سهام به‌انضمام فهرست تعداد و مبلغ فروش سهام مورد انتقال به‌اداره امور مالیاتی محل ارسال نمایند.

دوم ـ شرکت‌های با مسؤولیت محدود ـ تضامنی ـ نسبی ـ مختلط غیرسهامی

پس از کسر ۲۵٪ از کل درآمد به‌عنوان مالیات شرکت، بقیه درآمد مشمول مالیات به‌نسبت سرمایه یا سهم‌الشرکه یا به‌نسبتی که در اساسنامه تعیین گردیده تقسیم و سهم هر یک به‌طور جداگانه مشمول مالیات به‌نرخ مادهٔ ۱۳۱ خواهد بود.

هـ ـ مالیات مؤسسات غیرتجارتی

به‌موجب تبصره ۱ مادهٔ ۱۰۵ ق.م.م در مورد اشخاص حقوقی ایرانی غیرتجارتی که به‌منظور تقسیم سود تأسیس نشده‌اند در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند از مأخذ کل درآمد مشمول مالیات فعالیت انتفاعی آنها مالیات به‌نرخ مقرر در این ماده وصول می‌شود.

بخش دوم: مالیات اشخاص حقوقی خارجی

الف ـ مالیات اشخاص حقوقی خارجی که در ایران درآمد حاصل می‌کنند (مواد ۱۰۵ـ۱۱۳ـ۱۳۰ ق.م.م)

شرکت‌های خارجی در ایران بابت سرمایه‌گذاری یا فعالیت‌های خود باید مانند شرکت‌های ایرانی دفاتر قانونی داشته و طبق آئین نامه نحوهٔ تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر آنها را تنظیم نمایند. پیمانکاران خدماتی تجارتی نیز به‌همین منوال مکلف به‌داشتن دفاتر بوده و باید آنها را به‌زبان فارسی و طبق مقررات تحریر نمایند. تذکر این نکته ضروری است در صورتی که شرکت خارجی در ایران سهام خریداری نماید سهامدار محسوب می‌شود و نه شرکت خارجی.

به‌موجب تبصره ۲ مادهٔ ۱۰۵ ق.م.م. شرکت‌های مذکور در صورتی که در ایران تحصیل درآمد بنمایند خواه از بابت بهره‌برداری سرمایه یا واگذاری امتیازات و سایر حقوق متعلق به‌خود از بابت دادن تعلیمات کمک‌های فنی مشمول مالیات مقررات مربوط به‌این قانون می‌باشند. بر طبق بند ج ماده ۱۰۵ ناظر به‌مادهٔ ۱۱۳ ق.م.م مالیات مؤسسات کشتیرانی و هواپیمائی خارجی بابت کرایه مسافر و حمل کالا و امثال آنها از ایران به‌طور مقطوع ۵ درصد کلیهٔ وجوهی است که از این بابت عاید آنها می‌گردد اعم از اینکه وجوه مزبور در ایران یا در مقصد یا در بین راه دریافت گردد.

قسمت دوم مادهٔ ۱۱۳ مذکور مقرر می‌دارد: «... نمایندگی یا شعب مؤسسات مذکور در ایران موظفند تا بیستم هر ماه صورت وجوه دریافتی ماه قبل را به‌حوزه مالیاتی محل تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند مؤسسات مذکور از بابت این‌گونه درآمدها مشمول مالیات دیگری به‌عنوان مالیات بر درآمد نخواهند بود.

هرگاه شعب یا نمایندگی‌های مذکور صورت‌های مقرر را به‌موقع تسلیم نکنند یا صورت ارسالی آنها مطابق واقع نباشد در این‌صورت مالیات متعلق بر اساس تعداد مسافر و حجم محمولات علی‌الرأس تشخیص خواهد شد.

تبصره ـ «در مواردی که مالیات متعلق بر درآمد مؤسسات کشتیرانی و هواپیمائی ایران در کشورهای دیگر بیش از ۵٪ کرایه دریافتی باشد با اعلام سازمان ذیربط ایرانی، وزارت امور اقتصادی و دارائی موظف است مالیات شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمائی تابع کشورهای فوق را معادل نرخ مالیاتی آنها افزایش دهد».

ملاحظه می‌شود اگر اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از کشور در ایران به‌موقع صورت‌های مالی خود را طبق مقررات به‌حوزه مالیاتی تسلیم ننمایند در این صورت مالیات متعلقه علی‌الرأس تشخیص و تعیین می‌گردد.

ب ـ مالیات اشخاص حقوقی خارجی که از ایران درآمد کسب می‌نمایند (مادهٔ ۱۰۷ ق.م.م) و آئین نامه هیأت وزیران مصوب ۱۳۷۰/۳/۸

به‌موجب مادهٔ ۱۰۷ ق.م.م درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات خارج از ایران به‌شرح زیر تشخیص می‌گردد:

اوّل ـ درآمد مشمول مالیات در مورد اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران بابت واگذاری امتیازات و سایر حقوق خود از ایران و واگذاری فیلم‌های سینمائی (که به‌عنوان بها یا حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آنها می‌شود) به‌مأخذ بیست درصد (۲۰٪) تا چهل درصد (۴۰٪) مجموع وجوهی که ظرف یک سال مالیاتی عاید آنها می‌گردد، می‌باشد. ضریب تعیین درآمد مشمول مالیات هر یک از موارد مذکور در این بند بنا به‌پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌شود.

ج ـ اجتناب از اخذ مالیات مضاعف

در این زمینه موافقت نامه‌ای بین ایران و جمهوری فرانسه در ۷ نوامبر ۱۹۷۳ و قراردادی نیز بین ایران و جمهوری فدرال آلمان در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ به‌تصویب رسیده است و به‌موجب تصویب‌نامه هیأت وزیران بر اساس مادهٔ ۱۶۸ قانون مالیات‌های مستقیم، کلیهٔ قراردادها و موافقت‌نامه‌های مربوط به‌اجتناب از اخذ مالیات مضاعف که قبلاً بر طبق مادهٔ ۱۶۰ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ و تبصره آن به‌تصویب قانونگذار یا هیأت وزیران رسیده است ادامه آن تجویز شده است. متن تصویب‌نامه به‌شرح زیر می‌باشد: «تصویب‌نامه هیأت وزیران شمارهٔ ۷۲۱۴/ ت ۲۸۵ هـ ـ ۱۳۶۹/۸/۲ راجع به‌اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بر اساس مادهٔ ۱۶۸ ق.م.م.».

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۵ بنا به‌پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و

دارایی و بر اساس مادهٔ ۱۶۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ تصویب نمود.

کلیه قراردادها و موافقت‌نامه‌های مربوط به‌اجتناب از اخذ مالیات مضاعف که قبلاً بر اساس مادهٔ ۱۶۰ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ و تبصره آن به‌تصویب قانونگذار یا هیأت وزیران رسیده است بنا به‌دلایل مشروحه زیر ادامه یابد و مراتب توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌نمایندگی از طرف دولت به‌مجلس شورای اسلامی گزارش گردد: عدم لغو این قرارداد و موافقت‌نامه‌ها از سوی کشورهای مقابل و لزوم رعایت این موضوع از نظر عرف بین‌المللی، مطرح بودن شرط عمل متقابل در کلیهٔ این قراردادها و موافقت‌نامه‌ها، امکان فراهم شدن زمینه استفادهٔ آتی از برخی موافقت‌نامه‌هایی که در حال حاضر به‌دلیل مناسبات سیاسی، قابل استفاده نیستند، نقش این قرارداد در توسعه فعالیت‌های تجاری و حمل و نقل دریایی و هوایی بین ایران و کشورهای مقابل.

بخش سوم: معافیت از مالیات بر درآمد ـ جرائم مالیاتی

الف ـ معافیت‌های مالیاتی

معافیت‌های مالیاتی مندرج در مواد ۲ و ۱۳۲ تا ۱۴۶ ق.م.م و یا در بعضی از مقررات دیگر که قسمتی از آنها نیز مورد بحث قرار گرفته، به‌شرح زیر می‌باشد:

ـ مقررات مادهٔ ۱۸۹ ق.م.م که مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی و همچنین اشخاص حقیقی موضوع بندهای (الف) و (ب) مادهٔ (۹۵) این قانون چنانچه طی سه سال متوالی ترازنامه و حساب سود و زیان و دفاتر و مدارک آنان مورد قبول قرار گرفته باشد و مالیات هر سال را در سال تسلیم اظهارنامه بدون مراجعه به‌هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی پرداخت کرده باشند معادل ۵٪ اصل مالیات ۳ سال مذکور علاوه بر استفاده از مزایای مقرر در مادهٔ ۱۹۰ این قانون به‌عنوان جایزه خوش حسابی از محل صدور وصولی‌های جاری پرداخت یا در حساب سنوات بعد آنان منظور خواهد شد. جایزه مزبور از پرداخت مالیات معاف خواهدبود».

ـ درآمد حاصله از کلیهٔ فعالیت‌های مربوط به‌رشته کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش ماهی، زنبور عسل، پرورش طیور، صیادی، نوغان‌داری، احیاء مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخلیات از مالیات معاف می‌باشند.

ـ مؤسسات عام‌المنفعه، واحدهای تولیدی و معدنی که در شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران و ۵۰ کیلومتری مرکز اصفهان به‌خصوص در نقاط محروم کشور ایجاد گردد

از پرداخت مالیات معاف هستند.[1]

ـ مرکز فرهنگی، هنری که دارای پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشند برای مدت ۵ سال از پرداخت مالیات معاف خواهند بود و در صورتی‌که حوزه فعالیت مراکز مذکور در مناطق محروم کشور باشد این معافیت تا ۸ سال نیز قابل افزایش می‌باشد.

ـ درآمد شرکت‌های تعاونی و روستائی، عشایری، کشاورزی، صیادات، کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان و اتحادیه‌های آنها نیز از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

ـ شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تولیدی مربوط به‌فرش دستباف و صنایع دستی از پرداخت مالیات معاف هستند.

ـ مادهٔ ۱۴۳ ق.م.م معافیت مالیاتی شرکت‌هائی را پیش‌بینی می‌کند که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند.

ب ـ جرایم مالیاتی

۱ـ عدم تسلیم اظهارنامهٔ مالیاتی مؤدی یا تکمیل ننمودن قسمت‌هائی که مربوط به مشخصات وی می‌باشد و عدم تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان و عدم ارائه دفاتر قانونی (دفتر روزنامه ـ دفتر کل) به ممیز مالیاتی مستوجب پرداخت جریمه بین ۱ تا ۲۰ درصد می‌باشد.

۲ـ عدم پرداخت مالیات در موعد قانونی موجب تعلق جریمه‌ای معادل ۲/۵٪ مالیات به ازاء هر ماه خواهد بود (مادّه ۱۹۰ اصلاحی ۷۲/۱/۱).

۳ـ در شرکت‌های منحله مدیران اشخاص حقوقی مجتمعاً یا منفرداً نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و همچنین مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات قانونی مالیات‌های مستقیم مکلّف به کسر و ایصال آن بوده و مربوط به دوران مدیریت آنان باشد با شخص حقوقی (اعم از شرکت یا مؤسسه) مسئولیّت تضامنی دارند (مادّه ۱۹۸ ق.م.م.).

۴ـ در صورت تخلف شخص حقیقی یا حقوقی از انجام وظایف مقرره در مادّهٔ ۱۹۸، علاوه بر مسئولیّت تضامنی، مشمول جریمه‌ای معادل ۲۰٪ مالیات پرداخت نشده خواهد بود.

۵ـ تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و استناد به دفاتر برخلاف حقیقت به‌منظور فرار از پرداخت‌مالیات مستوجب مجازات حبس از ۳ماه تا ۲ سال می‌باشد. این مجازات در مورد مدیر یا مدیرانی که از انجام وظایف فوق خودداری کرده و موجبات تشخیص

---

۱ ـ برای اطلاع بیشتر به‌بند ۳ مادهٔ ۲ ق.م.م و مادهٔ ۱۳۲ همان قانون مراجعه فرمایند.

مالیات کمتر از میزان واقعی را فراهم سازند اعمال خواهد شد.

۶- در مورد ممنوع‌الخروج شدن بدهکاران مالیاتی، مادّهٔ ۲۰۲ ق.م.م. مقرر می‌دارد: **«وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر است از کشور جلوگیری نماید. حکم این مادّه در مورد مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی اعم از مالیات بردرآمد شخص حقوقی یا مالیات‌هایی که به موجب این قانون شخص حقوقی مکلف به کسر و ایصال آن می‌باشد و مربوط به دوران مدیریت آنان بوده نیز جاری است. مراجع ذیربط به اعلام وزارت یا سازمان مربوط مکلف به اجرای این مادّه می‌باشند.**

تبصره ـ در صورتی که مؤدیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل و انتقال اموال خود به همسر و یا فرزندان نمایند سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضایی اقدام نماید».

فصل چهاردهم

ورشکستگی و تصفیه اموال

بخش اوّل
تعریف و ماهیت حقوقی ورشکستگی

مادّهٔ ۴۱۲ (ق.ت.) مقرر می‌دارد: «**ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی در نتیجهٔ توقف از تأدیهٔ وجوهی که بر عهدهٔ اوست حاصل می‌شود...**».

مادّهٔ ۴۱۳ همان قانون اضافه می‌نماید: «**تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تأدیهٔ قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است، توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده، صورت دارائی و کلیهٔ دفاتر تجارتی خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید**».

این تعریف ظاهراً تنها توقف تاجر را به لحاظ عدم پرداخت دین، کافی برای ورشکستگی او دانسته است، اگر گفته شود منظور از توقف از پرداخت این است که بدهکار در انقضاء مهلت آنچه را که به عهده دارد تأدیه ننماید، می‌توان پاسخ داد که ممکن است مدیون قادر به پرداخت دیون خود باشد، ولی به عللی نتواند آنها را به موقع پرداخت کند.

بدین ترتیب عدم پرداخت دین واحدی حتی به مبلغ ناچیز ممکن است برای تحقق ورشکستگی کافی باشد و لطمهٔ بزرگی به تاجر یا شرکت تجارتی وارد گردد.

در صورتی که با دادن امکاناتی به تجار مذکور هم از ورشکستگی آنان جلوگیری می‌شود و هم دوباره راه‌اندازی می‌گردد. از طرف دیگر اگر توقف از پرداخت دین را ملاک عمل قرار دهیم تاجر یا شرکت تجاری ممکن است با آنکه وضع مالی بسیار وخیم دارد، به ظاهر با أخذ وام و اعتبار فقط دیون سررسید خود را تأدیه کند و از پرداخت سایر دیون از قبیل مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی و غیره خودداری نماید.

امروزه صرف خودداری از پرداخت دو یا چند چک، سفته، یا برات از طرف بازرگان به توقف از پرداخت تعبیر نمی‌شود، بلکه مفهوم اقتصادی پیچیده‌تری جایگزین تعریف حقوقی قدیم گردیده و تشخیص آن در اختیار دادگاه قرار داده شده است.

به این ترتیب، عناصر تشکیل دهنده ورشکستگی با در نظر گرفتن قوانین جدید بدین

شرح است: ۱ـتاجر، شرکت تجارتی یا شخص حقوقی حقوق خصوصی حتی غیرتاجر از پرداخت دیون خود متوقف باشد. ۲ـموضوع فعالیت آنان تجاری یا اقتصادی و سودآور باشد. ۳ـوضع مالی اشخاص فوق ناامید کننده بوده و واقعاً قادر به پرداخت دیون خود نباشند. ۴ـاشخاص مذکور به طرق متقلبانه مبادرت به پرداخت دیون خود نموده یا بنمایند.

بخش دوم
انواع ورشکستگی

ورشکستگی را می‌توان به عادی، به تقصیر و به تقلب تقسیم نمود.

الف ـ ورشکستگی عادی

برابر مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ ق.ت. کسی ورشکسته عادی محسوب می‌شود که تاجر یا شرکت تجارتی بوده و از پرداخت وجوهی که بر عهده دارد متوقف گردد و ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده باشد، توقف خود را به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خود اظهار نموده و صورت‌حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتی خود را به دفتر دادگاه مزبور تسلیم نماید. صورت‌حساب موصوف باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و تعداد و تقویم کلیهٔ اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف به‌طور مشروح، صورت کلیه قروض و مطالبات و نیز صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی در آن مندرج گردد.

بنابراین اگر تاجر یا شرکت تجارتی بدهکار ظرف مهلت مقرر، توقف از تأدیه دیون خود را به دادگاه صلاحیت‌دار به انضمام مدارک مورد نظر اعلام کرد، ورشکسته عادی محسوب می‌شود.

ب ـ ورشکستگی به تقصیر

اوّل ـ موارد چهارگانه الزامی صدور حکم ورشکستگی به تقصیر (مادّهٔ ۵۴۱ ق.ت)

۱ـ مخارج شخصی یا مخارج افراد تحت تکفل تاجر در ایام عادی به نسبت عایدی او فوق‌العاده شود.

۲ـ تاجر مبالغ زیادی از سرمایه خود را صرف معاملاتی کند که در عرف تجارتی موهوم بوده و یا سودآوری معاملات مذکور منوط به اتفاق محض باشد.

۳ـ تاجر به منظور به تأخیر انداختن ورشکستگی خود، خریدی گرانتر یا فروشی ارزانتر از قیمت روز کند و برای بدست آوردن وجه نقد به روش دور از صرفه متوسل شود؛ مثل استقراض یا صدور برات سازشی و غیره.

۴ـ تاجر پس از تاریخ توقف از ادای دیون و قروضی که بر عهده دارد، یکی از طلبکاران خود را بر سایرین ترجیح داده و طلب او را بپردازد.

دوم ـ موارد سه‌گانه اختیاری صدور حکم ورشکستگی به تقصیر (مادّهٔ ۵۴۲ ق.ت.)

۱ـ تاجر به حساب دیگری و بدون آنکه عوضی دریافت نماید، تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او انجام تعهدات مزبور فوق‌العاده باشد.

۲ـ عملیات تجارتی او متوقف شده و مطابق مادّهٔ ۴۱۳ قانون تجارت رفتار نکرده باشد.

۳ـ تاجر دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت واقعی خود را اعم از قروض و مطالبات به‌طور صریح معین نکند، مشروط بر آنکه در مورد اخیرالذکر تقلبی نکرده باشد.

سوم ـ تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر

تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر بنا به تقاضای هر یک از طلبکاران یا دادستان و یا مدیر تصفیه پس از تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می‌آید (مواد ۵۴۴ و ۵۴۷ ق.ت.) اگر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف دادستان به‌عمل آمده باشد، هزینه دادرسی آن به هیچ‌وجه به عهدهٔ هیأت طلبکاران نمی‌باشد. اگر مدیر تصفیه، ورشکسته به تقصیر را به نام بستانکاران تعقیب نماید، در صورت برائت ورشکسته موصوف، هزینه تعقیب به عهدهٔ بستانکاران می‌باشد و چنانچه تعقیب از طرف یکی از طلبکاران به‌عمل آمده باشد و ورشکسته برائت حاصل نماید، هزینهٔ دادرسی به عهدهٔ طلبکار است؛ اما در صورت محکومیت ورشکسته مزبور هزینه دادرسی به عهدهٔ دولت خواهد بود.

مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر از ۶ ماه تا ۲ سال حبس می‌باشد (مادّهٔ ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات»).

ج ـ ورشکستگی به تقلب

مطابق مادّهٔ ۵۴۹ ق.ت. اگر تاجر دفاتر تجارتی خود را از روی عمد و سوءنیت مفقود نماید یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کند و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری آن را از بین ببرد و بالاخره اگر به وسیلهٔ اسناد یا به‌وسیله صورت دارائی و قروض به‌طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی‌باشد، خود را مدیون قلمداد نماید، ورشکسته به تقلب محسوب می‌شود.

تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقلب

تعقیب جزائی تاجر ورشکسته به تقلب همانند تعقیب جزائی ورشکسته به تقصیر می‌باشد و مجازات کسانی که به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم می‌شوند از ۱ تا ۵ سال حبس می‌باشد(مادّه ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات»).

بخش سوم

اعلام ورشکستگی

برابر مادّهٔ ۴۱۵ ق.ت. ورشکستگی تاجر به حکم محکمهٔ بدایت برحسب اظهار خود تاجر، به موجب تقاضای یک یا چندنفر از طلبکاران و برحسب تقاضای مدعی‌العموم اعلام می‌شود.

الف ـ برحسب اظهار خود تاجر

هر تاجر بدهکار مکلف است دادخواست توقف خود را ظرف سه روز از تاریخ وقفه در پرداخت دیون به انضمام صورت حساب دارائی و کلیهٔ دفاتر تجارتی مربوط به دفتر دادگاه حقوقی یک محل اقامت خود تسلیم نماید.

صورتحساب مذکور باید مورخ باشد و به امضاء تاجر نیز رسیده و تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف به طور مشروح، صورت قروض و مطالبات، صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی هم ذکر شده باشد.

تاجری که به محض حصول توقف از پرداخت دیون نقدی خود در ظرف مدت ۳ روز با در نظر گرفتن مادّهٔ ۴۱۳ ق.ت. اعلام توقف ننماید، دادگاه می‌تواند برابر بند ۲ از مادّهٔ ۵۴۲ و ۵۴۳ ق.ت. چنین تاجری را ورشکسته به تقصیر اعلام نماید.

ب ـ به‌موجب تقاضای یک یا چندنفر از طلبکاران

مطابق بند ب از مادّهٔ ۴۱۵ ق.ت.، هر کسی که از تاجر مطالباتی دارد می‌تواند در صورت وقفه در تأدیهٔ مطالبات مزبور از طرف تاجر یا شرکت تجارتی دادخواست ورشکستگی علیه هر یک از آنها تهیه و به دادگاه تقدیم نماید. چنین حقی فقط برای حفظ حقوق او بوده است؛ زیرا بعضی از تجّار بر اثر سهل‌انگاری و یا تعمداً حاضر

نمی‌شوند به‌طور آشکار وضع اسف‌بار مالی خود را به دادگاه اعلام نمایند و چه بسا باقیماندهٔ اموال را نیز به‌طرق مختلف به دیگران منتقل می‌سازند، لذا اقدام قانونی طلبکار برای رفع چنین مشکلاتی و جلوگیری از سوء استفاده و حیف و میل شدن مابقی اموال تاجر متوقف ضروری می‌باشد.

ج ـ به موجب تقاضای دادستان

دادستان به نمایندگی از طرف جامعه حق دارد صدور حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی متوقف را از دادگاه مربوطه تقاضا نماید؛ زیرا ورشکستگی با اقتصاد کشور ارتباط مستقیم دارد، اشخاص ثالث می‌توانند در مواردی که تاجر یا شرکت تجارتی مرتکب جرایمی راجع به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شده باشد، مراتب را به دادستانی محل وقوع جرم اطلاع دهند؛ زیرا ورشکستگی ممکن است موجبات تزلزل اعتبار مالی دیگران را نیز فراهم سازد.

بخش چهارم

شرایط آغاز رسیدگی

بدهکار باید تاجر یا شرکت تجارتی بوده و از تأدیهٔ دیون خود متوقف باشد.

الف ـ خصوصیات بدهکار

اوّل ـ تاجر یا شرکت تجارتی

مادّهٔ ۴۱۲ ق.ت. مقرر می‌دارد: «**ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی در نتیجهٔ توقف از تأدیهٔ وجوهی که بر عهدهٔ اوست حاصل می‌شود**».

برابر مادّهٔ مذکور در صورتی که هر تاجر یا شرکت تجارتی نتواند دیون خود را در موعد مقرر پرداخت نماید ورشکسته محسوب می‌شود و قانونگذار ورشکستگی را به غیر تاجر و حتی شرکت غیرتجارتی توسعه نداده است.

در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان علیه کسبه جزء یا پیشه‌ورانی که از ادای دیون خود متوقف شده‌اند، دادخواست توقف داد؛ باید گفت که قانون کسبهٔ جزء را از شمول ورشکستگی معاف نموده و دربارهٔ آنان اعمال مقررات راجع به اعسار و تجویز نموده است؛ ولی به نظر می‌رسد اگر شخص حقیقی غیرتاجر اعم از کسبهٔ جزء یا پیشه‌ور به‌طور معمولی عمل تجارتی انجام و فقط زندگی خود و خانواده‌اش را به وسیلهٔ آن تأمین کند در این صورت تاجر محسوب نمی‌شود؛ اما در صورتی که از حاصل کار دیگران یا انجام معامله سود ببرند، علیه چنین اشخاص تحت شرایطی که در مورد اصلاح مادّهٔ ۴۱۲ ق.ت. پیشنهاد گردیده می‌توان دادخواست ورشکستگی تسلیم نمود؛ هرچند که نام آنان در دفتر تجارتی ثبت نشده باشد.

در مورد شرکت‌های تجارتی، قانونگذار کلیهٔ معاملات شرکت‌های تجارتی را به تبع شرکت تجارتی می‌داند ولی شرکاء و مدیران شرکت‌های مزبور را اصولاً تاجر محسوب

نمی‌کند (بند ۴ مادّهٔ ۳ ق.ت). اصل توسعه دادن ورشکستگی به اموال شخصی بعضی از مدیران در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده است. بنابراین لازم است گفته شود که اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هر یک از مدیران یا مدیر عاملی را منفرداً یا متضامناً به تأدیهٔ آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید.

دوم ـ تاجر متوفی

قسمت دوم مادّهٔ ۴۱۲ ق.ت. می‌گوید : «**حکم ورشکستگی تاجری را که حین‌الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود**». همین حکم را می‌توان در مورد تاجر متواری نیز جاری ساخت.

ب ـ توقف از ادای دیون

قانون تجارت ایران توقف از ادای دیون را تعریف ننموده و ظاهراً عدم توانائی پرداخت غیر از ادای دین است؛ زیرا عدم توانائی پرداخت هنگامی تحقق پیدا می‌کند که دارائی منفی بدهکار از دارائی مثبت او بیشتر باشد و عدم تعادل دو دارائی دقیقاً پس از تصفیهٔ اموال مشخص می‌گردد.

از طرف دیگر توقف از ادای دیون نیز دارای مفهومی بسیار خشن می‌باشد؛ زیرا ظاهراً با ملاحظه کلمات مذکور در بدو امر چنین تصور می‌شود که بدهکار با اینکه توانائی پرداخت دیون خود را در انقضاء مهلت داشته، ولی از پرداخت آنها خودداری نموده است.

با این تعبیر، علی‌الاصول باید عدم پرداخت دین واحد برای تحقق توقف کافی باشد. اگر باز هم توقف از ادای دیون را نشانگر ضعف بنیهٔ مالی تاجر بدانیم، ممکن است تاجری که مشکل مالی دارد، سعی کند برای مدت کوتاهی به ظاهر خود را دارای اعتبار جلوه دهد. به عبارت دیگر تاجر مزبور با أخذ وام موقتاً دیون تجاری خود را پرداخت کند، ولی از ادای مالیات و حقوق تأمین اجتماعی خودداری نماید.

بدین ترتیب توقف از پرداخت، شرط رضایت‌بخش و کافی برای ورشکستگی تاجر نخواهد بود.

دادگاه‌های ایران از تفسیر مضیق و محدود مادّهٔ ۴۱۲ ق.ت. خودداری نموده‌اند و پیشنهاد می‌شود که قسمت اوّل مادّهٔ ۴۱۲ ق.ت. به شرح زیر اصلاح گردد: «ورشکستگی

تاجر یا شرکت تجارتی، هر شخص حقوقی حقوق خصوصی حتی غیرتاجر، یا هرشخص حقیقی غیر تاجر که موضوع فعالیت آنان اقتصادی و یا سودآور باشد، در نتیجه عدم توانائی از تأدیهٔ دیونی که بر عهده دارد حاصل می‌گردد».

بخش پنجم

رسیدگی به دعوی و صدور حکم

در حکومت قانون سابق دادگاه‌های حقوقی یک صلاحیت رسیدگی به دادخواست ورشکستگی را به‌طور اختصاصی طبق قانون آئین دادرسی مدنی داشتند.

طبق مادّهٔ ۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۷۹/۱/۲۱ همین که خواهان دادخواست خود را با ضمایم مربوط به دفتر دادگاه تقدیم نمود، مدیر دفتر مکلف است در صورتی که دادخواست کامل باشد، بلافاصله، و الاّ پس از رفع نقص، یک نسخه از دادخواست و پیوست‌ها را با تعیین روز و ساعت جلسهٔ دادرسی برای خوانده ارسال نماید و روز جلسه دادگاه باید به نحوی تعیین شود که فاصله بین ابلاغ دادخواست و روز جلسه کمتر از ۵ روز نباشد. ضمناً در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.

آنچه مسلم است ادعای خواهان باید مستند به دلیل باشد؛ در غیر این‌صورت ولو اینکه خوانده هم سکوت کرده باشد، خواهان محکوم به بی‌حقی خواهد بود؛ زیرا برابر مادّهٔ ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۷۹/۱/۲۱ **«دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات یا دفاع از دعوی به‌آن استناد می‌نمایند».**

قانون تجارت ایران، دادگاه رسیدگی کننده به دعوای ورشکستگی را مکلف کرده که پس از احراز تاجر بودن فرد و علم به توقف از ادای وجوهی که بر عهدهٔ اوست حکم

ورشکستگی تاجر را صادر نماید، بدیهی است در این مورد باید به دلایل اقامه شده توجه نماید.

قبل از صدور حکم ورشکستگی دادگاه باید رأساً یا توسط قاضی دیگر و یا مدیر تصفیه و بالاخره توسط مدیر دفتر، اطلاعات کافی از وضع تاجر (اعم از حقیقی یا حقوقی) کسب نماید تا معلوم شود که آیا شخص مزبور قادر به ادامه فعالیت تجارتی می‌باشد یا خیر؟ چون هدف حقوق تجارت کمک به بازسازی واحدهای تولیدی، صنعتی، تجارتی یا خدماتی است، لذا باید تحقیقات لازم در این مورد به‌عمل آید.

مسئله دیگری که قبل از صدور حکم ورشکستگی باید در نظر گرفته شود این است که قاضی رسیدگی کننده به دعوی ورشکستگی مخیر است قبل از صدور حکم توقف در صورتی که امیدی به ادامه کار تاجر داشته باشد، هیأت بستانکاران را برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت نماید حال اگر تاجر بدهکار در مهلت‌های تعیین شده نتوانست دیون خود را پرداخت کند در این صورت دادگاه می‌تواند حکم ورشکستگی و تصفیه اموال تاجر مزبور را صادر نماید.

دادگاه رسیدگی کننده به دعوای ورشکستگی می‌تواند به وسیلهٔ مدیر تصفیه و با نظارت خود و طلبکاران بدون اینکه حکم توقف صادر کند قسمتی از اموال تاجر متوقف را فروخته و بین طلبکاران تقسیم نماید و چنین اقدامی در صورت رضایت طلبکاران امکان‌پذیر خواهد بود.

قاضی پرونده ورشکستگی باید مجاز باشد تاجر بدهکار را که پس از دعوی حاضر نشده است جلب و حتی زندانی نموده و نیز اقدامات تأمینی لازم نسبت به اموال نامبرده از قبیل منع انتقال اموال و پرداخت دیون به‌عمل آورد. بدیهی است پس از رد تقاضای ورشکستگی، کلیه ممنوعیت‌های مورد بحث، ملغی‌الاثر خواهد بود.

بخش ششم
محتوی حکم به موجب قانون تجارت

حکم ورشکستگی حکم اعلامی است؛ یعنی آثار حکم محدود به طرفین دعوی نبوده بلکه نسبت به کلیهٔ افراد دارای اعتبار می‌باشد. ضمناً حکم ورشکستگی به‌طور موقت اجرا می‌شود و چون حکم به قطعیت نرسیده عملیات اجرائی معمولاً محدود به اقدامات تأمینی می‌باشد.

اگر در هر حوزه دادگاه عمومی، ادارهٔ تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تأسیس نشده باشد، دادگاه مکلف به تعیین عضو ناظر خواهد بود.

الف ـ تعیین عضو ناظر

عضو ناظر مأمور ادارهٔ امور مربوط به ورشکستگی است و دادگاه می‌تواند در موردی که مقتضی بداند، عضو ناظر را تبدیل و شخص دیگری را به جای او تعیین نماید. (مواد ۴۲۸ و ۴۳۲ ق.ت.) عضو ناظر در کلیهٔ امور مربوط به ورشکستگی و سرعت جریان آن نظارت داشته و در تمام منازعاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه می‌باشد، مداخله و مراتب را گزارش می‌نماید.

در صورت شکایت از تصمیمات عضو ناظر باید به دادگاهی که عضو ناظر را تعیین نموده مراجعه کرد.

ب ـ اقدامات تأمینی

دادگاه در حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی دستور مهر و موم انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشته‌ها و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را صادر می‌نماید. عضو ناظر ممکن است فوراً از کلیهٔ دارائی تاجر یا شرکت تجارتی

صورت برداری نماید و از آنجائی که این عمل معمولاً مدتی به طول می‌انجامد، لذا عضو ناظر برای جلوگیری از حیف و میل دارائی ورشکسته قبل از صورت‌برداری اقدام به مهر و موم آنها می‌نماید.

مادّهٔ ۴۳۴ ق.ت. می‌گوید: **«مهر و موم باید فوراً به‌توسط ناظر به‌عمل آید مگر در صورتی که به عقیدهٔ عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشت صورت شود».**

اگر شرکت تجارتی ورشکسته، تضامنی یا مختلط و یا نسبی باشد، اموال شخص شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد؛ مگر آنکه دادگاه حکم ورشکستگی شخص شرکاء شرکت‌های مذکور را به موجب حکم جداگانه و یا در ضمن حکم دادگاه صادر نماید.

ج ـ صدور قرار توقیف تاجر

چنانچه تاجر مفاد مادّهٔ ۴۱۳ ق.ت. را در مورد اعلام وقفه از تأدیه دیون و تسلیم صورت حساب دارائی و کلیهٔ دفاتر تجارتی خود که متضمن مراتب مندرج در مادّهٔ ۴۱۴ قانون مذکور می‌باشد به دادگاه عمومی یک محل اقامت خود رعایت نکند، دادگاه مکلف است قرار توقیف تاجر را صادر نماید و این سخت‌گیری قانونگذار از مواردی است که تاجر ورشکسته به تقصیر نیز باشد. ضمناً قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده می‌شود که معلوم گردد تاجر ورشکسته می‌خواهد به واسطهٔ اقدامات خود از اداره امور ورشکستگی و تصفیهٔ دارائی مربوطه جلوگیری نماید (مواد ۴۳۵ و ۴۳۶ ق.ت.).

د ـ تعیین تاریخ توقف

دادگاه باید تاریخ توقف را تعیین نماید؛ هرچند که مادّهٔ ۴۱۶ ق.ت. در صورت تعیین نشدن تاریخ از طرف دادگاه تاریخ صدور حکم ورشکستگی را تاریخ توقف محسوب می‌کند.

از طرف دیگر بستانکاران می‌توانند تا انقضاء مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات خود معین شده است، تغییر تاریخ توقف را از دادگاه صادر کننده حکم درخواست نمایند.

با تعیین تاریخ توقف، تاجر یا شرکت تجارتی ورشکسته از تاریخ توقف حق مداخله یا دخل و تصرف در تمام اموال خود اعم از اعیانی و منافع و حقوق مالی را ندارد.

هـ ـ تعیین مدیر تصفیه

دادگاه ضمن حکم ورشکستگی خود یا حداکثر در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم یک‌نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می‌نماید تا حساب‌های تاجر ورشکسته را تصفیه و دیون او را پرداخت نماید و در قبال انجام وظایف قانونی مستحق دریافت حق‌الزحمه‌ای است که از طرف دادگاه معین می‌شود.

بخش هفتم

آثار حکم ورشکستگی نسبت به ورشکسته

تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد، ممنوع است. در کلیهٔ اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، مدیر تصفیه، قایم‌مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند (مادّهٔ ۴۱۸ ق.ت.).

آثار حکم ورشکستگی وقتی ظاهر می‌شود که حکم ورشکستگی از دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده باشد و برابر مادّهٔ ۴۱۹ ق.ت. از تاریخ حکم ورشکستگی هرکس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

مادّهٔ ۴۱۸ به‌طور صریح تاریخ صدور حکم را مبدأ سلب مداخله تاجر در تمام اموال خود تعیین نموده است و منطقی هم به نظر می‌رسد؛ زیرا اشخاص طرف معامله تاجر بدون آگاهی از وضع مالی او مبادرت به تنظیم قراردادهایی نموده و به مورد اجرا می‌گذارند؛ حال اگر پس از مدتی چنین قراردادهایی به علت توقف تاجر باطل اعلام گردد، مآلاً اشخاص مذکور که سوءنیتی هم نداشته‌اند متضرر خواهند شد.

الف ـ مستثنیات دین

برابر مادّهٔ ۱۶ (ق.ا.ت.ا.و.): **«مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی جزء صورت اموال قید خواهد شد».**

مادّهٔ ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به مستثنیات دین اشاره نمی‌کند؛ ولی اموال زیر را برای اجرای حکم غیرقابل توقیف می‌داند:

۱ـلباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است.
۲ـ آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم‌علیه و اشخاص واجب‌النفقه او.
۳ـ وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.
۴ـ اموال و اشیایی که به‌موجب قانون مخصوص غیرقابل توقیف می‌باشند.
تبصره: تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هائی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قایم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود.

ب ـ ورشکستگی شخصی مدیران شرکت و اشخاص دیگر

مادهٔ ۴۱۲ فقط در مورد ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی که از ادای دیون و وجوهی که بر عهده دارد متوقف گشته است، صحبت کرده و سخنی دربارهٔ ورشکستگی مدیران یا شرکاء شرکت بیان ننموده است.

برابر مادهٔ ۴۳۹ ق.ت. در مورد شرکاء ضامن شرکت‌های تضامنی، یا مختلط یا نسبی، دادگاه اختیار دارد که حکم ورشکستگی شرکاء ضامن را در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر نماید. ولی در مورد شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیّت محدود، شرکت‌های مختلط (در مورد سهامداران و شرکاء با مسئولیّت محدود) سکوت نموده است.

امروزه اصل تفکیک بنگاه‌های تجارتی از اداره‌کنندگان و شرکاء آن موجب گردیده است که ورشکستگی شخصی مدیران و سایر تدابیر تأمینی را پیش‌بینی نمایند تا دست‌اندرکاران شرکت‌ها در تحت پوشش شخص حقوقی، سهامداران، شرکاء و یا اشخاص ثالث را متضرر ننمایند و برای حمایت از واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری و خدماتی عام‌المنفعه، در قوانین جدید کلمهٔ «ورشکستگی» را فقط در مورد مدیران و دست‌اندرکاران واحدهای مذکور بکار برده‌اند.

ج ـ اثر ورشکستگی شخصی شریک یا سهامدار در انحلال شرکت

در طبقه‌بندی شرکت‌های تجارتی آنها را با توجه به خصوصیاتی که دارند به شرکت‌های شخص (شامل: شرکت تضامنی، شرکت نسبی، شرکت با مسئولیّت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی) و به شرکت‌های سرمایه (شامل: شرکت سهامی عام و خاص، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی) تقسیم می‌نمایند.

اوّل ـ در شرکت‌های شخص

در این شرکت‌ها که نمونهٔ بارز آن شرکت تضامنی است، مادّهٔ ۱۲۸ ق.ت. مقرر می‌دارد؛ «**ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد**».

این مادّه با در نظر گرفتن اصل انفکاک و تنجیز دارائی شخص حقوقی (شرکت) از اشخاص حقیقی آن (شرکاء) ورشکستگی بعضی از شرکاء را موجب ورشکستگی شرکت نمی‌داند؛ اما چون ممکن است شرکاء تحت پوشش شخص حقوقی و به قصد فرار از دین، اموال شرکت را به نام خود منتقل سازند، لذا مادّهٔ ۱۳۸ ق.ت. برای حفظ حقوق بستانکاران تحت شرایطی، ورشکستگی شرکت تضامنی را به تبع ورشکستگی یک یا چندنفر از شرکاء تقاضای کتبی مدیر تصفیه شخص ورشکسته از شرکت تضامنی مبنی بر انحلال شرکت اخیر، انقضاء مدت ۶ ماه از تاریخ تقاضای مدیر تصفیه و منصرف نکردن مدیر تصفیه از تقاضای انحلال توسط شرکت.

برابر مادّهٔ ۱۲۹، قانونگذار برای ثبات امور تجارتی سعی نموده از انحلال شرکت به علت عدم تأدیه قروض شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخص مدیون (شریک شرکت تضامنی) وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیهٔ طلب آنها نباشد، می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند؛ به‌شرط اینکه لااقل ۶ ماه قبل، قصد خود را به وسیلهٔ اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند. در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادامی که حکم نهائی صادر نشده با تأدیه طلب دائن مزبور تا حد دارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت وی به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

دوم ـ در شرکت‌های سرمایه

شرکت سهامی عام و خاص نمونهٔ بارز شرکت‌های سرمایه است و با توجه به مادّهٔ ۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مسئولیّت هر سهامدار محدود به مبلغ اسمی سهم او می‌باشد. لذا ورشکستگی شخص سهامدار بنا به محدودیت مسئولیّت او موجب ورشکستگی شرکت نمی‌شود ولی قانونگذار برای حفظ حقوق طلبکاران شرکت‌های سهامی در مادّهٔ ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) مسئولیّت فردی یا تضامنی مدیران را پیش‌بینی نموده و اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارائی شرکت برای ادای

دیون آن تکافو نمی‌نماید هر طلبکاری می‌تواند از دادگاه ذیصلاح محکومیت مدیران شرکت سهامی را که با ارتکاب تقصیر موجبات ورشکستگی شرکت و عدم تکافوی دارائی آن را فراهم ساخته‌اند به پرداخت آن قسمت از دیونی که وصول آن از دارائی شرکت امکان‌پذیر نیست، تقاضا نماید.

بخش هشتم

آثار حکم ورشکستگی نسبت به قراردادهای ورشکسته

الف ـ معاملات تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف

اوّل ـ معاملات به قصد فرار از دین یا برای اضرار طلبکاران

مادّهٔ ۴۲۴ ق.ت. می‌گوید: «هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری، برای اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قایم مقام قانونی آنها، ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع ($\frac{1}{4}$) قیمت حین‌المعامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ، تفاوت قیمت را بپردازد. دعوای فسخ در ظرف دوسال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود».

در این مادّه اصل صحت معاملات تاجر قبل از توقف به لحاظ ثبات معاملات مورد توجه بوده و فقط تحت شرایط مندرج در مادّه قابل فسخ می‌باشد. در عین حال به طرف معامله امکان داده می‌شود که قبل از صدور حکم فسخ معامله از دادگاه، تفاوت قیمت را پرداخت نموده و از فسخ معامله جلوگیری نماید.

دوم ـ نحوهٔ پرداخت قیمت حین‌المعامله به محکوم‌علیه

«هرگاه محکمه به موجب مادّهٔ قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید، محکوم‌علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی راکه موضوع معامله بوده است، عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین‌المعامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر بین غرما تقسیم شود، دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد، تفاوت قیمت را خواهد داد» (مادّهٔ ۴۲۵ ق.ت.).

این مادّه معاملات معاوضی را مورد توجه قرار داده و معاملات غیرمعاوضی مثل هبه و سایر نقل و انتقالات بلاعوض، بخاطر ثبات معاملات مدّنظر نمی‌باشد.

سوم ـ معاملات صوری یا مسبوق به تبانی

اگر تاجر معامله‌ای قبل از تاریخ توقف بنماید که صوری بوده و یا مسبوق به تبانی باشد پس از ثابت شدن در دادگاه، آن معامله خودبخود باطل بوده و عین و منافع مال موضوع معامله به تاجر مسترد می‌گردد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزء غرماء حصه‌ای خواهد بود (مستفاد از مادّهٔ ۴۲۶ ق.ت).

ب ـ معاملات تاجر ورشکسته از تاریخ توقف تا صدور حکم ورشکستگی

بین تاریخ توقیف یعنی تاریخی که تاجر از پرداخت دیون و قروضی که بر عهده دارد عاجز و متوقف می‌شود تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی از دادگاه عمومی که اصطلاحاً به دوران مشکوک معروف است، گاهی اتفاق می‌افتد که تاجر معاملاتی انجام می‌دهد که به ضرر بستانکاران است و یا با سوءنیت بعضی از اموال خود را به دیگران منتقل می‌نماید. برای حمایت از حقوق بستانکاران و برای جلوگیری از سلب اعتماد آنان نسبت به واحدهای تجارتی در حقوق اغلب کشورهای جهان مقرراتی وضع شده است.

مادّهٔ ۴۲۳ ق.ت. می‌گوید: **«هرگاه تاجر پس از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:**

ـ هر صلح محاباتی یا هبه و به‌طور کلی هرگونه نقل و انتقالات بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد.

ـ تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به‌هر وسیله که به‌عمل آمده باشد.

ـ هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود».

ج ـ معاملات تاجر ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی

از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر ورشکسته از مداخله در تمام اموال خود اعم از اعیانی و منافع و حقوق مالی از قبیل حق دائن بر مدیون، حق شفعه، حق خیار، حق تحجیر و غیره، حتی اموالی که ممکن است بعداً عاید او گردد، ممنوع می‌باشد و مدیر تصفیه یا اداره تصفیه قایم مقام قانونی ورشکسته می‌باشد و چنانچه تاجر بعد از

صدور حکم معاملاتی نسبت به دارائی خود بنماید باطل و بلااثر است.

اوّل ـ تعلیق دعاوی فردی

در حقوق مدنی هر کس باید مراقب منافع فردی خود باشد و در صورت اقدام فوری، نسبت به دیگران در وصول طلب خود شانس بهتری خواهد داشت اما در حقوق تجارت هدف اساسی قوانین و مقررات ورشکستگی ایجاد تساوی بین طلبکاران تاجر یا شرکت تجارتی ورشکسته در امر وصول مطالبات می‌باشد. به همین جهت مادّهٔ ۴۱۹ ق.ت. مقرر می‌دارد: «**از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به‌طرفیت او تعقیب کند. کلیهٔ اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود**».

در همین زمینه قانونگذار با تعیین مدیر تصفیه یا ادارهٔ تصفیه، دعاوی و تعقیبات فردی را علیه تاجر ورشکسته تعلیق کرده و تصریح نموده است که مدیر تصفیه یا اداره تصفیه به نمایندگی قانونی از طرف طلبکاران و تاجر ورشکسته وظایف محوله را انجام خواهد داد. از طرف دیگر نسبت به تصمیمات مدیر تصفیه یا اداره تصفیه می‌توان به دادگاه صادرکننده حکم توقف شکایت نمود.

دوم ـ حال شدن دیون مؤجل تجار ورشکسته

مادّهٔ ۴۲۱ ق.ت. مقرر می‌دارد: «**همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به قروض حال مبدل می‌شود**».

مسألهٔ حال شدن دیون مؤجل این طور توجیه شده که چون طلبکار در بدو امر به تاجر یا شرکت تجارتی به لحاظ اعتبار آنان اعتماد می‌نماید، لذا حاضر می‌شود به تاجر یا شرکت تجارتی در ادای دیون مهلت دهد ولی به‌علت وخیم شدن وضع مالی تاجر و ورشکستگی او طلب طلبکار در معرض تضییع قرار می‌گیرد. بنابراین باید از ورود ضرر به طلبکار جلوگیری شود و برای این منظور طلب وی حال گردد؛ زیرا اگر اجل تبدیل به‌حال نشود مدیر تصفیه یا ادارهٔ تصفیه اموال تاجر را بین طلبکارانی که طلب مال دارند به نسبت حصه آنان تقسیم می‌نماید و دیگر مالی باقی نخواهد ماند تا صاحب طلب مؤجل پس از حال شدن طلب، اسناد مربوطه را ارائه و طلب خود را وصول نماید و از این بابت متضرر خواهد شد.

بخش نهم

تصفیه امور ورشکستگی مطابق قانون تجارت

برابر مادّهٔ ۴۴۰ قانون تجارت، دادگاه در ضمن صدور حکم ورشکستگی و یا حداکثر ظرف ۵ روز از صدور حکم یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه و مطابق با مادّهٔ ۴۲۷ ق.ت. یک نفر را به سمت عضو ناظر تعیین می‌نماید.

الف ـ وظایف عضو ناظر و مدیر تصفیه

عضو ناظر و مدیر تصفیه به منظور اقدامات تأمینی، به دعوت بستانکاران و بدهکاران ورشکسته، اداره اموال و وصول مطالبات ورشکسته، فروش اموال ورشکسته، تقسیم دارائی ورشکسته بین بستانکاران و بالاخره اعلام خاتمه ورشکستگی اقدام می‌نمایند.

برابر مادّهٔ ۴۳۴ ق.ت. دادگاه به عضو ناظر مأموریت می‌دهد که از کلیه اموال تاجر ورشکسته فوراً صورت‌برداری نماید و این صورت‌برداری علی‌القاعده باید در یک روز انجام شود. چنانچه به نظر عضو ناظر مدت صورت برداری از دارائی تاجر متجاوز از یک روز باشد، عضو ناظر اقدام به مهر و موم اموال تاجر می‌نماید.

در مهر و موم اموال تاجر ورشکسته، عضو ناظر به ترتیب انبارها، حجره‌ها، صندوق، اسناد، دفاتر، نوشته‌ها، اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را مهر و موم خواهد نمود (مادّهٔ ۴۳۸ ق.ت.) اگر شرکت ورشکسته، تضامنی، نسبی یا مختلط باشد، اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد، مگر اینکه حکم ورشکستگی شرکاء نیز به‌موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد.

البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانوادهٔ او لازم هستند، اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود و یا کسر قیمت حاصل نمایند و اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که

توقیف آنها موجب خسارت طلبکاران باشد از مهر و موم مستثنی هستند.

مدیر تصفیه همچنین مکلف است صورت طلبکاران احتمالی ورشکسته را تهیه نماید و برای این منظور باید به صورت قروضی که تاجر متوقف داده است مراجعه نماید و در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد، برطبق مادّهٔ ۴۴۹ ق.ت. عمل نماید.

وقتی که حکم ورشکستگی صادر گردید، بستانکاران تاجر ورشکسته مکلفند پس از آگهی دعوت مدیر تصفیه اسناد طلب خود یا رونوشت مصدق آن را به عنوان انضمام فهرستی که کلیهٔ مطالبات بستانکاران را معین نماید به مدیر دفتر دادگاه صادرکننده حکم تسلیم نموده و رسید آن را دریافت دارند. تشخیص مطالبات بستانکاران مزبور باید ظرف ۳ روز از تاریخ پایان مهلت‌های نشر آخرین آگهی در روزنامه شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر تعیین گردیده است، ادامه یابد در صورتی که طلب مسلم و قبول شد، مدیر تصفیه بر روی سند این عبارت را می‌نویسد: «جزو قروض........ مبلغ .... قبول شد به تاریخ ....» و عضو ناظر نیز آن را گواهی می‌کند.

اوّل ـ طبقه‌بندی بستانکاران

بستانکاران را می‌توان به چهار طبقه زیر تقسیم نمود:

۱ـ بستانکاران با حق وثیقه منقول

۲ـ بستانکاران با حق وثیقه غیرمنقول

۳ـ بستانکاران با حق رجحان

۴ـ بستانکاران عادی که به غرماء مشهور شده‌اند و به نسبت طلب خود حصه می‌برند.

۱ـ بستانکاران با حق وثیقه منقول

طلبکارانی که رهینهٔ منقول در دست دارند به عبارت دیگر در قبال طلب خود مال منقولی از تاجر أخذ نموده‌اند، نام آنان فقط در صورت غرماء برای یادداشت قید می‌شود. به این معنا که آنها می‌توانند تمام طلب خود را که صحت آنها تصدیق شده از دارائی تاجر ورشکسته بگیرند و نیازی نیست که داخل در غرماء شوند. مدیر تصفیه می‌تواند هر موقع که بخواهد با اجازه عضو ناظر طلب بستانکاران مزبور را داده و مال‌الرهانه را از رهن خارج ساخته و جزء دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد. در

صورتی که مورد وثیقه فک نشود، مدیر تصفیه باید با نظارت دادستان و با حضور مرتهن آن را به فروش برساند.

۲ـ بستانکاران با حق وثیقه غیرمنقول

طلبکارانی که رهینه غیرمنقول دارند نسبت به مال مزبور حق تقدم دارند و شکی نیست که قبل از پرداخت طلب این قبیل اشخاص که در مقابل طلب خود مال غیرمنقول تاجر ورشکسته را در تصرف دارند، نمی‌توان از آنان خلع ید نمود. به این ترتیب از وجوه حاصل از فروش مال غیرمنقول، بدواً باید طلب طلبکاری که رهینهٔ غیرمنقول دارد پرداخت گردد. حال اگر حاصل فروش مزبور کفایت طلب مرتهن را ننماید، نسبت به بقیهٔ طلب جزء غرما معمولی منظور شده و از وجوهی که برای غرماء مقرر شده است، حصه می‌برد؛ به شرط آنکه طلب وی تصدیق شده باشد (مادّه ۵۱۸ ق.ت.).

۳ـ بستانکاران با حق رجحان

مادّهٔ ۵۸ قانون ادارهٔ تصفیه امور ورشکستگی بستانکاران با حق رجحان را به شرح زیر احصاء نموده است:

طبقهٔ اوّل:

ـ حقوق خدمهٔ خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف

ـ حقوق خدمتگزار بنگاه‌ورشکسته برای مدت ۶ماه آخر قبل از توقف

ـ دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف

طبقه دوم:

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده، نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است.

طبقهٔ سوم:

طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده باشد.

طبقه چهارم:

ـ نفقهٔ زن مطابق مادّهٔ ۱۲۰۶ قانون مدنی

ـ مهریه زن تا میزان ۱۰/۰۰۰ ریال به شرط آنکه ازدواج اقلاً ۵ سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

۴ـ بستانکاران عادی

بستانکاران عادی کسانی هستند که حق وثیقه یا حق رجحان نسبت به اموال و دارایی ورشکسته ندارند. بدیهی طلب بستانکاران مزبور پس از ادای مطالبات با حق وثیقه یا حق رجحان، از باقیمانده دارایی ورشکسته به نسبت طلب آنان پرداخت می‌شود.

دوم ـ قرارداد ارفاقی

پس از صدور حکم ورشکستگی تاجر و تشخیص طلبکاران حقیقی او به منظور ارفاق و مدارا و کمک و همراهی بین تاجر و طلبکاران مزبور، تحت شرایط قانونی، قرارداد ارفاقی تنظیم می‌گردد که به موجب آن طلبکاران از دریافت قسمتی از طلب خود از تاجر ورشکسته، صرف‌نظر کرده و بقیه را با ترتیب معینی وصول می‌نمایند. ضمناً به تاجر موصوف، مهلت می‌دهند که بنگاه تجارتی خود را بازسازی نموده و در صورت سوددهی، مابقی بدهی خود را پرداخت نماید، تاجر ورشکسته نیز به نوبهٔ خود مراتب فوق را متعهد می‌گردد.

اما این امر که انعقاد قرارداد ارفاقی بعد از صدور حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی باشد، قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر تاجری به جهت مشکلات اقتصادی و حوادث غیرمترقبه از پرداخت دیون خود متوقف گردیده است، عدالت و نصفت حکم می‌کند که قبل از اینکه حکم ورشکستگی چنین شخصی صادر شده و موجبات تزلزل اعتبار تجارتی او فراهم گردد، قاضی دادگاه قادر باشد که با دعوت طلبکاران تاجر متوقف و با جلب رضایت آنان یا حتی رأساً با توجه به اهمیت واحد تولیدی و صنعتی و یا تجارتی به تاجر یا شرکت متوقف مهلت بازسازی و ادای دیون را بدهد.

۱ـ دعوت بستانکاران، حدنصاب رسمیت جلسه و انعقاد قرارداد ارفاقی

پس از رسیدگی به مطالبات، عضو ناظر به موجب مادهٔ ۴۷۶ ق.ت. باید از کلیهٔ بستانکارانی که طلب آنان تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است در ظرف ۸ روز از تاریخ موعدی که تعیین گردیده، توسط مدیر دفتر دادگاه صادرکننده حکم، دعوت به عمل آورد و در مجمع مزبور که تحت ریاست عضو ناظر تشکیل می‌گردد، علاوه بر طلبکاران یا وکیل ثابت‌الوکاله آنان، تاجر ورشکسته هم باید شخصاً حضور به هم رسانده و در مذاکرات شرکت نماید.

برای رسمیت مجمع مزبور و اتخاذ تصمیم، دو نوع اکثریت پیش‌بینی گردیده که یکی اکثریت عددی و دیگری اکثریت مبلغی می‌باشد. در مورد اکثریت عددی حضور لااقل نصف به علاوهٔ یک طلبکارانی که مطالبات آنان تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً مورد قبول قرار گرفته است، برای اتخاذ تصمیم ضروری است؛ ولی برای اینکه تصمیم مزبور به مورد اجرا در آید اکثریت مبلغی نیز الزامی می‌باشد. به عبارت دیگر طلبکاران مزبور باید سه چهارم از کلیهٔ مطالبات را هم دارا باشند.

وقتی مجمع طلبکاران با توجه به اکثریت عددی (نصف به علاوه یک طلبکاران) و اکثریت مبلغی (دارندگان سه چهارم از مطالبات) تشکیل گردید، موضوع قرارداد ارفاقی که هدف آن کمک و همراهی و ارفاق به ورشکسته می‌باشد بین تاجر ورشکسته و طلبکاران وی با شرایط پیش‌بینی شده در قانون منعقد می‌گردد. در جلسهٔ مزبور مدیر تصفیه گزارش خود را ارائه می‌دهد و سپس تاجر ورشکسته نظریاتی در مورد دیون و ادامه کار تجارتی خود و امکانات پرداخت قروض خود به اطلاع حضار می‌رساند. در صورتی که اکثریت لازم در خصوص انعقاد قرارداد ارفاقی حاصل شد، عمل ورشکستگی در همین جا خاتمه پیدا نموده و تاجر به‌کار تجارتی خود ادامه می‌دهد.

در مورد تاجر ورشکسته به تقلب قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود؛ زیرا شکی نیست که ورشکسته به تقلب با توسل به وسایل متقلبانه به اضرار طلبکاران اهتمام ورزیده است؛ ولی در مورد تاجر ورشکسته به تقصیر انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است.

۲ـ موارد بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی

به موجب مادّهٔ ۴۹۲ قانون تجارت قرارداد ارفاقی در موارد زیر باطل می‌شود:

۱ـ در صورتی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شود.

۲ـ چنانچه کشف شود که قبل از انعقاد قرارداد ارفاقی در میزان دارائی یا مقدار قروض تاجر ورشکسته حیله و تزویری به کار رفته و مقدار واقعی آنها در صورت حساب‌ها قید نشده است. مواردی که می‌توان قرارداد ارفاقی را فسخ نمود دو مورد می‌باشد: اوّل آنکه اگر تاجر ورشکسته از شرایط قرارداد ارفاقی سرپیچی کرده یا آن را اجرا ننماید و دوم در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد راکسی ضمانت کرده باشد. طلبکار می‌تواند اجزای کلی یا جزئی قرارداد را از ضامن بخواهد و در صورت تعدد ضامن مسئولیّت آنها تضامنی است. در مورد اخیر اگر قسمتی از قرارداد ضامن نداشته باشد، قرارداد نسبت به آن فسخ می‌شود (مواد ۴۹۴ و ۴۹۵ ق.ت.).

سوم ـ فروش اموال ورشکسته

مدیر تصفیه، پس از انجام تشریفات راجع به جمع‌آوری اموال ورشکسته و حفاظت آنها و همچنین تشخیص دیون و مطالبات ورشکسته و تهیه صورت طبقه‌بندی بستانکاران او و در صورتی که بین تاجر ورشکسته و بستانکاران وی قرارداد ارفاقی منعقد نشده و یا به دلایلی ابطال و یا فسخ شده باشد، اقدام به فروش اموال ورشکسته و تبدیل آنها به پول نقد می‌نماید تا حاصل فروش را بتواند بین غرماء تقسیم کند.

اموالی که می‌شود آنها را به فروش رساند عبارتند از:

۱ـ فروش اموال فاسدشدنی و اشیایی که در معرض کسر قیمت می‌باشد و همچنین فروش اشیایی که نگاهداری آنها مفید نیست؛ توسط مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر به‌عمل می‌آید (مادّهٔ ۴۴۵ ق.ت.).

۲ـ پس از تهیه شدن صورت دارائی تاجر ورشکسته، مدیر تصفیه می‌تواند با کسب اجازه از دادستان و با نظارت عضو ناظر به فروش اثاث‌البیت و مال‌التجاره تاجر، مباشرت نماید؛ ولی باید اظهارات تاجر ورشکسته رااستماع و یا لااقل او را برای توضیحات احضار کند.

۳ـ در صورتی که تسویه حساب تاجر ورشکسته شروع شود مدیر تصفیه مکلف است تحت‌نظر عضو ناظر و حضور تاجر ورشکسته کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر مزبور را به فروش رسانیده و سپس مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تسویه حساب (تفریغ) نماید.

۴ـ در صورتی که از رهینه منقول فک وثیقه نشود، مدیر تصفیه مکلف است با نظارت دادستان آن را به فروش برساند و مرتهن نیز باید به هنگام فروش دعوت شود (مادّهٔ ۵۱۶ ق.ت.).

چهارم ـ مسئولیّت امضاءکنندگان ورشکستهٔ برات یا پرداخت‌کنندگان دین تضامنی

در صورتی که چند نفر از امضاءکنندگان برات که مکلف به پرداخت مبلغ مندرج در برات می‌باشند ورشکسته شوند، دارنده برات می‌تواند برای وصول کل مبلغ برات به اموال یکی از مسئولین برات و یا به اموال کلیهٔ آنها مراجعه نماید؛ به عبارت دیگر، داخل در هر یک از غرماء یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود اعم از اصل مبلغ و سایر

خسارات قانونی گردد؛ مثلاً، اگر در شرکت تضامنی دونفر از شرکاء ضامن به اسامی الف به عنوان برات‌دهنده و ب به عنوان برات گیرنده، براتی را که مبلغ یکصد هزار ریال در وجه شخص دال (دارنده برات) امضاء نموده و متعاقباً به علت توقف از ادای دیون، ورشکسته شوند و دادگاه حکم ورشکستگی شخصی آنها را نیز توأم با ورشکستگی شرکت تضامنی اعلام نماید؛ حال اگر دارندهٔ برات (دال) وارد در غرمای شخصی الف شود، در این صورت کلیهٔ طلب خود را وصول نخواهد نمود؛ زیرا اموال ورشکسته تکافوی طلب طلبکاران را نمی‌نماید. لذا به نسبت طلب آنان تقسیم می‌گردد و به همین جهت قانونگذار برای تقویت اعتبار برات و حمایت از حقوق دارنده آن، مقرر داشته است که: **«دارنده برات می‌تواند... در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود.... داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید».**

در مثال فوق اگر شخص دال از دارائی ورشکسته الف ۷۰/۰۰۰ ریال وصول نماید برای وصول ۳۰/۰۰۰ ریال بقیه، می‌تواند داخل در غرمای ورشکستهٔ ب گردد.

پنجم ـ خاتمهٔ ورشکستگی

همین که تفریغ عمل (تصفیه کار) به اتمام رسید؛ به عبارت دیگر مطالبات تاجر وصول گردیده و حاصل فروش اموال وی بین بستانکاران تقسیم گردید، عضو ناظر، طلبکاران و تاجر ورشکسته را دعوت می‌نماید تا در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را بدهد و با این ترتیب مأموریت مدیر تصفیه خاتمه پیدا می‌کند و در صورتی که اموالی در اجاره تاجر ورشکسته باشد، مدیر تصفیه باید مطابق مواد ۵۱۲ و ۵۱۳ ق.ت عمل نماید.

ب ـ شکایت از اقدامات و تصمیمات عضو ناظر و مدیر تصفیه

شکایت از تصمیمات عضو ناظر و مدیر تصفیه فقط در مواردی که قانون تجارت آن را معین کرده است، امکان‌پذیر می‌باشد و مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به شکایت مزبور، دادگاهی که عضو ناظر و مدیر تصفیه را معین کرده است می‌باشد. چنانکه تصمیمات مدیر تصفیه در خصوص تشخیص مطالبات طلبکاران پس از انجام تشریفات قانونی، از طرف هر طلبکار و تاجر ورشکسته قابل اعتراض است (مستفاد از مواد ۴۳۰، ۴۳۱ و ۴۶۴ ق.ت.).

از طرف دیگر برابر مادهٔ ۴۷۳ ق.ت. طلبکارانی که در مواعد تصفیه حاضر نشده و مطابق مادهٔ ۴۶۲ ق.ت. عمل ننمایند، نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که در

مورد تقسیم وجوه قبل از حضور آنان به‌عمل آمده، حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارند؛ اما در تقسیم وجوهی که ممکن است بعداً به‌عمل آید جزء غرما محسوب می‌شوند؛ بدون اینکه حق داشته باشند حصه‌ای راکه در تقسیمات سابق به آنان تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه کنند.

ج ـ مسئولیّت مدنی و جزائی مدیر تصفیه و عضو ناظر

مدیر تصفیه یا عضو ناظر ممکن است تصمیمات خود را برخلاف قانون اتخاذ نموده و به منافع خصوصی طلبکاران و یا ورشکسته لطمه وارد سازند. در چنین مواردی اشخاص متضرر می‌توانند بطلان و تصمیمات مورد بحث را از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضا نمایند. گاهی اتفاق می‌افتد که مدیر تصفیه یا عضو ناظر در اثر ارتکاب تقصیر در امور تصفیه به طلبکاران و شخص ورشکسته و یا سایر اشخاص ذی‌نفع خسارت وارد نمایند. بدیهی است اشخاص متضرر به منظور أخذ خسارت وارده باید با توجه به مواد ۳۲۸، ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی و قانون مسئولیّت مدنی، تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان‌آور و ضرر وارده را در دادگاه ثابت نمایند.

اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تصفیه ورشکستگی تاجر ورشکسته، وجهی را حیف و میل نماید به اشد مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. مجازات خیانت در امانت برابر مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) برحسب نحوه بزه‌ارتکابی تعیین گردیده است.

بخش دهم
تصفیهٔ امور ورشکستگی طبق قانون ادارهٔ تصفیه

الف ـ اداره تصفیه

به موجب مادّهٔ ۱ قانون ادارهٔ تصفیهٔ امور ورشکستگی سازمانی به نام ادارهٔ تصفیه امور ورشکستگی که در حال حاضر زیر نظر شورای عالی قضائی وزارت دادگستری انجام وظیفه می‌نماید، در تهران و در بعضی از شهرستان‌های مهم تأسیس گردیده است؛ اما در نقاطی که ادارهٔ تصفیه تشکیل نشده است، امر تصفیه، توسط مدیر تصفیه و نظارت عضو ناظر صورت می‌گیرد.

برابر مادّهٔ ۲ (ق.ا.ت.ا.و.): «رئیس و کارمندان اداره تصفیه ممکن است از بین **خدمتگزاران قضائی یا اداری یا غیر از خدمتگزاران دولت انتخاب شوند....».**

کارمندان ادارهٔ تصفیه به دو گروه تقسیم می‌شوند یکی قضات و دیگری کارمندان اداری.

قضات ادارهٔ تصفیه نقش مدیر تصفیه را در رسیدگی به پرونده‌های ورشکستگی و عملیات تصفیه ایفاء می‌نمایند. قضات مزبور که از جمله قضات ایستاده می‌باشند از میان دادرسان وزارت دادگستری بنا به پیشنهاد مدیر کل ادارهٔ تصفیهٔ امور ورشکستگی تحت نظارت شورای‌عالی قضائی تعیین می‌شوند.

کارمندان اداری به سه دسته تقسیم می‌شوند:

ـ کارمندان حسابداری که امور حسابداری را طبق مقررات خاص حسابداری و دستورات رئیس حسابداری اداره کل تصفیه یا رئیس ادارهٔ تصفیه انجام می‌دهند.

ـ کارمندان دبیرخانه که امور دفتری اداره تصفیه و امور اجرائی و دستورات قضات را انجام می‌دهند.

ـ کارمندانی که معمولاً سابقهٔ قضائی دارند و مانند قضات به پرونده‌های ورشکستگی رسیدگی می‌نمایند.

اوّل ـ دفاتر ادارهٔ تصفیه و برگ‌های نمونه

طبق مادّهٔ ۱ آئین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، اداره تصفیه ملزم به داشتن دفاتر زیر می‌باشد: ۱ ـ دفتر فهرست ورشکستگان ۲ ـ دفتر فهرست مأموریت‌ها ۳ـ دفتر صندوق و دفتر روزنامه ۴ ـ دفتر کل و دفتر تراز آزمایش ۵ ـ دفتر نماینده

دوم ـ امور مالی ادارهٔ تصفیه ـ صندوق (الف و ب)

ادارهٔ تصفیه که عملیات مربوط به امور ورشکستگی را انجام می‌دهد، نیاز به هزینه‌های ضروری دارد. به‌همین جهت قانونگذار، صراحتاً حق وصول هزینه‌های مزبور را پس از مشخص شدن اموال ورشکسته و قبل از تقسیم آنها بین غرماء، به ادارهٔ مزبور داده است (صندوق الف). از طرف دیگر برای جلوگیری از محظورات مالی، صندوق دیگری نیز پیش‌بینی گردیده است که در آمدهایی را طبق قانون وصول نماید.

ادارهٔ تصفیه قبلاً استقلال مالی داشت ولی به موجب مادّه واحده لایحه قانونی راجع به درآمدهای اختصاصی، چون کلیه درآمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی باید به درآمد عمومی منتقل گردد؛ لذا درآمدهای اداره تصفیه امور ورشکستگی نیز به درآمد عمومی انتقال یافته ودر مقابل اعتبار مورد نیاز اداره مزبور ضمن بودجه وزارت دادگستری در ردیف خاصی منظور می‌گردد. طبق مادّهٔ ۵۱ (ق.ا.ت.ا.و)، ادارهٔ تصفیه دارای دو صندوق به نام صندوق الف و ب می‌باشد که ذیلاً به‌شرح آنها می‌پردازیم:

صندوق (الف)

باید بین در آمد و هزینهٔ صندوق مزبور قایل به تفکیک شد:

درآمد صندوق الف عبارت از وجوهی است که حاصل ویژهٔ دارائی ورشکسته به عنوان هزینه امور ورشکستگی به موجب بند ۲ مادّه ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ به شرح زیر احتساب و برداشت می‌شود:

ـ تا ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۹٪

ـ نسبت به مازاد آن تا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۸٪

ـ نسبت به مازاد آن ۷٪

در رابطه با هزینهٔ صندوق (الف) وجوهی که به شرح مادّهٔ ۱ تصویب‌نامه مذکور وصول می‌شود، باید به تجویز مادّهٔ واحده راجع به‌درآمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها به درآمد عمومی انتقال گردد و همانطوری که اشاره شد هزینه‌های امور ورشکسته از محل اعتبار مصوبه سالیانه اداره تصفیه تأمین می‌گردد و اسناد هزینه باید به امضای متفق

رئیس ادارهٔ کل تصفیه و ذیحساب وزارت دارائی برسد.

صندوق (ب)

درآمد صندوق (ب) عبارت است از ۲۵٪ حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکت‌ها مصوّب ۱۳۱۰/۳/۲ و مادّهٔ ۱۱ قانون تجارت، برای امضاء دفاتر تجارتی تعلق می‌گیرد. ضمناً میزان حق‌الثبت و پلمپ دفاتر تجارتی به استثناء بهای تقاضانامه و اظهارنامه پلمپ و نیز در آمد صندوق (ب) به‌ازاء هر یکصد صفحه دفتر تجارتی ۱۵۰۰ ریال و کسر صد صفحه اوّل و حداقل حق‌الثبت، یکصد صفحه محاسبه می‌شود.

وجوه صندوق (ب) پس از تأمین کسری اعتبارات صندوق (الف)، طبق بودجه‌ای که هرسال از طرف وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، به ترتیب به مصارف زیر خواهد رسید:

ـ پرداخت کسری هزینه‌های بیمارستان وزارت دادگستری

ـ پرداخت حقوق و مزایای کارمندانی که حسب ضرورت از طرف ادارهٔ کل تصفیه استخدام شده و در دادگستری مشغول به‌کار می‌باشند.

ـ پرداخت فوق‌العاده سختی معیشت قضائی که در بخش‌های خارج از مرکز ونقاط دوردست و صعب‌المعیشه انجام وظیفه می‌نمایند.

ـ کمک به صندوق تعاونی کارمندان قضائی و اداری دادگستری.

ـ تأمین هزینه‌های لازم برای اجراء قانون اطفال بزهکار و تأسیس دادگاه بخش (عمومی فعلی) در خارج از مقر دادگاه شهرستان (عمومی فعلی).

ـ تأمین هزینه‌های لازم به منظور اجرای قانون اقدامات تأمینی.

ب ـ وظایف ادارهٔ تصفیه

اوّل ـ اقدامات تأمینی و حفظ حقوق اشخاص ثالث

ادارهٔ تصفیه به تجویز مادّهٔ ۳ (آ.ق.ا.ت.ا.و). حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی ورشکسته را برحسب تاریخ در دفتر فهرست ورشکستگان ثبت و شماره‌گذاری کرده و به نظر رئیس اداره می‌رساند. سپس پرونده معمولاً به یکی از کارمندان قضائی یا اداری محول می‌گردد. متّصدی پرونده مکلف است از روز شروع مأموریت خود برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته اقدامات تأمینی علیه مدیونین او به‌عمل آورد و برای انجام امور فوق قانونگذار استقراض ادارهٔ تصفیه را، عنداللزوم، به اعتبار دارائی موجود ورشکسته برای اقدامات تأمینی بدوی پیش‌بینی نموده است. سایر اقدامات تأمینی عبارت است از:

ـ صورت‌برداری از اموال ورشکسته و مهر و موم آنها و توقیف ورشکسته.

دوم ـ فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله بین بستانکاران

در صورتی که قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته منعقد نشده باشد، اموال تاجر مزبور اصولاً به طریق مزایده به فروش رسیده و حاصل فروش بین بستانکاران ورشکسته تقسیم می‌شود.

اگر هیئتی از بستانکاران که واجد شرایط مذکور در مادّه ۴۸۰ ق.ت. می‌باشند، رضایت بدهند و وقتی که مال در بازار بورس یا در بازار ارزش معینی دارد «مانند سهام شرکت‌ها» به استثنای اشیاء مورد وثیقه که آنها را نمی‌توان بدون جلب رضایت صاحبان حق وثیقه به طریق غیر مزایده فروخت و نیز اموال فاسدشدنی و اشیایی که در معرض تنزل قیمت هستند و نگهداری آنها مستلزم هزینهٔ غیرمتناسبی باشد، استثنائاً بدون مزایده و به طریق عادی به فروش می‌رسد.

گاهی به‌علت طول عملیات تصفیه امور ورشکستگی، ادارهٔ تصفیه به تقسیم موقت سهام مبادرت می‌کند. این تقسیم موقت، باید پس از انقضاء مهلت ۲۰ روز از تاریخ انتشار آگهی مربوط به‌صورت طلبکاران انجام‌پذیرد. ضمناً ادارهٔ تصفیه صورت موقت تقسیم سهام را تهیه نموده و با اعلام قبلی آن را به مدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران قرار می‌دهد.

در مورد بستانکارانی که طلب آنها مؤجل است، قبل از رسیدن سررسید طلب، پرداختی به آنان صورت نمی‌گیرد؛ مگر آنکه نسبت به کسر فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند. (مواد ۴۸ و ۳۶ ق.ا.ت.ا.و. و ۵۴ آ.ق.ا.ت.ا.و.).

صورت تقسیم و حساب نهائی که پس از قطعیت کلیهٔ دعاوی مربوط به اموال دیون ورشکسته تنظیم می‌گردد، در مدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنان خواهد رسید. ضمناً خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم هر یک از بستانکاران به آنان فرستاده می‌شود. پس از انقضاء مدت نامبرده ادارهٔ تصفیه بدواً هزینهٔ توقف و هزینهٔ تصفیه را احتساب و برداشت نموده و سپس اقدام به پرداخت سهم هر یک از سهام می‌نماید. اگر بستانکاری کاملاً به حق خود رسید، باید سند مربوط را به ادارهٔ تصفیه تسلیم نماید؛ اما اگر قسمتی از طلب خود را دریافت کرد، مراتب در سند قید شده و به بستانکار مزبور، سند عدم کفایت دارایی داده خواهد شد تا به هنگام ملائت ورشکسته بتواند با ارائهٔ سند مزبور بقیهٔ طلب خود را ادعا و وصول نماید.

ج ـ خاتمهٔ ورشکستگی

در تصفیهٔ عادی پس از تقسیم اموال و خاتمهٔ ورشکستگی، کارمند مربوطه گزارشی مبنی بر خاتمه ورشکستگی به رئیس اداره تصفیه می‌دهد. در این گزارش خلاصهٔ

عملیات تصفیه و علت ورشکستگی و مبلغ دارائی بدهی و میزان کسری و همچنین سهمیه‌هایی که برابر مادهٔ ۴۷ قانون ادارهٔ تصفیه در صندوق دادگستری به ودیعه گذاشته شده قید می‌گردد. متعاقباً ورشکستگی از طرف رئیس اداره تصفیه اعلام و انتشار می‌گردد.

بخش یازدهم

اعادهٔ اعتبار و حیثیت

برابر مادّهٔ ۵۶۱ ق.ت. «هر تاجر ورشکسته که کلیهٔ دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است بپردازد، حقاً اعاده اعتبار می‌نماید» که اعاده اعتبار حقیقی است.

نوع دیگری از اعادهٔ اعتبار نیز وجود دارد، به نام اعادهٔ اعتبار قانونی و آن موقعی است که تاجر ورشکسته‌ای که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده، تمام وجوهی که به موجب قرارداد به عهده گرفته است، پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود و تاجر ورشکسته‌ای که کلیهٔ بستانکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار وی رضایت بدهند، می‌تواند اعتبار خود را اعاده نماید.

فصل پانزدهم

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه

در ایران

الف ـ شرایط اشتغال تبعه بیگانه از نظر قانون کار

کارفرمایانی که اتباع بیگانه را به‌کار می‌گمارند به ۴ گروه تقسیم می‌شوند:

۱ـ بخش دولتی: مانند آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و...

در این بخش وزارت‌خانه مربوطه نیروی لازم را در کمیسیونی مرکب از سازمان امور استخدامی و وزارت کار و نیز وزارت‌خانه مربوطه در سطح وزرا (وزیر وزارت‌خانه ـ وزیرکار ـ رئیس امور استخدامی) اعلام و به‌تصویب می‌رساند (این عمل جایگزین شرایط مادهٔ ۱۲۷ قانون کار گردیده است). جهت صدور رویداد در این موارد، مصوبه‌اخیر را به‌وزارت کار ارسال و با اعلام ردیف وزارت‌خانه مذکور بدون احراز دیگر شرایط پروانه کار صادر می‌نماید. (جهت اجرای مادهٔ ۱۲۷).

۲ـ بخش پروژه: این بخش کسانی هستند که با دولت قرارداد دارند برای نصب و راه اندازی مجتمع هائی مانند فولاد، پتروشیمی و نفت و غیره، مشروط بر اینکه کلیهٔ کارمندان و کارکنان استخدامی‌شان با ایرانیان تشابه‌تخصیصی نداشته باشند. (این کارفرمایان خارجی هستند) مانند شرکت‌های بللی (Beleli) فوکی(Foki) یا ساپیم (Sipem).

نیروهای استخدامی این کارفرمایان بایستی دارای مدرک تخصصی تأئید شده سفارت جمهوری اسلامی در کشور متبوع باشند. کارفرمایان بخش پروژه باید قبل از استخدام، چارت سازمانی خود را به‌وزارت‌کار ارائه داده تا از لحاظ قراردادی و نیروهای لازم در کمیسیون متشکل از وزارت کار، اداره امور استخدامی، وزارتخانه مربوطه و نیز اداره اشتغال اتباع بیگانه مورد بررسی قرار بگیرد.

این کارفرمایان سیاست کاری خود را مورد دفاع قرار می‌دهند، اداره استخدام نیز باید از لحاظ وجود نیروهای مشابه، مورد را بررسی نماید. پس از توافق در کمیسیون مذکور چارت سازمانی به‌تصویب رسیده و اجازه استخدام کارشناس داده می‌شود و به‌تک‌تک افراد مورد استخدام پروانه کار داده می‌شود.

۳ـ بخش خصوصی: این بخش شامل بخش‌های تجاری، بازرگانی، نمایندگی‌های خارجی و نیز شرکت‌های داخلی که نیاز به‌کارشناس خارجی دارند می‌باشد. شرکت‌های این بخش باید در ایران به‌ثبت رسیده باشند چه شرکت خارجی باشد مانند میتسوبیشی و چه ایرانی باشد مانند فرش کاشان.

ارائه روزنامه رسمی جهت اثبات موضوع فوق به‌وزارت‌کار الزامی است، وزارت‌کار نیز (اداره اتباع) بازرسی را جهت بازدید اعزام می‌دارد که اولاً شرکت وجود خارجی دارد یا خیر؟ ثانیاً کارشناس اعلامی مورد نیاز می‌باشد یا خیر؟

در شرط صدور پروانه کار، انتقال تکنولوژی و آموزش افراد ایرانی (۳ نفر) مطرح است و در بخش خصوصی که تجاری می‌باشد صرف احراز وجود شرکت در ایران کافی خواهد بود.

در مورد شرکت‌هایی مانند شرکت سیگار مارل برو که تولید آنها مورد نیاز اساسی نیست وزارت‌کار با شرط تبدیل تولید به‌تولید مورد نیاز کشور در مدت ۶ ماه تا یک سال پروانه کار صادر می‌نماید. از کار فرمایان بخش خصوصی جهت استخدام اتباع خارجی حق‌الصدور روادید (پروانه کار) به‌میزان ۲۰ درصد از حقوق و مزایای کارکنان خارجی همراه با معادل مبلغ حق بیمه بیکاری که برای کارگر ایرانی مفروض است در موقع خروج و یا تمدید پروانه کار یا تمدید اقامت دریافت و به‌درآمد عمومی واریز می‌گردد. (مجموعاً ۲۳ درصد با حق بیمه) (مادهٔ ۳۸، بند ب، قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۶۹/۱۰/۲).

میزان حقوق خارجیان را جهت اخذ مبلغ فوق وزارت‌کار رأساً مشخص می‌نماید که از حداقل ۶۵۰۰ تومان تا حداکثر ۱۵۰/۰۰۰ تومان با توجه به‌کشور خارجی می‌باشد.

۴ـ بخش کارفرما: در این بخش همسر تبعه خارجی ایرانی است، همسر ایرانی او را به‌کار می‌گمارد. در این صورت بدون شرایط دیگر پروانه کار صادر می‌شود و حداکثر همکاری با حداقل شرایط نسبت به‌آنها صورت می‌گیرد. اداره اتباع بیگانه (وزارت‌کار) مشخصاً پروانه کار صادر می‌نماید و نیاز به‌کسب مجوز از سایر مقامات نیست، دخالت نیروی انتظامی جهت اقامت تبعه خارجی لازم می‌باشد.

ب ـ تشریفات صدور پروانه کار

جهت ورود شخص خارجی به‌ایران، بعد از اعلام کارفرما با پر کردن فرم شمارهٔ ۱ و سپردن تعهد فرم شمارهٔ ۲ به‌وزارت کار، وزارت‌خانه مذکور به‌وزارت امور خارجه اعلام و وزارت‌خانه اخیر به‌کنسولگری یا سفارت تلکس زده و با پیگیری کارگر خارجی در کشور متبوع، نامبرده به‌ایران می‌آید. سپس فرم شمارهٔ ۳ توسط کارفرما جهت صدور پروانه کار پر می‌گردد. بخش دولتی فرم شماره ۴ را نیز پر می‌کنند، نمایندگان سیاسی و کنسولی تنها فرم شماره ۵ را پر می‌کنند.

بخش خصوصی و بخش پروژه در ابتدا جهت حق‌الزحمه صدور پروانه کار مبلغ

۳۰۰۰ تومان را پرداخت می‌نماید و ماهانه نیز ۲۳ درصد از حقوق مستخدم خود را پرداخت می‌نمایند. بخش دولتی تنها ۳۰۰۰ تومان حق‌الصدور یا حق‌التمدید را پرداخت می‌نماید. کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌ها هیچ‌یک از منابع فوق را پرداخت نمی‌نمایند.

ج ـ اشتغال به‌کار بیگانگان در ایران از نظر قانون تأمین اجتماعی

اتباع خارجی جهت اشتغال در ایران بایستی بیمه شوند و در خصوص بیمه با آنها مطابق اتباع ایرانی رفتار می‌شود. اگر تبعه بیگانه در کشور خود بیمه بود باید بیمه‌نامه مؤسسه بیمه‌گذار و مزایای مورد استفاده و... را که به‌تأئید سفارت ایران در کشور خارجی رسیده است ارائه داده تا اگر با مقررات تأمین اجتماعی ایران انطباق داشت نامبرده را از پرداخت حق بیمه معاف نموده و در صورت عدم انطباق، پرداخت بیمه اجباری است.

اگر تبعه خارجی از نظر قانون‌کار منع استخدامی نداشته باشد کارفرمای مربوط اسم او را در زمره سایر کارکنان ایرانی خود قید نموده و به‌شعبه محل جهت بیمه ارائه می‌نماید، بدین‌ترتیب با بیگانگان مطابق با یک فرد ایرانی نسبت به‌بیمه نمودن اقدام می‌گردد.

در این خصوص آیین‌نامه مدونی نداریم تنها مادهٔ ۵ قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه سال ۱۳۵۴ بدین امر اشاره دارد. در خاتمه موافقت‌نامه، تأمین اجتماعی در تاریخ ۵۶/۲/۲۱ (۱۱ مه ۱۹۷۷) بین دولت ایران و جمهوری کره مشتمل بر یک مقدمه و ۱۰ مادهٔ تنظیم گردیده و به‌موجب مادهٔ ۱ آن کلیهٔ اتباع کره که در کشور ایران به‌کار اشتغال دارند از شمول قوانین و مقررات تأمین اجتماعی معاف می‌باشند.[۱]

نتیجه:

با مطالعه و تجزیه و تحلیل قانون تجارت ایران و حقوق فرانسه و انگلیس درباره شرکت‌های تجارتی و مؤسسات غیرتجارتی و بررسی مقررات مالیاتی و ثبت شرکت‌های خارجی و اشتغال به‌کار اتباع بیگانه ملاحظه شد که قانون ایران دارای نواقص فراوانی بوده و مشکلات عدیده‌ای را در تنظیم روابط بازرگانی بین افراد جامعه با یکدیگر و با شرکت‌های خارجی فراهم ساخته است.

جا دارد با عنایت به‌پیشنهادات اصلاحی، مواد مربوط به‌شرکت‌های مذکور که حدود ۶۰ سال پیش تدوین گردیده بازنویسی شده و با واقعیت و نیازهای تجارتی و اقتصادی جامعه کنونی و دنیای امروز تطبیق داده شود.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۷۵۷ ـ ۱۳۵۷/۲/۲۳ مجموعه قوانین روزنامه رسمی سال ۱۳۵۷ ص ۲۰ و ۲۱.

فصل شانزدهم - مالکیت فکری

۱- مالکیت صنعتی

Industrial property

۲- کپی رایت

Copyright

علائم، اختراعات، طرح های صنعتی

مقدمه

مالکیت فکری یا معنوی مشتمل بر دو قسمت کلی است: ۱ـ مالکیت صنعتی ۲ـحقوق مؤلف، مصنّف و هنرمند. (کپی رایت Copyright)

مالکیت صنعتی شعبه‌ای از حقوق تجارت است که حقوق غیرمادی ناشی از علائم مشخص کننده مانند: علائم تجارتی یا صنعتی و یا خدماتی[1]، اسم تجارتی[2]، سمبل یا علامت[3] و مشخصات منشاء کالا[4] را مورد مطالعه قرار داده و به حقوق حاصل از خلاقیّت و نوآوری از قبیل: ورقه‌های اختراع[5]، گواهی اشیاء مصرفی[6] و بالاخره به اشکال و ترسیمات و مسائل راجع به رقابت نامشروع و سوء استفاده از حقوق مالکیت صنعتی می‌پردازد.

امروزه مالکیت صنعتی، چه در حقوق داخلی و چه در سطح بین‌المللی، به علّت الزامات بازرگانی بین‌المللی و روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر، مورد حمایت جدّی قرارگرفته و به مخترع مبتکر، و بالاخره به فرد خلاّق امکان می‌دهد که به‌طور انحصاری از علامت یا اختراع خود استفاده‌کند و فرد متجاوز به حقوق خود را از طریق حقوقی یا جزایی تحت تعقیب قانونی قرار دهد.

خوشبختانه قانون جدید راجع به ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجارتی و آئین‌نامه‌های مربوط طبق اصل ۸۵ قانون اساسی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در جلسه عمومی ۱۳۸۶/۱۱/۳ در ۶۶ ماده به تصویب رسید که مورد تأیید شورای نگهبان قرارگرفت این قانون از ۱۳۸۷/۲/۱۶ (۲۰۰۹) در سراسر کشور به مورد اجرا گذاشته شد و آئین‌نامه اجرایی آن در ۱۳۸۷/۱۱/۱ (۲۰۰۹) به‌وسیله ریاست قوهٔ قضائیه که شامل ۱۹۹ ماده می‌باشد تصویب شد.

---

1. Marques de commerce ou de Fabriques ou de services.
2. Nom commercial-Raison social.
3. Enseigne.
4. Appellation d'origine.
5. Brevets d'inventioln.
6. Certificats d'utilite.

بخش اوّل
مالکیّت صنعتی
الف - علائم تجارتی

ـ علائم تجارتی، صنعتی یا خدماتی، نشانه‌هایی هستند که برای معرفی کالاها و محصولات صنعتی و یا خدماتی از لحاظ کیفیت و ضمانت مرغوبیت جنس آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این علائم ممکن است اسامی مرکّب شامل نقش، تصویر و کلمه بوده یابه صورت تفنّنی (فانتزی Fantaisie) مانند ادکلن عقرب (Scorpion) یا به صورت اسم منطقه و شهر (عسل سبلان اردبیل) و بالاخره به شکل علامت و ترسیمات، برچسب، اتیکت و یا آهنگ مخصوص و غیره باشد.

قانون جدید ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجارتی (ق.ث.ا.ط.ع) از ماده ۳۰ تا ۴۷ علائم تجارتی، علائم جمعی و نام‌های تجارتی را پیش‌بینی کرده است. تعاریف آنها به شرح زیر می‌باشد:

● علامت تجارتی، هر نشان قابل رویتی است که کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد.

● علامت جمعی، یعنی هر نشان قابل رویتی است که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت، معرفی شود و بتواند مبدأ و هرگونه خصوصیت دیگر، کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی، که از این علامت یا نشان تحت نظارت مالک علامت جمعی ثبت شده استفاده می‌کند متمایز سازد (مثال: عسل سبلان اردبیل)

از مادّه فوق مستفاد می‌شود که نوع علامت جنبه حصری ندارد، بلکه با توجه به ابتکار افراد برای شناسایی محصولات واحدهای تولیدی، صنعتی یا خدماتی مانند حمل و نقل زمینی، هوایی یا دریایی به صورت کلمات، حروف ارقام، تصاویر افراد عادی یا دانشمندان و یا به صورت آهنگ باشد.

علامت تجارتی نه تنها باید با سایر علائم تجارتی تمایز و تفاوت داشته باشد و با نوع و جنس کالا نیز ارتباط تنگاتنگ نشان دهد، بلکه باید توأم با ابتکار و نوآوری ترسیم و تنظیم گردد و از اسامی عام و گمراه کننده در علامت استفاده نشود، مثلاً کلمه «شکر» را

که عام و ویژه کالا و جنس خاص است، نمی‌توان به‌عنوان علامت انتخاب نمود.

اوّل ـ خصوصیات علامت تجارتی

علامت تجارتی باید جدید، ابتکاری و قابل انتقال بوده و گمراه کننده نباشد.

۱ـ جدید بودن علامت تجارتی

منظور این می‌باشد که علامت مورد استفاده بر روی محصول که برای ثبت ارائه می‌شود، از حیث شکلی باید جدید بوده و سابقه ثبت و استعمال توسط دیگران را نداشته باشد. در علائم مرکب ممکن است در اجزاء دو علامت مرکب از یک کلمه مشابه استفاده شده باشد و اجزای دیگر یکسان و مشابه نباشند، به نحوی که جزء مشترک و مشابه دو علامت میان صاحبان آنها موجبات اختلاف و دعوی را فراهم سازد.

شایان ذکر است که با توجه به جدول طبقه‌بندی کالا، هرگاه برای نوعی کالای مشخص علامتی از طبقه‌ای خاص استفاده شود، شخص دیگری که پس از انتخاب علامت مذکور بخواهد برای کالای خود از نوع مشابه از طبقه مزبور و از همان علامت قبلی استفاده کند، با ممنوعیت استفاده و ثبت علامت مواجه خواهد شد.

۲ـ ابتکاری بودن علامت تجارتی

از خصوصیات دیگر علامت تجارتی ابتکاری بودن آن است، یعنی علامت باید توأم با طراحی و ظرایف شکلی باشد. اگر علامت ساده باشد و با خود جنس اشتباه شود از محصول عرضه شده در بازار حمایت نمی‌کند و آثار خوب تجارتی یک علامت ابتکاری را در بر نمی‌گیرد. از طرفی دیگر، ابتکاری بودن علامت تجارتی ایجاب می‌کند اسامی عام (مانند کلمه «شکر») به عنوان علامت انتخاب نشود، و بالاخره اینکه به کار بردن خطوط هندسی به شکل لوزی یا دایره و نیز انتخاب ارقام که نشانگر کیفیت جنس باشد، جنبه ابتکاری ندارد ولی اگر ارقام مورد استفاده با نوع کالا متمایز باشد برای استفاده به عنوان علامت، خالی از اشکال خواهد بود (مانند: عطر شماره ۱۱۴).

۳ـ عدم ایجاد اشتباه در نظر مشتری

علامت تجارتی نباید طوری ترسیم گردد که در نظر مشتری ایجاد اشتباه کرده و وی را در تشخیص و تمییز علائم تجارتی دیگر که قدری با هم مشابهت دارند، دچار سردرگمی و انتخاب نادرست کند. ایجاد اشتباه در نظر مشتری گاه ممکن است با انتخاب نام منطقه‌ای خاص به عنوان علامت تجارتی برای کالایی مشخص که در اصل

بین کالا و آن منطقه ارتباطی وجود ندارد، صورت پذیرد به نحوی که مصرف‌کننده به تصور اینکه کالا متعلق به آن منطقه است راجع به نوع و مبدأ جنس دچار اشتباه شده و در انتخاب و خرید کالا گمراه گردد.

۴ـ قابلیت نقل و انتقال علامت تجارتی

علامت تجارتی قابل نقل و انتقال است ولی انتقال آن در مقابل اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که موافق مقررات قانون به ثبت رسیده باشد. اما برای آن که این انتقال نسبت به اشخاص ثالث معتبر تلقّی گردد، نحوه انتقال علامت از صاحب قبلی به صاحب جدید باید به ثبت برسد.

تغییرات مربوط به علامت یاطبقه کالا یا صاحب علامت همچنین مربوط به تغییرات نشانی و تابعیت و نماینده قانونی او در ایران رسمیت نخواهد داشت مگر اینکه در ایران به ثبت رسیده باشد. ثبت این تغییرات در روی صفحه مخصوص علامت مربوطه به عمل خواهد آمد، ثبت تغییرات به موجب اظهارنامه رسمی به امضاء صاحب علامت یا نماینده قانونی او به عمل خواهد آمد. (ماده ۴۸ تا ۵۰ ق.ث.ا.ط.ع)

شایان ذکر است که اظهارنامه در دو نسخه تنظیم شده و شماره ثبت علامت درایران، نام، اقامتگاه و تابعیت مالک جدید و بالاخره نام و نشانی نماینده قانونی او در ایران نوشته می‌شود. ضمناً اداره مالکیت صنعتی همچنانکه عهده‌دار مراحل تقاضای ثبت اولیه علامت می‌باشد رسیدگی و نقل و انتقال علامت تجارتی را نیز اقدام می‌نماید. نقل و انتقال علامت تجارتی با سند رسمی صورت می‌گیرد متقاضی باید به هنگام ثبت انتقال علامت مدارک مزبور را نیز به اظهارنامه خود ضمیمه نماید و چنانچه علامتی در خارج از کشور به ثبت رسیده و صاحب آن بخواهد علامت مزبور را به ایران انتقال دهد مکلف است رونوشت مصدق ثبت علامت در خارج از کشور را به اظهارنامه خود پیوست نماید.

دوم ـ انواع علائم تجارتی

انتخاب و ثبت علامت تجارتی تابع شرایط خاصی است که در قوانین کشورهای مختلف با توجه به عرف جامعه، عفت عمومی، اخلاق حسنه، مصالح کشور و رعایت مسائل مذهبی و اخلاقی محدودیت‌هایی برای آن پیش‌بینی شده است.

در این قسمت ضمن بررسی علائم ممنوع، انواع علامت تجارتی را بادر نظر گرفتن موارد فوق، بیان می‌داریم:

۱ـ علائم ممنوع

طبق ماده ۳۲- علامت در موارد زیر قابل ثبت نیست:

الف - نتواند کالاها یا خدمات یک مؤسسه را از کالاها و خدمات مؤسسه دیگر متمایز سازد.

ب - خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد.

ج - مراکز تجاری یا عمومی را به ویژه در مورد مبدأ جغرافیایی کالاها یا خدمات یا خصوصیات آنها گمراه کند.

د - عین یا تقلید نشان نظامی، پرچم، یا سایر نشانهای مملکتی یا نام یا نام اختصاری یا حروف اول یک نام یا نشان رسمی متعلق به کشور، سازمانهای بین‌الدولی یا سازمانهایی که تحت کنوانسیونهای بین‌المللی تأسیس شده‌اند، بوده یا موارد مذکور یکی از اجزاء آن علامت باشد، مگر آن که توسط مقام صلاحیتدار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود.

هـ - عین یا به طرز گمراه‌کننده‌ای شبیه یا ترجمه یک علامت یا نام تجاری باشد که برای همان کالاها یا خدمات مشابه متعلق به مؤسسه دیگری در ایران معروف است.

و - عین یا شبیه آن قبلاً برای خدمات غیرمشابه ثبت و معروف شده باشد مشروط بر آن‌که عرفاً میان استفاده از علامت و مالک علامت معروف ارتباط وجود داشته و ثبت آن به منافع مالک علامت قبلی لطمه وارد سازد.

ز - عین علامتی باشد که قبلاً به نام مالک دیگری ثبت شده و یا تاریخ تقاضای ثبت آن مقدم یا دارای حق تقدم برای همان کالا و خدمات و یا برای کالا و خدماتی است که به لحاظ ارتباط و شباهت موجب فریب و گمراهی شود.

۲ـ علائم تجارتی، صنعتی و خدماتی

در مادّه ۱ ق.ث.ع.و.ا. علامت تجارتی در معنای عام آن به کار رفته و شامل هرگونه نشانه‌ای است که برای امتیاز و تشخیص محصولات تجارتی و صنعتی و خدماتی و بالاخره محصولات مربوط به صنعتگران، تجّار و کشاورزان استعمال می‌شود. مثلاً «شهروند» که علامت تجارتی فروشگاه شهروند است بر روی کلیه اشیاء فروشگاه مزبور الصاق می‌شود. علامت ممکن است بر روی محصولات کارخانه نصب شود، مانند: شربت سرفه «اکسپکتورانت» که بر روی محصول الصاق می‌گردد. علامت صنعتی نشانگر محصول معین و جنس آن می‌باشد، مانند محصولات بهداشتی «داروگر». همچنین، ممکن است علامت صنعتی کارخانه‌ای متعدد باشد. شایان ذکر است که علایم صنعتی محصولات موجب تشخیص و تمییز کالاهای مشابه اما با تولید متفاوت

می‌گردد. مانند: «صابون نخل و زیتون». در ضمن مؤسسات خدماتی ـ تجارتی نیز برای ارائه بهتر خدمات به مشتریان و جذب مشتری، علامت صنعتی انتخاب می‌نمایند. مثلاً می‌توان در مورد خدمات حمل و نقل کلمه «هما» و از خدمات قالی‌شویی کلمه «شربت‌اوغلی» را به‌عنوان علامت تجارتی نام برد.

۳ـ علائم فردی، جمعی، ساده، مرکب یا صوتی و تصویری

علائم فردی برای اشخاص معین حقیقی یا حقوقی استعمال می‌شود و مشخص کننده محصولات تجارتی متعلق به آنها می‌باشد مانند «ارج» اما علائم جمعی برای تمییز محصولات معین یا اشخاص تهیه کننده از آنها استفاده می‌شود مانند «سبلان» که برای تشخیص و تمییز «عسل» آن منطقه (به‌طور کلی و بدون توجه به شخص معین) از محل دیگر می‌باشد و یا قالی کرمان که از علائم جمعی است.

علامت ساده ممکن است از یک یا چندکلمه یا حرف تشکیل شود، مانند «یک و یک» و یا به صورت نقش یا تصویر باشد مانند علامت «سوسمار» بر روی مداد.

در علامت مرکب معمولاً کلمه و نقش با هم به صورت ترکیبی استفاده می‌شوند. همچنین علامت ممکن است به صورت تصویری باشد، مانند: منظره طبیعی کوه «سبلان» یا کوه «دماوند» برای تبلیغ آب معدنی و عکس دانشمندی همچون «پاستور» برای تبلیغ دارو.

علامت ممکن است به صورت صوتی و غیرمادی معرفی گردد، مانند آهنگ‌های موسیقی برای تبلیغ کالا که از رادیو یا تلویزیون و گاهی هم به همراه شعر پخش می‌شود.

ب – طرح‌های صنعتی

اوّل – تعریف

از نظر این قانون (ق.ث.ا.ط.ع) هرگونه ترکیب خطوط، رنگ‌ها و هرگونه شکل سه‌بعدی با خطوط، رنگ‌ها یا هر یک از آنها، که ترکیب یا شکل فرآورده صنعتی یا محصولی از صنایع دستی را تغییر دهد، طرح صنعتی محسوب می‌شود. (مستنبط از ماده ۲۰ ق.ث.ا.ط.ع)

تعریف باید در مفهوم موسع باشد هر چیزی که ناشی می‌شود از ظاهر یک محصول، به یک تأثیر حسی، (یعنی تأثیر دریافت شده با حس بینایی محسوس) می‌تواند طرح صنعتی باشد این همچنین می‌تواند شامل «طرح‌های پارچه‌بافی» باشد. تعریف همچنین شامل آثار ظاهری ناشی از استفاده برخی روشهایی مانند آب‌کاری یا لعاب‌کاری و غیره باز حالت ملموس و واقعی همیشه الزامی است، یک روش ساخت به عنوان یک طرح صنعتی مورد حمایت نمی‌باشد.

دوم - ثبت طرح صنتعی

یک طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و اصیل باشد. و زمانی جدید است که در هیچ جای دنیا، در شکل ملموس یا هر طریق دیگر قبل از تقدیم تقاضا به اداره ثبت یا هنگامی که تاریخ‌های تقدم‌برای تقاضای ثبت قابل اعمال است،قبلاً بر عموم افشا نشده باشد[1]. طرح‌های صنعتی که برخلاف نظم عمومی یا اخلاق باشدقابل ثبت نیست مانند اشکال مستهجن و نشان و تصویر مقامات عمومی. اظهارنامه ثبت طرح صنعتی به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود به مادهٔ ۲۲ تا ۲۷ (ق.ث.ا.ط.ع).

سوم - حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی

حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی مدت اعتبار و تمدید آن طبق ماده ۲۸ (ق.ث.ا.ط.ع) به شرح زیر است:

● بهره‌برداری از هر طرح صنعتی در ایران توسط اشخاص غیر از مالک مشروط به موافقت مالک می‌باشد.

● «بهره‌برداری» از یک طرح صنعتی ثبت شده عبارت است از: ساخت، فروش، واردکردن اقلام حاوی آن طرح صنعتی.

● مالک طرح صنعتی ثبت شده علاوه بر حقوق دیگر حق دارد در دادگاه علیه شخصی که موجبات تجاوز به حقوق او را بدون اجازه صاحب حق فراهم ساخته در دادگاه اقامه دعوا نماید. ثبت طرح صنعتی می‌تواند به مدت ۵ سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن خواهد بود این مدت می‌تواند برای ۲ دوره ۵ ساله متوالی دیگر پس از پرداخت هزینه مربوط تمدید شود پس از انقضای هر دوره ۶ ماهه برای پرداخت هزینه تمدیدشده، جریمه تأخیر در نظر گرفته می‌شود (ماده ۲۸-۲۹ ق.ث.ا.ط.ع).

- **بطلان**

هر ذی‌نفع می‌تواند طبق ماده ۲۹ (ق.ث.ا.ط.ع) از دادگاه ابطال طرح صنعتی را درخواست کند به شرط آنکه ثابت کند که یکی از شرایط مندرج در مواد ۱۸، ۲۰، ۲۱ (ق.ث.ا.ط.ع) رعایت نشده است.

اسم یا نام تجارتی (trade name)

«نام تجارتی» یعنی اسم کالا که معرف و مشخص‌کنندهٔ شخص حقیقی یا حقوقی

1- Wipo, April 1999, op.cit p.37.

است که برای تمییز یک واحد تجارتی می‌باشد
اسم یا عنوان تعیین شده نام تجارتی به کار نمی‌رود چنانچه ماهیت یا طرز استفاده آن برخلاف موازین شرعی کشور یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و به خصوص چنانچه موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم سازد که اسم یا عنوان معرف آن است (ماده(۴۶) IIT ۲۰۰۸) نام یا عنوان انتخابی ممکن است شامل نام مالک یا واحد تجارتی یا اسم مستعار او یا نام ابداعی یا یک علامت اختصاری یا توصیف واحد تجارتی یا هر مشخصهٔ دیگر باشد.انتخاب نام تجارتی محدودتر از یک علامت است مثال‌هایی از انواع علائم تجارتی مانند ابزارآلات و نقش و برچسب‌ها نمی‌تواند به عنوان نام تجارتی مورد استفاده قرار بگیرد زیرا نام اخیر باید یک نام یا مشخصه باشد به علاوه نام تجارتی به احتمال قوی نمی‌تواند مراکز تجارتی یا عمومی و ماهیت واحد تجارتی محلی که با آن اسم مشخص شده است راگمراه کند. به طور مثال واحد تجارتی محلی است که در حقیقت خارجی بوده یا چنین به‌ذهن متبادر کند که واحد تجارتی قلمرو فعالیت متفاوت از فعالیت فعلی دارد و در راستای گمراه نکردن مراکز تجارتی یا عموم، نام تجارتی نباید عین یا مشابه نام تجارتی شخص دیگری باشد که مدت طولانی مورد استفاده قرار نگرفته باشد ولی برای عموم آشنا است به موجب قواعد و مقررات، ثبت اجباری نام تجارتی در مقابل عمل غیرقانونی شخص ثالث مورد حمایت قرار می‌گیرد مانند نام هایی که هرگز به ثبت نرسیده‌اند و استفاده بعدی از آن به وسیله شخص ثالث مانند گندم به نام خودش که نام جمعی محسوب می‌شود و چنانچه به احتمال قوی مردم راگمراه سازد عمل غیرقانونی تلقی می‌شود.(ماده ۴۷ ق.ث.ا.ط.ع).

ج-اختراعات[1]

ورقهٔ اختراع سندی است که به منظور بهره‌برداری انحصاری از اختراع برای مدت محدودی به مخترع اعطاء می‌شود تا رقبای وی قادر نباشند از اختراع او برای تهیه و فروش محصولات سوءاستفاده نمایند.

۱-برای مطالعه بیشتر به کتب مؤلف به زبان اینگلیسی مراجعه فرمایند:
1- Dr. ERFANI (Mahmoud): Introduction to Business Law in IRAN Fourth Edition JunGLe, Tehran 2010, P.48 _ 51

حق انحصاری استفاده از اختراع زمانی به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار می‌گیرد که اختراع مطابق مقررات تودیع و به ثبت رسیده باشد، در غیر این‌صورت استفاده از اختراع ثبت نشده برای دیگران آزاد تلقی شده و هرکس می‌تواند از آن برای تولید محصولات خود بهره‌مند گردد.

به موجب ماده ۲ (ق.ث.ا.ط.ع) اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد:

ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارندهٔ مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی و اختراعی کاربرد محسوب می‌شود که در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد.

منظور از صنعت معنای گستردهٔ آن است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی، کشاورزی، ماهی‌گیری و خدمات نیز می‌باشد.

– دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به مسئولیت مدنی و جزایی انحصاراً در صلاحیت دادگاه عمومی که در تهران است (ماده ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع)

● نتیجه

حمایت از مالکیت صنعتی شامل علائم، اختراعات، طرح‌های صنعتی می‌باشد و در بازرگانی داخلی و بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به همین دلیل معاهده‌های چند جانبه بسیاری بین دولت‌ها منعقد گردیده است که از آن جمله می‌توان کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و سازمان جهانی مالکیت فکری (Wipo) و پیمان همکاری ثبت اختراع (PCT) ثبت بین‌المللی علائم (سیستم مادرید)، قانون حمایت از مبداء جغرافیائی کالاها و خدمات را نام برد.

بخش دوم

مالکیت ادبی و هنری: ocpyright[1]

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ به تصویب رسیده به قوت خود باقی است.

انتشار چاپ و پخش اجرای اثر برای اولین بار در ایران ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق پدیدآورنده مصوب ۱۳۴۸ می‌گوید: حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد. متأسفانه این ماده به عده‌ای امکان داده که برخلاف اصول اخلاقی از آثار به چاپ رسیده در خارج سوءاستفاده کرده و آنها را به نام خود چاپ کنند. برای رفع نقیصه قانون سال ۱۳۵۲ تا حدودی در مورد آثار ادبی و هنری و برخورداری بیگانگان از حق مادی اثر خود آنها منوط به وجود عهدنامهٔ متقابل کرده است.

متعاقباً قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در سال ۱۳۷۹ مورد تصویب قرار گرفت و قانون تجارت الکترونیکی در ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ در ۹۸ ماده تصویب شد.[2]

حمایت از آثار ادبی و هنری در کنوانسیون برن Bern Convention در سال ۱۸۸۶ به امضاء دولت‌های متقاضی رسید و هدف از آن حمایت از حقوق مولف و مصنف و آثار هنرمندان، اجراکنندگان، تولید کنندگان و سازمان‌های پخش کننده آثار مزبور می‌باشد.

مالیکت ادبی و هنری ماهیت حقوقی خاص خود را دارد بعضی از حقوقدانان فرانسه معتقدند که حق مؤلف ناشی از کارایشان می‌باشد ولی نمی‌توان آن را با کار و کارگر یا

۱-برای مطالعه بیشتر به مقاله اینجانب در مجله حقوقی تطبیقی مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران تحت عنوان «بررسی تطبیقی تحول جدید حقوق مالکیت ادبی و هنری» از ص ۵۳ تا ۶۸ مراجعه فرمایند.

۲- روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۶۷.

مالکیت عادی مقایسه نمود. زیرا آثار مزبور گرچه ارزش اقتصادی دارند، قابل قیاس با شیء مادی نمی‌باشد. مؤلف به دستور کارفرما اثر ادبی یا هنری خود را ایجاد نمی‌کند و یک عمل خلاق و ابتکاری است. با این ترتیب اثر ادبی یا هنری او نه تنها امتیاز انحصاری تجارتی به وی اعطاء می‌کند، بلکه صاحب اثر می‌تواند از حق معنوی متعلق به خود نیز برای جلوگیری از انتشار آن استفاده نماید. قانون ۱۳۴۸ ایران در مادهٔ ۳و۴ و ۵ خود حقوق معنوی و مادی برای مولف پیش‌بینی کرده و وجوه افتراقی نیز به تبع بند ۲ از ماده ۱ یازده مارس ۱۳۵۹ فرانسه قائل شده است.

در این ماده صاحب اثر فکری به سبب عمل خلاق خود از حق مالکیت غیر مادی و انحصاری بهره‌مند می‌گردد. این حق در مقابل همه قابل استناد بوده و شامل حقوق فکری و معنوی و مادی پیش‌بینی شده در این قانون می‌باشد.

الف) ویژگی‌های آثار ادبی و هنری

حقوق مؤلف دارای سه ویژگی بارز می‌باشد:

- **انحصار در بهره‌برداری که مهم‌ترین آنها انحصار نشر و تکثیر ـ انحصار عرضه یا** اجرای اثر است. بنابراین هیچ کس بدون توافق پدیدآورنده حق انتشار یا اجرای اثر او را ندارد. بنابراین قانون حمایت از مؤلفین در ایران این حقوق را شناسایی کرده و بعضی از حقوقدانان آن را به مالکیت منقول تشبیه کرده‌اند.
- **حقوق مؤلف حقوق موقت بوده** و برخلاف حق مالکیت که ذاتاً جاودانی است حقوق مؤلف در زمان محدود شده است.
- **حقوق مؤلف جنبهٔ اعلامی داشته**، یعنی قانون‌گذار وجود اثر را که خلق شده مورد تأیید قرار می‌دهد.

ماده ۱ قانون ۱۹۵۷ فرانسه اصلاحیه ۱۹۸۵ می‌گوید: پدیدآورندهٔ اثر فکری به محض خلق اثر نسبت به آن حق مالکیت غیرمادی انحصاری پیدا می‌نماید که در مقابل همه معتبر بوده و قابل استناد می‌باشد.

ب) شرایط حمایت قانونی اثر ابی و هنری

۱) اثر باید اصالت داشته باشد

اصیل بودن اثر فکری به این معناست که اثر، شخصیت و معنویات صاحب آن را نشان داده و در واقع افکار او را منعکس می‌نماید. تعیین اصالت اثر به قوانین موضوعه و عرف و عادت بستگی دارد. در دستورالعمل جامعهٔ اروپا در مورد برنامه‌های رایانه‌ای در سال ۱۹۹۱ مقرر شده که برنامهٔ مزبور باید نتیجه خلاقیت ذهنی پدیدآورنده باشد. ماده

۱ و ۲ قانون ایران در مورد حمایت از حقوق مؤلف و مصنف و هنرمند کلمات ابتکار و ابداع را نیز شرط سوم حمایت قانونی دانسته است.

۲) اثر باید مالیت و مشروعیت داشته باشد

مؤلف یا هنرمند اثری که خلق می‌کند باید قابلیت مبادله ارزش اقتصادی داشته، همچنین با قوانین موضوعه و عرف و عادت جامعه مطابقت داشته باشد. بنابراین آثار برخلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی مثل تولید فیلم‌های مستهجن یا مجسمه‌های لخت و عریان که از نظر قانونی نیز نامشروع می‌باشد نمی‌تواند مورد حمایت قانونی قرار گیرد.

۳) اثر پدیدآورنده باید محسوس و ملموس باشد

پدیدآورنده باید اثر ادبی و هنری خود را از قالب اندیشهٔ ذهنی خارج کرده و در بیرون یعنی در عالم واقع ارائه نماید تا افراد در جامعه بتوانند اثر مزبور را با حواس پنجگانه مانند دیدن، تابلوی نقاشی یا شنیدن آهنگ‌های موسیقی و یا به صورت مجسمه احساس کنند.

تأسیس سازمان تجاری جهانی (World Trade Organization (W.T.O در همایش **اروگوئه** ضمن بررسی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) به تصویب رسید به علت نقائص کنوانسیون‌ها و موافقتنامه‌های سابق و عدم دسترسی به ساز و کارهای اجرایی مفید و مؤثر موافقتنامه جدیدی به نام TRIPS (جنبه‌های تجارتی حقوق مالکیت فکری) تصویب شد و به موافقتنامه W.T.O ضمیمه گردید و از اوّل ژانویه ۱۹۹۵ به مورد اجرا درآمد.

موافقتنامه TRIPS جنبه‌های تجارتی کنوانسیون پاریس (مالکیت صنعتی) و کنوانسیون برن (مالکیت ادبی) و سایر موافقتنامه‌ها را در برگرفته و جزء لاینفک کنوانسیون W.T.O می‌باشد.

لازم به تذکر است که کشورهای عضو W.T.O ملزم به اجرای موافقتنامه TRIPS می‌باشند ولی این امر به معنای الحاق کامل به کنوانسیون‌های مالکیت فکری نبوده و فقط در قلمرو TRIPS ملزم به رعایت مفاد آن می‌باشند. ایران تاکنون به W.T.O و TRIPS و کنوانسیون برن ملحق نشده است و در حال حاضر در W.T.O به عنوان ناظر شرکت می‌کند.

موافقتنامه TRIPS در مورد حمایت از رقابت نامشروع با استفاده از ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس تأکید نموده و می‌گوید: کشورهای عضو اتحادیه مکلفند که حمایت مؤثر شهروندان اتحادیه را در مقابل رقابت نامشروع تأمین نمایند. رقابت نامشروع

عبارت است از هر عمل رقابت‌آمیزی که برخلاف روش شرافتمندانه در امور صنعت یا تجارت صورت بگیرد.

در موافقتنامه TRIPS اعمال زیر اکیداً ممنوع می‌باشد:

۱ـ کلیه اعمالی که طبیعتاً به نحوی از انحاء موجبات اشتباه را در مورد فعالیت صنعتی یا تجارتی و یا محصولات یک مؤسسه رقیب فراهم سازد.

۲ـ اظهارات خلاف واقع در انجام عمل تجارتی به‌طوری که به اعتبار محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجارتی مؤسسه و رقیب لطمه وارد سازد.

۳ـ به کاربردن مشخصات یا اظهاراتی که در انجام امور تجارتی اشتباه عموم را نسبت به ماهیت یا روش ساخت یا خصوصیات یا قابلیت به کارگیری یا کمیت کالا فراهم سازد.

برای الحاق ایران به W.T.O باید دو سوم کشورهای عضو سازمان مزبور رأی موافق بدهند. اعطای امتیازات از طرف کشور متقاضی برای قبول عضویت، موافقت آنها بوده و درخواست کننده، اظهارنامه و مدارک لازم را به سازمان مزبور ارائه می‌دهد. درحال حاضر ۱۹۹ کشور عضو W.T.O می‌باشند. به‌نظر می‌رسد که الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و کنوانسیون‌های اشاره شده از جمله برن، جنبه‌های مثبتی از نظر رقابت در بازرگانی بین‌المللی و تحرک در اقتصاد کشور و مدیریت واحدهای تولید، صنعتی، بازرگانی و خدماتی را در برخواهد داشت.

نمونه‌های کاربردی

۱- شرکت سهامی خاص

۲- شرکت با مسئولیت محدود

۳- ثبت مؤسسه غیرتجاری

۴- شرکت تعاونی

۵- ثبت شرکت خارجی

نمونه‌های کاربردی

● شرکت سهامی خاص



تو قعسانیة

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

اظهارنامه ثبت شرکتهای سهامی خاص/عام

۲۰۷۸۰۹

سری الف/۸۶

کد(۳۴) اختصاصی(۲-۸۴) ت

۱- نام شرکت ....

۲- هویت کامل و اقامتگاه مؤسسین ....

....

....

....

....

....

....

....

....

۳- موضوع شرکت ....

....

....

....

....

....

....

....

۴- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک ....

....

....

۵- تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آنها در صورتیکه سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام ....

....

....

۶- میزان سهام و تعهد هر یک از مؤسسین و مبلغی که پرداخت کرده اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است در مورد آورده غیرنقدی بطور ارسال و مشخصات و ارزش آن بنحویکه بتوان از کم وکیف آورده غیرنقدی اطلاع حاصل نمود.

....

....

....

....

....

....

....

....

۷- مرکز اصلی شرکت ....

۸- مدت شرکت از تاریخ .... بمدت ....

۹- مدیران شرکت و اشخاصیکه حق امضاء دارند ....

....

....

....

....

....

۱۰- نام مدیر عامل و حدود اختیارات آن در شرکت ....

....

....

۱۱- بازرسان اصلی و علی البدل شرکت ....

....

....

۱۲- محل شعب فعلی شرکت و مدیران آن ....

....

....

۱۳- اساسنامه شرکت مشتمل بر .... ماده و .... تبصره میباشد که در جلسه مورخ .... مؤسسین شرکت به تصویب رسیده است بتاریخ ....

محل امضاء مؤسسین (در زمان تاسیس) و کلیه اعضاء هیأت مدیره (در زمان افزایش سرمایه) ....

....

....

....

۶۰۰ ریال

توقیع‌نامه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

اظهارنامه ثبت شرکتها سهامی خاص/عام

۲۰۷۸۱۰

سری الف/۸۶

کد(۳۴) اختصاصی(۲-۸۳) ث

۱- نام شرکت ....

۲- هویت کامل و اقامتگاه مؤسسین: ۱- آقای سعید مجیدی فرزند حسین صادره از اراک متولد ۱۲/۷/۱۳۴۰ ش ش: ..... کدملی ....

۲- آقای سیروس مجیدی فرزند علی صادره از تهران متولد ۲/۵/۱۳۵۲ ش ش: ... کدملی ....

۳- آقای علی صادقی فرزند محمدعلی صادره از تهران متولد ۱۲/۹/۱۳۴۶ ش ش: ... کدملی ....

۴- خانم اکرم اسلامی فرزند عباس صادره از تهران متولد ۹/۸/۱۳۴۷ ش ش: ... کدملی: ....

همگی به آدرس تهران ..... کدپستی: ....

۳- موضوع شرکت: انجام کلیه فعالیت های مربوط با فناوری اطلاعات از جمله مشاوره و اجرای طرح های رایانه‌ای و تأسیسات مخابراتی - نظارت فنی، تعمیر و نگهداری، خرید و فروش، صادرات و واردات تجهیزات رایانه‌ای - اخذ تسهیلات از کلیه موسسات مالی و اعتباری از بانک های داخلی و خارجی اعم از خصوصی و دولتی.

۴- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک: مبلغ ۱۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰٬۰۰۰ ریالی بانام

۵- تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آنها در صورتیکه سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام: ۱۰۰۰ سهم بانام و سهام ممتاز ندارد.

۶- میزان سهام و تعهد هر یک از مؤسسین و مبلغی که پرداخت کرده اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است در مورد آورده غیرنقدی یعنی اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحویکه بتوان از کم وکیف آورده غیرنقدی اطلاع حاصل نمود

۱- آقای محمد عبدی دارای ۲۵۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی با نام
۲- آقای سیروس محمودی دارای ۲۵۰ سهم ۱۰۰۰۰ "
۳- آقای علی صادقی دارای ۲۵۰ سهم ۱۰۰۰۰ "
۴- خانم اکرم اسلامی دارای ۲۵۰ سهم ۱۰۰۰۰ "

که مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰ ریال آن طی فیش ش ... مورخ ... در بانک ملت شعبه ... پرداخت گردیده و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد.

۷- مرکز اصلی شرکت تهران، خیابان ... کدپستی ...

۸- مدت شرکت از تاریخ ثبت بمدت نامحدود

۹- مدیران شرکت و اشخاصیکه حق امضاء دارند ۱- آقای محمد عبدی به سمت عضو هیأت مدیره و مدیرعامل ۲- آقای سیروس محمودی به سمت رئیس هیأت مدیره ۳- آقای علی صادقی به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و خانم اکرم اسلامی به سمت عضو هیأت مدیره و حق امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار از قبیل چک، سفته، برات و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره متفقاً با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.

۱۰- نام مدیر عامل و حدود اختیارات آن در شرکت آقای محمد عبدی برطبق اساسنامه

۱۱- بازرسان اصلی و علی البدل شرکت ۱- آقای حسن گودرزی فرزند علی صادره از تهران متولد ۱۳۴۴/۲/۲۰ ش ش ... کد ملی ... به سمت بازرس اصلی ۲- آقای هوشنگ نادری فرزند قنبر صادره از تهران متولد ۱۳۴۲/۶/۱۸ ش ش ... کد ملی ... به سمت بازرس علی البدل به مدت یکسال انتخاب گردیدند.

۱۲- محل شعب فعلی شرکت و مدیران آن ندارد

۱۳- اساسنامه شرکت مشتمل بر ۶۲ ماده و یک تبصره میباشد که در جلسه مورخ ۸۴/۶/۸ مجمع مؤسسین شرکت به تصویب رسیده است بتاریخ ....

محل امضاء مؤسسین (در زمان تأسیس) و کلیه اعضاء هیأت مدیره (در زمان افزایش سرمایه) ....

بسمه تعالی

صورتجلسه مجمع عمومی مؤسسین شرکت .... سهامی خاص در تاریخ .... با حضور کلیه سهامداران در محل قانونی شرکت تشکیل گردید و در اجرای دستور ماده ۱۰۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت

۱- آقا/ خانم .... به سمت رئیس

۲- آقا/ خانم .... به سمت ناظر

۳- آقا/ خانم .... به سمت ناظر

۴- آقا/ خانم .... به سمت منشی

جلسه انتخاب و سپس ریاست جلسه رسمیت مجمع را اعلام و نسبت به موارد ذیل:

۱- تصویب اساسنامه

۲- انتخاب اعضای هیأت مدیره

۳- انتخاب بازرسان

۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۵- تعیین سهامداران و تعداد سهام آن

پس از بحث و بررسی به اتفاق آراء اتخاذ تصمیم بشرح زیر بعمل آمد.

الف) اساسنامه شرکت در ۶۴ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب کلیه مؤسسین رسید و ذیل صفحات آن امضاء شد.

ب) نامبردگان ذیل به عنوان اعضای هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

۱- آقا/ خانم

۲- آقا/ خانم

۳- آقا/ خانم

ج) با رعایت ماده ۱۴۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت

آقا/ خانم .... فرزند .... دارای شماره شناسنامه .... صادره از .... ساکن ....

به عنوان بازرس اصلی

محل امضاء سهامداران

آقا/ خانم .... فرزند .... دارای شماره شناسـنامه .... صـادره از .... سـاکن ....

به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب و با امضاء ذیل این صورتجلسه قبولی خـود را برای انجام وظایف مربوطه اعلام نمودند.

امضاء هیأت رئیسه ۱- رئیس.................................۵- بازرس اصلی ....

۲- ناظر ....۶- بازرس علی‌البدل..............................

۳- ناظر ....

۴- منشی................................

د) روزنامه کثیرالانتشار .... برای درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

هـ) کلیه سهامداران به آقـا/خـانم .... (احـدی از سـهامداران- عـضو هیـأت مدیره- وکیل رسمی) وکالت می‌دهند ضمن مراجعه به اداره ثبت شرکت‌هـا و پرداخـت حـق‌الثبـت نسبت به امضاء ذیل دفاتر ثبت اقدام نماید.

نام و نام خانوادگی و امضاء

رئیس جلسه ناظر جلسه ناظر جلسه منشی جلسه

لیست سهامداران حاضر در جلسه مجمع عمومی مؤسسین:

نام سهامدار و تعداد سهام	درصد تعهدی	درصد پرداخت شده	امضاء
۱-			
۲-			
۳-			
۴-			
۵-			

بسمه تعالی

صورتجلسه هیأت مدیره شرکت ....سهامی خاص

اولین جلسه هیأت مدیره در ساعت .... روز .... در محل شرکت تشکیل و نسبت به موارد زیر باتفاق آراء اخذ تصمیم بعمل آمد.

۱- آقا/خانم ....فرزند ....بعنوان رئیس هیأت مدیره

۲- آقا/خانم ....فرزند ....بعنوان نائب‌رئیس هیأت مدیره

۳- آقا/خانم ....فرزند ....بعنوان مدیرعامل

۴- آقا/خانم ....فرزند ....و عضو هیأت مدیره

....

انتخاب گردیدند که بر اساس مواد لایحه اصلاحی قانون تجارت و اساسنامه شرکت وظایف خود را انجام دهند و کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی با امضاء منفرد .... یا به اتفاق .... مجتمعاً با مهر شرکت معتبر خواهد بود و سایر نامه‌های اداری با امضاء .... و مهر شرکت معتبر می‌باشد.

کلیه اعضاء هیأت مدیره به آقا/ خانم (احدی از اعضای هیأت مدیره .... وکالت می‌دهند که نسبت به ثبت تأسیس شرکت و پرداخت حق‌الثبت و امضاء ذیل دفاتر ثبت شرکت‌ها اقدام نماید.

محل امضای اعضای هیأت مدیره

اساسنامه شرکت...... (سهامی خاص)

فصل اول- نام- مرکز اصلی- موضوع- مدت شرکت

ماده ۱- نام شرکت- شرکت...... (سهامی خاص)

ماده ۲- مرکز اصلی شرکت- تهران- خیابان...... کوچه...... شماره...... می‌باشد.

تبصره- هیأت مدیره می‌تواند مرکز شرکت را تغییر دهد.

ماده ۳- موضوع شرکت عبارتست از:

الف- انجام هرگونه فعالیت‌های مربوط به...... تهیه و تولید و واردات و صادرات......

ب- توزیع و فروش انواع فرآورده‌های شرکت.

پ- وارد کردن انواع ماشین‌آلات و ابزار و ادوات و دستگاه‌ها و مواد اولیه مورد نیاز شرکت.

ت- مشارکت در تشکیل سایر مؤسسات یا شرکت‌هایی که دارای فعالیت مشابه باشند.

ث- مبادرت به هرگونه عملیات و معاملات مجاز که به طور مستقیم یا غیرمستقیم که با موضوع شرکت به شرح فوق ارتباط داشته باشد.

ماده ۴- مدت شرکت- مدت شرکت نامحدود است.

فصل دوم- سرمایه و سهام شرکت

ماده ۵- سرمایه شرکت بالغ بر ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که به ۱۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰ ریالی با نام تقسیم گردیده است. کلیه مبلغ اسمی سهام تعهد شده و ۳۵ درصد از بهای آن نقداً پرداخت گردیده است. سرمایه شرکت ممکن است بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده افزایش یا کاهش یابد.

ماده ۶- اوراق سهام- اوراق سهام و همچنین گواهینامه موقت سهام باید به امضاء صاحبان امضاء مجاز شرکت رسیده و به مهر شرکت ممهور گردد.

ماده ۷- انتقال سهام- انتقال سهم با نام شرکت با موافقت هیأت مدیره و با ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت انجام می‌گیرد و انتقال‌دهنده باید شخصاً یا توسط وکیل رسمی خود دفتر را امضاء نمایند. مالکیت سهم دلیل قطعی و قانونی برای قبول مواد این اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.

ماده ۸- مسؤولیت صاحبان سهام- مسؤولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

ماده ۹- غیرقابل تقسیم بودن سهام- هر سهم غیرقابل تقسیم است و شرکت بیش از یک نفر را مالک آن نمی‌شناسد مالکین مشاع یک سهم باید در برابر شرکت به شخص واحدی نمایندگی بدهند و هیچ نوع پاره سهم صادر نخواهد شد.

ماده ۱۰- حق تقدم سهامداران اولیه- در صورت افزایش سرمایه شرکت بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام اولیه برای تعهد یا خرید یا سهام جدید به نسبت تعداد سهام موجود خود در آن زمان حق تقدم خواهند داشت چنانچه هر یک از سهامداران از پرداخت بهای اسمی سهم خود در مدت مقرر خودداری کنند به خودی خود حق تقدم خود را از دست خواهند داد.

ماده ۱۱- تبدیل سهام شرکت- شرکت می‌تواند سهام خود را از با نام و بی‌نام و بالعکس با رعایت مواد ۴۳ الی ۵۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت ل.ا.ق.ت تبدیل نماید.

فصل سوم- اداره امور شرکت

ماده ۱۲- هیأت مدیره و عده اعضای آن- شرکت دارای هیأت مدیره‌ای مرکب از سه نفر می‌باشد که به وسیله مجمع عمومی عادی از بین سهامداران با اکثریت نسبی و با رعایت ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل و تجدید انتخاب می‌باشند.

ماده ۱۳- سمت اعضاء هیأت مدیره- مجمع عمومی می‌تواند ضمن انتخاب اعضاء هیأت مدیره سمت هر یک از مدیران را تعیین نماید.

ماده ۱۴- مدت مدیریت مدیران- مدت مأموریت مدیران ۲ سال است مگر آنکه مجمع عمومی مدت کمتری تعیین نماید و در صورت انقضاء مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. انتخاب مجدد اعضاء هیأت مدیره بلامانع می‌باشد.

ماده ۱۵- رئیس هیأت مدیره و نایب‌رئیس هیأت مدیره در صورتی که مجمع عمومی نسبت به تعیین سمت اعضاء هیأت مدیره اقدام ننموده باشد از بین خود یک نفر را به سمت ریاست و نیز یک نفر را به عنوان نایب‌رئیس هیأت مدیره انتخاب خواهد نمود. ضمناً هر یک از مدیران شرکت می‌توانند با موافقت هیأت مدیره نماینده‌ای به جای خود انتخاب و حق امضاء را به وی تفویض نمایند.

ماده ۱۶- سهام وثیقه هر یک از اعضاء هیأت مدیره باید در اجرای ماده ۱۱۴ ل.ا.ق.ت برای

دوران مأموریّت خود لااقل هزار سهم به عنوان وثیقه مدت مدیریت خود در صندوق شرکت به امانت بگذارند. وثیقه بودن این سهام مانع استفاده از حق رأی در مجامع عمومی و پرداخت سود آنها به صاحبان نمی‌باشد.

ماده ۱۷- هیأت مدیره لااقل ماهی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. علاوه بر جلسات ماهیانه ممکن است در مواقعی که ضروری باشد بنا به دعوت رئیس یا نایب‌رئیس هیأت مدیره، جلسه هیأت مدیره تشکیل خواهد شد.

ماده ۱۸- حد نصاب جلسات هیأت مدیره حضور اکثریت مدیران می‌باشد و تصمیمات هیأت مدیره با اکثریت آراء حاضر در جلسه معتبر خواهد بود.

ماده ۱۹- در صورت فوت یا استعفاء، عزل، سلب صلاحیّت و یا حجر هر یک از اعضاء هیأت مدیره بقیه اعضاء هیأت مدیره، مجمع عمومی عادی را به طور فوق‌العاده دعوت می‌نمایند تا طبق مقررات ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت برای تعیین جانشینی مدیر مورد بحث تشکیل جلسه دهند.

ماده ۲۰- اختیارات هیأت مدیره- برابر ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیّت مجامع عمومی شرکت می‌باشد و جزء در مواردی که تصمیمات و اقدامات خارج از موضوع شرکت باشد، مدیران دارای اختیارت تام راجع به کلیه امور شرکت می‌باشند ازجمله:

انجام عملیات شرکت و انتخاب و عزل نماینده و وکیل با حق وکالت در توکیل- نمایندگی شرکت نزد اشخاص و ادارات و دادگاههای حقوقی و جزائی در کلیه مراحل قانونی و نزد مقامات رسمی و شخصیّت‌های حقوقی و بانک‌ها و اقدام به هرگونه معاملات منقول و غیرمنقول- انعقاد هرگونه قرارداد اجاره، رهن دارای شرکت و قبول رهن مشتریان- قبول و دادن ضمانت و تضمین، رجوع به داوری و سازش و اقدام به عقد هرگونه قرارداد و موافقت‌نامه دریافت هر مبلغ و مطالبات و اسناد و مدارک و دریافت هرگونه اموال منقول و غیرمنقول و پرداخت هر مبلغ دریافت قرضه از بانک‌ها و مؤسسات و اشخاص- دادن هرگونه رسید و مفاصا، بحث و مذاکره و قطع و فصل صلح هرگونه مسائل مربوط به شرکت، تعیین هزینه‌های شرکت و کنترل آن بازکردن و بستن حساب جاری یا هر حساب دیگری در بانک‌ها و مؤسسات صرافی و تجارتی و استفاده از آن و انتقال و بستن آنها، کشیدن و امضاء و ظهرنویسی چک‌ها و بروات و سفته‌ها (اوراق بهادار و اسناد قابل معامله) و دریافت وجه آنها، قبول و استفاده از اعتبارات و ضمانت‌نامه‌های بانکی و تجارتی و تصفیه

آنها- تعیین و عزل وکیل و نماینده تجاری و عامل و کارشناس و داور و داور سازش- استخدام متخصص و به کار گماردن کارگران و تعیین حقوق و حق‌الزحمه و مزد آنان- تشکیل و تأسیس شعب و نمایندگی برای انجام امور تجارتی و فنی شرکت- انجام تشریفات گمرکی- انجام امور پستی و تلگرافی- دعوت از مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده- تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت جهت ارائه به مجمع عمومی عادی و بازرس شرکت- پیشنهاد تقسیم سود بین صاحبان سهام به مجمع عمومی عادی سالیانه- پیشنهاد هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت.

ماده ۲۱- پاداش اعضاء هیأت مدیره- همه ساله به موجب تصویب مجمع عمومی سالیانه حق‌الزحمه حضور و یا پاداش برای اعضای هیأت مدیره تعیین می‌شود که بین خودشان تقسیم کنند.

ماده ۲۲- مدیر عامل- هیأت مدیره باید یک نفر را از بین خود یا از خارج به مدیریت شرکت انتخاب کند و حدود اختیارات و مدت تصدی او را تعیین نماید. مدت تصدی مدیر عامل زائد بر مدت مدیریت خود هیأت مدیره نخواهد بود. مدیر عامل در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت در حدود آن اختیارات دارای حق امضاء می‌باشد.

ماده ۲۳- نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت‌جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت اعلام و پس از ثبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.

ماده ۲۴- مدیرعامل می‌تواند با موافقت هیأت مدیره کلیه و یا قسمتی از اختیارات قانونی خود را من‌جمله حق امضاء به نماینده‌ای که از طرف خود تعیین خواهد نمود، تفویض نماید. در این صورت امضاء نماینده مدیرعامل در حدود اختیارات تفویض شده مطابق با امضای مدیر عامل خواهد بود.

ماده ۲۵- حقوق مدیرعامل- حقوق و سایر شرایط استخدامی مدیرعامل را هیأت مدیره به موجب قرارداد معین می‌کند.

فصل چهارم- مجامع عمومی شرکت

ماده ۲۶- مجامع عمومی صاحبان سهام اعم از عادی یا فوق‌العاده که قانوناً تشکیل شده باشد نمایندهٔ تام‌الاختیار کلیهٔ سهامداران است و تصمیمات مجامع عمومی برای کلیهٔ صاحبان سهام

الزامی است. مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ انقضای سال مالی شرکت منعقد گردد.

ماده ۲۷- وظایف مجمع عمومی عادی عبارتند از:

استماع گزارش هیأت مدیره راجع به امور شرکت و استماع گزارش بازرس راجع به وضع شرکت و ترازنامه و حساب سود و زیان و رسیدگی و تصویب یا ردّ یا تصحیح حساب‌ها، همچنین تصویب سودی که انتخاب یا عزل و یا تجدید انتخاب مدیران و بازرسان و همچنین تعیین و تصویب حق حضور و یا پاداش اعضای هیأت مدیره و تعیین حق‌الزحمه بازرسان شرکت- اتخاذ تصمیم در هر موردی که جزو دستور جلسه بوده و انحصاراً در صلاحیّت مجمع عمومی فوق‌العاده نباشد ضمناً مجمع عمومی عادی روزنامه کثیرالانتشاری را که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌شود انتخاب می‌نماید.

ماده ۲۸- وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده- مجمع عمومی فوق‌العاده در اخذ تصمیم نسبت به اصلاح یا تغییر اساسنامه، افزایش و یا کاهش سرمایه انحلال شرکت و تصفیه آن و یا تغییر نوع شرکت انحصاراً صلاحیّت دارد.

ماده ۲۹- دعوت مجامع عمومی- دعوت مجامع عمومی عادی یا فوق‌العاده باید از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی مربوط به شرکت در آن منتشر می‌گردد به عمل آید و دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل قید گردد و تاریخ تشکیل جلسه نباید زودتر از ۱۰ روز و دیرتر از ۴۰ روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع تعیین گردد.

ماده ۳۰- محل تشکیل مجامع- مجامع عمومی در مرکز اصلی شرکت تشکیل خواهد شد.

ماده ۳۱- حق حضور در مجامع عمومی- سهامدارانی حق حضور در جلسه را دارند که لااقل یک سهم از سهام شرکت را دارا باشند.

ماده ۳۲- تشکیل جلسات مجمع عمومی- مجامع عمومی به وسیله رئیس هیأت مدیره و در غیاب وی تحت ریاست نایب رئیس و یا مدیر عامل شرکت افتتاح و اداره خواهد شد و جلسه دو نفر ناظر از میان صاحبان سهام و یا نمایندگان آنها و یک نفر منشی که ممکن است صاحب سهم نباشد برای جلسه انتخاب خواهد نمود. رئیس و دو نفر ناظر و منشی مجتمعاً هیأت رئیسه مجمع را تشکیل خواهند داد.

ماده ۳۳- مجمع عمومی عادی وقتی رسمیت خواهد یافت که صاحبان [illegible]

کلیه سهام شرکت یا نمایندگان آنها در جلسه حاضر باشند و تصمیمات مجمع وقتی لازم‌الاجراست که به اکثریت آراء صاحبان سهام حاضر اتخاذ شده باشد جز در مورد انتخاب اعضاء هیأت مدیره و بازرسان که تابع مقررات ماده ۸۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت خواهد بود. چنانچه در جلسه اوّل حد نصاب مقرر حاصل نشد مجمع برای بار دوّم دعوت خواهد شد و تصمیمات مجمع عمومی دوّم که به اکثریّت آراء صاحبان سهام حاضر در جلسه با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارند اتخاذ شده باشد مناط اعتبار خواهد بود.

ماده ۳۴- مجمع عمومی فوق‌العاده وقتی رسمیّت خواهد داشت که حداقل صاحبان بیش از نصف سهام یا نمایندگان آنها در جلسه حاضر باشند. چنانچه در جلسه اوّل مجمع عمومی فوق‌العاده حد نصاب مقرر حاصل نشد برای بار دوّم از صاحبان سهام دعوت به عمل خواهد آمد. و حضور دارندگان بیش از $\frac{1}{3}$ سهام شرکت حد نصاب لازم برای رسمیّت و اتخاذ تصمیم کافی خواهد بود. به شرط آنکه در دعوت دوّم نتیجه دعوت اوّل قید شود ضمناً تصمیمات در مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریّت $\frac{2}{3}$ آراء حاضر در جلسه اتخاذ می‌گردد.

فصل پنجم- بازرسان شرکت

ماده ۳۵- بازرسان و مسؤولیت آنان- مجمع عمومی هر سال یک نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی‌البدل از بین سهامداران و یا اشخاص خارج از شرکت تعیین و انتخاب می‌نماید.

تا طبق مقررات قانون امور شرکت را مورد بازرسی قرار بدهند. بازرسان در آخر سال ممکن است مجدداً انتخاب شوند. بازرسان بر سایر وظایفی که در ماده ۱۴۸ ل.ا.ق.ت برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورتحساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهارنظر نمایند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به‌طور یکسان رعایت شده است و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان باید مجمع عمومی را از آن دادگاه آگاه نمایند.

ماده ۳۶- بازرسان حق دارند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند، و به مسؤولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آنکه آنها را قبلاً

به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرسان تعیین می‌نمایند مانند خود بازرسان حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

ماده ۳۷- بازرسان مکلفند گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند گزارش بازرسان باید لااقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.

ماده ۳۸- بازرسان مکلفند هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیت‌دار اعلام و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده ۳۹- بازرسان نمی‌توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شوند. مسؤولیّت بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مطابق ماده ۱۵۴ ل.ا.ق.ت می‌باشد.

فصل ششم- سال مالی- محاسبات سالیانه

ماده ۴۰- سال مالی شرکت- سال مالی شرکت از اوّل فروردین ماه هر سال شروع و در پایان اسفندماه همان سال خاتمه می‌یابد.

ماده ۴۱- ترازنامه شرکت- ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت توسط هیأت مدیره طبق مقررات موجود تنظیم و به ضمیمه گزارش بازرس به مجمع عمومی عادی تقدیم می‌گردد.

ماده ۴۲- تقسیم سود- سود ویژه شرکت پس از وضع مالیات به طریق زیر تقسیم می‌شود:

الف- پنج درصد آن (یک بیستم) طبق قانون به حساب اندوخته قانونی منتقل می‌گردد تا آنکه اندوخته مزبور معادل ده درصد سرمایه شرکت بشود (ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت).

ب- بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی ممکن است قسمتی از سود ویژه شرکت را برای اندوخته‌های اختیاری یا مالیاتی و یا ذخایر دیگری غیر از اندوخته قانونی و یا برای نقل به سال بعد تخصیص داده شود.

پ- بقیه سود ویژه بین کلیه سهامداران به نسبت سهام آنها تقسیم خواهد شد. در صورتی که مجمع عمومی پرداخت سود را بین صاحبان سهام تصویب نموده باشد هیأت مدیره نحوه و تاریخ پرداخت سود را تعیین می‌نماید ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام ظرف مدت هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام می‌گیرد.

فصل هفتم- انحلال و تصفیه شرکت

ماده ۴۳- موارد انحلال شرکت و ترتیب تصفیه آن و نیز سایر اموری که در این اساسنامه تکلیف خاصی برای آن تعیین نشده است برطبق مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ با اصلاحات بعدی به عمل خواهد آمد.

صورتجلسه مجمع عمومی سالیانه

صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت...... (سهامی خاص)

برطبق دعوت قبلی مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت...... (سهامی خاص) ساعت... صبح / بعدازظهر روز... مورخ... با حضور کلیه سهامداران به شرح زیر در محل شرکت تشکیل گردید:

۱- آقای...... تعداد سهام......

۲- آقای...... تعداد سهام......

۳- آقای...... تعداد سهام......

۴- خانم...... تعداد سهام......

مجمع عمومی پس از مشاهده حضور کلیه سهامداران بدواً هیأت رئیسه را به اسامی زیر انتخاب نمود:

۱- آقای...... به عنوان رئیس جلسه

۲- آقای...... به عنوان ناظر

۳- خانم...... به عنوان ناظر

۴- آقای...... به عنوان منشی

پس از انتخاب هیأت رئیسه مجمع وارد دستور شد و به شرح زیر اتخاذ تصمیم نمود:

الف- قرائت دستور جلسه

دستورجلسه توسط رئیس مجمع به شرح ذیل قرائت گردد:

۱- استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت.

۲- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی...

۳- تصویب میزان سود سهام و مبالغ انتقال یافته به حساب اندوخته‌ها.

۴- انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل.

۵- انتخاب مدیران.

۶- تعیین خط مشی و تصویب بودجه پیشنهادی سال آتی شرکت.

۷- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت.

ب- استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی

گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، قرائت شد و توضیحات کافی در مورد هر یک از آنها به استماع مجمع رسیده و سؤالات صاحبان سهام در مورد گزارش بازرس قانونی و صورت حساب‌های مالی مورد توجه قرار گرفت.

ج- رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان و حساب‌های مالی

ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت پس از استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس / بازرسان شرکت، برای سال منتهی به ماه و سال...... به شرح مذکور در صفحات...... تا...... گزارش هیأت مدیره مورد بررسی قرار گرفت سود ویژه / زیان شرکت به میزان...... ریال می‌باشد همچنین تعدیلات مربوط به سنوات مالی گذشته مورد تصویب مجمع واقع گردید.

د- تصویب میزان سود سهام و مبالغ انتقال‌یافته به حساب اندوخته‌ها

تقسیم سهم سودی به مبلغ...... ریال بین صاحبان سهام از محل...... مقرر گردید و علاوه بر میزان ۵ درصد از سود ویژه سالیانه که باید طبق مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت به حساب اندوخته قانونی انتقال یابد مبلغ...... ریال از محل...... به اندوخته‌ها منتقل گردد.

ه- انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت

آقای...... به سمت بازرس اصلی و آقای...... به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

و- انتخاب مدیران

آقایان / خانم: ۱-.......۲-.......۳-.......و... به سمت اعضاء هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

ز-تعیین خط مشی و تصویب بودجه سال آتی

......

ح- تعیین روزنامه کثیرالانتشار شرکت

روزنامه...... به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های مربوط به شرکت تعیین گردید.

جلسه در ساعت...... خاتمه یافت.

ط- مجمع به آقای...... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت مراتب و

درج آگهی هر اقدامی که لازم است معمول دارند.

محل امضاء هیأت رئیسه

۱- آقای..................... رئیس مجمع ۲- آقای................. ناظر

۳- خانم........................ ناظر ۴- آقای................. منشی

محل امضاء مدیران و بازرسان

صورت‌جلسه افزایش سرمایه

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت...... (سهامی خاص)

برطبق دعوت قبلی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت (سهامی خاص) ساعت... صبح / بعدازظهر روز... مورخ...... به تجویز تبصره ذیل ماده ۹۷ متن اصلاحی قانون تجارت با حضور کلیه سهامداران به شرح زیر در محل شرکت تشکیل گردید:

۱- آقای...... دارنده...... سهم

۲- آقای...... اصالتاً و ولایتاً دارنده...... سهم

۳- خانم...... دارنده...... سهم

۴- آقای...... دارنده...... سهم

ابتداء آقای...... رسمیت جلسه را اعلام و اظهار داشتند به‌طوری که استحضار دارند غرض از تشکیل مجمع امروز استماع گزارش هیأت مدیره در مورد افزایش سرمایه است، مجمع پس از مشاهده حضور کلیه سهامداران بدواً هیأت رئیسه را به اسامی زیر انتخاب نمود:

۱- آقای...... به عنوان رئیس جلسه

۲- آقای...... به عنوان ناظر

۳- خانم...... به عنوان ناظر

۴- آقای...... به عنوان منشی

مجمع پس از انتخاب هیأت رئیسه وارد دستور شد و تصمیماتی به شرح ذیل به اتفاق آراء اتخاذ نمود:

۱- گزارش هیأت مدیره و توضیحات مدیرعامل درباره لزوم افزایش سرمایه شرکت استماع و پس از شور و تبادل نظر مجمع عمومی فوق‌العاده به اتفاق آراء تصویب کرد که سرمایه شرکت به مبلغ...... ریال افزایش یابد و مادهٔ ...... اساسنامه به شرح زیر اصلاح شد:

«ماده...... سرمایه و سهام شرکت: سرمایه شرکت مبلغ...... ریال است که به........ سهم...... هزار ریالی بی‌نام/ بانام تقسیم و تماماً پرداخت شده است».

نظر به اینکه موضوع دیگری در دستور جلسه نبود مجمع در ساعت...... خاتمه یافت.

مجمع به آقای...... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت و درج آگهی در روزنامه هر اقدامی که لازم باشد انجام دهد.

محل امضاء هیأت رئیسه مجمع

کاهش سرمایه

آگهی ماده ۱۹۲ لایحه اصلاح قانون تجارت

به اطلاع کلیه سهامداران شرکت...... سهامی خاص به شماره ثبت...... می‌رساند نظر به اینکه آقایان محمود...... با دریافت مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال؛ رضا...... با دریافت مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال، خانم شیرین...... با دریافت مبلغ ۳۰/۰۰۰ ریال مربوط به سهام خود از شرکت خارج گردیده‌اند و آقای تقی...... با دریافت مبلغ ۲۰۹/۴۰۰/۰۰۰ ریال سهام خود را کاهش داده است. لذا سرمایه از مبلغ ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال کاهش یافته است.

لذا در صورت معترض بودن به کاهش سرمایه طبق ماده ۱۹۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، ظرف مدت دو ماه به دادگاه محل اردبیل مراجعه فرمائید.

آگهی حق تقدم ماده ۱۶۹

لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت جهت اطلاع سهامداران شرکت (سهامی خاص) ثبت شده در...... به شماره......

طبق تصمیم مورخ ۱۳۷۰/۸/۸ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت موافقت گردید که سرمایه شرکت از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ به ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یابد البته قیمت اسمی هر سهم همان مبلغ ۱۰۰۰ ریال بوده و می‌باشد، چون صاحبان سهام در خرید ناشی از افزایش سرمایه به نسبت سهام متعلقه حق تقدم دارند لذا از سهامداران تقاضا می‌شود که با مراجعه به دفتر شرکت واقع در تهران...... خیابان...... شماره در صورت تمایل ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار این آگهی به حساب جاری شماره...... بانک صادرات شعبه...... به شماره...... واریز و فیش مربوط را به شرکت ارائه نمایند.

بدیهی است در صورت عدم استفاده حق تقدم در مهلت مقرر، شرکت، سهام باقی‌مانده را به اشخاص دیگر واگذار و سرمایه را تأمین خواهد نمود.

هیأت مدیره شرکت...... (سهامی خاص)

صورت‌جلسه انتخاب هیأت مدیره در مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

صورت‌جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت...... (سهامی خاص)

برطبق دعوت قبلی و به تجویز تبصرهٔ ذیل ماده ۹۷ قانون اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت...... سهامی خاص در ساعت...... روز...... مورخ...... با حضور کلیه سهامداران به شرح زیر در محل شرکت تشکیل گردید:

۱- آقای...... دارنده...... سهم

۲- آقای...... دارنده...... سهم

۳- خانم...... دارنده...... سهم

۴- آقای...... دارنده...... سهم

ابتدا آقای...... رسمیت جلسه را اعلام و اظهار داشتند به طوری که اطلاع دارند منظور از تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده امروز انتخاب اعضاء جدید هیأت مدیره شرکت می‌باشد.

سپس مجمع مبادرت به انتخاب هیأت رئیسه به شرح زیر نمود:

۱- آقای...... به عنوان رئیس جلسه

۲- خانم...... به عنوان ناظر

۳- آقای...... به عنوان ناظر

۴- آقای...... به عنوان منشی

پس از انتخاب هیأت رئیسه مجمع وارد دستور شد و به شرح زیر اخذ تصمیم نمود:

آقایان: ۱-......۲-......۳-......۴-...... برای مدت دو سال به عنوان اعضاء هیأت مدیره انتخاب شدند. چون موضوع دیگری در دستور جلسه نبود مجمع در ساعت...... خاتمه یافت.

مجمع به آقای...... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت مراتب فوق و درج آگهی در مطبوعات اقدام نماید.

امضاء هیأت رئیسه مجمع- هیأت مدیره

صورت‌جلسه تبدیل شرکت سهامی خاص به عام
(مواد ۲۷۸ و ۲۷۹ و بعد ل.ا.ق.ت)

صورت‌جلسه هیأت مدیره شرکت...... (سهامی خاص)

جلسه هیأت مدیره شرکت......(سهامی خاص) در ساعت...... روز...... مورخ...... با حضور کلیه اعضاء در محل شرکت تشکیل گردید.

ابتدا آقای...... رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اقدامات انجام شده برای تبدیل شرکت را به شرکت سهامی عام بیان داشتند و اضافه نمودند که برای انجام این منظور باید اقدامات زیر معمول گردد:

۱- تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام.

۲- تهیه و تنظیم اساسنامه جدید با توجه به مقررات قانون شرکت‌های سهامی عام.

هیأت مدیره با توجه به مراتب فوق مذاکرات لازم انجام و تصمیمات به اتفاق آراء به شرح زیر اتخاذ نمود:

۱- تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام و تهیه مقدمات لازم و تنظیم اساسنامه جدید.

۲- مقرر گردید مجمع عمومی فوق‌العاده برای ساعت...... روز...... مورخ...... در محل شرکت تشکیل و از کلیه سهامداران دعوت به عمل آید تا نسبت به موارد زیر شور و مذاکرات و اتخاذ تصمیم به عمل آید:

الف- تصویب تبدیل شرکت...... (سهامی خاص) به شرکت...... (سهامی عام).

ب- تصویب اساسنامه جدید شرکت که با عنایت به مقررات قانونی تنظیم خواهد شد.

ج- تصویب ارزیابی و اظهارنظر کارشناس رسمی وزارت دادگستری در مورد دارایی و اموال و ماشین‌آلات شرکت که برای تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام ضروری می‌باشد.

د- تصویب اقداماتی که برای قبول سهام شرکت در بورس اوراق بهادار تهران باید صورت گیرد.

ه- اعطاء اختیارات لازم برای هیأت مدیره که کلیه تصمیمات متخذه مجمع عمومی فوق‌العاده را اجرا نمایند.

و- مدیرعامل شرکت موظف است تصمیمات فوق را اجرا نماید.

جلسه در ساعت...... خاتمه یافت.

امضاء هیأت مدیره

صورت‌جلسه تبدیل شرکت با مسؤولیت محدود به سهامی خاص

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت...... با مسئولیت محدود.

مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت...... با مسؤولیت محدود ثبت شده به شماره...... با حضور کلّیه شرکاء در ساعت...... روز...... مورخ...... در محلّ شرکت تشکیل و تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

۱- در مورد وضعیت حقوقی شرکت بحث و مذاکره شد و نوع شرکت از مسؤولیت محدود به سهامی خاصّ تبدیل گردید.

۲- اساسنامه مشتمل بر...... ماده به تصویب و امضاء کلیه سهامداران رسید.

۳- سرمایه شرکت مبلغ...... ریال که به سهم...... هزار ریالی به نام / بی‌نام تماماً پرداخت گردید که با توجه به میزان سهم‌الشرکه شرکاء میزان سهام هر یک از سهامداران شرکت به شرح زیر تأمین گردید:

الف- آقای......دارنده......سهم......با نام/ بی‌نام

ب- آقای......دارنده......سهم......با نام/ بی‌نام

ج- آقای...... دارنده......سهم......با نام/ بی‌نام

د- آقای...... دارنده......سهم......با نام/ بی‌نام

۴- پس از تبدیل نوع شرکت به سهامی خاصّ به تجویز ماده ۸۸ قانون اصلاحی تجارت برای انتخاب هیأت مدیره اخذ رأی به عمل آمد و آقایان: ۱-......۲-......۳-......۴- خانم...... به سمت اعضاء هیأت مدیره شرکت برای مدت دو سال انتخاب شدند.

۵- برای تعیین بازرس اصلی و علی‌البدل بحث و مذاکره شد و پس از اخذ رأی آقای... به سمت بازرس اصلی و آقای...... به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

۶- روزنامه...... به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های مربوط به شرکت تعیین گردند.

۷- افراد انتخاب شده با امضاء ذیل صورت‌جلسه سمت‌ها و مسؤولیت‌های خود را قبول نمودند.

۸- مجمع به آقای دکتر...... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت شرکت و مصوبات مجمع و درج آگهی در مطبوعات و هر اقدامی که لازم است معمول دارد.

امضاء هیأت رئیسه　　　　　　امضاء هیأت مدیره و بازرسان

آگهی دعوت بستانکاران شرکت سهامی خاص (در حال تصفیه) در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت

بدین‌وسیله از کلیه بستانکاران شرکت دعوت می‌شود که هرگونه طلب و ادعایی از شرکت دارند با در دست داشتن مدارک خود ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به نشانی تهران- خیابان...... پلاک...... مراجعه نمایند. والا در اجرای ماده مذکور، دارایی بین بستانکاران و صاحبان سهام تقسیم خواهد شد، این آگهی ۳ مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار شرکت آگهی می‌شود.

مدیر تصفیه شرکت......

در حال تصفیه

صورت‌جلسه انحلال شرکت

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت...... (سهامی خاص)

بر طبق دعوت قبلی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت...... (سهامی خاص) در ساعت...... روز...... مورخ...... با حضور کلیه صاحبان سهام به شرح زیر (با حضور دارندگان...... سهم از کل...... سهام شرکت) در محل شرکت تشکیل گردید:

۱- آقای...... دارنده...... سهم

۲- آقای...... دارنده...... سهم

۳- آقای...... دارنده...... سهم

۴- خانم...... دارنده...... سهم

ابتدا آقای...... به سمت رئیس جلسه و آقایان...... و...... به سمت نظار و خانم...... به سمت منشی جلسه انتخاب شدند و پس از انتخاب هیأت رئیسه مجمع وارد دستور شد و تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ نمود:

شرکت...... (سهامی خاص) به علت...... منحل و اعلام و...... به سمت هیأت تصفیه / مدیر تصفیه انتخاب شدند/شد. محل تصفیه...... می‌باشد.

هیأت تصفیه/ مدیر تصفیه اقرار به دریافت دارایی و دفاتر و اسناد شرکت نمود و با امضاء ذیل صورت‌جلسه قبولی خود را اعلام نمودند/ نمود.

چون موضوع دیگری در دستور جلسه نبود مجمع در ساعت...... خاتمه پذیرفت.

امضاء هیأت رئیسه- هیأت تصفیه / مدیر تصفیه

نمونه‌های کاربردی

- شرکت با مسئولیت محدود
- تضامنی
- نسبی
- مختلط

در تاریخ ....
در دفتر شرکتنامه ثبت شرکتهای داخلی
بشماره .... ثبت و عرضه
شرکت نزد اینجانب محرز گردید
مسئول دفتر ....

بسمه تعالی
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی
شرکت نامه

شماره ۱۱۹۷۲۰
سری الف/۸۶
کد (۱۰) الف (۲-۸۴) ت



۱- نام شرکت و نوع آن ....

۲- موضوع شرکت ....

....

....

....

....

....

....

....

....

۳- مرکز اصلی و نشانی کامل آن ....

۴- اسامی شرکاء یا مؤسسین با ذکر مشخصات کامل شناسنامه ای و آدرس مسکونی آنان ....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

۵- مبدا تشکیل شرکت و مدت آن ....

۶- سرمایه شرکت اعم از نقدی و غیر نقدی ....

....

....

۷- میزان سهم الشرکاء هر یک از شرکاء ....

۸- اسامی کلیه اعضاء هیئت مدیره با ذکر سمت آنان و دارندگان حق امضاء ....

۹- موقع رسیدگی بحساب و ترتیب تقسیم سود و زیان شرکت ....

۱۰- انحلال شرکت مطابق ماده .... قانون تجارت خواهد بود

۱۱- آدرس شعب فعلی شرکت در شهرستانها و درصورت تعیین مدیر نام مدیران شعب ....

۱۲- بازرس شرکت ....

۱۳- تاریخ تنظیم و امضاء شرکتنامه ....

امضاء مؤسسین شرکت

ملاحظات..........

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

شرکت نامه

در تاریخ ....
در دفتر شرکتنامه ثبت شرکتهای داخلی
بشماره .... ثبت و هویت
شرکاء نزد اینجانب محرز گردید
مسئول دفتر ....

شماره ۱۱۹۷۱۹
سری الف/۸۶
کد (۱۰) الف (۲-۸۴) ت

۶۰۰ ریال

۱- نام شرکت و نوع آن شرکت ایرانی .... (با مسئولیت محدود)
۲- موضوع شرکت تهیه و تولید دوچرخه و قطعات یدکی و توزیع آن و مبادرت به کلیه امور صنعتی و مالی مرتبط با موضوع شرکت.

۳- مرکز اصلی و نشانی کامل آن تهران ... خیابان ... کوچه ... شماره ... می‌باشد
۴- اسامی شرکاء یا مؤسسین با ذکر مشخصات کامل شناسنامه ای و آدرس مسکونی آنان
۱- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی
۲- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی
۳- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی
۴- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی
همگی به آدرس تهران ...

۵- مبدا تشکیل شرکت و مدت آن از تاریخ ثبت به مدت نامحدود
۶- سرمایه شرکت اعم از نقدی و غیر نقدی مبلغ ده میلیون ریال که تماماً به طور نقد پرداخت شده است.

۷- میزان سهم الشرکاء هر یک از شرکاء

۱- آقای ... مبلغ پنج میلیون ریال ۵۰٪ از سهم الشرکه

۲- آقای ... مبلغ سه میلیون ریال ۳۰٪ از سهم الشرکه

۳- آقای ... مبلغ یک میلیون ریال ۱۰٪ از سهم الشرکه

۴- خانم ... مبلغ یک میلیون ریال ۱۰٪ از سهم الشرکه

۸- اسامی کلیه اعضاء هیئت مدیره با ذکر سمت آنان ودارندگان حق امضاء

۹- موقع رسیدگی بحساب و ترتیب تقسیم سود و زیان شرکت

آخر هر سال مالی شرکت (اسفندماه) به حساب ها رسیدگی شده و ترتیب تقسیم سود مطابق با مواد اساسنامه صورت می گیرد

۱۰- انحلال شرکت مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت خواهد بود

۱۱- آدرس شعب فعلی شرکت در شهرستانها و درصورت تعیین مدیر تام مدیران شعب

۱۲- بازرس شرکت [illegible]

۱۳- تاریخ تنظیم و امضاء شرکتنامه ۱۳۷۲/۲/۱

امضاء مؤسسین شرکت

ملاحظات

اداره ثبت ....

بسمه تعالی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

۰۶۱۷۱۷

سری الف/۸۶



کد(۹) اختصاصی(۲-۸۴) ت

تقاضانامه ثبت شرکتهای داخلی

امضاء کنندگان زیر ثبت شرکتها را با مشخصات ذیل تقاضا می نمائیم......................................

....

۱- نام کامل شرکت و نوع آن ....

....

۲- موضوع شرکت ....

....

....

....

....

....

....

....

....

۳- مرکز اصلی و نشانی صحیح آن ....

۴- اسامی شرکاء یا مؤسسین (۱) ....

....

....

....

....

۵- مبدأ تشکیل شرکت و مدت آن ....

۶- سرمایه شرکت ....

الف ـ نقدی ....

ب ـ غیر نقدی ....

۷- میزان سهم الشرکه هر یک از شرکاء ....

....

....

....

....

۸- اسامی کلیه اعضاء هیأت مدیره با ذکر سمت آنان و دارندگان حق امضاء ....

....

....

....

....

....

....

....

....

۹- ترتیب تقسیم سود شرکت ....

۱۰- موقع رسیدگی بحساب سالیانه ....

۱۱ - انحلال شرکت مطابق ماده .... قانون تجارت ....

۱۲- آدرس شعبه فعلی شرکت در شهرستانها و در صورت تعیین مدیر نام مدیران شعب ....

....

....

....

.... امضاء ....

تاریخ تنظیم و نام و نام خانوادگی شرکاء و امضاء ....

....

....

....

....

....

....

....

اداره ثبت ....

وزارت دادگستری

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

۰۶۱۷۱۸

سری الف/۸۶



تقاضانامه ثبت شرکتهای داخلی

کد(۹) اختصاصی(۳-۸۴) ت

امضاء کنندگان زیر ثبت شرکتها را با مشخصات ذیل تقاضا می نمائیم.

۱- نام کامل شرکت و نوع آن: شرکت ایران چرخ (با مسئولیت محدود)

۲- موضوع شرکت: تهیه و تولید در چرخهای چوبی و دیواری و ادامه آن در سایر رشته‌ها به کلیه امور صنعتی و مالی مرتبط با موضوع شرکت

۳- مرکز اصلی و نشانی صحیح آن: تهران خیابان ... کوچه ... شماره ... ص پستی ...

۴- اسامی شرکاء یا مؤسسین (۱)

۱- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی

۲- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی

۳- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی

۴- آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... کد ملی

همگی به آدرس تهران

۵- مبدأ تشکیل شرکت و مدت آن: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

۶- سرمایه شرکت: مبلغ ده میلیون ریال که تماماً به طور نقد پرداخت شده است

الف ـ نقدی: مبلغ ده میلیون ریال

ب ـ غیر نقدی: ندارد

۷- میزان سهم الشرکه هر یک از شرکاء

۱- آقای C ... مبلغ پنج میلیون ریال ۵۰٪ از سهم الشرکه

۲- آقای C ... مبلغ سه میلیون ریال ۳۰٪ از سهم الشرکه

سوم آقای C ... مبلغ یک میلیون ریال ۱۰٪ از سهم الشرکه

چهارم آقای C ... مبلغ یک میلیون ریال ۱۰٪ از سهم الشرکه

۸- اسامی کلیه اعضاء هیأت مدیره با ذکر سمت آنان و دارندگان حق امضاء

۹- ترتیب تقسیم سود شرکت مطابق با مواد اساسنامه صورت می‌گیرد

۱۰- موقع رسیدگی بحساب سالیانه آخر سال مالی (اسفندماه) شرکت

۱۱- انحلال شرکت مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت

۱۲- آدرس شعبه فعلی شرکت در شهرستانها و در صورت تعیین مدیر نام مدیران شعب

امضاء

تاریخ تنظیم و نام و نام خانوادگی شرکاء و امضاء

صورت‌جلسه مجمع عمومی شرکاء مؤسسین

جلسه مجمع عمومی شرکاء و مؤسسین شرکت......... با مسؤولیت محدود

در ساعت ۱۰ صبح روز .... اولین جلسه مجمع عمومی شرکاء و مؤسسین شرکت مذکور با حضور کلیه شرکاء در محل شرکت تشکیل و تصمیمات ذیل با اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت:

۱- اساسنامه شرکت مشتمل بر ۲۴ ماده تنظیم و به تصویب کلیه شرکاء رسید.

۲- اظهارنامه و شرکت‌نامه رسمی شرکت نیز امضاء شد.

۳- جهت انتخاب اعضاء هیأت مدیره و دارندگان حق امضاء اخذ رأی به عمل آمد و درنتیجه:

امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک- سفته- بروات- قراردادها با امضاء همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۴- هر یک از اعضاء هیأت مدیره با امضاء ذیل این صورت سمت خود را قبول نمودند.

۵- مبلغ........... ریال سرمایه شرکت که از طرف کلیه شرکاء پرداخت گردیده تحویل و در اختیار:...........شرکت قرار گرفت و........... با امضاء ذیل این صورت‌جلسه وصول آن‌را اعلام می‌دارد.

۶- به........... وکالت و اختیار تام داده شد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها و پرداخت حق‌الثبت و هزینه آگهی‌های مربوط ذیل ثبت دفاتر مربوطه را در اداره ثبت شرکت‌ها امضاء نمایند.

چون موضوع دیگری جهت بحث نبود جلسه در ساعت .... همان روز خاتمه یافت.

امضاء شرکاء

نمونه اساسنامه شرکت............ با مسؤولیت محدود[۱]

ماده ۱- نام و نوع شرکت............ با مسؤولیت محدود

ماده ۲- موضوع شرکت............

ماده ۳- مرکز اصلی شرکت............

ماده ۴- تاریخ تشکیل و مدت شرکت از تاریخ............ به مدت نامحدود / ......سال

ماده ۵- سرمایه شرکت مبلغ.......... ریال می‌باشد که تماماً از طرف شرکاء شرکت پرداخت گردیده است.

ماده ۶- هیچیک از شرکاء حق انتقال سهم‌الشرکه خود را به غیر ندارند مگر با رضایت و موافقت...... و انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

ماده ۷- مجمع عمومی عادی شرکت در ظرف مدت ۴ ماه اول هر ماه پس از انقضای سال مالی تشکیل ولی ممکن است بنا بدعوت هر یک از اعضاء هیئت مدیره یا شرکاء به طور فوق‌العاده تشکیل گردد.

ماده۸- دعوت هر یک از جلسات مجامع عمومی توسط هر یک از اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل یا شرکاء به‌وسیله دعوتنامه کتبی یا درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار به عمل خواهد آمد فاصله دعوت از روز انتشار تا تشکیل جلسه حداقل ده روز خواهد بود.

ماده ۹- در صورتی که کلیه شرکاء در هر یک از جلسات مجامع عمومی حضور یابند رعایت ماده ۸ اساسنامه ضرورت نخواهد داشت.

ماده ۱۰- وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر می‌باشد:

الف- استماع گزارش هیأت مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه شرکت و تصویب آن.

ب- تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیئت مدیره.

ج- تعیین خط مشی آینده شرکت و تصویب آن

ه- انتخاب هیئت مدیره و در صورت لزوم بازرس.

ماده ۱۱- وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به قرار زیر است:

الف- تغییر اساسنامه یا الحاق یا حذف یک یا چند مواد اساسنامه.

۱- این اساسنامه فقط به عنوان یک نمونه است و شرکاء می‌توانند اساس توافق خود را به صورت دیگری با رعایت

ب- تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت.

ج- افزایش یا تقلیل سرمایه شرکت.

د- ورود شریک یا شرکاء جدید به شرکت.

ماده ۱۲- تصمیمات شرکاء در مجمع عمومی فوق‌العاده با موافقت دارندگان سه چهار سرمایه/ کلیه شرکاء که اکثریت عددی دارند و در مجمع عمومی عادی طبق دستور ماده ۱۰۶ قانون تجارت معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۳- هیأت مدیره شرکت مرکب از...... نفر خواهد بود که مجمع عمومی از بین شرکاء یا از خارج انتخاب می‌نماید.

ماده ۱۴- هیأت مدیره می‌تواند از بین خود یکنفر را به سمت رئیس هیأت مدیره و یکنفر را به سمت مدیر عامل انتخاب و همچنین می‌تواند برای اعضاء خود سمتهای دیگری تعیین نماید.

ماده ۱۵- مدیر عامل/ هیأت مدیره نماینده قانونی و تام الاختیار شرکت بوده و می‌توانند در کلیه امور مداخله و اقدام نمایند مخصوصاً در موارد زیر:

امور اداری شرکت از هر قبیل- انجام تشریفات قانونی- حفظ و تنظیم فهرست دارایی شرکت و تنظیم بودجه و تعیین و پرداخت حقوق و انجام هزینه‌ها- رسیدگی به محاسبات- پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه- تهیه آیین‌نامه‌های داخلی- اجرای تصمیمات مجامع عمومی- ادای دیون و وصول مطالبات- تأسیس شعب واگذاری و قبول نمایندگی انتخاب و انتصاب و استخدام متخصصین و کارمندان و کارگران- عقد هرگونه پیمان با شرکت‌ها و بانک‌ها و ادارات و اشخاص، خرید و فروش و اجاره اموال منقول و غیرمنقول و ماشین‌آلات و به‌طور کلی وسایل مورد احتیاج و همچنین معاملات بنام و به حساب شرکت- مشارکت با شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی- استقراض با رهن یا بدون رهن و تحصیل اعتبار و وام دادن و وام گرفتن از بانک‌ها و اشخاص و شرکت‌ها و باز کردن حساب جاری ثابت در بانک‌ها و بنگاه‌ها- دریافت وجه از حساب‌های شرکت- صدور ظهرنویسی و پرداخت بروات و اسناد و سفته‌ها و هزینه آنها- مرافعات چه شرکت مدعی باشد و چه مدعی علیه در تمام مراحل با تمام اختیارات از رجوع به دادگاه‌های صالحه و ابتدایی و استیناف و دیوان کشور- تعیین حکم و مصدق- ادعای جعل و تعیین جاعل انتخاب وکیل و وکیل در توکیل- دادن اختیارات لازمه به نامبرده و عزل آن- قطع و فصل دعاوی با صلح و سازش- واردات و تهیه و خرید مایحتاج شرکت- اختیارات فوق جنبه محدودیت نداشته و هر تصمیمی که هیأت مدیره جهت پیشرفت

شرکت اتخاذ نمایند معتبر می‌باشد.

ماده ۱۶- جلسات هیأت مدیره با حضور اکثریت / کلیه اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات هیأت مدیره با اکثریت آراء / باتفاق آراء معتبر است.

ماده ۱۷- دارندگان حق امضاء در شرکت: دارندگان حق امضاء اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک- سفته- برات- اسناد تعهدآور و قراردادها را هیأت مدیره / مجمع عمومی تعیین می‌کند.

ماده ۱۸- هر یک از اعضاء هیأت مدیره می‌تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضاء خود را به هر یک از شرکاء یا به اشخاص خارج از شرکت برای هر مدت که صلاح بداند تفویض نماید و همچنین هیأت مدیره می‌تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات خود را به مدیرعامل تفویض نماید.

ماده ۱۹- تفویض اختیار هر یک از اعضای هیأت مدیره به اشخاص خارج از شرکت باید با موافقت هیأت مدیره باشد.

ماده ۲۰- سال مالی شرکت از اول...... ماه هر سال شروع و به آخر...... ماه همان سال خاتمه می‌یابد باستثنای سال اول که ابتدای آن از تاریخ تأسیس شرکت است.

ماده ۲۱- تقسیم سود- درآمد شرکت پس از کسر تمام مخارج و پرداخت مالیات و کنار گذاردن صدی...... به عنوان سرمایه ذخیره به نسبت سهم‌الشرکه که هر یک از شرکاء بین آنان تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲- شرکت مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت منحل خواهد شد در صورتی که مجمع عمومی رأی به انحلال شرکت دهد شرکاء از بین خود یا از خارج یک یا چند نفر را به سمت مدیر یا مدیران تصفیه انتخاب می‌نماید و وظایف مدیر/ مدیران تصفیه طبق قانون تجارت می‌باشد.

ماده ۲۳- در سایر موضوعاتی که در این اساسنامه پیش‌بینی نشده طبق قانون تجارت رفتار خواهد شد.

ماده ۲۴- این اساسنامه در ۲۴ ماده تنظیم و به امضاء کلیه مؤسسان شرکت به اسامی ذیل رسید و تمام صفحات آن امضاء شد.

نام	نام‌خانوادگی	امضاء

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت.........

افزایش سرمایه

برطبق دعوت قبلی عمومی فوق‌العاده شرکت .... ثبت شده به شماره .... صبح / بعدازظهر روز .... مورخ .... با حضور کلیه شرکاء شرکت تشکیل و نسبت به افزایش سرمایه تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.

۱- آقای .... با پرداخت .... ریال به صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را از مبلغ .... ریال به مبلغ .... ریال افزایش داد.

۲- خانم .... فرزند .... شماره شناسنامه .... صادره .... ساکن .... شریک جدید با پرداخت .... ریال به صندوق شرکت جزو شرکاء محسوب و سرمایه شرکت از .... ریال به .... ریال افزایش یافت.

مجمع به آقای .... وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها صورت‌جلسه را به ثبت برساند.

امضاء شرکاء

صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت ....

کاهش سرمایه

برطبق دعوت قبلی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت .... ثبت شده به شماره .... صبح / بعدازظهر روز .... مورخ .... با حضور کلیه شرکاء شرکت تشکیل و نسبت به کاهش سرمایه تصمیمات ذیل آغاز گردید:

۱- آقای .... با دریافت مبلغ .... ریال از صندوق سهم‌الشرکه خود را از .... ریال به .... ریال کاهش داد.

۲- خانم .... با دریافت کلیه سهم‌الشرکه خود به مبلغ .... ریال از صندوق شرکت از شرکت خارج و مِنْبعد هیچ‌گونه سمتی در شرکت ندارد و در نتیجه سرمایه شرکت از .... ریال .... ریال به .... ریال کاهش یافت.

امضای شرکت

نمونه انحلال شرکت با مسؤولیت محدود یا تضامنی یا نسبی

صورت‌جلسه مجمع فوق‌العاده شرکت .... ثبت شده به شماره .... به حضور کلیه شرکاء در محل شرکت تشکیل و نسبت به انحلال شرکت تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.

۱- آقا/ خانم .... به سمت مدیر تصفیه شرکت تعیین گردید.

۲- آدرس مدیر تصفیه به نشانی تهران خیابان .... تعیین گردید.

۳- مدیر تصفیه اقرار به دریافت دفاتر و دارائی و اموال شرکت نمود.

۴- شرکاء به آقای .... مدیر تصفیه وکالت دادند تا شخصاً در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری حاضر و ذیل ثبت دفاتر مربوطه را امضاء نماید.

امضاء شرکاء

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی
تقاضانامه ثبت مؤسسات غیرتجاری

امضاءکنندگان ذیل ثبت مؤسسه .... را به مشخصات مذکور در این برگ تقاضا می‌نمائیم.

۱- نام مؤسسه:

۲- موضوع مؤسسه:

۳- تابعیّت:

۴- مرکز اصلی مؤسسه و نشانی صحیح آن:

۵- اسامی مؤسسان (مشخصات کامل قید شود)

۶- تاریخ تشکیل مؤسسه:

۷- مدیر یا مدیران و اشخاصی که در مؤسسه حق امضاء دارند:

۸- دارایی مؤسسه و میزان دارایی هر یک از مؤسسان:

۹- آدرس شعب مؤسس (در صورت تأسیس در سایر شهرستان‌ها)

۱۰- نام مدیر یا مدیران شعب:

امضاء مؤسسان

صورت‌جلسه مجمع مؤسسین مؤسسه

در ساعت ده صبح روز............ اولین جلسه مؤسسین با حضور کلیه اعضاء مؤسس امضاءکنندگان زیر در محل مؤسسه تشکیل و تصمیمات زیر به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت.

۱- اساسنامه مؤسسه مشتمل بر ۱۵ ماده تصویب و به امضاء رسید.

۲- مدیران و دارندگان حق امضاء مؤسسه برطبق ۷ اساسنامه تعیین گردیدند.

۳- تقاضانامه چاپی مربوط به ثبت مؤسسه نیز امضاء شد.

۴- دارائی مؤسسه در تحویل و اختیار............ مؤسسه قرار گرفت.

۵-............ با امضاء ذیل این صورت‌جلسه وصول آن را اعلام می‌دارد.

۶- کلیه اعضاء مؤسس با امضاء ذیل صورت‌جلسه، قبولی سمت نمودند.

۷- به............ وکالت و اختیار تام و تمام داده شد که با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها نسبت به ثبت این مؤسسه اقدام و ذیل ثبت دفاتر را امضا نماید.

جلسه در ساعت ۱۲ ظهر همان روز ختم گردید و این صورت‌جلسه به امضاء کلیه اعضاء مؤسس به شرح زیر رسید:

۱- .... ۲- ....

صورت‌جلسه انحلال مؤسسه

صورت‌جلسه مجمع فوق‌العاده مؤسسه............ ثبت شده به شماره............ با حضور کلیه شرکاء در محل مؤسسه تشکیل و نسبت به انحلال مؤسسه تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

۱- .... به سمت مدیر تصفیه مؤسسه تعیین گردید.

۲- آدرس مدیر تصفیه به نشانی تهران خیابان............ تعیین گردید.

۳- مدیر تصفیه اقرار به دریافت دفاتر و دارائی و اموال مؤسسه نمود.

۴- شرکاء به آقای............ مدیر تصفیه وکالت می‌دهند تا شخصاً در اداره ثبت شرکت و مؤسسات غیرتجاری حاضر و ذیل
ثبت را امضاء نماید.

امضاء شرکاء

مدارک لازم جهت انحلال مؤسسه

۱- فتوکپی شناسنامه کلیه شرکاء

۲- آخرین روزنامه رسمی

اساسنامهٔ ثبت مؤسسه

ماده ۱- نام و نوع مؤسسه:

ماده ۲- موضوع مؤسسه:

ماده ۳- مرکز اصلی مؤسسه و نشانی کامل آن:

ماده ۴- مبدأ تشکیل مؤسسه و مدت آن:

ماده ۵- دارائی مؤسسه:

ماده ۶- تابعیت مؤسسه:

ماده ۷- اسامی مؤسسین و مشخصات و محل اقامت هر یک و میزان دارائی آنها:

ماده ۸- هیچ‌یک از اعضاء مؤسسه حق انتقال تمام و یا قسمتی از حقوق و دارائی خود را که در این مؤسسه دارا می‌باشد به غیر نخواهد داشت، مگر اینکه رضایت و موافقت دارندگان لااقل .... دارائی مؤسسه جلب گردد و انتقال به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی در یکی از دفاتر اسناد رسمی و یا با تنظیم صورت‌جلسه و ثبت آن در ثبت شرکت‌ها.

ماده ۹- مدیران مؤسسه و اختیارات آنها و دارندگان حق امضاء در مؤسسه به ترتیب ذیل می‌باشد:

ماده ۱۰- .... مؤسسهٔ، نماینده قانونی مؤسسه بوده و می‌تواند در کلیه امور مؤسسه مداخله و اقدام نماید مخصوصاً در موارد زیر:

الف- انجام کلیه امور مؤسسه از هر جهت و هر قبیل

ب- گشایش حساب جاری و ثابت در بانک‌ها و بنگاه‌ها و غیره

ج- تحصیل هر نوع اعتبار.

د- مشارکت با سایر شرکت‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مشابه که موضوع فعالیت آنها یکسان باشد.

ه- عقد هرگونه قرارداد با اشخاص و شرکت‌ها و بانک‌ها و غیره با هر نوع قید و شرطی که مصلحت باشد.

و- استخدام کارگران و کارمندان و متخصصین و کارشناسان و غیره و تعیین حقوق و پاداش برای آنها.

ز- انتخاب وکیل با حق وکالت در توکیل و دادن اختیارات لازمه به نامبرده و عزل آن.

ح- مراجعه به ادارات و دوایر دولتی و گمرکات و بانک‌ها و شخصیت‌های حقوقی و حقیقی دیگر جهت انجام کلیه اموری که مربوط به این مؤسسه است.

ط- اختیارات و مدت تصدی............ نامحدود است.

ی- هر تصمیمی را که .... مؤسسه برای انجام کلیه اموری که مربوط به توسعه هدف و منظور مؤسسه لازم و مقتضی باشد و به............ اتخاذ گردد معتبر و قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۱۱- .... می‌تواند تمام و یا قسمتی از اختیارات و حق امضاء خود را به موجب وکالت‌نامه رسمی به عضو دیگر مؤسسه و یا اشخاص ثالث تفویض کند و در وکالت‌نامه مزبور بایستی حدود و اختیارات وکیل به‌طور روشن و صریح قید گردد.

ماده ۱۲- .... انحلال مؤسسه: انحلال مؤسسه با موافقت و به تصویب عده‌ای از اعضاء که دارای اکثریت عددی بوده و نیز لااقل دارای ۵۵٪ کل دارایی مؤسسه باشند به عمل خواهد آمد و مجمع عمومی که رأی به انحلال مؤسسه داد یک یا چند نفر از بین اعضاء و یا از خارج به سمت مدیر تصفیه انتخاب می‌گردند.

ماده ۱۳- .... هر نوع تغییری، در موارد این اساسنامه از قبیل کم کردن یا زیاد کردن دارائی مؤسسه، ورود و خروج اعضاء مؤسسه، اصلاح یا الحاقی نسبت به مفاد اساسنامه، انتخاب اعضاء مؤسسه و بالاخره کلیه تصمیمات لازمه برای تغییر و تبدیل مواد اساسنامه بایستی با موافقت .... باشد.

ماده ۱۴- .... تشکیل مجامع عمومی اعم از عادی و یا فوق‌العاده بنا به دعوت هر یک از مدیران مؤسسه به وسیله ارسال نامه کتبی به عمل خواهد آمد و فاصله بین تاریخ دعوت تا روز تشکیل جلسه لااقل ده روز و در صورت حضور کلیه اعضاء در جلسه احتیاج به دعوت مزبور نیست و مجمع می‌تواند نسبت به اتخاذ تصمیمات لازم اقدام نماید.

ماده ۱۵-............ اختلاف حاصله بین اعضاء مؤسسه از طریق داوری حل و فصل خواهد شد.

ماده ۱۶-............ در سایر موضوعاتی که در این اساسنامه قید نشده است مطابق مقررات قانون تجارت آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷ عمل خواهد شد.

در تاریخ ____
دردفترثبت‌شرکتهای ____
به شماره ____ ثبت وهویت
____ محرز گردید
مسئول دفتر ____

(۸۲) اختصاصی (۸-۷۷)ت

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی

شرکتنامه شرکت تعاونی

بسمه تعالی

۱ - نام شرکت ____ ۲ - نوع شرکت ____

۳ - موضوع شرکت ____

۴ - مرکزاصلی‌شرکت‌ونشانی کامل آن ____

۵ - هویت کامل هیئت مدیره ومحل اقامت آنها ____

۶ - مبدأ تشکیل شرکت ومدت آن ____

۷ - سرمایه شرکت ____

۸ - میزان سهام هریک ازاعضاء ____

۹ - اسامی مدیران شرکت وسمت آنها ____

۱۰ - دارندگان حق‌امضاء ____

۱۱ - زمان رسیدگی حساب وترتیب تقسیم سود شرکت ____

۱۲ - فسخ شرکت مطابق ماده ____ اساسنامه شرکت میباشد

۱۳ - محل شعب فعلی شرکت ____

۱۴ - بازرس یا بازرسین شرکت ____

۱۵ - سایرشرایط‌طبق‌قانون شرکتهای تعاونی میباشد.

محل امضاء اعضاء هیئتمدیره شرکت

نمونه‌های کاربردی

● شرکت تعاونی

دستورالعمل تشکیل تعاونی‌ها

الف- کلیات

ماده ۱: شرکت‌های تعاونی به لحاظ نوع فعالیت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شرکت تعاونی تولید: شرکتی است که به منظور اشتغال اعضاء در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نماید.

ب) شرکت تعاونی توزیع: شرکتی است که در امور مربوط به تهیه و توزیع کالا، مسکن، خدمات و سایر نیازمندی‌های اعضاء فعالیت می‌نماید.

تبصره: در شرکت تعاونی، تعدد موضوع فعالیت با ارائه طرح پیشنهادی مجاز است.

ماده۲: شرکت‌های تعاونی به لحاظ عضویت به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف) شرکت تعاونی عام: شرکتی است که عضویت در آن برای همه آزاد می‌باشد و مؤسسین یا شرکت باید برای تأمین قسمتی از سرمایه اولیه و یا افزایش سرمایه شرکت سهام آن را به عموم عرضه نمایند.

ب) شرکت تعاونی خاص: شرکتی است که عضویت در آن منحصراً برای گروهی خاص از قبیل: کارگران، کارمندان، کشاورزان، دانشجویان، ایثارگران، زنان، مشاغل خاص و نظایر اینها آزاد باشد، بدیهی است تعاونی موظف به پذیرش متقاضیان واجد شرایط بوده و از این نظر محدودیتی برای عضویت وجود ندارد.

تبصره ۱: در تابلوها و سربرگ‌های شرکت‌های تعاونی ذکر عنوان "تعاونی" ضروری است و باید به‌طور خوانا قید شود.

تبصره ۲: برای واحدهای صنفی شهرستان‌ها و برای هرواحد کارمندی و کارگری فقط یک شرکت تعاونی در هر موضوع فعالیت تشکیل می‌شود.

تبصره ۳: شرکت‌های تعاونی با بیش از ۵۰۰ عضو و اتحادیه‌هایی که تعداد اعضای تعاونی‌های عضو آنها مجموعاً بیش از ۲۰۰۰ عضو باشد، "تعاونی بزرگ" محسوب می‌شوند.

ماده ۳: تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی براساس طرح پیشنهادی و با نظر اداره کل تعاون استان به گونه‌ای تعیین می‌شود که طرح مورد نظر دارای توجیه اقتصادی قابل قبول باشد، ولی در هر صورت تعداد اعضاء نباید از ۷ نفر کمتر باشد.

تبصره ۱: حداقل تعداد اعضاء در شرکت‌های تعاونی عام ۵۰۰ عضو خواهد بود.

تبصره ۲: حداقل تعداد اعضاء در شرکت‌های تعاونی اشتغال‌زا که به منظور ایجاد اشتغال برای اعضاء تشکیل می‌شود، معادل فرصت‌های شغلی پیش‌بینی شده در طرح پیشنهادی خواهد بود. ترکیب تخصص و مهارت اعضاء باید به گونه‌ای باشد که اجرای طرح را با استفاده از نیروی کاری و مهارت اعضاء میسر نماید.

تبصره ۳: حداقل تعداد اعضاء در شرکت‌های تعاونی مصرف ۲۵۰ نفر خواهد بود.

تبصره ۴: حداکثر تعداد اعضاء در شرکت‌های تعاونی مسکن ۵۰۰ نفر خواهد بود، که با خروج هر عضو، ورود عضو جدید تا سقف ۵۰۰ نفر بلامانع است.

ماده ۴: حداقل سرمایه اولیه در شرکت‌های تعاونی عام و خاص به ترتیب ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد. بدیهی است هر تعاونی وقتی تشکیل و ثبت می‌شود که حداقل یک سوم سرمایه آن تأدیه و چنانچه به صورت نقدی و جنسی باشد تقویم و تسلیم شده باشد.

تبصره ۱: حداقل ارزش اسمی هر سهم در تعاونی‌های عام یکصد هزار ریال و در تعاونی‌های خاص سیصد هزار ریال تعیین می‌گردد. در تعاونی‌های مسکن حداقل ارزش اسمی هر سهم شش میلیون ریال خواهد بود.

تبصره ۲: اعضای تعاونی مکلفند مبلغ تعهد شده سهم خود را ظرف مدت مقرر در اساسنامه که نباید از دو سال بیشتر باشد تأدیه نمایند.

ماده ۵: تعداد سهم اعضاء در شرکت‌های تعاونی مساوی است مگر مجمع عمومی عادی تعاونی تصویب نماید که برخی از اعضاء سهم بیشتری تأدیه نمایند، در این صورت برای شرکت‌هایی که منبعد تشکیل می‌شوند، حداکثر میزان سهم هر عضو در شرکت‌های تعاونی با اعضای کمتر از ۲۰ نفر تا ۱۵ درصد و برای بالاتر از آن تا ۷ درصد کل سهام تعیین می‌گردد.

ماده ۶: اتحادیه تعاونی با عضویت شرکت‌ها و تعاونی‌های داوطلب و با حداقل ۷ عضو که دارای موضوع فعالیت واحد باشند در سطح شهرستان یا استان تشکیل می‌شوند.

تبصره ۱: شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های استانی می‌توانند نسبت به تشکیل اتحادیه مرکزی اقدام نمایند.

باشد، در هر حال عضویت در بیش از یک اتحادیه، برای شرکت تعاونی با تعدد موضوع فعالیت بلامانع است.

تبصره ۳: تشکیل اتحادیه مرکزی با مجوز وزارت تعاون خواهد بود.

تبصره ۴: اعضای هیأت مدیره اتحادیه از نمایندگان تعاونی‌های عضو و به عنوان شخص حقیقی و اعضای هیأت بازرسی اتحادیه از نمایندگان تعاونی‌های عضو و یا سایرین تعیین می‌شوند.

ب- مراحل تشکیل تعاونی‌ها

۱- برای تشکیل تعاونی، هیأت مؤسس متشکل از متقاضیان حائز شرایط قانونی، نسبت به تهیه طرح پیشنهادی و تنظیم اساسنامه منطبق بر قانون بخش تعاونی، دعوت به عضویت افراد واجد شرایط و تشکیل اولین مجمع عمومی عادی جهت تصویب اساسنامه و تعیین هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان و سایر وظایف مجمع عمومی عادی اقدام می‌نماید.

تبصره: مؤسسین تعاونی باید با قوانین و مقررات تعاونی‌ها آشنائی کافی داشته باشند و در صورت نیاز در کلاس‌های آموزشی یک روزه که اداره کل تعاون استان تعیین می‌کند و زمان تشکیل آن حداکثر یک هفته از تاریخ تسلیم تقاضا خواهد بود شرکت نمایند.

۲- هیأت مؤسس در طرح پیشنهادی، ضرورت تأسیس تعاونی و ارائه دلایل توجیهی مبنی بر تناسب هدف‌های تشکیل تعاونی با هدف‌ها و برنامه‌های مصوب جمهوری اسلامی ایران با ذکر میزان سرمایه ثابت و در گردش مورد نیاز طرح، تعداد و مشخصات داوطلبان، قید میزان سهم لازم‌التأدیه هر عضو، سوابق و مهارت‌های آنان در رشته فعالیت مورد نظر، نام شعبه صندوق تعاون برای افتتاح حساب‌های تعاونی را ذکر نموده و با معرفی نماینده تام‌الاختیار به اداره کل اداره تعاون ارائه می‌نماید.

تبصره ۱: مدارکی که هیأت مؤسس بایستی ارائه نماید.

۱- تصویر شناسنامه و مدارک تحصیلی؛ ۲- گواهی پایان خدمت نظام وظیفه عمومی یا معافیت؛ ۳- برگ عدم سوء پیشینه

تبصره ۲: کارکنان رسمی و پیمانی دولت با ارائه گواهی یا حکم کارگزینی از بند ۲ و ۳ معافند.

۳- اداره کل یا اداره تعاون پس از وصول تقاضای تشکیل تعاونی و بررسی طرح پیشنهادی در مدت ۵ روز نظر مثبت یا منفی خود را به هیأت مؤسس اعلام و در صورت موافقت نمونه اساسنامه و فرم‌های مورد نیاز را در اختیار نماینده هیأت مؤسس قرار خواهد داد.

۴- هیأت مؤسس پس از اخذ موافقت‌نامه تشکیل باید اقدامات زیر را انجام دهد:

الف- دریافت مجوز فعالیت در موضوع طرح پیشنهادی از مراجع ذیربط (در صورت نیاز به مجوز فعالیت) به نام اعضای هیأت مؤسس تعاونی در شرف تأسیس.

ب- تدوین اساسنامه پیشنهادی

ج- افتتاح حساب به نام «تعاونی در شرف تأسیس» در صندوق تعاون.

د- دعوت از افراد واجد شرایط عضویت ضمن اعلام خلاصه‌ای از کلیات طرح و اساسنامه پیشنهادی، شرایط عضویت و مهلت پذیرش تقاضای عضویت، شماره و مشخصات حساب افتتاح شده و مبلغ لازم‌التأدیه هر یک از اعضاء و ذکر نحوه صدور آگهی‌های بعدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی.

ه- بررسی شرایط داوطلبان و پذیرش واجدین شرایط عضویت و دریافت گواهی واریز وجه لازم‌التأدیه سهام آنها و صدور برگ اجازه ورود به جلسه اولین مجمع عمومی عادی.

و- ارزیابی آورده‌های غیرنقدی داوطلبان عضویت که متناسب و مورد نیاز طرح باشد، توسط کارشناس رسمی دادگستری و با انجام تشریفات قانونی لازم.

ز- انتشار آگهی دعوت اولین مجمع عمومی عادی با رعایت فاصله زمانی حداقل ۱۵ روز از تاریخ انتشار آگهی دعوت با تاریخ تشکیل مجمع.

ح- ثبت‌نام نامزدهای تصدی سمت‌های هیأت مدیره و بازرسی و بررسی شرایط احراز کسانی که ظرف مهلت مقرر مدارک خود را تحویل داده‌اند (با توجه به دستورالعمل چگونگی احراز صلاحیت کاندیداها، مصوب انجمن نظارت بر انتخابات تعاونی‌ها).

ط- ارسال یک نسخه از آگهی دعوت به منظور درخواست از اداره کل / اداره تعاون جهت معرفی ناظر در اولین جلسه مجمع عمومی عادی.

ی- سایر اقدامات مربوط به برگزاری اولین مجمع عمومی عادی تا انتخاب هیأت رئیسه مجمع (رئیس، منشی و دوناظر) از قبیل اخذ ورقه ورود به جلسه مجمع از داوطلبان و تکمیل فهرست اسامی حاضرین همراه با امضای آنان که باید تحویل هیأت رئیسه شود.

تبصره: در شرکت‌های تعاونی بزرگ، اعضای هیأت رئیسه مرکب از ۷ نفر (رئیس، نائب رئیس، منشی و چهار ناظر) خواهد بود.

۵- در مورد شرکت‌های تعاونی عام مجوز صدور موافقت‌نامه تشکیل و آگهی پذیرش عضو و فروش

سهام با تأیید وزارت تعاون می‌باشد.

۶- داوطلبان عضویت در هیأت مدیره یا بازرسی تعاونی‌ها علاوه بر شرایط قانونی عضویت در تعاونی باید مدارک زیر را حداکثر ۵ روز پس از صدور دعوت‌نامه تشکیل اولین مجمع عمومی عادی به هیأت مؤسس تحویل نمایند:

الف- تقاضای عضویت در هیأت مدیره یا بازرسی

ب- گواهی پایان خدمت نظام وظیفه عمومی یا معافیت

ج- برگ عدم سوء پیشینه

د- آخرین مدرک تحصیلی و گواهی سوابق تجربی یا آموزشی که دلالت بر توانائی داوطلب بر اداره تعاونی باشد.

تبصره ۱: اشخاصی که نتوانند تا یک روز قبل از اخذ رأی، گواهی عدم سوء پیشینه خود را ارائه نمایند از نامزدی سمت‌های یاد شده منصرف تلقی می‌شوند.

تبصره ۲: هیأت مؤسس می‌تواند در صورت وجود مدارک مستند دائر بر عدم صلاحیت داوطلبان (بند ۵ ماده ۳۸ قانون بخش تعاونی) از اداره کل تعاون استعلام و اداره کل تعاون نیز از مراجع ذیربط استعلام و نتیجه را اعلام خواهد کرد.

تبصره ۳: در مواردی که هر یک از اعضای هیأت مدیره و بازرسی، نماینده شخص حقوقی باشد وی باید شرایط احراز مذکر را داشته باشد.

۷- کارکنان دولت نمی‌توانند تصدی هیأت مدیره و مدیرعاملی شرکت‌های تعاونی را بپذیرند مگر در تعاونی‌های خاص کارکنان ادارات و سازمان‌های دولتی که در آن شاغل باشند، کارکنان بازنشسته مشمول این بند نمی‌شوند.

۸- هیأت مؤسس هنگام تشکیل اولین مجمع عمومی عادی، ورقه ورود به جلسه را از داوطلبان عضویت اخذ نموده و اسامی حاضرین را با امضای آنان تکمیل و پس از انتخاب هیأت رئیسه مجمع (رئیس، منشی و دو ناظر) برای اعمال کنترل در اختیار آنان قرار می‌دهد.

تبصره: در صورت عدم امکان حضور هر یک از اعضاء، عضو می‌تواند وکیل یا نماینده تام‌الاختیار خود را کتباً برای حضور در مجمع به هیأت مؤسس معرفی نماید. در هر حال یک نفر نمی‌تواند همزمان وکالت یا نمایندگی بیش از یک عضو (در تعاونی‌های بزرگ ۲ عضو) را عهده‌دار باشد.

۹- با تصویب اساسنامه در اولین مجمع عمومی عادی، ذیل صفحات آن به امضای رئیس و منشی و

صفحه آخر اساسنامه به امضای هیأت رئیسه می‌رسد. بدیهی است تصویب اساسنامه تعاونی با حداقل دو سوم اعضای اولین مجمع عمومی عادی خواهد بود.

تبصره: اعضایی که با مصوبه اولین جلسه مجمع عمومی عادی در مورد اساسنامه موافقت نداشته باشند. می‌توانند در همان جلسه تقاضای عضویت خود را پس بگیرند. در این صورت هیأت مدیره بلافاصله پس از ثبت تعاونی مکلف به بازپرداخت وجه واریزی سهام آنان خواهد بود.

۱۰- پس از انتخاب هیأت مدیره، وظایف هیأت مؤسس به پایان رسیده و هیأت رئیسه مجمع ضمن تنظیم صورت‌جلسه، کلیه مدارک مربوط به برگزاری مجمع را که به امضاء آنان رسیده است به هیأت مدیره تحویل می‌دهد.

۱۱- هیأت مدیره در اولین جلسه خود رئیس، نایب‌رئیس، منشی، مدیرعامل و صاحبان امضای مجاز را انتخاب و به یکی از اعضای هیأت مدیره یا مدیرعامل یا با حق توکیل به غیر وکالت می‌دهد تا تشریفات قانونی ثبت تعاونی را انجام دهد.

تبصره ۱: مدیرعامل باید حائز شرایط ماده ۳۸ قانون بخش تعاونی باشد و مدارک موضوع بند ۶ این دستورالعمل را تحویل هیأت مدیره نماید.

تبصره ۲: در صورتی که هر یک از اعضاء نسبت به مراحل تشکیل تعاونی معترض باشد ظرف مدت ۲ روز باید مراتب را کتباً به اداره کل / اداره تعاون اعلام نماید. اداره کل / اداره تعاون موظف است طبق قوانین و مقررات مربوطه ظرف ۳ روز به موضوع رسیدگی و نتیجه را برای اجرا اعلام نماید.

۱۲- اعضای هیأت مدیره، بازرس یا بازرسان و مدیرعامل قبل از ثبت تعاونی موظف به طی دوره‌های آموزشی مربوطه خواهند بود.

۱۳- جهت تکمیل پرونده، فهرست اسامی و مشخصات اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل، بازرس یا بازرسان و کلیه اعضای تنظیم و به اداره کل / اداره تعاون تحویل می‌گردد.

۱۴- مدارک لازم ظرف مدت ۵ روز از طریق اداره کل / اداره تعاون به اداره ثبت شرکت‌ها ارسال می‌شود. اداره کل / اداره تعاون پس از انجام اقدامات اداره ثبت شرکت‌ها و صدور آگهی تأسیس، نسبت به صدور پروانه تأسیس تعاونی اقدام خواهد نمود. در حال نظارت، حسابرسی و رسیدگی به شکایات و سایر اقدامات پس از تأسیس تعاونی به عهده اداره کل/ اداره تعاون خواهد بود.

دعوتنامه تشکیل اولین مجمع عمومی عادی

اولین مجمع عمومی عادی شرکت/ اتحادیهٔ تعاونی...... (در شرف تأسیس) در ساعت...... روز...... مورخ...... در محل...... . برگزار می‌شود از کلیه داوطلبان عضویت دعوت می‌شود با در دست داشتن ورقه ورود به جلسه جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند ضمناً داوطلبان عضویت در هیأت مدیره یا بازرسی موظفند تا ۵ روز پس از صدور دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی، مدارک مربوطه را به هیأت مؤسس تحویل نمایند.

دستور جلسه:

۱- گزارش هیأت مؤسس در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقدی و اتخاذ تصمیم در مورد آنها

۲- بررسی و تصویب اساسنامه

۳- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره وفق اساسنامه تصویبی

۴- انتخاب بازرس یا بازرسان اصل و علی‌البدل وفق اساسنامه تصویبی

۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های تعاونی

۶- دادن مأموریت به اعضای هیأت مدیره جهت ثبت تعاونی

نماینده هیأت مؤسس- نام و نام خانوادگی

اولین صورت‌جلسه هیأت مدیره شرکت
اتحادیه تعاونی............ (در شرف تأسیس)

جلسه هیأت مدیره شرکت / اتحادیه تعاونی............ (در شرف تأسیس) در ساعت .... روز........... مورخ........... با حضور .... در محل........... تشکیل گردید و پس از بحث و تبادل نظر تصمیمات زیر را اتخاذ نمود:

۱- آقای / خانم............ به سمت رئیس و آقای / خانم............ به سمت نایب رئیس و آقای / خانم............ به سمت منشی هیأت مدیره انتخاب شدند و با امضای ذیل این صورت‌جلسه قبولی خود را اعلام می‌دارند.

۲- آقای / خانم............ نام پدر............ دارای شماره شناسنامه............ صادره از .... به سمت مدیر عامل شرکت انتخاب و با امضای ذیل این صورت‌جلسه قبولی خود را اعلام می‌دارد.

۳- کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار با امضای یک یا دو نفر از اعضای هیأت مدیره (با ذکر سمت) .... به اتفاق آقای / خانم .... مدیرعامل و مهر شرکت دارای اعتبار است و اوراق عادی و نامه‌ها با امضای آقای / خانم............ (با ذکر سمت) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

۴- هیأت مدیره به آقای / خانم............ با حق توکیل به غیر وکالت می‌دهد تا به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه و ضمن انجام کلیه تشریفات قانونی ذیل دفاتر آن اداره را از طرف و به وکالت هیأت مدیره امضاء نماید.

نام و نام خانوادگی و امضاء اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل.

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	شماره شناسنامه
تاریخ تولد	تعداد رأی	امضاء قبولی	

....

به سمت اعضاء علی‌البدل هیأت مدیره شرکت تعاونی برای مدت سه سال و

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	شماره شناسنامه
تاریخ تولد	تعداد رأی	امضاء قبولی	

....

صورت‌جلسه اولین مجمع عمومی عادی شرکت اتحادیه تعاونی .... (در شرف تأسیس)

اولین مجمع عمومی عادی شرکت / اتحادیه تعاونی............ (در شرف تأسیس) طبق دعوتنامه مورخ............ در ساعت............ روز............ مورخ............ با حضور .... نفر............ از داوطلبان عضویت در محل.................................

تشکیل گردید. پس از اعلام رسمیت جلسه به وسیله آقای / خانم............ رئیس سنی، بدواً نسبت به انتخاب هیأت رئیسه جلسه رأی‌گیری به عمل آمد و درنتیجه آقای/ خانم .... انتخاب شدند آنگاه دستور جلسه برابر دعوت‌نامه مجمع توسط منشی قرائت شد سپس مجمع وارد شور گردید و تصمیمات ذیل را اتخاذ نمود.

۱- گزارش هیأت مؤسس در مورد آورده‌های غیرنقدی و هزینه‌های انجام یافته قرائت و به شرح ذیل به تصویب رسید. ....

۲- اساسنامه شرکت قرائت و مفاد آن در............ ماده و............ تبصره با رأی .... نفر موافق به تصویب رسید و ذیل کلیه صفحات آن توسط هیأت رئیسه مجمع امضاء گردید.

۳- نسبت به انتخاب............ نفر اعضاء اصلی هیأت مدیره و............ نفر اعضای علی‌البدل وفق اساسنامه تصویبی اخذ رأی کتبی به عمل آمد، که با اکثریت نسبی آراء به ترتیب:

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر
شماره شناسنامه	-تاریخ تولد	تعداد رأی
امضای قبولی		
۱-		
۲-		
۳-		
۴-		
۵-		

به سمت اعضاء اصلی هیأت مدیره

ردیف　　　نام و نام خانوادگی　　　نام پدر　　　شماره شناسنامه
تاریخ تولد　　　تعداد رأی　　　امضاء قبولی

....

به سمت بازرس یا بازرسان علی‌البدل شرکت تعاونی برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.

۴- روزنامه............ برای درج آگهی‌های شرکت تعاونی تعیین گردید.

۵- مجمع عمومی عادی به هیأت مدیره یا حق توکیل به غیر مأموریت و وکالت می‌دهد.

حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به ثبت شرکت اقدام نماید.

نام و نام خانوادگی و امضاء　　　نام و نام خانوادگی و امضاء

نام و نام خانوادگی و امضاء

رئیس مجمع　　　نایب رئیس مجمع　　　منشی مجمع

نام و نام خانوادگی و امضاء ناظرین:

....

نمونه‌های کاربردی

● ثبت شرکت خارجی



شماره...............

وزارت دادگستری — شماره * ۰۰۶۷۷۹

سری الف

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور — کد ۲-۰۲-۱

اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

۴۰۰۰ ریال

اظهارنامه ثبت شرکت خارجی

اینجانب امضاءکننده زیر که بموجب ـــــــ اختیارنامه پیوست / وکالتنامه پیوست وکیل ـــــــ نماینده عمده شرکت «نام شرکت خارجی نوشته شـود» **در ایران می‌باشم تقاضای ثبت شرکت نامبرده را نموده و بـرای این منظور اظهاران زیر را می‌نمایم:**

۱- نام کامل شرکت «نام کامل شرکت خارجی درج گردد».

۲- نوع شرکت و اسامی شرکاء در شرکت تضامنی و مختلط «نوع شرکت خارجی درج گـردد و در صورتی که شرکت شرکاء ضامن دارد نام آنها قید شود».

۳- مرکز اصلی و نشانی صحیح آن «مرکز اصلی و آدرس دقیق آن در کشور خارجی نوشته شود».

۴- تابعیت شرکت «نام شرکت متبوعه شرکت خارجی نوشته شود».

۵- مقدار سرمایه در این تاریخ «سرمایه شرکت خارجی به ارز خارجی و تقویم آن به ریال به نـرخ رسمی بانک مرکزی درج گردد».

۶- محل ثبت شرکت مطابق قوانین کشور اصلی خود «نام محل ثبت شرکت مطابق قوانین شرکت خارجی نوشته شود».

۷- تاریخ ثبت آن «تاریخ ثبت شرکت خارجی به میلادی و به هجری شمسی درج گردد».

۸- نزد کدام مقام صلاحیت‌دار ثبت به عمل آمده «مقامی که شـرکت خـارجی در کـشور متبوعـه خود در نزد وی ثبت شده درج گردد».

۹- شرکت در ایران به چه نوع امر صنعتی یا تجارتی یا مالی مبادرت می‌نماید «اموری کـه شـعبه شرکت خارجی در ایران به آن مبادرت خواهد نمود نوشته شود».

۱۰- محل شعبه شرکت در ایران «آدرس محل شعبه که در تهران و یا در شهرهای دیگر به موقع

دست نوشته شود».

۱۱- نام و نشانی نماینده عمده و نمایندگان مستقل شرکت در ایران

«نام و آدرس نماینده یا نمایندگان شعبه شرکت خارجی در ایران نوشته شود»

....

....

۱۲- نام و نشانی شخص یا اشخاصی که در ایران صلاحیت دریافت کلیه ابلاغات مربوطه به شرکت را دارند

« نام و نشانی شخص و یا اشخاصی که (غیر از نماینده یا نمایندگان شرکت) در ایران می‌توانند ابلاغات و مکاتبات مربوط به شعبه شرکت خارجی را دریافت نمایند نوشته شود».

۱۳- نام و نشانی نمایندگان دیگر که حق امضاء از طرف شرکت دارند

«نام و نشانی نمایندگان (غیر از نماینده یا نمایندگانی اصلی) که حق امضاء از سوی شرکت دارند قید شود».

۱۴- یک نسخه از اساسنامه شرکت و یک نسخه از اختیارنامه نماینده / نمایندگان عمده آن در ایران و یک نسخه از آخرین بیلان[1] شرکت که تماماً به موجب ماده (۷) آئین‌نامه اجراء قانون ثبت شرکت‌ها تنظیم شده است پیوست این اظهارنامه است.

۱۵- به موجب این اظهارنامه متعهد می‌شود که همه ساله یک نسخه از آخرین بیلان شرکت را به شعبه ثبت شرکت‌ها بدهم.[1]

به تاریخ......... ماه......۱۳

تاریخ به هجری شمسیَ قید شود

امضاء

نماینده یا نمایندگان و یا در صورتی که وکیل رسمی متکفل امر ثبت شعبه می‌باشد با قید نام و سمت امضاء نمایند.



جمهوری اسلامی ایران

شماره..............

۰۰۱۷۶۳ ❁

۴۰۰۰ ریال

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور   سری الف ۷۰/

اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی   کد ۱۴-۲-۱

تصدیق ثبت شرکت خارجی

۱- نام کامل شرکت «نام کامل شرکت خارجی نوشته شود».

۲- نوع شرکت و اسم شرکاء ضامن در شرکت تضامنی و مختلط «نوع شرکت خارجی نوشته شود و در صورتی که نوع شرکت تضامنی و یا... باشد نام شریک یا شرکاء ضامن نوشته شود».

۳- مرکز اصلی شرکت و نشانی صحیح آن

«نشانی مرکز اصلی شرکت خارجی (در کشور متبوعه خود) نوشته شود».

۴- تابعیت شرکت «تابعیت شرکت خارجی قید گردد».

۵- مقدار سرمایه شرکت در تاریخ ثبت «سرمایه ثبت شده به ارز خارجی و تقویم آن به ریال به نرخ رسمی بانک مرکزی نوشته شود».

۶- محل ثبت شرکت مطابق قوانین مملکت اصلی خود «شرکت خارجی در کدام محل (شهر-کشور) به ثبت رسیده نوشته شود».

۷- تاریخ ثبت شرکت اصلی «تاریخ ثبت شرکت خارجی به میلادی و هجری شمسی نوشته شود».

۸- نزد کدام مقام صلاحیت‌دار در کشور اصلی خود شرکت به ثبت رسیده است

«نام مقام صلاحیت‌داری که شرکت خارجی در نزد او به ثبت رسیده نوشته شود».

۹- شرکت در ایران در چه رشته از امور صنعتی یا تجاری یا مالی به کار خواهد پرداخت «شعبه شرکت خارجی در ایران به چه امری مبادرت خواهد نمود قید شود».

۱۰- تاریخ ثبت شرکت در ایران «تاریخ ثبت شعبه شرکت خارجی در ایران نوشته شود».

۱۱- محل شعبه (در صورتی که تصدیق راجع به ثبت شعبه باشد) «آدرس شعبه نوشته شود».

به تاریخ.......... ماه.......۱۳

رئیس اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی

نمونه‌های کاربردی

● ثبت علائم تجارتی

قوه قضائیه

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره کل مالکیت صنعتی

اظهار نامه ثبت علامت

۱- مشخصات متقاضی / متقاضیان:

الف) مالک اظهارنامه:

۱- شخص حقیقی:

اسم:	شماره ملی:	تابعیت:
شغل:	نوع فعالیت:	
نشانی:		
کدپستی:	کشورمحل اقامت:	شماره تلفن:
تلفن همراه:	شماره دورنگار:	نشانی الکترونیک (ایمیل):

۲- شخص حقوقی:

نام:	نوع شخص حقوقی:	نوع فعالیت:	
محل ثبت:	شماره ثبت:	تابعیت:	اقامتگاه:
مرکزاصلی:	نشانی:		
کدپستی:	تلفن:	دورنگار:	
نشانی الکترونیکی (ایمیل):	سایراطلاعات:		
نشانی:	کد پستی:		

ب) نماینده قانونی (درصورت وجود وکیل یا هرنماینده قانونی دیگر مشخصات ذیل تکمیل گردد):

اسم:	شماره ملی:	
تلفن:	تلفن همراه:	دورنگار:
نشانی الکترونیکی (ایمیل):		
نشانی:	کد پستی:	

۲- مشخصات دریافت کننده ابلاغ ها درایران (درصورتیکه متقاضی مقیم ایران نباشد)

اسم:	شماره ملی:	
نشانی:	کدپستی:	
تلفن:	تلفن همراه:	نشانی الکترونیک:

۳- رشته فعالیت:

۴- کالا/کالاها و خدمات و طبقه بندی بین المللی آن:

....

....

....

امضاء متقاضی/ متقاضیان / نماینده قانونی   تاریخ

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره کل مالکیت صنعتی

اظهار نامه ثبت علامت

نمونه علامت

۵- توصیف و تعیین اجزاء علامت:

۱-۵- حروف مشخص : (درصورتیکه علامت مورد درخواست مشتمل بر حروف خاص باشد)

۲-۵- درج و آوانویسی و ترجمه آن:(درصورتیکه علامت مشتمل بر کلماتی غیرفارسی باشد)

۳-۵- ذکر سه بعدی بودن علامت (درصورت درخواست ثبت آن):

۴-۵- ذکر رنگ (درصورت درخواست متقاضی):

۵-۵- طبقه بندی بین المللی عناصرتصویری (درصورت وجود):

۶- علامت جمعی مورد تقاضا است ☐ نیست ☐

۷- ادعای حق تقدم (درصورت وجود):

شماره اظهارنامه:	تاریخ اظهارنامه:	نام کشور:

۸- این اظهارنامه مشتمل بر ضمائم و مدارک ذیل می باشد:

۱- مدارک مثبت هویت متقاضی ☐	
۲- ده نمونه گرافیکی یا کپی یا تصویر از علامت درخواستی در ابعاد ۱۰×۱۰ سانتی متر ☐	
۳- درصورت سه بعدی بودن علامت ارائه علامت به صورت نمونه گرافیکی یا تصویر دوبعدی به نحوی که از شش زاویه متفاوت تهیه و درمجموع یک نمونه واحد را تشکیل دهند ☐	
۴- مدارک نمایندگی قانونی ☐	۵- ارائه مدارک دال بر فعالیت در شته مربوط ☐
۶- اسناد حق تقدم که به تأیید اداره مبدأ رسیده است ☐	
۷- نسخه ای از ضوابط و شرایط استفاده از علامت جمعی و تأییدیه مقام صلاحیتدار ☐	
۸- رسید پرداخت هزینه ثبت اظهارنامه ☐	

شماره اظهارنامه:	تاریخ اظهارنامه:

مهر و امضاء اداره ثبت علائم تجاری

امضاء متقاضی/ متقاضیان / نماینده قانونی   تاریخ



نشر میزان ، ناشر برتر و تخصصی کتب حقوق، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با.
همکاری برجسته‌ترین اساتید دانشگاه‌های معتبر کشور منتشر کرده است.

حقوق خصوصی

۱	قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، دکتر ناصر کاتوزیان	۱۵۰۰۰ تومان
۲	حقوق مدنی، اموال و مالکیت، دکتر ناصر کاتوزیان	۵۵۰۰ تومان
۳	دوره مقدماتی حقوق مدنی، ایقاع، دکتر ناصر کاتوزیان	۶۰۰۰ تومان
۴	دوره مقدماتی حقوق مدنی، ارث، دکتر ناصر کاتوزیان	۶۵۰۰ تومان
۵	اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، دکتر ناصر کاتوزیان	۹۰۰۰ تومان
۶	حقوق انتقالی، تعارض قوانین در زمان، دکتر ناصر کاتوزیان	۶۰۰۰ تومان
۷	توجیه و نقد رویه قضایی، دکتر ناصر کاتوزیان	۵۰۰۰ تومان
۸	عدالت قضایی؛ گزیده آراء، دکتر ناصر کاتوزیان	۶۶۰۰ تومان
۹	حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، دکتر ناصر کاتوزیان	۱۳۰۰۰تومان
۱۰	دوره مقدماتی حقوق مدنی، حقوق خانواده، دکتر ناصر کاتوزیان	۹۵۰۰ تومان
۱۱	دوره مقدماتی حقوق مدنی، شفعه وصیت ارث، دکتر ناصر کاتوزیان	۶۵۰۰ تومان
۱۲	گامی به سوی عدالت؛ جلد اول، دکتر ناصر کاتوزیان	۱۴۰۰۰ تومان
۱۳	گامی به سوی عدالت؛ جلد دوم، دکتر ناصر کاتوزیان	۱۲۰۰۰ تومان
۱۴	گامی به سوی عدالت؛ جلد سوم، دکتر ناصر کاتوزیان	۱۳۰۰۰ تومان
۱۵	دوره مقدماتی حقوق مدنی، اشخاص و اموال، دکتر سیدحسین صفایی	۶۰۰۰ تومان
۱۶	دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، دکتر سیدحسین صفایی	۶۰۰۰ تومان
۱۷	مختصر حقوق خانواده، دکتر سید حسین صفایی، دکتر سید اسدالله امامی	۸۰۰۰ تومان
۱۸	دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، رنه داوید، ترجمه دکتر سیدحسین صفایی	۵۵۰۰ تومان
۱۹	حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، دکتر سیدحسین صفایی	۶۵۰۰ تومان
۲۰	حقوق تعهدات، جلد اول، دکتر عبدالمجید امیری قایم مقامی	۴۴۰۰ تومان
۲۱	حقوق تعهدات، جلد دوم، دکتر عبدالمجید امیری قایم مقامی	۱۳۰۰ تومان
۲۲	مسئولیت مدنی دولت، دکتر مجید غمامی	۳۵۰۰ تومان
۲۳	قانون حاکم در داوری تجاری بین‌المللی، دکتر لعیا جنیدی	۶۵۰۰ تومان
۲۴	فلسفه حقوق، تألیف پولانزاس، ترجمه دکتر نجادعلی الماسی	۳۳۰۰ تومان
۲۵	فلسفه حقوق، تألیف دل وکیو، ترجمه دکتر جواد واحدی	۴۴۰۰ تومان

۲۶	فریبکاری و آثار آن، محسن صفری	۸۰۰ تومان
۲۷	مبانی مسئولیت مدنی، دکتر سید مرتضی قاسم زاده	۶۶۰۰ تومان
۲۸	الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، دکتر سید مرتضی قاسم زاده	۵۰۰۰ تومان
۲۹	امور حسبی، غایب مفقودالاثر، دکتر سید مرتضی قاسم زاده	۷۰۰۰ تومان
۳۰	تغییر در شرایط قرارداد ، دکتر محمدحسن صادقی مقدم	۴۴۰۰ تومان
۳۱	حقوق چین معاصر، تألیف، جینگ زائوتائو، ترجمه دکتر محمد زاده	۵۰۰ تومان
۳۲	حقوق مدنی (۳)- کلیات عقود و قراردادها، دکتر حمید احمدی بهرامی	۴۴۰۰ تومان
۳۳	حقوق مدنی (۴)- مسئولیت مدنی، دکتر حمید احمدی بهرامی	۴۵۰۰ تومان
۳۴	حقوق مدنی (۳)- کلیات عقود و حقوق تعهدات، دکتر جواد افتخاری	۲۵۰۰ تومان
۳۵	اصول مسئولیت مدنی- پاتریس ژوردن، ترجمه مجید ادیب	۶۰۰۰ تومان
۳۶	مقدمه علم حقوق، دکتر قدرت الله واحدی	۵۰۰۰ تومان
۳۷	حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن، دکتر عبدالرسول دیانی	۶۵۰۰ تومان
۳۸	مسئولیت مدنی، دکتر علیرضا باریکلو	۵۰۰۰ تومان
۳۹	شروط باطل و تأثیر آن در عقود، سید مهدی علامه	۴۰۰۰ تومان
۴۰	اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، محسن صادقی	۲۹۰۰ تومان
۴۱	حقوق تطبیقی، علیرضا محمدزاده وادقانی	۲۲۰۰ تومان
۴۲	تعدیل قرارداد، دکتر سعید بیگدلی	۷۵۰۰ تومان
۴۳	مقدمه علم حقوق، دکتر علی‌عباس حیاتی	۴۸۰۰ تومان
۴۴	مسئولیت ناشی از سوانح رانندگی، دکتر بختیار عباسلو	۴۰۰۰ تومان
۴۵	قواعد عمومی مسئولیت مدنی، دکتر علیرضا یزدانیان	۶۰۰۰ تومان
۴۶	نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، دکتر باقر انصاری	۴۰۰۰ تومان
۴۷	حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، دکتر سید محمود کاشانی	۷۵۰۰ تومان
۴۸	نظام حقوقی انگلستان، برگردان، دکتر نسرین مهرا	۵۰۰۰ تومان
۴۹	تملک اموال عمومی و مباحات، دکتر محمدطاهر کنعانی	۷۰۰۰ تومان
۵۰	تفاوت حقوق زن و مرد، دکتر علی کاظم زاده	۳۳۰۰ تومان
۵۱	نقدی بر حقوق قرارداد در انگلستان، ترجمه مهدی موسوی	۶۰۰۰ تومان
۵۲	مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری، بهنام غفاری فارسانی	۷۵۰۰ تومان
۵۳	تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، دکتر مسعودرضا رنجبر	۷۰۰۰ تومان
۵۴	خسارات مادی قابل مطالبه، عبدالله احمدی	۵۰۰۰ تومان
۵۵	شکل‌گرایی در حقوق مدنی، دکتر محسن قاسمی	۹۵۰۰ تومان
۵۶	مکتب‌های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی، دکتر کامران آقایی	۶۵۰۰ تومان
۵۷	مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک، دکتر حسین صادقی	۵۵۰۰ تومان
۵۸	حقوق مدنی ۲، اموال و مالکیت، دکتر علی‌عباس حیاتی	۵۰۰۰ تومان